





مرکز تدوین آثار شهید



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



خط رهبر
جلد نهم

رهبر شهيد پروفيسور برهان الدين ربّانى



شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: خط رهبر، جلد ۹؛

عنوان فرعی: مجموعه از سخنرانی‌های رهبر شهید پروفسور برهان‌الدین ربّانی (۱۳۷۰ - ۱۳۷۹)؛

گردآورنده: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

حروف‌نگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ویرایش: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تصحیح: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

طراح جلد و برگ‌آرا: عصمت‌الله احراری؛

سال چاپ: ۱۳۹۹ خورشیدی؛

نوبت چاپ: نخست؛

محل چاپ: کابل؛ افغانستان؛

شناسه افزوده: گفتارها، سیاسی، دینی و اجتماعی..؛

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد؛

شمار برگه‌ها: ۲۸۰؛

قطع: رقعی؛

بها: ۲۵۰ افغانی؛

چاپ‌خانه: بهیر؛



نشانی ما: صفحه رسمی آثار رهبر شهید؛

نشانی برقی: sh.rabbani1390@gmail.com؛

حق چاپ تنها برای مرکز تدوین محفوظ است.

فهرست

| | |
|-----|---------------------------|
| ۱۱ | پیشگفتار |
| ۱۳ | خطابه یک‌صد و سی و یکم |
| ۲۱ | خطابه یک‌صد و سی و دوم |
| ۳۳ | خطابه یک‌صد و سی و سوم |
| ۴۳ | خطابه یک‌صد و سی و چهارم |
| ۵۵ | خطابه یک‌صد و سی و پنجم |
| ۶۷ | خطابه یک‌صد و سی و ششم |
| ۷۵ | خطابه یک‌صد و سی و هفتم |
| ۸۱ | خطابه یک‌صد و سی و هشتم |
| ۸۵ | خطابه یک‌صد و سی و نهم |
| ۹۳ | خطابه یک‌صد و چهل و یکم |
| ۹۷ | خطابه یک‌صد و چهل و دوم |
| ۱۱۱ | خطابه یک‌صد و چهل و سوم |
| ۱۳۳ | خطابه یک‌صد و چهل و چهارم |
| ۱۵۳ | خطابه یک‌صد و چهل و پنجم |
| ۱۶۳ | خطابه یک‌صد و چهل و ششم |
| ۱۸۷ | خطابه یک‌صد و چهل و هفتم |
| ۲۲۳ | خطابه یک‌صد و چهل و هشتم |
| ۲۴۹ | نمایه |
| ۲۷۵ | رویکردها |

پیشگفتار

چنان‌که در پیشگفتارِ جلدِ هشتم «خط رهبر» گفتیم: بدون شک سرزمینی به نام افغانستان، در بطن خود مردان بزرگی را درگذرِ تاریخ، پرورش داده و تقدیم جامعهٔ انسانی کرده‌است و آموزه‌های اعتقادی و دینی این مرزوبوم، در کنار دیگر انگیزه‌های منقول و معقول، در ساختار شخصیتی این ابرمردان نقش آفرین بوده‌اند و اما مردانی که توانسته باشند، دین و دنیا را به هم گره زنند و از آزمونگاهِ خدا و بشر کامیاب به درآیند، عظیم‌تر و شکوهمندترند.

جایی بسی مسرت و حیرت‌است که در این بستر پر از بحران، چنین مردان بزرگی پا به صحنه گذاشتند و ملّتی را در خم و پیچ روزگار هدایت دادند، بدون اندک‌ترین گمانی رهبر شهید پروفسور برهان‌الدین ربّانی G نه تنها یکی از این بزرگان تاریخ ماست؛ بلکه سرخیل خوبان جامعهٔ ماست؛ اما شاید به دلایلی این عظمت و بزرگواری از دیدهٔ شماری از خوبان جامعهٔ ما نهان مانده باشد؛ لذا «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» خواسته‌است که در جهت کاستن این نقیصه و بلند بردن دانش دینی و سیاسی هم‌میهنان‌مان گامی بردارد و گامی دلگش‌تر از این نبود که آثار رهبر شهید را به خدمت عزیزان جامعهٔ خویش قرار دهد و آغاز چنین کاری را هم کردیم و اینک به عون و یاری پروردگار جلدِ نهم خطِ رهبر را که حاوی سخنرانی‌هایی از ۷۰-۷۹ خورشیدی‌است، در خدمت قرار می‌دهیم.

این خطابه‌ها - که اکثراً سیاسی‌اند - در تناسب با وضعیت همان روزگار و در فضای سیاسی و منافع مردم و جهاد و مقاومت مردم، ایراد

شده اند؛ از این رو، نباید در حین خوانش این خطابه‌ها، زمان ایراد آن فراموش شود.

البته کار ما در این اثر چنین بوده: در گام نخست، سخنان رهبر شهید را حروف‌نگاری می‌کنیم و بعد مطابق دستورالعمل تدوینی خویش دست به تصحیح می‌زنیم و از آن بعد در کِنار مُعَرَّفی نام‌ها، اماکن، گروه‌ها، اصطلاحات، استخراج احادیث، ارجاع آیات، مستندسازی روایات و نقل قول‌ها، ترجمه آیات، احادیث و متون عربی و توضیح نکات قابل توضیح، تدوین رویکردها و ویرایش، نمایه‌ای از آیات، احادیث، اشعار، اشخاص، اماکن، احزاب، گروه‌ها و مفاهیم وارده در کتاب را در پای آن ردیف می‌کنیم. در کُل؛ چشم‌داشت ما از این کار این است: نسلی که به دلایلی از معیت با این خطابه‌های روشنگر، به دور بودند؛ امروزه در متن این خطابه‌ها قرار گیرند؛ تا رغبت جنبیدن در آنان بیدار شود و تَدَکِرهای باشد به آنانی که همگام با این خطابه‌ها بودند؛ تا فراموش نکنند که چه عهدی بسته بودند. به هر رو - چنانکه پیش از این گفتیم - ما متعهد به خط رهبریم و این خط را خط اصیل و خردمندانه جامعه خویش می‌دانیم، از این رو ما «خط رهبر» را عنوان کردیم، اینک به یاری الله توانستیم که جلد نهم خط رهبر را روانه چاپ‌خانه کنیم، به امید روزی که بتوانیم همه فراورده‌های استاد شهید را در خدمت شما نیکان قرار دهیم تا «خط رهبر» هرچه بیشتر چهره بنماید، وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ.

فضلی آماج

رئیس مرکز تدوین آثار رهبر شهید

خطابهٔ یک صد و سی و یکم

به مناسبت جشن نزول قرآن مجید؛

زمان: سه شنبه، ۲۰ جدی ۱۳۷۹ هـ ش؛

مکان: بدخشان، مسجد جامع شهر فیض آباد.



قرآن کریم این کتاب با عظمت - که جبرئیل امین آن را از جانب پروردگار عالمیان به حضرت محمد Y ازل کرده است - سرچشمه جاویدانی نور و هدایت برای بشریت و منبع فناپذیر فیض و الهام دانایان و دانشمندان در هر عصر و زمان است.

این کتاب، اقیانوس بیکرانی از معارف و روشنگری‌هاست به همه مخلوقات اهل درک و دانش. قرآن کتاب هدایتگری است که زوایای تاریک عقل و قلب، ذهن و وجدان انسان‌ها را ضیا و روشنائی می‌بخشد. قرآن کتاب آزادی است که فرزندان آدم در پناه هدایات نجات‌بخش آن، از بند اوهام و اباطیل، اساطیر و خرافات و از زنجیر جباران و ستمگران، از عبودیت خدایان باطل و از قیدوبند هوی و شهوات طغیانگر نجات می‌یابند.

ربیع بن عامر، در برابر رستم - سرلشکر کسری که با تعجب از او سوال می‌کرد: شما را چه شده که به هوس مقابله امپراتور بزرگ مشرق زمین بیرون شده‌اید - گفت:

«خداوند ما را فرستاده؛ تا بندگان الهی را از عبادت و پرستش انسان‌ها به سوی عبادت پروردگار فراخوانیم و آنان را از محدودیت‌ها و محکومیت‌های دنیا، به فراخنای دعوت الهی سوق دهیم و ایشان را از استبداد ادیان و مذاهب باطل به دین و داد اسلامی هدایت کنیم.»

قرآن کتاب رحمت برای بشریت در همه اعصار و قرون است. قرآن کتاب علم و معرفت، دانش و بینش حقیقی است. قرآن پیام عدالت، مساوات

و دعوت انسان به سوی عزّت و کرامت انسانی است. قرآن گنجینه اسرار و رموز هستی است؛ آیات بیناتش، رهگشای گمراهان و رمز و راز سعادت انسان در هر دو جهان است. قرآن نسخه شفابخش روح و روان و مشعل فروزان بر فرا راه جویندگان حقیقت و پویندگان اسرار و معارف است.

زهی سعادت آنانی که از سرچشمه زلال آن سیراب گشته و از انوار هدایتش رهیاب گردیده‌اند و بدا به حال آن انسان‌های نگون‌بختی که از این نعمت بزرگ محروم گردیده و در تهیه تباهی به‌سوی پرتگاه هلاکت گام برمی‌دارند.

با نزول قرآن نه تنها اینکه جغرافیای سیاسی جهان عوض گردید و تحولات عظیم اجتماعی در جهان رونما گردید که از همه مهم‌تر تحوّل و انقلابی در فکر و ذهن، شعور و اخلاق پیروان این کتاب به میان آمد و بازیابی مجددی از ارزش انسان، مقام و منزلت او در جهان به ظهور آمد.

در پرتو قرآن انسان‌های محکوم نه تنها که زنجیر ظلم و محکومیت را از دست و پای خود به دور افکندند که برای نجات انسان‌های دربند و محکوم در جهان، به پا خاسته و باعث نجات ملت‌های مستضعف جهان گردیدند؛ مانند ربیع بن عامر که خود قبل از آگاهی به تعالیم قرآن صحراگردی بود که نه به مفهوم آزادی آگاهی داشت و نه هم به مقام انسانی.

حضرت عمر فاروق^۱ - رضی الله عنه - فرموده‌اند:

«آنانی که به تاریخ دوران جاهلیت آگاهی ندارند، عظمت اسلام را درک

۱. عمّر پسر خطاب پسر نفیل ملقب به ابوحفص، فاروق و دومین خلیفه راشد. نسبش در کعب بن لؤی به پیامبر Y می‌رسد. پیامبر Y مدام دعا می‌کرد که خداوند اسلام را یا یکی از دو عمر (عمر پسر خطاب یا ابوجهل) عزّت دهد. خداوند دعای پیامبر را در حق او اجابت کرد و مسلمان شد. به واسطه وی، خداوند اسلام و مسلمانان را عزّت بخشید. وی بعد از ابوبکر صدیق ~ به خلافت رسید. در دوران خلافتش، سرزمین‌های سوریه، عراق، فارس، برقه، طرابلس غرب، آذربایجان و نهاوند و گرگان فتح شد. وی اولین کسی است که آغاز تاریخ مسلمانان را هجرت رسول الله Y قرار داد و دفتر تنظیم و ثبت امور مالی را ایجاد کرد. در پایان بعد از ده سال و شش ماه و چهار روز مدّت خلافتش، به دست ابولؤلؤ مجوسی در نماز صبح سال ۲۳ هـ.ق، به شهادت رسید. عمر ~ در حجره ام المؤمنین عایشه A در کنار پیامبر Y و ابوبکر صدیق ~ به خاک سپرده شد. نگاه: ستارگان هدایت، ص: ۱۳۵، سیمای صادق فاروق اعظم عمر بن خطاب ~، از حاج ملا عبدالله احمدیان، خلفای راشدین از خلافت تا شهادت، از صلاح عبدالفتاح الخالدی و عبقریه عمّر ~، از عباس محمودالعقاد. «مرکز تدوین»

نمی‌کنند.»^۱

آری، در پرتو علوم و معارف قرآن، انسان‌های عهد جاهلی که در لجنزار فساد و آلودگی دست‌وپا می‌زدند، به‌عنوان الگوی تقوی و طهارت، مظهر پاکی و شایستگی، عرض‌اندام کردند و آنانی که قرن‌ها در ظلمت جهل و بداندیشی به سر می‌بردند، به حیث مشعل‌داران دانش، در جهان اخذ موقع کردند.

ملّتی که به حال وحشت و بربریت زندگی می‌کرد، با آشنایی به قرآن، پیشاهنگ تمدّن جهان گردید و تا آن زمان که مسلمانان به مفاهیم قرآن و تعالیم آن عمل می‌کردند، عزّت و عظمت داشتند. در علم و معرفت، اداره و نظام، عمران و آبادی بر جوامع ملل دیگر برتر بودند. اسلام فرهنگ غالب در جهان و مسلمانان نیروی برتر سیاسی، نظامی و علمی در جهان بودند.

تاریخ روزهایی را به یاد دارد که به شهادت مؤرخین غرب‌زمین، در بغداد، بلخ، بخارا و اندلس مسلمانان در اوج عظمت علمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به سر می‌بردند، درحالی‌که در لندن و پاریس، شهرهای متمدّن امروزی خبری از علم و تمدّن نبود. «جان‌دراهر» در کتاب «تاریخ پیشرفت فکر در اروپا» می‌نویسد:

«در دوران حکومت مسلمانان بر اندلس و قرطبه، تنها شهری در اروپا در این تاریخ بود که خیابان‌های عمومی اسفالت‌شده و سنگ‌فرش بود و با چراغ‌هایی که در اطراف جاده‌ها روی پایه‌های چوبی نصب گردیده بود، سرک‌ها از طرف شب روشن می‌شد، درحالی‌که در اروپا هفت‌صد سال بعد از این تاریخ، حتی یک چراغی هم در جاده‌های عمومی لندن و پاریس وجود نداشت و قرن‌ها پس از این تاریخ، پیاده‌روان در شهر لندن و پاریس، در روز بارانی تا شتالنگ در گل فرومی‌رفتند و قرن‌ها قبل از اینکه محققان

۱. شاید منظور حضرت استاد شهید، این سخن فاروق اعظم باشد که می‌فرماید: *إِنَّمَا تَنْقُضُ عُرَى الْإِسْلَامِ عُرْوَةَ عُرْوَةَ، إِذَا نَشَأَ فِي الْإِسْلَامِ مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْجَاهِلِيَّةَ* این سخن با این الفاظ، در آثار حضرت شیخ‌الاسلام ابن تیمیّه به حضرت عمر -رضی‌الله‌عنه- شده است. برای آگاهی بیشتر در این مورد نگاه: المستدرک از حاکم، ج: ۴، ص: ۴۷۵، شعب الإيمان از بیهقی، ج: ۱۰، ص: ۲۸، المصنّف از ابن ابی شیبّه، ج: ۶، ص: ۴۱۰، الطبقات از ابن سعد، ج: ۶، ص: ۱۲۹ والحبلیّة از أبونعیم، ج: ۷، ص: ۲۴۳. «مرکز تدوین»

دانشگاه آکسفورد به این نتیجه برسند که وجود حَمَام وسیلهٔ اساسی و ضروری برای حفظ سلامتی آن‌هاست، تنها در شهر قرطبه «۹۱۱» حَمَام را مسلمانان تعمیر کرده بودند و وجود حَمَام برای دانشمندان عرب و مسلمان تنها اینکه یکی از مرافق و نیازهای ضروری زندگی بود؛ بلکه آنان از داشتن حَمَام لوکس و زیبا بهره‌مند بوده و لذت می‌بردند.»

عامل مهم و عقب‌ماندگی و وضع اسفبار مسلمانان، عمل نکردن به قرآن و تعالیم نجات‌بخش آن است.

در حالی که از شوق و رغبت نسل جوان در حفظ و فراگیری قرآن کریم قدردانی و تمجید می‌کنم، به علمای محترم و حافظان قرآن توصیه می‌کنم که در پهلوی حفظ کلام الهی - که به ذات خود فضیلت و نعمت بزرگی است - توجه به یادگرفتن مفاهیم قرآن و تفسیر آن مبذول دارند و در عین حال بر جامعهٔ اسلامی است که هم‌زمان با حفظ آموزش مفاهیم عالی قرآن، احکام و دستورات آن را در زندگی خویش تطبیق و پیاده سازند.

بلی، باید دستورات قرآنی، رهنمای زندگی فردی و اجتماعی ما باشد. فکر و فرهنگ، سیاست و اقتصاد، نظام و اداره، همه باید تابع احکام قرآن باشد.

قرآن کتابی نیست که تنها در ماه مبارک رمضان به تلاوت و سماع آن در شب‌های ختم و تراویح توجه مبذول گردد.

آری، آن چنانکه در قیام و هنگام نماز و نیایش به آیات بیناتش گوش فرا می‌دهیم، در حیات روزمره نیز در همه ابعاد زندگی به دستورات بزرگ آن باید عمل کنیم.

قرآن کتابی نیست که فقط در بستر بیماران و عزای مردگان به آن پناه ببریم، قرآن کتاب زندگی و زندگی‌بخش است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...﴾^۱

۱. انفال / ۲۴. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فراخوانند که به شما حیات می‌بخشد آنان را اجابت کنید و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل می‌گردد و هم در نزد او محشور خواهید شد.) «مرکز تدوین»

توصیئه من به معلمان قرآن و دعوت‌گران این است که چون در فراراه دعوت با مشکلات، بی‌میلی‌ها و جفاها روبه‌رو می‌شوند، خسته و ناراحت نگردند؛ زیرا رهبران این راه ناگزیرند از کوره امتحان بگذرند و با مشکلات طاقت‌فرسا پنجه نرم کنند.

بنا بر رهنمود قرآن، همه پیشوایان دین، همه انبیا از نوح تا ابراهیم، هود، الیاس، شعیب، موسی، عیسی و دیگر پیامبران - علیهم السلام - و تا عهد امام الرُّسُل حضرت محمد Y همگی متحمّل رنج‌های فراوان گردیده‌اند و بر پیروان و رهروان آنان است که بر سنت این پیشوایان بزرگ عمل کنند.

امیدوارم شعله‌های ویرانگر این جنگ تحمیلی در کشورمان هرچه زودتر خاموش گردد؛ تا ملت مؤمن و متدین و قرآن‌دوست ما در فضای صلح و امنیت زندگی خود را بر مبنای تعالیم قرآن عیار کرده و بدین وسیله صاحب عزّت، قدرت و عظمت گردند؛ وَمَا ذُلُّكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ.

خطابہٴ یک صد و سی و دوّم

بہ مناسبت عید سعید فطر؛

زمان: ۱۳۷۹ ہ ش؛

مکان: بدخشان، مسجد جامع دیوان بیگی شہر فیض آباد.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ' اللّٰهُ اَكْبَرُ اللّٰهُ اَكْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللهُ اَكْبَرُ اللّٰهُ
اَكْبَرُ وَ لِلّٰهِ الْحَمْدُ^۱

هم‌وطنان عزیز! ملت مسلمان افغانستان!

حلول عید سعید فطر را به شما ملت مظلوم، وارثین خون شهدا و خانواده‌های عزیزشان، پاسداران و مدافعین جان‌برکف در خطوط دفاعی و به همه امت اسلامی مبارکباد می‌گویم.

امسال عید سعید فطر مصادف به روزهای حمله قشون سرخ بر کشور عزیز ماست، ملت مجاهد افغانستان مانند همیشه در برابر این تجاوز، مردانه مقاومت کرد.

آری، قشون سرخ که به هدف رسیدن به آب‌های گرم دست به حمله بسیار وحشیانه زد؛ اما ملت عزیز و قهرمان ما با همه بیچارگی و کمبود وسایل، به قوت ایمان در سنگر دفاع از دین و مقدّسات مذهبی خود، در دفاع از استقلال کشورشان قرار گرفت و بالاخره قشون سرخ شکست خورد و از کشورمان خارج شد.

افغانستان مستقل، استقلال خود را حفظ کرد، مردم آزاده و پر غرور

۱. «به نام خداوند فراخ بخشایش مهربان.» این ترجمه، ترجمه رشیدالدین میبیدی است. «مرکز تدوین»

۲. این تکبیر از حضرت ابن مسعود رضی‌الله‌عنه و دیگر پیشوایان سلف، ثابت شده و روایت شده است. نگاه: مصنف ابن ابی شیبّه، ۲/۱۶۵-۱۶۸. «مرکز تدوین»

کشورمان سربلند از معرکه آزادی پیروزمندانه بیرون آمده، دولت جهادی‌شان تشکیل شد؛ اما دشمنان این ملت و دشمنان اسلام نگذاشتند دستاورد عظیم این ملت ما به ثمر برسد.

جنگ‌های تحمیلی به میان آمد، به جای آنکه دولت اسلامی و ملت مجاهد ما مشغول التیام جراحات ایام حمله قشون سرخ شوند و به جای آنکه دولت و مردم به بازسازی ویرانه‌های دوران جنگ مصروف گردند و به جای آنکه ملت مسلمان ما و دولت اسلامی بتواند نمونه‌هایی از خیر و صلاح نظام اسلامی را در کشور پیاده کند، قادر نشوند که به کم‌ترین خواسته مردم نیازمند خود، جواب‌گو شود؛ زیرا هم مردم و هم دولت، همه مشغول دفع و طرد توطیه‌های خونین شدند که یکی بعد دیگری به میان می‌آمد. یکی شکست می‌خورد، دیگری به دنبالش سر می‌کشید و تا امروز هم این توطیه‌ها ادامه دارد.

امیدواریم آن‌چنان‌که در طول تاریخ همه تجاوزگرانی که بر حریم کشورمان تجاوز کرده‌اند، به ناکامی روبه‌رو شده‌اند، بار دیگر این تجاوز ننگین با شکست روبه‌رو گردد و ملت عزیز ما مجال آن را بیابد؛ تا نظام حقیقی اسلامی را - که مایه سعادت و سربلندی انسان‌ها در روی زمین است - در کشور ما افغانستان پیاده کنند.

برادران عزیز!

امروز روز عید است، هر ملت از خود عیدی دارد و مسلمانان هم عیدی دارند.

در یکی از روزهای عید، هنگامی ابوبکر صدیق ~ وارد خانه پیغمبر اکرم Y شد که در منزلشان دو نفر از اهل حبشه^۱ آواز و سرود می‌خواندند، ابوبکر صدیق فوراً سرودخوان‌ها را سرزنش کرد؛ اما حضرت رسول اکرم Y

۱. حبشه: سرزمین کهن در مشرق قاره آفریقا که مشتمل بر کشورهای کنونی اتیوپی، اریتره، جیبوتی و سومالی می‌شود. در حال حاضر بزرگ‌ترین بخش آن، کشور اتیوپی را تشکیل می‌دهد. در سال پنجم بعثت، زمانی که آزار و اذیت به اصحاب رسول اکرم Y شدت گرفت. آن حضرت گروهی از آنان را به همراه پسر کاکای خود، جعفر بن ابی طالب ~ به حبشه فرستاد. این واقعه به «مهاجرت نخست مسلمانان» معروف است. نگاه: طبقات ابن سعد، ج: ۱، ص: ۲۰۳ والسیره النبویه، ص: ۳۵۹ - ۳۷۰. «مرکز تدوین»

فرمود: «یا ابوبکر! هر ملت از خود عیدی دارد، ما هم عید داریم، اجازه دهید در روزهای عید به کار خود ادامه دهند.»^۱

در نخستین روزهایی که پیغمبر اکرم Y وارد مدینه شدند، «اوس و خَزْرَج»^۲ اعیاد جاهلی خویش را تجلیل می‌کردند، رسول اکرم Y هدایت دادند: «رسم و رواج دوران جاهلیت از بین رفته و نباید در دوران اسلام دوباره احیا گردد.»^۳

اصحاب پیغمبر، خدمت رسول الله Y آمدند و فرمودند: «یا رسول الله! یهودی‌ها از خود عید دارند. ما مسلمان‌ها که اعیاد جاهلی خود را از بین بردیم، دیگر عیدی نداریم.»

پیغمبر Y فرمودند: «خداوند - جل جلاله - به جای اعیاد جاهلی برای شما، عید فطر و عید اضحی مقرر فرموده است.»^۴

این اعیاد دلیلی بر عظمت و جامعیت دین مبین اسلام است. آری، اسلام همه ابعاد زندگی و تمام نیازهای بشری و خواسته‌های طبیعی انسانی را اِشباع می‌کند.

خداوند - جل جلاله - می‌فرماید: «استفاده از خوبی‌های زندگی از

۱. این تصنیف، ترکیبی از دو روایت است که یکی از آن به روایت بخاری است که متن آن این است: «دعما یا ابابکر فانها أيام عید» و دیگری به روایت ابن ماجه است که متن آن این گونه است: «یا ابابکر ان لكل قوم عیداً وان هذا عیدنا.» نگاه: صحیح البخاری: ۹۵۲ و صحیح ابن ماجه: ۱۵۵۲. (مرکز تدوین)

۲. اوس و خَزْرَج؛ دو تیره مهم از اعراب یمانی‌اند که از مدّت‌ها پیش از اسلام در شهر یرب (مدینه) ساکن شدند. بیشتر نسب‌نگاران و مؤرخان سده‌های نخستین هجری به سلسله نسب این دو تیره از طریق (بنو مازن بن اذ) اشاره کرده‌اند. با هجرت پیامبر اکرم Y به یرب، اوس و خَزْرَج اسلام آوردند و «انصار» عنوان یافتند و خود بدان افتخار می‌کردند. نگاه: زندگانی پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله Y ، ص: ۷۰۲ - ۷۰۴. (مرکز تدوین)

۳. متن حدیث مبارک این است: «ان الله ابدلکم خیراً منهما یوم الاضحی و یوم الفطر.» نگاه سنن أبی داود، باب صلاة العید، شماره حدیث: ۱۱۳۴. (مرکز تدوین)

۴. متأسفانه نتوانستیم که به‌عین متن و ساختار دست‌یابیم؛ ولی گمان ما این است که منظور استاد شهید، شاید روایتی باشد که امام بخاری و امام مسلم و امام ترمذی آن را چنین روایت کرده‌اند: «قرأ ابن عباس: الیوم اکملت لکم دینکم وأنتم علیکم نعمتی ورضیت لکم الإسلام دیناً و عنده یهودی فقال: لو أنزلت هذه الآية علينا لا اتخذنا یومها عیداً، فقال ابن عباس: فإنها نزلت فی یوم عیدین فی یوم الجمعة و یوم عرفة» نگاه: صحیح الترمذی: ۳۰۴۴، صحیح البخاری: ۴۵ و صحیح مسلم: ۳۰۱۷. (مرکز تدوین)

طبیات دنیا بر مسلمانان حرام نشده است.»^۱

بلی، مسلمانان می‌توانند لباس خوب بپوشند، نان خوب بخورند، اما مدرک آن حرام نباشد.

انسان حق دارد که در رفاه و خوشی زندگی کند؛ اما رفاه و خوشی انسانی نباید به حساب اطلاق حقوق و محروم ساختن حق دیگران تمام شود.

عید جشن شکرانه برای هر مسلمان روزه‌دار است.

بلی، مسلمانانی که به موفقیت، روزه را به پایان رسانیده‌اند و غرایز سرکش نفسانی خود را مهار کرده‌اند و شب‌ها را به نماز و نیایش سپری کرده‌اند، اینک در روز عید به‌عنوان مهمان الهی از طبیات و مَلَدَّات بهره‌مند می‌گردند.

عید مسلمانان با اعیاد و جشن‌های غیر مسلمانان تفاوت دارد. اعیاد و جشن‌های ملل دیگر نمایشی از گناه، معصیت و ارتکاب اعمال غیراخلاقی است؛ اما اعیاد مسلمانان و روزهای خوشی آنان مظهري از تقوی و فضیلت و انجام کارهای نیک و عام‌المنفعه است. در روزهای عید، مسلمانان مکلف‌اند، کارهایی را انجام دهند که هم به نفع خودشان و هم به نفع جامعه اسلامی تمام شود.

روزهای عید، روزهای برادری و اخوت است، روزهای صلح و صفا، روز واری از یتیمان و مظلومان، روزهای مَحَبَّت و لطف بر دیگران است. هر مسلمان در زندگی خود می‌تواند کارهای بزرگ را انجام بدهد. بلی، یک مسلمان فقیر و یک مسلمان محروم - که چیزی در اختیار خود ندارد - هم می‌تواند با کار ساده، بزرگ‌ترین مقام و منزلت را در پیشگاه الهی حاصل کند.

از پیغمبر اکرم Y روایت است: «خداوند - جل جلاله - بندگان دارد

۱. اشارتی است به این آیت کریمه: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ یعنی [ای پیامبر] بگو زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟ بگو: این [نعمت‌ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می‌باشد، این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کنیم. «مرکز تدوین»

که نه پیغمبرند و نه هم شهید؛ اما در روز قیامت پیغمبران و شهدا می‌گویند: ای کاش! ما به درجهٔ آنان می‌رسیدیم. در این وقت اصحاب تعجب کرده، می‌پرسند: یا رسول‌الله! اینان چه کسانی‌اند که حایز این مقام بزرگ در پیشگاه خداوند شده‌اند که انبیاء و شهدا غِبْطَةُ آنان را می‌خورند؟ مگر آنان چه کاری انجام می‌دهند؟ یا رسول‌الله! آنان را برای ما معرفی بفرما؛ تا ما هم مثل آنان عمل کنیم و به آن‌ها مَحَبَّتِ بورزیم. رسول الله ﷺ فرمودند: کار بسیار مشکل و سنگین نیست، آنان مسلمانانی‌اند که با یکدیگر مَحَبَّت و دوستی می‌کنند، بدون اینکه از یک قوم باشند و یا اقارب با یکدیگر باشند و بدون اینکه معاملهٔ تجارتي در بین خود داشته باشند و منافع مادی میان‌شان بوده باشد؛ یعنی بدون رابطهٔ نسبی و بدون ارتباط مالی فقط برای خدا به خاطر و رضای خدا دو نفر باهم دست برادری می‌دهند؛ تا به بندگان خداوند مصدر خدمتی شوند و برای پیاده کردن حکم خدا و مقابله با دشمنان خدا و خلق او در یک صف متحد اسلامی با یکدیگر همکاری می‌کنند. پیغمبر ﷺ افزودند: قسم به خداوند - جل جلاله - که در روز قیامت نور از روی ایشان می‌بارد و بر کرسی‌هایی از نور آرام و آسوده نشسته‌اند. دیگران در ترس و هراس‌اند؛ ولی اینان خوفی ندارند. دیگران سخت غمگین‌اند؛ اما اینان هیچ غم ندارند و آنگاه پیغمبر ﷺ علاوه می‌کند: «آگاه باشید که اولیاء خدا نه هراس دارند و نه هم رنج و غمی.»^۱

در ایام عید بکوشید که فضای اخوت و برادری میان‌تان حاکم گردد و اختلافات و کینه‌ها را از میان همدیگر رفع کنید. یقیناً که مسلمان‌های صالح و مخلص از این اوضاع استفاده کرده و اجازه نمی‌دهند این فرصت‌های پر میمنت عید به هدر برود. همچنان نباید مسلمانان در عید و در سایر ایام سال به غیبت، دروغ و بهتان، خود را آلوده سازند.

بدبختانه یکی از امراض مهلک در جامعهٔ ما، تبلیغات سوء، غیبت و بهتان علیه یکدیگر است و گروه‌های تخریب‌گر و مزدور، تلاش می‌ورزند که

۱. متن حدیث مبارک این است: ﴿إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِبَادًا لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ يَغْطِطُهُمُ التَّبَيُّونُ وَالشُّهَدَاءُ عَلَى مَنَازِلِهِمْ وَقُرْبِهِمْ مِنَ اللَّهِ ﷻ نَظَرًا: السُّلْسَةُ الصَّحِيحَةُ، از شیخ ناصرالدین البانی: ۷/۱۳۶۹. «مرکز تدوین»

تبلیغات مختلفی را به راه‌اندازند و علیه نظام اسلامی، علیه جهاد و مجاهدین پروپاگند کنند؛ لذا باید در برابر فعالیت تخریب‌گران هوشیار باشید. در اوضاع فعلی دشمن توسط «ستون پنجم» خویش شایعه‌پراکنی می‌کند. چه بسا که برخی از این اجنت‌ها در لباس مجاهد و کارمند دولت فعالیت می‌کنند.

خلاصه دشمنان دین، فرهنگ و استقلال ما از هیچ عمل ناروایی دریغ نمی‌کنند؛ از این رو، باید عوامل دشمن شناسایی گردیده و افشا شوند. جریان نفاق‌افکنی در تاریخ اسلام سابقه طولانی دارد. قرآن کریم مسلمانان را جهت سرکوبی این جریان فرا خوانده و نحوه فعالیت آنان را علیه مسلمانان و جامعه اسلامی طی آیات متعدد شرح می‌کند. قرآن کریم، موضوع شایعه‌پراکنی را - که بخشی از فعالیت‌های منافقین در جامعه اسلامی است - چنین شرح می‌دهد:

«هرگاه مطلبی به ارتباط امنیت و خوف در دوران جنگ به منافقین برسد، فوراً آن را در جامعه جهت خوف و ترس پخش می‌کنند و اگر اینان صادق و مسلمان می‌بودند و منافق نمی‌بودند، اخبار مربوطه را به پیغمبر رجعت می‌دادند؛ تا مورد بررسی قرار می‌گرفت و حقیقت روشن می‌شد؛ اما چون هدف ناپاک داشتند، به جای نقل خبر به مراجع تصمیم‌گیری در کوچه و بازار آن را پخش می‌کنند؛ تا مایه تشویش مردم شوند.»^۱

پس کسی که تلاش کند بدامنی ایجاد کند، بدون شک عمل یک منافق را انجام داده است.

با وجود مشکلات فراوان؛ مشکل جنگ، کمبود مواد غذایی، آوارگی‌ها، توطیه‌ها، فعالیت‌های نفاق‌افکنانه و سایر مشکلات سخت که در پیش داریم،

۱. مفهومی و محتوای این آیت کریمه است: ﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهٖ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾

(و چون خبری [حاکمی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند، قطعاً از میان آنان کسانی هستند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود مسلماً جز [شمار] اندکی، از شیطان پیروی می‌کردید.) «مرکز تدوین»

همه ما باید تلاش کنیم، مجاهدین و مردم، مثل همیشه با کمال همت، دفاع از دین و استقلال، مردانه در سنگر مقاومت قرار بگیریم. به استثنای برخی از عناصر بزدل، منافق، همه مردم مخلص و مؤمن ما همیشه آماده بوده و می‌باشند که از دین‌شان و از استقلال وطن‌شان دفاع کنند. مجاهدین و مردم ما باید در عقب جبهه هم، از برنامه‌ها و پروگرام‌هایی که به دفاع از غرور و افتخارات ملی‌شان و به نفع مردم، طرح شده، حمایت و پشتیبانی کنند.

توصیه من به همه بزرگان و علما، مجاهدین و قوماندانان ولایت بدخشان^۱ این است که مثل همیشه، همه آماده دفاع از سنگرهای خونین و پرافتخار جهادی‌شان بوده و برای تأمین امنیت و سرکوبی «ستون‌های پنجم» دشمن در داخل ولایت و ولسوالی‌های‌شان^۲ جداً مقابله کنند. گارنیز یون امنیتی جدید در ولایت به فرماندهی یک‌تن از قوماندان‌های متعهد به کار خود آغاز کرده، امیدوارم همه مردم و مجاهدین با او همکار باشند.

برای بهتر شدن نیروهای رزمی ما، امسال فیصله شده که اردوی اسلامی به شکل بهتر به کار خود آغاز کند. بلی، در پهلوی دفاع‌های خودی و تشکیلاتی که در ولسوالی‌ها و ولایات داریم، نیروهای امنیتی به صورت منظم به کار خود آغاز خواهند کرد. همچنان وزارت دفاع دولت اسلامی تصمیم دارد که با وجود مشکلات جهت مقابله با پلان‌های شوم دشمنان، هم در اوضاع امروزی و هم برای فردای کشورمان یک اردوی مؤمن و مطمئن داشته باشد.

اینک کار آغاز شده تا اگر خدا خواسته بود، داری قطعات بسیار منظم و متعهد باشیم. بر مجاهدین و جوانان با احساس، متدین و متعهد است که با شور و شوق، با این حرکت همگام شده، در راه دفاع از مردم، وطن و فرهنگ افغانستان آماده گردند. توطیه و جنگ تحمیلی - که تحت نام طالبان ادامه

۱. بدخشان: در انتهای گوشه شمال شرق افغانستان واقع گردیده است. مساحت آن ۴۴۸۳۵،۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، حدود ۹۰۴،۹ هزار نفر تخمین شده است و مرکز آن شهر فیض‌آباد می‌باشد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۳۹۱ - ۴۱۶. «مرکز تدوین»

۲. ولسوالی، یعنی شهرستان. «مرکز تدوین»

دارد - خطر جدی را متوجه اسلام، وحدت ملی و تمامیت ارضی افغانستان ساخته است. این جریان علیه جهاد و مجاهدین و دستاورد خون شهدای جهاد افغانستان اعلان جنگ داده‌اند.

مسئولیت مجاهدین و وارثان خون شهدای افغانستان است که در برابر این توطیه خاموش نباشند. این توطیه به نام ملا و طالب اساساً با علمای حقانی کشور و روحانیون افغانستان جنگ را آغاز کرده است. بر علمای دینی ماست، مردم را آگاه بسازند و بفهمانند که اصلاً اسلام چه می‌خواهد؟ و این حرکت به نام اسلام چه اهداف ناپاکی دارد. ریش سفیدان و بزرگان ما همه باید متوجه باشند و برای مقابله با این خطر، هرچه در توان دارند دریغ نکنند. این لحظات، لحظات تاریخ‌ساز و سرنوشت‌ساز در حیات ملی ماست.

در نتیجه این مقاومت، سرنوشت نسل‌های آینده ما رقم زده می‌شود؛ لذا باید با تمام قوت و هوشیاری در این لحظات باهم دیگر همکار و پشتیبان بوده باشیم. عناصری که به نفع دشمن کار می‌کنند، دفع و طرد گردند و به هیچ عنصر مفسدی اجازه داده نشود که ایجاد تشویش کنند. همکاری و تعاون همگانی یک فریضه دینی و ملی همه است. همه باهم دست‌به‌دست، همدیگر بدهیم و مطمئن باشیم که در راه خدا روانیم. راه ما حق است، جهادمان برحق بوده و برحق است.

طالبان مدعی‌اند که نودوپنج فی صد افغانستان را در اختیار دارند. اول اینکه این محاسبه دروغ است، باز بفرض که صحت داشته باشد، این تسلط آنان در حقیقت یک اشغال خارجی و سلطه غیرشرعی می‌باشد.

بلی، مردم ما به این عقیده بوده و هستند که مناطق تحت تسلط طالبان توسط گروه‌های مزدور و قشون خارجی اشغال شده است. در سراسر کشور حتی در مناطقی مثل قندهار، ارزگان، زابل، هلمند، پکتیا، پکتیکا و سایر ولایات - که تحت اشغال آنان است - پنج فی صد مردم طرفدار آنان نیست. همه از آنان نفرت دارند و در تلاش آزادی از سلطه ناروای آنان‌اند. کشور ما قبلاً انگلیس‌ها و بعداً روس‌ها اشغال کردند؛ اما سرانجام ناکام گردیدند.

اشغالگران کنونی نیز نابود خواهند شد. مطمئن باشید اگر یک قریه هم در اختیار فرزندان مؤمن افغانستان باشد، سرانجام همه افغانستان را آزاد خواهند کرد.

شما مجاهدین که در سنگر مقاومت جان می‌دهید، به مقام والای شهادت می‌رسید؛ اما یاغیان و تجاوزگرانی که به قتل می‌رسند، به‌عنوان مفسد فی الأرض و یاغی مرده‌اند. سوال من از این‌هایی که از پاکستان آمده و به‌نام جهاد دست به کشتار مجاهدین و مسلمانان بی‌گناه می‌زنند، می‌پرسم: آیا در آنجا شریعت حاکم است؟ آیا کشتار فرزندان شهدا و جنگ با مجاهدین کفرستیز را کدام شریعت اجازه داده است؟

اخیراً چند تن از مفسدان به‌نام ملا از پاکستان آمده‌اند و در تخار فتوی می‌دهند که علیه مجاهدین شما جهاد کنید. این فتوی آیا فتوای شرعی است؟ طبعاً که این یک عمل شیطانی و دشمنی با اسلام است که به زبان چند نفر به‌نام ملا پخش می‌شود.

بار دیگر از آن عده طالبانی که فریب خورده و در صف این توطیه‌گران قرار گرفته‌اند، می‌خواهم هرچه عاجل خود را از مفسدین فی الأرض جدا بسازند و به‌نام شریعت علیه اهل شرع و دین نجنگند و آماده صلح و مذاکره شوند. بگذارند مردم مسلمان افغانستان موقع بیابند که خودشان در مورد سرنوشت کشورشان تصمیم بگیرند و پروگرام عملی‌ای را جهت پیاده کردن حکومت موردنظر خود بسازند. طالبانی که خود را از افغانستان می‌دانند، اجازه ندهند که بیش از این دشمنان دین و وطن‌مان در افغانستان دست به ویرانی بزنند.

نکته دیگری که قابل تذکر است اینکه در عید امسال و قبلاً در ایام ماه مبارک رمضان، شاهد قیام‌های خونین در سرزمین مسجد الأقصى اولی القبلتین و ثالث الحرمین بودیم و تا هنوز هم جریان دارد. کودکان و جوانان، پیرمردان و زنان فلسطین به خاطر دفاع و حمایت از مسجد الأقصى همه‌روزه ده‌ها شهید و زخمی می‌دهند.

تعداد زخمی‌های آنان طی چند ماهی که گذشت از مرز ده تا پانزده هزار

زخمی گذشته، صدها نفر کودک شهید شد و اما هنوز همان احساس دفاع از دین، دفاع از بیت المقدس و دفاع از مسجد الاقصی را با شور و شوق ادامه می دهند.

دعا می کنیم که در این روزهای پربرکت، خدای قدیر و توانا همه ملت های مظلوم و مسلمان را از مصیبت ها نجات بدهد. در کشور ما امن و امان حاکم گردد. دشمنان دین و وطن و جهاد اسلامی مان به ناکامی روبه رو شوند. توطیه گران شرمسار گردند. وحدت، برادری و یکپارچگی در میان ملت ما استحکام یابد. امیدوارم دشمنان نتوانند ملت یکپارچه ما را به نام های مختلف از هم جدا کنند؛ تا همه برادروار در یک صف متحد، به عنوان یک ملت واحد، ملت آزاد و مستقل افغانستان در پهلوی همدیگر قرار بگیرند.

الهی! امن و امنیت در کشور ما حاکم گردد؛ تا بتوانیم برای پیاده کردن نظام اسلامی دست به دست همدیگر بدهیم.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ، ۱... إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. ۲

۱. گذشت.

۲. این بخشی از این آیت کریمه است: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ زمر / ۵۳ (بگو: ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید، از رحمت الله نومید مشوید، در حقیقت الله همه گناهان را می آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است.) «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک‌صد و سی و سوم
در انجمن جوانان
مکان: کابل، دفتر سازمان جوانان جمعیت اسلامی افغانستان
تاریخ: ۱۳۷۸ / ۲ / ۲۲ هـ ش



الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ؛^۱
 برادران عزیز، بزرگان، جوانان، نوجوانان، قوماندانان و مجاهدین!
 أَسَلَامٌ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وبعد:

نهایت خرسندم که در محفل شما جوانان عزیز شرکت می‌کنم. شکی نیست که نقش جوانان در حیات اجتماعی، در رهبری تحولات و جنبش‌ها، در طول تاریخ به‌عنوان یک قضیه بسیار براننده بوده و است. ما می‌بینیم که در هر جا یک حرکت اسلامی، یک انقلابی را به میان آورده است، در پیشاپیش آن نسل جوان قرار داشته و از همه مهم‌تر اینکه در طول تاریخ دعوت‌های آسمانی، به شهادت قرآن - کتابی که همه حقایق هستی را الی قیام قیامت به ما روشن ساخته - چهره‌های براننده‌ای که در پیشاپیش این دعوت‌ها و حرکت‌های بزرگ، قرار داشته‌اند و در برابر ستمگران و در مقابل جباران و در برابر فساد اجتماعی مبارزه کرده‌اند، نسل جوان و جوانان مصلح و دعوتگر بودند. قرآن کریم در یکی از آیت‌های سوره کهف می‌فرماید:

﴿...إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾^۲

بلی، قرآن کریم اینجا از یک مجموعه‌ای از جوانانی که در برابر یک قدرت جبار قیام کردند، سخن می‌گوید و آنان را گرامی می‌دارد و اینکه

۱. ستایش از آن الله است و درود بر بندگان برگزیده او. «مرکز تدوین»

۲. کهف / ۱۳. ﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾ (ما خبرشان را بر تو درست حکایت می‌کنیم، آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایت‌شان افزودیم.) «مرکز تدوین»

«انجمن جوانان افغانستان» این آیه مبارکه را شعار خویش قرار داده‌اند، این کار خود شاهد گویا و صریح این حقیقت است که نسل جوان در منطق قرآنی یک نسلی است که باید در مقابل فساد و ظلم مبارزه کند.

همچنان زمانی که به قرآن کریم مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که قرآن عظیم الشان، از یک پیامبر اولوالعزم، به نام ابراهیم، سخن می‌گوید. ما می‌بینیم که قرآن کریم از این پیامبر بت‌شکن - که به خاطر بت‌شکنی و سرنگونی دستگاه کفر و بی‌دینی و اصلاح جامعه قیام کرده - با این تعبیر از او نام می‌برد:

﴿قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ﴾^۱

بلی، هنگامی که مشرکین می‌بینند، بت‌های شان درهم شکسته است، می‌پرسند: چه کسی این کار را کرده است؟ سرانجام ایشان به سراغ کسی می‌روند که قلب قوی داشته و چنانکه آنان فکر می‌کردند او، غیر از ابراهیم هیچ‌کس دیگری بود.

حضرت موسی Z پیامبر اولوالعزم دیگری، زمانی که در مقابل فرعون قیام می‌کند، بازهم در صبحگاه جوانی است که مورد تعقیب پولیس فرعون قرار می‌گیرد و بالاخره از مصر^۲ به مدین^۳ به سرزمین افصح الانبیاء حضرت شعیب Z می‌رود و در آنجا به علتی اینک سرشار از انرژی قوی جوانی است در خدمت او قرار می‌گیرد.^۴

ذکر این داستان در قرآن کریم، نمونه دیگری است که به نقش جوانان در

۱. انبیاء / ۶۰. (گفتند: شنیدیم، جوانی از آن‌ها [به بدی] یاد می‌کرد که به او ابراهیم گفته می‌شود.) «مرکز تدوین» گذشت.

۲. مدین؛ نام شهری در عربستان نزدیک تبوک است، حضرت شعیب Z پیامبر همین شهر بوده و در آن چاهی است که حضرت موسی Z به گوسفندان حضرت شعیب Z آب داد، در قرآن کریم ۱۰ بار از این شهر، در ۷ سوره قرآن کریم نام برده شده است. نگاه: لغت‌نامه دهخدا. «مرکز تدوین»
 ۳. قابل تذکر است که داستان موسی علیه السلام بیشترین موقعیت را در قرآن کریم، به خود اختصاص داده است و فشرده سفر موسی علیه السلام به مدین این است که پس از اینکه موسی به دختران شعیب آب می‌دهد، دختران به پدر پیشنهاد پرداخت مزد می‌کنند و به پدر می‌گویند که او هم قوی است و هم امین، و سرانجام، موسی علیه السلام، پیشنهاد حضرت شعیب را می‌پذیرد و در مقابل ده سال خدمت به شعیب علیه السلام با یکی از دختران ایشان ازدواج می‌کند. «مرکز تدوین»

تاریخ اسلام اشاره می‌کند؛ تا جوانان ملتفت باشند که در نقش قدم انبیا گام برمی‌دارند.

پیامبر Y در احادیث متعدد به نسل جوان، به اصلاح و اهمیت جوانان اشاره می‌کند. برای مثال، وقتی می‌فرماید:

﴿يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ! عَلَيْكُمْ بِالصِّيَامِ...﴾^۱

معنای روشن و واضح آن این است که ای نسل جوان؛ شما در قسمت اصلاح خود متوجه باشید، نشود که فاسد شوید؛ لذا شما خود را به زیور تقوی آرایش بدهید؛ تا نشود غرایز سرکش جوانی شما را به فساد اخلاقی بکشاند!

همچنان به مردم هم توصیه می‌کردند که شما متوجه نسل جوان باشید و از نقش جوانان در یاری دعوت اسلامی، سخن می‌گفتند و می‌فرمودند:

﴿حالفنى الشباب وخالفنى الشيوخ﴾^۲

یعنی چون دعوت خود را آغاز کردم، نسل جوان از من پشتیبانی کردند؛ اما عده‌ای از سران قریش - که سن‌شان پیش رفته بود - به مخالفت برخاسته بودند.

این همه، ارزش‌های بزرگی است که جوانان ما از آن باید استفاده‌ی اعظمی کنند.

جوانان عزیز و گران‌قدر!

خود می‌دانید که جوان سرمایه‌ی بزرگ یک جامعه است، هیچ جامعه‌ای

۱. متن حدیث مبارکه فوق این‌گونه است: ﴿يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنْ اسْتَطَاعَ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ وَأَخْضَرُ لِلْفَرْجِ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وِجَاءٌ﴾ نگاه: صحیح البخاری، باب: کتاب بدء الوحي، شماره حدیث: ۵۰۶۶. «مرکز تدوین»

۲. هرچند این سخن، به نام «حدیث» شهرت یافته است؛ اما ما به لفظ این حدیث در متون حدیث اهل سنت برنخوریم؛ ولی این روایت را با این عبارت: ﴿أوصيكم بالشبان خيراً فانهم أرق أفئدة وأن الله بعثني بشيراً ونذيراً فخالفتني الشبان وخالفتني الشيوخ﴾ در کتاب‌های روایتی شیعه، پیدا کردیم. نگاه: کتاب سفینة البحار: ۱۷۶/۲ و روایات من مدرسة أهل البيت از فرید مرتضی، ۵۴۹/۱. ناگفته نماند که از معنا و پیام این حدیث که تثبیت جایگاه جوانان است، هم در آیاتی چون: ﴿إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾ تسجیل است و هم خوانش سیرتِ مطهره رسول اکرم Y و واقعیت‌های دعوت اسلامی آن را کاملاً تأیید می‌کند. برای مثال: نخستین کسانی که در روزهای نخست دعوت اسلامی بر گرد رسول مبارک حلقه زده بودند جوانان بود، مثلاً: عمر «ابوبکر صدیق» در بدایت اسلام ۳۸ سال بود و سن حضرت عمر فاروق ۲۷ سال بود. «مرکز تدوین»

سرمایهٔ بزرگ‌تر از نسل جوان را ندارد. نسل جوان تنها وارث یک خانواده نیست؛ بلکه وارث یک ملت و وارث فرهنگ و انقلاب نیز است، به خصوص شما جوانان عزیز که در پرافتخارترین دوره‌ای از تاریخ وطن‌تان قرار دارید. شاید تعدادی از شما در روزهایی که رستاخیز بزرگ جهادی در وطن‌تان به راه افتاده بود، هنوز به دنیا نیامده بودید؛ اما در بستر انقلاب بزرگ شدید، با رنج‌ها، مصیبت‌ها، توطیه‌ها و مظاهر مختلف - که در هر انقلابی وجود دارد - آشنا شدید و به چشم سر مشاهده کردید که چه دشمنانی در کمین نشسته‌اند؟!

شما شاهد وقایع مختلفی بودید که ملت مظلوم‌تان در برابر قدرت خون‌آشام مارکسیزم^۱ جهانی به مبارزه پرداخت و به خاطر دارید، کسانی که در پیشاپیش این رستاخیز جهادی قرار داشت، جوانانی بودند؛ مانند شما که از میان شاگردان مکاتب، مدارس و دهقانانی که تنها در مدرسه اعتقاد به خدا^۱ رشد و به کمال رسیده بودند، برخاستند و در برابر بزرگ‌ترین قدرت سیاسی قیام کردند و قیام‌شان به پیروزی رسید. ناگفته نماند که در بیشترین این قیام‌ها و سنگرها جوانان حضور داشتند.

امروز شما وارث آرمان بزرگ ملت خود، وارث شهدای گلگون‌قبایی می‌باشید که در راه حفظ وطن‌شان مشتاقانه جان باختند و وارث آرمان شهدایی هستید که به آرزوی استحكام دولت اسلامی‌شان و به آرزوی سربلندی ملت‌شان و به امید حفظ غرور و افتخارات مردم‌شان جام شهادت

۱. مارکسیزم و یا مارکسیسم؛ مکتب سیاسی و اجتماعی است که تحت تأثیر اندیشه‌های کارل مارکس، فیلسوف آلمانی در اواخر قرن نوزدهم پیدا شد، به معنای وسیع کلمه مارکسیزم یک مکتب فلسفی سیاسی و اشتراکی است که شاگردان روسی مارکس پلخانف و لنین‌اند، علامه شهید سید قطب G در اوج این اندیشه، در مورد آن چنین گفته بود: «مارکسیزم که در آغاز ظهورش شمار زیادی را در شرق - و حتی در غرب - به خاطر تلقی کردن آن به‌عنوان یک سیستم ایدئولوژیک به خود جذب کرد، از ناحیه طرز فکر عقب‌نشینی بسیار واضحی داشته‌است و تقریباً هم اینکه به دولت و نظام‌های آن محدود می‌باشد که از اصول سیستم فاصله بسیار زیادی گرفته‌اند و درکل مارکسیزم با طبیعت فطرت بشری و مقتضیات آن در تضاد است و جز در یک محیط درهم شکسته یا محیطی که روزگاران دراز با نظام دیکتاتوری خو گرفته باشد، نمی‌تواند رشد کند و حتی در این محیط‌ها - نیز - در بُعد مادی اقتصادی - که زیربنا و مایه مباحثات آن است - به تدریج به شکست مواجه می‌شود. نگاه: نشانه‌های راه، ص: ۱-۲ و فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۵۱۶-۵۲۱. (مرکز تدوین»

نوشیدند.

شما نسل جوان با جوانان دیگر خیلی‌ها تفاوت دارید، شما در عصر افتخار و بحران، مسئولیت‌های مهمی متوجه‌تان است.

بلی، دشمنان می‌خواهند غرور و افتخارات ما را از میان بردارند؛ اما شما باید بدانید، این جنگی که امروز در افغانستان جریان دارد، اصلاً جنگ داخلی نیست. اگرچه عناصر مزدوری در خدمت اهداف خارجی قرار دارند؛ اما جنگ از بیرون تحمیل شده است.

پس شما باید متوجه این همه ارزش‌ها باشید و از همین حالا خود را آماده بسازید، به‌عنوان یک سپاه دین و دانش، سپاه رشد و توسعه کشور، سپاه وحدت و یکپارچگی، سپاه چون‌گارد محافظ از غرور و افتخارات دینی و ملی‌تان باشید و از همین حالا خود را آماده سازید.

شما می‌دانید که امروز در پهلوی اینکه دشمنانی، توسط مزدوران مسلح در کشورتان (طالبان) در برابر دولت اسلامی و انقلاب و مردم‌تان می‌جنگند، ستون دیگری نیز هست که شب‌وروز بر ضد همه ارزش‌های دینی، جهادی و تاریخی شما مشغول سم‌پاشی و تبلیغات ناروایی می‌باشند.

ناگفته نباید گذاشت که جنگی که از بیرون بر ما تحمیل شده، هدف آن روشن است. هدف آن کاملاً استعماری، استعماری، دشمنی با دین و هویت ملی ما، دشمنی با رشد و توسعه کشور ما و دشمنی با دستاوردهای جهاد ماست. همچنان تلاش‌های ناروایی وجود دارد به خاطر به دست آوردن مراکز استراتژیک سیاسی و نظامی و به خاطر به دست آوردن مراکز اقتصادی. خلاصه؛ این جنگ‌ها جنگ‌هایی است که هدف شوم با خود دارد و لذا سخت متوجه باشید که دشمنان در کمین‌اند.

من یقین دارم که کار و فعالیت‌تان بسیار مهم و باارزش است. با وصف اینکه هر چیز در نظرتان در آغاز مهم جلوه نمی‌کند، ولو یک حرکت بسیار نوربخش هم باشد. در آغاز این کار به مهتابی می‌ماند که در آسمان تازه به ظهور می‌آید، اول چون یک خط باریک به چشم می‌خورد؛ اما بعدها این خط باریک به‌عنوان خرمنی از نور تبدیل می‌شود.

شما هم امروز چون یک جرعه‌ای از نورید؛ اما تلاش ورزید که روزی به‌عنوان یک شعله‌ فروزان در جهت هدایت و رهبری مردم‌تان باشید و این گام بسیار امیدبخش است و من این گام شما را به ظهور مهتابِ نو تشبیه کردم؛ تاشمایی که هم‌اکنون در آسمان آرمان ملتِ مظلوم‌مان به‌عنوان یک جرعه‌ باریک به میان آمده‌اید؛ روزی به‌عنوان یک خرمنی از نور و تالائو و درخشش به ظهور آید.

لذا شما جوانان باید جداً متوجه مسئولیت‌های‌تان باشید. مجاهدینی که علیه طاغوتیان مارکسیزم مقابله کردند، باوجودی که مانند شما روزی جوانان کم‌سنی بودند؛ ولی با یک قدرت بین‌المللی چلنج دادند، امروز شما هم باید با توطیه‌های کنونی چلنج بدهید. اگر دیروز برادران‌تان، در برابر مارکسیزم بین‌المللی سینه‌ خود را سپر ساختند، امروز شما هم در برابر توطیه‌های گوناگون وارد معرکه شده و مانند سیلابِ خروشان، بنیاد هر اخلاک‌گر را از بیخ و بُن برکنید و در برابر مردم‌تان خدمت اسلامی و وجایب انسانی‌تان را انجام دهید. حیف است که استعدادهای جوانان ما هرزه و بدون دستاورد ضایع شود. فردا یا در خدمت دشمنان خارجی یا به‌عنوان عناصر بی‌هدف و بازیگوش، بار دوش جامعه، در کوچه و بازار، در حلقه‌های قمار و فساد و مواد مخدر ملوث شوند.

ما باید در انتظار فردای روشنی باشیم و توصیه می‌کنیم که هیچ مایوس نشوید!

باید بدانید که در این جنگ تحمیلی، هدف‌های ناپاکی هست و عمده‌ترین هدف این جنگ در این خلاصه می‌شود که ملت‌های مسلمان و به‌خصوص نسل جوان از جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی و جهادی مایوس شوند و فکر کنند که درحالی‌که ملت ما دو میلیون شهید داد، باز هم به هدف خود به‌صورت کامل نرسید و دیگر این راه، راه رسیدن به هدف نیست. راستی که این تبلیغات بسیار گمراه‌کن می‌باشد که دشمن به راه انداخته است. شما باید به منطق رسا بگویید که ما به هدف خود رسیدیم و عمده‌ترین

هدف ما حفظ و حراست از استقلال کشورمان و برون‌راندن قدرت اشغالگر شوروی سابق بود و بزرگ‌ترین آن اینکه ما کمونیزم^۱ و مارکسیزم بین‌المللی را از صفحه تاریخ و جهان نابود ساختیم که دیگر مارکسیزم ملحدی نیست که نسل جوان ما را به نام انقلاب فریب دهد و ما توانستیم با این انقلاب خود ده‌ها میلیون مسلمان محکوم را آزاد کنیم، همچنان که ما وسیله آزادی میلیون‌ها مردم غیرمسلمان شدیم. ما بودیم که «جنگ سرد»^۲ را از بین بردیم که صدها میلیارد دلار در جنگ سرد به مصرف می‌رسید و حتی این تحوّل را به نام «معجزه قرن» خواندند.

خوب؛ اگر کسانی بگویند: ویرانی‌هایی که صورت گرفت، چه؟ ما باید بگوییم که این ویرانی را که ساخته است و مسئول آن کیست؟ مسئول همان دشمنانی است که دیروز از شمال، امروز از جنوب، دیروز تحت عنوان یک نام، امروز تحت عنوان و نام دیگری، باز علیه ملت ما جنگ را آغاز کرده‌اند؛ اما به - لطف خداوند^۱ - ما پیروز خواهیم شد. توفیّه من به شما جوانان این است که نباید یک جرعه زودگذر باشید! نشود که اهداف کج و راست شما را منحرف سازد. باید با شور و شوق کار خود را به پیش برید. باید حلقه وصل تمام جوانان و مردم خود شوید و یک

۱. کمونیزم و یا کمونیسم: این اصطلاح از ریشه لاتینی «کمونیس» به معنای اشتراکی گرفته شده است. اصطلاح کومون یا جامعه اشتراکی نخستین بار در فرانسه، در سال ۱۸۳۹م، به کار رفت. به قول طرفداران این اصطلاح، گویی این نظام بدون طبقه است. کمونیزم شخصیت انسان را تابع اقتصاد و در چوکات محدودیت‌ها و قیودات خفقان‌آور اجتماعی محبوس می‌کند. هم‌چنان کمونیزم به انسان، حقوق و آزادی‌هایش از دریچه اقتصاد نگریسته، «مالکیت اشتراکی» را نخستین پایه مستحکم نظام خود قرار داده و آزادی‌هایی را که حق طبیعی انسان‌هاست محدود و فشرده می‌سازد. خوش‌بینانه‌ترین قضاوت در مورد منطق کمونیزم این باشد که گرایش به این مکتب، به معنای تباهی گوهر انسانیّت، اغفال و إغرای انسان از توجه به کُنه حالت خودش، خودفراموشی و پایمال‌کردن شخصیت انسان در حد کالای کم از بازار است و - نیز - به معنای تنزّل ارزش خون و آبروی آدمیت است. نگاه: دانشنامه سیاسی، از: داریوش آشوری، ص ۲۶۱ - ۲۶۳ و مقاله «ارزش خون در کمونیزم و اسلام» نوشته شهید محمدکاظم شارق، میثاق خون، ص: ۴۴، شماره سیزدهم، سال ۱۳۶۰ هـ.ش. «مرکز تدوین»

۲. جنگ سرد: عبارت است از حالت کشاکش سیاسی و اقتصادی و ایدئولوژیک و مسابقه جنگ‌افزایی میان دو یا چند کشور همراه با جنگ روانی و تبلیغاتی، بدون آنکه کاربرد جنگ‌افزارهای گرم در میان باشد. نگاه: دانشنامه سیاسی، از: داریوش آشوری، ص: ۱۱۸. «مرکز تدوین»

بافت زنجیره‌ای را در جامعه خود ایجاد کنید.

من از «انجمن جوانان افغانستان» حمایت جدی و همه‌جانبه می‌کنم و هرگز شما را فراموش نخواهم کرد و موفقیت همه شما را از خداوند می‌خواهم و ان‌شاءالله روزی فرا خواهد رسید که جنگ قطع و صلح و صفا در کشور جنگ‌زده و مجروح‌مان حاکم شود و ما آزاد و سربلند در کشور خویش زندگی کنیم.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُ وَاللَّهِ لِي وَلَكُمْ،... إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.^۱

خطابهٔ یک‌صد و سی و چهارم

به مناسبت شهادت عبدالرحیم غفورزی و جمعی از یارانش

زمان: شنبه، ۱ سنبلهٔ ۱۳۷۶ هـ ش / ۲۳ / ۰۸ / ۱۹۹۹ م.

مکان: شهر مزار شریف



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین،
وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلٰی سَیْدِنَا وَنَبِیْنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَسَلَامُهُ -
وعلى آله وصحابه ومن دعا بدعوته وجاهد فى سبيله الى يوم الدين.^۱
قال الله تبارك و تعالى فى محكم كتابه وهو اصدق القائلین:

أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِیْمِ * بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * ﴿كُلُّ نَفْسٍ
ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ
الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾^۲ صدق الله مولانا الكرىم.

برادران عزیز!

امروز، ماوشما در نماز جنازه جمعی از فرزندان ارجمند، جوانان
دلسوز، شخصیت‌های بسیار محترمی شرکت می‌ورزیم که در یک سانحه
هوایی که به تاریخ سی ماه اسد، روز پنجشنبه، در میدان هوایی بامیان، حادثه
غم‌انگیزی به وقوع پیوست که در اثر آن، عزیزترین برادران، باارزش‌ترین
فرزندان انقلاب و مؤمن‌کشور عزیز خود را از دست دادیم که در رأس‌شان
مرحوم عبدالرحیم غفورزی، صدراعظم که موظف به تشکیل کابینه بود، قرار

۱. به‌نام خداوند فراخ‌بخشایش مهربان * ستایش تنها از آن‌الله پروردگار جهانیان است و عاقبت و
فرجام نیک، از آن متقیان است و درود و صلوات بر سرور و پیامبر و مولای ما محمد و بر خانواده
و یاران و بر کسانی که بر دعوت او فرا می‌خوانند و در راه او، تار و زو واپسین، جهاد می‌کنند. «مرکز
تدوین»

۲. آل عمران/۱۸۵. (هر جاندارى چشمنده مرگ است و همانا روز رستاخیز پاداش‌های‌تان به‌طور
کامل به شما داده می‌شود پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت درآوردند قطعاً کامیاب شده
است و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست.) «مرکز تدوین»

داشت. او با عشق و شور و شوق بی نظیری به خاطر نجات کشور عزیزمان، از توطیه‌هایی که به دست دشمنان قسم‌خورده کشور به میان آمده و ادامه دارد و به خاطر قطع جنگ و به خاطر به میان آمدن امنیت در کشور عزیزمان، با یاران هم‌سفرش، به خاطر دیدار مسئولین «حزب وحدت اسلامی»، عازم بامیان شدند.

این حادثه غم‌انگیز که همه ملت ما را، همه سنگرنشینان سنگرهای جهاد را، همه مردم دلسوز، مؤمن و وطن‌دوست را در سراسر افغانستان و هر جایی که افغان‌ها به سر می‌برند، سخت تکان داد. شهادت این عزیزان، یقیناً ضایعه‌ای است بس بزرگ و جبران‌ناپذیر.

عبدالرحیم غفورزی و یاران شهیدش، مظهري از شهامت، همت و فداکاری جوانان این کشور بودند. اینان در عُنْفوان جوانی، در حالی که زندگی آرام در جاهای آرام و دور از کشمکش‌های خون‌بار در داخل کشورمان، برای‌شان میسر بود؛ اما زندگی‌های آرام خود را ترک گفته، به سنگرهای دفاع از استقلال، تمامیت ارضی کشورمان شتافتند و در پهلوی سنگرنشینان قهرمان این کشور، مشکلات را متحمل شدند و با عشق و آرزومندی، وارد یک مرحله جدیدی از تاریخ کشور عزیز ما می‌شدند؛ اما آجل برای‌شان موقع نداد و به رحمت حق تعالی پیوستند.

﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۱

مرگ برای هر زنده‌جان، یک قانون قطعی و یک پدیده‌ای است که هیچ زنده‌جانی از آن مستثنی شده نمی‌تواند؛ اما کسانی که با افتخار در راه خدمت به وطن و در راه خدمت به مردم، جان داده‌اند، حیات‌شان پرافتخار و مرگ‌شان هم افتخارآفرین است.

واقعاً عبدالرحیم غفورزی و سایر برادران عزیز چون عزیزمراد، مسیر الله دانشیار، دکتور زارع، سجادی، هاشمی، همه این عزیزان، هر یکی به جای خود در میان جامعه ما، مقام والا و بزرگی داشتند.

امروز همه ما، در فراق این عزیزان، همراه با ما، ملت‌مان، در فراق این

عزیزان، در اندوه و غم به سر می‌برد؛ اما از آنجاکه ما مسلمانیم و مسلمان به این عقیده است که اجل یک امر حتمی است:

﴿فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾^۱

یعنی اجل پس و پیش شدنی نیست، در وقت مقررش فرامی‌رسد، دیگر هر انسانی باید داعی اجل را لبیک بگوید، اینجاست که از عزای ما و عزای ملت ما، کاسته می‌شود.

این فرموده خداوند است که می‌فرماید:

﴿وَلَنْبَلُوكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۲

یقیناً ملت ما در برابر آزمون‌های بزرگ و امتحان‌های عظیمی قرار گرفته‌است؛ همچنان که در برابر حملات تجاوزگران قشون سرخ قرار گرفتیم، ملت مؤمن ما با پایمردی در برابر متجاوزین قیام کرد و صدها هزار شهید و معلول را در این راه به پیشگاه الهی و در راه دفاع از آزادی، تاریخ، حفظ تاریخ، فرهنگ و مقدسات دینی و ملی خود، به پیشگاه الهی نذرانه داد، بعد از پیروزی و تشکیل دولت اسلامی هم، بار دیگر در برابر توطیه‌های مختلفی و مداخلات کشورهای مختلف قرار گرفتیم که باز هم ملت قهرمان ما در این امتحان بزرگ تا امروز و تا سرحد شکست قطعی توطیه‌گران و مداخله‌گران، آماده هر نوع قربانی‌است.

امروز یک‌بار دیگر، در یک آزمون جدیدی قرار گرفتیم. فرزندان عزیز و جوانان برومندی را از دست دادیم که می‌خواستند نقش تاریخی خود را در این مقطع حساسی از تاریخ کشور عزیزمان مشتاقانه انجام دهند؛ اما عمر یاری‌شان نکرد.

۱. اعراف / ۳۴. ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾

(و برای هر امتی اجلی است؛ پس چون اجل‌شان فرا رسد، نه [می‌توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش.) «مرکز تدوین»

۲. بقره / ۱۵۵-۱۵۶. (و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان را * [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می‌گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم.) «مرکز تدوین»

هرچند امروز دیگر آنان در میان ما نیستند؛ ولی آرمان والای شان، تصمیم و اراده آنان یقیناً که در میان جامعه و ملت قهرمان و مؤمن ما که با قربانی ها و شهید دادن ها خو گرفته است، زنده است. درحالی که جای آنان خالی است؛ اما سنگرشان خالی نمی ماند و آرمان شان ادامه دارد.

﴿مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا﴾^۱

یقیناً طوری که خداوند می فرماید: ﴿مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ﴾ یعنی از جمله مسلمانان مردانی هستند که در تعهد خود با خداوند و در پیمانی که با خدا بستند، صادقانه عمل کردند و جان به جان آفرین سپردند؛ اما سنگرشان خالی نمی ماند: ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ﴾ یعنی هستند کسانی که در سنگر نشستند و سنگر را هرگز خالی نمی مانند، آرمان شهیدان خود را فراموش نمی کنند، اجازه نمی دهند که دشمنان و توطیه های آنان باعث از بین رفتن آرمان شهدای عزیزمان گردد.

ما درحالی که از شهادت این برادران عزیز، سخت اندوهگینیم؛ اما آن چیزی را که پیامبر گرامی ما به عنوان عزای هر مسلمان فرموده اند، تکرار می کنیم. پیامبر ﷺ در حادثه وفات حضرت ابراهیم - فرزند گرامی شان - فرموده بودند:

يا ابراهيمُ انا بموتك لمحزونون وإن القلب يحزن وإن العين لتدمع ولا نقول إلا ما قال الله: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۲

پیامبر گرامی - صلوات الله علیه وسلامه - در حادثه فوت فرزند گرامی شان، حضرت ابراهیم فرموده اند: ای ابراهیم! حقا که از فراق تو سخت

۱. احزاب / ۲۳. (از میان مؤمنان مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند، برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آن ها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند.) «مرکز تدوین»

۲. این روایت را به عین ترتیب و به عین این ترکیب، پیدا کرده نتوانستیم؛ ولی آنچه را امامان بخاری و مسلم روایت کرده اند، این گونه است: ﴿إِن الْعَيْنَ تَدْمَعُ وَالْقَلْبَ يَحْزَنُ، وَلَا نَقُولُ إِلَّا مَا يَرْضَىٰ رَبَّنَا، وَإِنَّا بِفِرَاقِكَ يَا إِبْرَاهِيمَ لَمَحْزُونُونَ﴾ صحیح البخاری: ۱۳۰۳ و مسلم: ۲۳۱۵. «مرکز تدوین»

اندوه‌گینیم، دل غمگین است، چشم می‌گریذ؛ اما آنچه را که خدا فرموده، آن را تکرار می‌کنیم که ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾.

بلی، عزای همه ماوشما، عزای همه ملت مؤمن و قهرمانان، همین است که در فراق این عزیزان، می‌گوییم: ما همه از خداییم و به‌سوی خدا برمی‌گردیم.

برادران عزیز!

با شهادت این سنگردارن دفاع از استقلال، دفاع از دین و کشور عزیزمان، حقایقی که همیشه در برابر چشم ملت ما روشن و عیان بوده، یک‌بار دیگر تجسّم می‌کند.

امروز ما در کشورمان، شاهد حوادث مختلفیم. در یک‌طرف ملت مؤمن و قهرمان ما به ادامه مبارزات تاریخی، دینی و ملی‌شان، در راه دفاع از دین و حاکمیت ملی، گروهی از فرزندان عزیزشان در سنگرهای گرم و بخش عظیم دیگر آنان در سنگرهای سیاست، دفاع از فرهنگ، دفاع از مقدّسات و افتخارات تاریخی قرار دارند؛ اما در صف مقابل، مجموعه‌ای از مزدوران و اجیران خودفروخته و دلقکان مسخره‌ای به‌نام طالب در برابر ملت ما تا هنوز توطیه می‌کند.

در یک‌طرف فرزندان مؤمن و فداکاری مانند غفورزی و سایر هم‌زمانش، به خاطر نجات کشور، خطرهای سختی را به جان می‌خرند؛ اما در جانب دیگر، جمعی از مزدوران خودفروخته، کشور و دین و مردم خود را ارزان می‌فروشند.

امروز در کشور عزیز ما یک امتحان بزرگ دیگری متوجه ملت ماست. کسانی که در صف دولت اسلامی‌شان، در صف جبهه نجات اسلامی و ملی قرار دارد، کسانی‌اند که به خاطر دفاع از دین و میهن، همه‌چیز خود را فدای راه رضای خداوند و راه خدمت به مردم می‌کنند؛ اما در جانب مقابل، مجموعه‌ای از خودفروخته‌هایی قرار دارند که می‌خواهند همه‌چیز را نابود بکنند، وطن را، مردم افغانستان را، افتخارات تاریخی را. خلاصه این‌ها می‌خواهند همه‌چیز را پایمال بکنند و از بین ببرند؛ اما ما یقین داریم

آن چنان که سنگر نشینان عزیز ما در سنگرهای گرم، دلیرانه در برابر دشمنان و توطیه‌ها قرار دارند، همهٔ مردم مخلص و مؤمن ما، در هر سنگری که هستند، در راه دفاع از وطن‌شان آمادهٔ هر نوع قربانی و فداکاری‌اند.

ما ایمان داریم که دشمنان و توطیه‌های‌شان به شکست و رسوایی روبه‌رو شدنی است. ما اگر گروهی از فرزندان ارجمند را در این حادثه از دست دادیم؛ اما ملت مؤمن ما، راه و آرمان این عزیزان را هرگز فراموش نمی‌کند. در اوضاع کنونی به وحدت و یکپارچگی نیاز داریم، کابینه و حکومتی که توسط برادر شهیدمان عبدالرحیم غفورزی، در سرآغاز تشکیل قرار داشت، حکومتی بود که مظهر وحدت ملی افغانستان، به حساب می‌رفت. در این حکومت و در این کابینه، تمام ملیت‌ها، تمام اقوام و همه شخصیت‌هایی که آرزوی خدمت به وطن و مردم خود را داشتند، عضویت می‌داشت. اما این را ناگفته نگذاریم که اگر عبدالرحیم غفورزی و سایر یارانش امروز در میان ما نیست، این تصمیم و اراده، در میان ما، در میان زعامت جبههٔ نجات ملی و اسلامی و دولت اسلامی و در میان مردم ما وجود دارد.

با شهادت این عزیزان، پروسهٔ تشکیل این حکومت با قاعدهٔ وسیع توقف نمی‌کند؛ بلکه این پروسه ادامه خواهد یافت. ما امیدواریم، هرچه زودتر برادر دیگری، شخصیت دیگری، از برادران این شهید، این رسالت و وظیفهٔ عمده و بزرگ را به دوش بگیرند. اگرچه همه می‌دانیم که در اوضاع کنونی صدراعظم شدن، وزارت را قبول کردن، قبول یک امتیاز نیست؛ بلکه خطرهای عظیمی را به جان خریدن است. کسانی که در اوضاع کنونی در خدمت مردم خود قرار دارند، آنان حاکمان و حکم‌دارانی نیستند که در آسودگی و آرامش به سر ببرند؛ بلکه آنان اشخاصی‌اند که از میان موجی از توفان‌ها و کشمکش‌ها، راه خود را برای نجات ملت عزیزشان باز می‌کنند.

هر جوانی و هر شخصیتی از داخل و خارج که به خاطر خدمت در دولت اسلامی و در حکومت اسلامی و در جبههٔ نجات اسلامی آمادهٔ خدمت می‌شود، او وزیر، صدراعظم و یا مسئول دولتی نیست؛ بلکه یک سپاهی همیشه در سنگر است. یک سپاهی‌ای که همه چیز خود را در راه

اهداف والا و مقدّس خود و در راه خدمت به مردم خود، در گرو خطرها و مشکلات بسیار سختی قرار داده است.

اینجاست که ما یقین داریم و مطمئنیم که اگر امروز مرحوم غفورزی در میان ما نیست، هم‌سنگران دیگری و شخصیت‌های دیگری از میان جوانان، وجود دارند که با شور و شوق بار دیگر در این سنگر قرار می‌گیرند و به خاطر دفاع از ملت‌شان و از حاکمیت ملی‌شان آماده‌اند که باز مانند این کاروان شهیدان، خطرهای بسیار بزرگ و عظیم را متقبل شوند؛ تا ملت‌شان نجات پیدا بکند.

برادران عزیز!

دولت اسلامی افغانستان، جبهه نجات ملی و اسلامی افغانستان در راه رسیدن به امنیت سرتاسری در کشور عزیز، هیچ‌وقت خواهان ادامه جنگ نبوده و نیست، ما آرزومندی داشتیم و داریم که مشکلات کشورمان، از طریق مذاکره و از طریق مفاهمه، حل شود.

ما از سازمان ملل متحد و از نماینده ویژه او، همیشه حمایت کردیم و این پیام را به سرمنشی ملل متحد بار بار رسانیدیم که ما خواهان قطع جنگ و تأمین امنیت سرتاسری در کشور عزیز مانیم؛ اما، چنانکه خود شما می‌دانید و دنیا هم می‌داند که ما مشکل داریم، مشکل مداخله خارجی، مشکل یک مجموعه بی‌فرهنگ و یک مشتت از عناصر آدمکش و وحشی صفت که اصلاً هدفی جز کشتار و جز خدمت به دشمنان این وطن ندارند.

اینجاست که تا هنوز تلاش‌های دولت اسلامی و جبهه نجات ملی و اسلامی در کشورمان به موفقیت نینجامیده؛ اما، ما این راه را ادامه می‌دهیم. من یک‌بار دیگر از همه برادران عزیزی که در عزای این عزیزان‌شان شرکت کرده‌اند، از همه شما و از طریق شما، به همه ملت‌مان می‌رسانیم که دولت اسلامی افغانستان، جبهه نجات ملی و اسلامی در افغانستان، در راه تأمین امنیت، در راه دفاع از مقدّسات و حاکمیت ملی، هر نوع تلاشی را به سطح ملی و به سطح بین‌المللی ادامه خواهد داد.

ما هرگز خواهان این نبوده و نیستیم که حکومت و یا دولت در احتکار

ملیتی، قومی، افرادی و یا مجموعه‌ای بخصوصی بوده باشد؛ بلکه ما طرفدار اشتراک همه ملیت‌ها، در دولت، در حکومت و در نظام سیاسی بودیم و می‌باشیم و در اوضاع کنونی، از همه کسانی که واقعاً در غم ملت خودند، آنانی که به فکر میهن و استقلال و آزادی کشور عزیز خود می‌باشند، از همه آنان می‌خواهیم که در جهت توقف خونریزی و صلح در کشورشان اقداماتی بکنند، از طالبان - اگر در میان‌شان افراد باضمیری بوده باشد - هم می‌خواهیم که بیش از این در خدمت بیگانگان، علیه مردم‌شان، علیه وطن‌شان به جنگ و ویرانی و خونریزی ادامه ندهند، آمادهٔ مذاکره شوند، آنان باید فهمیده باشند که دیگر از راه نظامی نمی‌توانند اهداف باداران خود را در این کشور پیاده کنند. بهتر است، پیش از این که خونریزی‌ها زیادتر از این ادامه بیابد، همه بیایند در یک میز مذاکره، باهم بنشینند و همه مسایل را باهم یکجا مطرح بکنیم و ما امیدواریم که سازمان ملل متحد هم این بار با جدیت بیشتر عمل بکند، نه مثل گذشته که دیدارها و رفت‌وآمدهای بی‌نتیجه‌ای داشت که هیچ ثمره‌ای نه برای ملل متحد داشت و نه برای مردم افغانستان. این بار باید با یک تصمیم درستی، در جهت ریشه‌یابی مشکلات در افغانستان، در جهت حل قضیهٔ بسیار دردناک ملت افغانستان، قدم‌های مثبتی بردارند.

در اخیر یک بار دیگر در حالی که به روح همه شهیدان عزیزمان اتحاف دعا می‌کنیم و از بارگاه اقدس الهی به دست دعا نیاز می‌کنیم که خداوند توانا روح ایشان را در جوار لطف و رحمت خود قرار داده و مقام و منزلت شهدا و صدیقین را برای‌شان نصیب بکند و امیدواریم که ملت ما با اتحاد و یکپارچگی، آرمان این شهید و آرمان همه شهدای عزیز افغانستان را که در مقاطع مختلفی، چه در دوره‌های تجاوز قشون سرخ و چه در دوره‌های توطیه‌های مختلف، جان خود را در راه رضای خدا و دفاع از حاکمیت ملی، آزادی و استقلال کشورشان از دست دادند، قاطعانه حفظ بکنیم و امیدواریم که هرچه زودتر امن و امنیت در کشور عزیز ما قایم شود، جنگ قطع شود و حکومتی که با قاعدهٔ وسیع، کار آن آغاز شده و توسط این حکومت لویه جرگه و یا شورای اهل حل و عقد و هر نامی که برایش گذاشته می‌شود، یک

شورای وسیع با نمایندگی از همه مردم افغانستان تشکیل شود؛ تا در ارتباط به سرنوشت کشور، نماینده‌های کشور عزیزمان تصمیم بگیرند.

در اخیر به روح شهدا یک بار دیگر اتحاف دعا کرده و می‌گوییم که **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**

اللهم اغفرهم وارحمهم ربنا إنا آمنا فغفر لنا وأرحمنا أنت مولانا
فأنصرتنا على القوم الكافرين و صلى الله تعالى على خير خلقه محمد وآله
وصحبه أجمعين.

خطابهٔ یک صد و سی و پنجم
در جلسهٔ افتتاحیهٔ کمیسیون عالی دولتی مُبارزه علیه مواد مخدر
تاریخ نشر: ۲۵ حمل ۱۳۷۵ هـ.ش.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * الحمد لله ربّ العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة
والسلام علی سیدنا ونبینا محمد وعلی آله اصحابه اجمعین.^۱
برادران محترم و مهمانان گران قدر!
السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ وبعده:

جای مسرت است که در اجلاس وسیع افتتاحیه کمیسیون عالی دولتی
مبارزه علیه زرع، تولید، قاچاق و استعمال غیر مجاز مواد مخدر با شما
ملاقات می‌کنم.

مردم متدین و خداپرست افغانستان بر حسب تعلیمات و ارشادات
دین مبین اسلام، استعمال مواد مخدر و نشئه‌آور را یک عمل ناروا، زشت
و نادرست تلقی کرده و به صورت عنعنوی معتادین به مخدرات را به حیث
افراد مردود، بی‌بندوبار و فاقد ارزش اجتماعی می‌شناسند و از معاشرت با
آنان دوری بسته و نزدیکی با چنان اشخاص را صدمه بر شخصیت خویش
می‌پندارند.^۲

مواد مخدر دشمن صحت و سلامتی انسان بوده، شیرازه زندگی و کانون

۱. به نام خداوند فراخ‌بخشایش مهربان * ستایش تنها از آن الله پروردگار جهانیان است و عاقبت و
فرجام نیک، از آن متقیان است و درود و صلوات بر سرور و پیامبر و مولای ما محمد و بر خانواده
و همه یاران او. «مرکز تدوین»

۲. این سخن حضرت استاد شهید و مرشد روشن‌ضمیر، به معنای تحقیر روا داشتن به معتادین
نیست؛ بلکه این سخن گوینده واقعت اجتماعی افغانستان است. به همین دلیل گفتند: «به صورت
عنعنوی» و از سوی دیگر این گزاره در خواننده، ایجاد نفرت خلق می‌کند، نسبت به مواد مخدر؛ تا
از آن می‌تواند دوری جوید. «مرکز تدوین»

گرم خانوادگی را برهم می‌زند و با عواقب خطرناک و پیامدهای مهلک خود باعث نابسامانی عاطفی، سقوط نیروی جسمی و فکری، انحطاط شخصیت و تخریب سیستم عصبی انسان می‌گردد.

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ * إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿١﴾

شراب نوشیدن و قمار زدن، هر دو از اعمال شیطان است؛ چون دین مقدّس اسلام شراب‌خواری را عمل زشت و ناروا می‌داند. فلذا خداوند حرمت شراب را با حرمت بت‌پرستی یکجا ذکر کرده است.

محدود ساختن عرضه و کاهش تقاضا برای حصول و گرفتن مواد مخدر در واقع یگانه استراتژی مؤثر و مثمر در جهت پیشگیری و وقایه‌گسترش ابتلا به استعمال مواد مخدر و نشئه‌آور می‌باشد.

به همین دلیل، مشی اساسی دولت اسلامی افغانستان در این زمینه عبارت از آگاه ساختن مردم از اضرار و پیامدهای ناگوار جسمی و روحی مخدرات و مجازات شدید دلالان و قاچاق‌بران و جنایت‌کاران مطابق قوانین نافذ کشور، وفاداری کامل به اصول معاهدات کنوانسیون‌ها و میثاق‌های بین‌المللی و تأمین هم‌آهنگی و همکاری متقابل بین کشورهای هم‌جوار در سطح منطقه و جهان و سازمان ملل متحد در مبارزه پیگیر علیه زرع، تولید، تذخیر، ترافیک و استعمال مواد مخدر می‌باشد.

مبارزه علیه تولید، توریید و استعمال غیرمجاز مواد مخدر نه تنها یک وظیفه مبرم اجتماعی و بین‌المللی است که همچنان برای مردم مسلمان کشور ما این یک وجیبه دینی نیز می‌باشد.

۱. مایده / ۹۰ - ۹۱. (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه، پلیدند [و] از عمل شیطان‌اند، پس از آن‌ها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید * همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد، پس آیا شما دست بر می‌دارید.) «مرکز تدوین»

قابل تأکید است، زیاده از هزار سال، قبل از آنکه کنوانسیون‌ها و میثاق‌های بین‌المللی در این مورد به وجود آید، دین مبین اسلام به صراحت و تأکید اجتناب و خودداری از استعمال مواد مخدر را با ارشاد آیات قرآنی دستور داده است.

بنابراین، کاملاً بجا خواهد بود که ملل مسلمان مبتکر و پیشگام در این مبارزه را - که اکنون در عصر پیشرفت سریع و محیرالعقول علوم و دانش است - جامعه بشری به آن التفات مزید معطوف دارد و بر مسلمانان است که هدایات قرآن عظیم الشان و دستورات پیامبر بزرگ اسلام، در این عرصه را بدانند.

در حال حاضر زرع، تولید، پروسس، تذخیر، توزیع، ترافیک و استعمال مواد مخدر جهان شمول شده و شکل بین‌المللی را به خود گرفته و شبکه‌های مافیا و قاچاق‌بران بین‌المللی با مهارت‌های خاصی مصروف تجارت این مواد مهلک و تباہ‌کن در کشورهای امریکای شمالی، امریکای وسطی^۱ اروپای غربی، فدراتیف روسیه، آسیای میانه،^۲ آسیای جنوب شرقی، زیلاندا^۳ جدید و استرالیا بوده و این مناطق جهان را به مراکز و مارکیت‌های بین‌المللی ترانزیت و قاچاق مواد مخدر مبدل ساخته است.

با تأسف این واقعیت دردناک را یادآور می‌شوم که مناطق عمده زرع، تولید و ترافیک مواد مخدر را در جهان مثلث طلایی، یعنی کشورهای تایلند،

۱. امریکای وسطی یا میانی: منطقه‌ای در عرض‌های جغرافیایی میانی قاره امریکاست. این منطقه معمولاً مکزیک، کشورهای امریکای مرکزی و کارائیب را در در جنوب امریکای شمالی و کولمبیا و ونزوئلا در شمال امریکای جنوبی را در بر می‌گیرد. «مرکز تدوین»

۲. آسیای میانه: در میان دورود آمو دریا و سیر دریا جای دارد. در منابع کهن تر عربی و فارسی «ماوراءالنهر» و در فارسی «فرارود» گفته می‌شود. اگرچه مرزهای دقیقی برای این سرزمین تعریف نشده است؛ اما معمولاً کشورهای امروزی ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و سرزمین‌های دیگری چون: افغانستان، شمال شرق ایران، مغولستان، کشمیر، شمال و غرب پاکستان و گاه سین‌کیانگ در غرب چین و جنوب سایبریا در روسیه را نیز شامل آسیای میانه می‌دانند. آسیای میانه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی سابق در ۱۹۹۱م، کاملاً مستقل و آزاد شدند. نگاه: نوشته «آسیای مرکزی و حدود آن»، بهرام امیر احمدیان، فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، شماره ۵ (تابستان ۱۳۷۳)، ص: ۳۷ - ۳۸. «مرکز تدوین»

۳. یکی از استان‌های کشور هالند است که در جنوب غربی این کشور واقع شده است. «مرکز تدوین»

سنگاپور و برما و هلال طلایی، یعنی مناطق شرقی و جنوب شرقی افغانستان با پاکستان از پاره چنار الی چترال تشکیل می دهند.

متکی به معلومات حاصله و ارقام احصائیوی، از ۳۱ الی ۴۰ هزار هکتار زمین در ۱۳ ولایت کشور ما به ساحات زرع بته های مۆلد مواد مخدر مبدل شده است که حاصلات مجموعی سالانه آن بیشتر از یک هزار تُن تریاک تخمین می گردد.

این حقایق نشان دهنده آن است که تنها یک راه مبارزه پیگیرانه علیه کشت، تولید، قاچاق و استعمال مواد مخدر وجود دارد و آن عبارت از تشریک مساعی و تأمین همکاری بین المللی است و بس.

در همین رابطه «دولت اسلامی افغانستان» با صدور پیام مؤرخه ۱۵ ماه جوزای سال ج آری، عنوانی جلالت مآب سرمنشی سازمان ملل متحد، آمادگی و پشتیبانی کامل خود را در جهت جلوگیری از زرع، تولید، تذخیر و ترافیک مواد مخدر با کشورهای منطقه، جهان و سازمان ملل متحد ابراز و اعلام داشت.

در همین راستا به منظور تنظیم، تسریع و تشدید مبارزه علیه مواد مخدر «کمیسون عالی دولتی مبارزه علیه مواد مخدر» را با ترکیب جدید اعضا ایجاد کرد که ماوشما امروز شاهد آغاز فعالیت رسمی آنیم. امیدواریم که کمیسون با استعانت از خداوند توانا، با تلاش های پیگیر و مساعی خستگی ناپذیر و با کمال جدیت و متانت، تمام نیروهای ملی و بین المللی را در جهت جلوگیری از زرع، تولید، ترافیک و استعمال مواد مخدر -طوری که جوابگوی خواسته های برحق مردم متدین ما و مجامع بین المللی باشد- بسیج و تشویق کند.

حضار گرامی!

افغانستان قبلاً، مواد مندرجه به کنوانسیون های بین المللی ۱۹۶۱ و ۱۹۷۱ را در رابطه به مواد مخدر پذیرفته و تأیید کرده و خوشبختانه اولین کشوری است که کنوانسیون ۱۹۸۸ ملل متحد را در رابطه به ترافیک غیر قانونی مواد مخدر و سایکوتراپیک تأیید و امضا کرده است؛ اما بنا بر عللی تا اکنون

از طی مراحل نهایی الحاق کشور ما به کنوانسیون متذکره اطمینان حاصل نگردیده که از همین لحظه به کمیسیون عالی دولتی مبارزه با مواد مخدر و وزارت امور خارجه دولت اسلامی وظیفه سپرده می‌شود؛ تا هرچه زودتر از روند الحاق دولت اسلامی افغانستان به کنوانسیون ۱۹۸۸ و پانا اطمینان حاصل کند.

یکی از مشکلاتی که در برابر ما قرار دارد، عدم عضویت افغانستان در سازمان «پولیس جنایی بین‌المللی» یا «انترپول» می‌باشد. این امر مانع تکمیل تحقیقات شده و در شرایط فعلی سد راه همکاری‌های مثمر منطقوی و بین‌المللی گردیده‌است.

عدم عضویت کشور ما در «انترپول» علت مالی داشته، بناءً وزارت‌های امور داخله و امور خارجه مشترکاً از طریق موافقه متقابلۀ دو جانبه با هیئت آمرۀ انترپول، اندازه و حجم مسئله مالی را حتی‌الامکان به حداقل، تقلیل داده و عضویت دولت اسلامی افغانستان را در سازمان «انترپول» حاصل کنند.

بالأثر وضع فعلی و جنگ‌های تحمیلی دفتر «نمایندگی صندوق ملل متحد برای نظارت از استعمال مواد مخدر» در کابل مسدود شده‌است. کمیسیون با تفاهم و تشریک مساعی وزارت امور خارجه افتتاح مجدد، تداوم کار و فعالیت دفتر متذکره را در شهر کابل تأمین کند.

هم‌وطنان عزیز و مهمانان گرامی!

یک مقدار نامعینی از ادویۀ مخدر سایکوتراپیک بدون درنظرداشت ضرورت‌های واقعی و طبیی به صورت غیر مجاز از طریق سرحدات وارد کشور ما می‌گردد؛ لذا وزارت‌های دفاع و داخله دولت اسلامی افغانستان، باید انتقال و توریذ^۱ غیر مجاز ادویۀ مواد مخدر متذکره را تحت کنترل شدید

۱. معنای رایج و متداول توریذ در فارسی و عربی به معنای گلگون کردن و سرخ کردن است؛ اما هر چند معنای توریذ در فارسی به معنای واردات کم‌تر دیده می‌شود؛ اما این معنا در زبان عربی به کثرت کاربرد دارد؛ برای مثال معروف است که می‌گویند: تَوْرِيذُ البَصَانِعِ: ای اِشْتِرَادُهَا و جَلْبُهَا مِنَ الحَارِجِ. «مرکز تدوین»

قوای امنیتی و سرحدی قرار دهند.

به همین منوال وزارت صحت عامه دولت اسلامی افغانستان احتیاجات مُجاز و موردنیاز خویش را در سطح کشور به ادویه مخدر و سایکوتراپیک به صورت دقیق محاسبه کرده و نظارت شدید را بالای واردات آن اعمال کند. وسایل تخنیکی ریاست عمومی مبارزه با جرایم جنایی وزارت امور داخله که در کشف و انسداد قاچاق مواد مخدر از آن‌ها استفاده به عمل می‌آمد، متأسفانه از بین رفته است. در ولایات کشور اصلاً هیچ نوع وسایل تخنیکی کشف موجود نمی‌باشد. بدین لحاظ پروسه کشف و روند فعالیت نورمال وظیفوی پرسونل انسداد قاچاق مواد مخدر در مرکز و ولایات به صورت خیلی بطیء پیش می‌رود.

لذا وزارت امور داخله با استفاده از تمام امکانات در حصه تدارک و تهیه سامان آلات متذکره توجه جدی کند.

با وجود دشواری‌های موجود، طی سال گذشته در رابطه به امحای بته‌های زرع شده کوکنار، کشف و ضبط مواد مخدر و محو مشروبات الکلی از طرف مسئولین و موظفین امنیتی مرکز و ولایات کشور اجرائتی صورت پذیرفته که نمونه‌هایی از آن را ذیلاً ذکر می‌کنم:

۱- «۳۰» هکتار زمینی که در آن بته کوکنار زرع شده بود، در ولسوالی مهمندره ولایت ننگرهار امحا گردیده است؛

۲- کشف و ضبط «۱۰۰» کیلو گرام هروئین، «۵۰» کیلو گرام تریاک و «۲۰» کیلو گرام چرس در ولسوالی شیندند ولایت هرات با دستگیری «۱۵» تن از عاملین و مرتکبین آن؛

۳- محو و از بین بردن بیش از هزارها بوتل مشروبات الکلی در شهر کابل.

با وجود مشکلات و دشواری‌های موجود، وزارت زراعت و آبیاری و وزارت احصائیه مرکزی وظیفه دارند، با همکاری سایر ارگان‌های کشف دولتی، ارقام احصائیه دقیق ساحات تحت زرع بته‌های مولد مواد مخدر را در سطح کشور جمع‌آوری کنند؛ تا مستند به آن راپورهای جامع و مقنع در

سطح بین‌المللی آماده و ارایه شده بتواند.

به‌منظور تهیه ارقام و احصائیه‌های دقیق ساحات زرع و تولید بته‌های مؤلد مواد مخدر و انصراف زارعان و دهقانان از کشت آن لازم است؛ تا سازمان‌های ذی‌ربط بین‌المللی و کشورهای ذی‌علاقه خارجی با دولت اسلامی افغانستان مساعدت‌های لازم تخنیکی و مالی به عمل آورند؛ تا در قبال آن یک پلان عملی واقع‌بینانه برای مقابله و مبارزه علیه زرع و کشت بته‌های مؤلد مواد مخدر در کشور تنظیم و در منصفه اجرا و تطبیق قرار داده شود.

به اثر صدمات و خسارات شدیدی که جنگ ویرانگر بر شفاخانه‌های شهر کابل و از جمله شفاخانه‌های صحت روانی و معتادین وارد کرده است، موضوع درمان و تداوی معتادین را به اشکال جدی مواجه ساخته است. از اینکه تداوی و باز توانی معتادین در اوضاع فعلی از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است، «انستیتیوت علوم صحت روانی» با راهنمایی و همکاری وزارت صحت عامه، هدایات کمیسیون عالی دولتی مبارزه با مواد مخدر و دولت اسلامی افغانستان در احیا و فعال ساختن مجدد شفاخانه‌های صحت روانی و معتادین تدابیر لازم و اقدامات عاجل را اتخاذ و عملی کند.

کمیسیون عالی دولتی مبارزه با مواد مخدر جهت مقابله و تسلط بر معضله زرع، تولید، قاچاق و استعمال مواد مخدر و نشئه‌آور و تنویر اذهان عامه و جلب توجه مردم به اثرات منفی، خطرات جانی و پیامدهای ناگوار اجتماعی مخدرات و مسکرات، سیمینارهای علمی و آموزشی را در مراکز و ولایات کشور به اهتمام اکادمی علوم و وزارت‌های صحت عامه، تعلیم و تربیه، تحصیلات عالی و مسلکی، ارشاد و اوقاف، زراعت و آبیاری و اطلاعات و فرهنگ تدویر و سازمان‌دهی کند.

همچنان دولت اسلامی افغانستان از تمام اقشار و طبقات جامعه افغانی، اعم از علما، روحانیون، موسفیدان، معلمان، واعظان، داکتران، نویسندگان، ژورنالیستان و هنرمندان کشور صمیمانه می‌طلبد؛ تا در امر مبارزه علیه زرع، تولید، تذخیر، توزیع، فروش، ترافیک و استعمال مواد مخدر فعالانه سهیم

شوند.

سیاست اساسی «دولت اسلامی افغانستان» پیرامون مواد مخدر بر مبنای همکاری متقابل و صمیمانه با کلیه کشورهای منطقه و جهان استوار است. ما باور کامل داریم که هیچ مانعی در راه تأمین گسترش و توسعه همکاری‌های همه‌جانبه بین دولت اسلامی افغانستان، سازمان‌های بین‌المللی و دول ذی‌علاقه جهان در رابطه به مبارزه علیه فاجعه مواد مخدر وجود ندارد؛ زیرا دروازه‌های همکاری کشور ما به روی تمام سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای خارجی در این زمینه باز است.

دولت اسلامی افغانستان در عرصه‌های همکاری مشترک با کشورهای همسایه، جمهوری اسلامی ایران و پاکستان و جمهوری‌های آسیای میانه، در امر مبارزه علیه پرابلم مواد مخدر و ترافیک آن ارج فراوان قایل است. چنانکه در سال گذشته یادداشت تفاهم بین دولتین اسلامی افغانستان و ایران در مورد همکاری‌های مشترک مبنی بر مبارزه علیه کشت غیرمجاز کوکنار، تولید و قاچاق مواد مخدر و ادویه سایکوتراپیک در تهران به امضا رسیده و عقد چنین توافقاتی با سایر کشورهای همسایه در محراق توجه ما قرار دارد.

دولت اسلامی افغانستان، پیشنهاد می‌کند؛ تا به منظور تأمین و تحکیم همکاری‌های منطقی کمیسیون خاص منطقی سازمان ملل متحد در نوار سرحدات افغانستان با همسایگان، غرض جلوگیری از تهیه و ترافیک مواد مخدر ایجاد گردد و این کمیسیون پرابلم‌های عایده منطقی کشورهای ذی‌ربط را از نزدیک ارزیابی و بررسی کرده و زمینه همکاری‌های وسیع و تبادل نظریات و معلومات بین کشورهای هم‌جوار را فراهم ساخته که در نهایت امر از سوءتفاهمات دولت‌های منطقه و همسایه جلوگیری به عمل خواهد آمد.

دولت اسلامی افغانستان معتقد است که معضله مواد مخدر یک پرابلم نهایت حساس و مهم و جهانی بوده و نمی‌تواند صرفاً در چوکات و امکانات محدود داخلی کشورها حل و فصل گردد؛ بلکه حل این پرابلم همگانی

مستلزم همکاری‌های جدی منطقوی و بین‌المللی بوده و یقیناً سازمان ملل متحد تکیه‌گاه مطمئن و یگانه مرجع سازمان‌دهنده و تنظیم‌کننده این همکاری‌ها بوده می‌تواند.

دولت اسلامی افغانستان اظهار آمادگی کرده و حاضر است تا با همکاری ملل متحد در یک فرصت مناسب میزبان یک کنفرانس بین‌المللی غرض یافتن طرق و وسایل جلوگیری از زرع، تولید، توزیع و قاچاق مواد مخدر به اشتراک متخصصین و صاحب‌نظران کشورهای امریکایی، اروپایی، آسیایی و مؤسسات اختصاصی سازمان‌های بین‌المللی در کابل باشد.

باور کامل داریم که سازمان صحتی جهان، سازمان بین‌المللی کار، سازمان خوارکه و زراعت جهانی، سازمان فرهنگی و ثقافتی ملل متحد، انترپول و بورد کنترل بین‌المللی مواد مخدر ملل متحد از اقدام بشردوستانه ما مبنی بر ایجاد کمیسیون عالی دولتی مبارزه علیه مواد مخدر صمیمانه استقبال خواهند کرد و دولت اسلامی افغانستان را با در نظر داشت موقعیت حساس جیوپولتیک آن در این امر شریفانه و خیرخواهانه مساعدت لازمه خواهند کرد.

بی‌مورد نیست یادآور شوم که مبارزه علیه پدیده منفی و مدموم مواد مخدر تنها و فقط منحصر به کمیسیون عالی دولتی مبارزه علیه مواد مخدر نمی‌باشد؛ بلکه هر فرد با درک افغانی و هر کارمند با احساس دولت‌بنا بر مسئولیت اسلامی، رسالت تاریخی، اصالت فردی، شهامت افغانی، احساس وطن‌دوستی و مکلفیت قانونی‌شان موظف‌اند تا علیه این طاعون اجتماعی و این آفت تباه‌کن جهانی که یقیناً بارزترین گنجینه جامعه، یعنی انسان وطن ما را متضرر و نابود می‌سازد، قاطعانه و جدی مبارزه کنند. این مبارزه خیلی دشوار؛ ولی نهایت پرافتخار است؛ زیرا این مبارزه در راه نجات انسان از چنگ مرگ و مبارزه به خاطر سعادت و رفاهیت خانواده بشریت است.

از این رو، از نیروهای ملی و بین‌المللی تقاضا می‌کنم؛ تا کمیسیون عالی دولتی مبارزه علیه مواد مخدر دولت اسلامی افغانستان را در ایفای رسالت

خطیرش یاری رسانند.

خداوند بزرگ دولت اسلامی و ملت متدین افغانستان را در این مبارزه
عظیم موفق و سرفراز گرداند؛ آمین یا رب العالمین.
اَلْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ

خطابهٔ یک‌صد و سی و ششم
سخنرانی در میان نمایندگان نواحی شهر کابل
تاریخ: ۱۳۷۴ / ۱ / ۶ هـ ش
مکان: کابل، افغانستان.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَكُنْفَىٰ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِیْنَ
اضْطَفَىٰ اَمَّا بَعْدُ:

برادران بسیار عزیز!

من از خدمات و تلاش‌های بسیار صادقانه و دلسوزانه شما برادران در سخت‌ترین اوضاع، در روزهایی که حتی از یکجا به جای دیگر گشت و گذار خیلی مشکل بود، اظهار رضایت‌مندی می‌کنم.

من خود شاهد بودم که شما برادران با بسیار ایمان‌داری و با احساس مسئولیت، به خاطر تأمین امنیت و صلح تلاش می‌ورزیدید، حتی به جان خود خطر را قبول می‌کردید؛ تا در شهر کابل امنیت و صلح قائم شود. یقیناً که کارها و فعالیت‌های شما - قسمی که گزارش مختصر هم دادید - زیادتر از این چیزهایی است که شما اینجا اشاره کردید و نتایج بسیار مثمر و مفیدی را در بر داشت. کارهای شما در روزهایی که من فعالیت‌های‌تان را تعقیب می‌کردم، طوری بود که شما برادران تلاش می‌کردید، به سطح کل کشور عزیزمان امنیت برقرار گردد و نفاق‌افکنی‌ها، تضادها و اختلافات نژادی، مذهبی و زبانی به کلی از بین برود.

اگرچه امکانات محدودی در اختیارتان بود؛ اما با آن هم صدق و اخلاص در هر کاری که باشد، یقیناً نتیجه مثبت می‌دهد.

بلی، کارهای شما اگرچه نتایج بسیار خوبی داشته؛ اما مسئولیت‌های‌تان پایان نمی‌پذیرد. در هر مرحله هر قدر وضع بهتر هم شود، باز هم کارهای

نیک، نیاز اساسی جامعهٔ مسلمانان است که احتیاج دارند تا کارهای خوب در بین آنان صورت بگیرد، وحدت، اتفاق و برادری استحکام پیدا کند، هر جایی که مشکلی پیدا می‌شود، باید با تلاش‌ها حل گردد.

البته در هر جامعه‌ای مخصوصاً در جوامع جنگ‌زده، مانند کشور ما که معضلات بسیار زیاد دارد، نیاز به کارهای بیشتر دارد.

ما باید جهت خدمات به اسلام، مردم و کشور خود و در جهت وحدت ملی و بازسازی افغانستان تلاش کنی. اگرچه ماوشما در اوضاع سخت و دشوار ایام گذشته باهم دیدارهایی داشتیم، امروز بار دیگر دریکی از روزهایی که در تاریخ کشور ما یک روز بسیار پرسروصداست باهم ملاقات می‌کنیم.

البته شش‌شش جدی از یک‌جهت روز بسیار غم‌انگیز و فاجعه‌باری بود که در اینجا قشون سرخ مداخله کرد؛ اما درعین حال یک روز بسیار مهم است که مردم ما قیام‌شان و جهادشان به‌صورت یک رستاخیز بسیار عظیم تبدیل شد و بالاخره به لطف خداوند بعد از مشکلاتی که مردم ما متحمل شدند، بعد از صلابت و همتی که مردم ما نشان دادند، به لطف خداوند قشون سرخ شکست خورد و کشور ما آزاد شد، معادلات در تاریخ جهان تغییر یافت. نه‌تنها بسیاری از مسلمانانی که در زنجیر اسارت بودند، آزاد شدند؛ بلکه کشورهای غیرمسلمان از زنجیر اسارت کمونیزم خون‌آشام به کلی نجات یافتند، کشورهای جدید، کشورهای آزاد در جغرافیة سیاسی جهان در نقشهٔ جهان تازه پا به عرصهٔ ظهور گذاشتند.

در کشور عزیز ما، در افغانستان عزیز، دولت اسلامی تشکیل شد؛ اما مثلی که همه شاهد واقعیت‌ها در تاریخیم، مسلمانان در هر مرحله با مشکلات مواجه گردیده‌اند. در کشور عزیزمان هم ماوشما با این مشکلات روبه‌رو شدیم. ما و ملت ما انتظار نداشتیم که بعد از جنگ بسیار عظیمی که با قشون سرخ کرده بودیم، بعدازاین همه پیروزی‌ها و افتخارات عظیم، مردم ما با یک سلسله مشکلات بسیار زیادی در داخل کشور روبه‌رو شود.

به‌هرحال، توطیه‌های خارجی و فتنه‌گری‌هایی توسط ایادی خارجی به راه انداخته شد و همه دست‌به‌دست همدیگر دادند و مردم ما را به یک سلسله

مشکلات بسیار اندوه‌باری روبه‌رو ساختند.

به‌رحال، ما یقین داریم، قسمی که در جوامع انسانی عناصر شر و فساد وجود دارد، عناصر خیر و صلاح و دلسوزی هم وجود دارند که در نهایت خیر بر شر و صلاح بر فساد غالب می‌شود. عناصر مصلح، عناصر متقی و عناصر دلسوز بالاخره جامعه را از عناصر مفسد پاک می‌سازند.

ما یقین داریم نمونه‌ای از این کارهای خوب، در کشور عزیز ما، همین تلاش‌های صادقانه‌ای است که شما برادران انجام داده‌اید.

امیدواریم که بعد از این در کشورمان جنگ نباشد و جنگ‌ها به کلی پایان بیابد. کسانی که در کشور ما مداخله می‌کند، دست از مداخله بردارند.

تا جایی که به دولت اسلامی مربوط است، شما خود شاهدید که در طول تمام کشمکش‌های داخلی هیچ‌وقتی از طرف دولت اسلامی حرکتی به‌جانب مقابل حتی به‌عنوان عناصر مزاحم و عناصری که همیشه دردسر ایجاد می‌کردند، صورت نمی‌گرفت و حتی شما خود شاهد خواهید بود که بعد از تشکیل دولت اسلامی بقایای دولت سابق و نیروهایی که در اینجا بودند، حضور داشتند و کسی به آنان کاری نداشت و حتی در دروازه‌های ارگ ریاست جمهوری هم بعضی از آن گروه‌های خودسر وجود داشت، حتی ما نخواستیم آن‌ها را به‌زور از اینجا بکشیم؛ بلکه همیشه می‌خواستیم که آن‌ها به میل و اختیار خود اینجا را ترک بگویند و تابع نظم و دسپلین شوند و الی از نظر تعاملات امنیتی و نظامی نباید به افراد غیر مسئول در مهم‌ترین و حساس‌ترین جاها بدون اینکه تابع نظم کشوری و دولتی بوده باشند، به این حد موقع داده شود. با این شکل، با این روحیه گذشت و با خونسردی و با روحیه مسالمت‌آمیز در برابر همه گروه‌ها و همه نیروها معامله صورت گرفت.

همیشه دولت مورد تجاوز، مورد توطئه و تفتین قرار می‌گرفت؛ اما باز هم پیش از این که دولت دست به یک عمل مسلحانه بزند، وزارت دفاع دست به عمل مصالحتی می‌زد؛ تافته را خاموش بسازد. ما می‌کوشیدیم هیئت‌های صلح را بفرستیم، با آنان دیدار صورت بگیرد که برای چه می‌جنگید؟ هدف‌تان چیست؟ چه می‌خواهید؟ شما پیش از این که دست به جنگ

می‌زنید و کشور خود را ویران می‌کنید و مردم خود را می‌کشید، هدف‌تان را، مطلب‌تان را، مقصد و منظوری که دارید، باید بگویید و اگر از راه صلح، از راه تفاهم سیاسی مشکل حل نشد، آن وقت شاید برای خود حجة و دلیلی پیدا بکنید؛ اما درحالی که هیچ دلیلی ندارید، چرا دست به جنگ و دست به تفتین و آشوبگری می‌زنید؟

در اوضاع کنونی که از اثر مداخلات و توطیه‌های خارجی مشکلات زیادی را مردم ما متحمل شده‌اند، بازهم دولت این پیام را به مخالفین رسانیده و امروز هم من به مناسبت حضور شما برادرانی که به‌عنوان [نمایندگان] گروه محصلین، [از نواحی مختلف شهر کابل] به خاطر وحدت ملی و از بین بردن تمام مظاهر کشمکش‌ها در داخل کشور تلاش می‌کنید، اعلان می‌کنیم که ما از تمام گروه‌ها یک‌بار دیگر می‌خواهیم بیایند، روی همه قضایا باهم یکجا فیصله کنیم، باید جنگ را در تمام افغانستان خاموش بسازیم. دیگر در هیچ جایی جنگ باید بعد از این نبوده باشد. همه مسایل، موضوع انتقال قدرت، تشکیل حکومت موقت و سایر قضایا به ارتباط تأمین امنیت در کل کشورمان را یکجا باهم حل بکنیم. برادروار روی قضایا صحبت کنیم تا به یک نتیجه معقول و منطقی که بر اساس احکام شریعت اسلامی و خواست مردم موافق بوده باشد برسیم و روی این مطلب شورای عالی دولت اسلامی هفته گذشته روز یک‌شنبه فیصله کرد که هیئت‌هایی در سطح بسیار بالا در هر منطقه‌ای که مناسب باشد، پیش تمام برادرانی که به‌عنوان اپوزیسیون‌اند، روان شود و اگر ایجاب کند، رئیس دولت هم خودش آماده است که به نقاط مختلف برود و با مخالفین از نزدیک ببیند. اگر آنان به مرکز نیامدند، ما آمادگی خود را نشان دادیم که ما برویم و با آنان ببینیم و آنان را به صلح و آشتی دعوت بکنیم. موضع‌گیری آنان، عکس‌العمل آنان هرچه باشد، این تلاش را ما آغاز می‌کنیم. ما تصمیم داریم با تمام رهبران شورای هماهنگی، با آقای حکمتیار، با محترم مجددی صاحب، با جنرال عبدالرشید دوستم، با آقای خلیلی و طالبان و با سایر رهبران محترم، دیدار کنیم.

البته هیئت‌های مسلسل ما، با آنان دیده است. با مولوی صاحب خالص

که ایشان همیشه در روند صلح قرار داشتند، با پیر گیلانی و مولوی صاحب محمد نبی محمدی و با سایر کسانی که طرف قضیه‌اند و می‌توانند در جهت صلح و تأمین امنیت کاری انجام بدهند.

ما همیشه آمادگی خود را اعلان کردیم و یک بار دیگر تأکید می‌کنیم که ما آماده‌ایم با ایشان از نزدیک ببینیم، صحبت بکنیم و به جای اینکه جنگ در کشور ما ادامه بیابد، بعد از این باید کوشش کنیم که تمام ریشه‌های کشمکش و جنگ را خشک بسازیم و در کشورمان صلح، اخوت و برادری را به میان بیاوریم.

البته این پلانی که گرفتیم تصمیم تازه ما نیست، ما همیشه این تصمیم را داشتیم و این پلان را همیشه روی دست گرفته بودیم، خصوصاً در این روزها که در ماه شعبان و در آستانه حلول ماه مبارک رمضان قرار داریم، امیدواریم که در ماه مبارک رمضان بعد از این روزه‌داران و نمازگزاران، در مساجدشان با اطمینان کامل مشغول عبادات خود بوده باشند و باز صداها و انفجارهای خمپاره‌ها و راکت‌ها مردم را مورد تهدید قرار ندهند و هر شب و روزی در خانواده‌های ما غم و درد و رنج را ایجاد نکنند. ما امیدواریم که کسانی که بعد از این می‌جنگند، پس از این متوجه شوند که از راه جنگ چیزی حاصل نمی‌شود و جنگ هیچ مشکلی را حل نمی‌کند.

در دنیا آخرین سرحد جنگ عبارت از صلح، مذاکره و تفاهم است و به این اساس چه خوش‌تر که به جای اینکه یک تعداد زیادی از مردم در رنج و غم بر اساس جنگ‌های بسیار بیهوده روبه‌رو شوند، صلح، تفاهم و برادری به میان بیاید.

ما هیئت‌هایی را بار دیگر می‌فرستیم و به سطح خود رئیس دولت هم آمادگی را دارد که در نقاط مختلف برود و با تمام اطراف صحبت کند و اگر خدا خواسته باشد، جنگ‌ها در کشورمان از بین برود.

پیام ما به همه کشورها و کسانی که در موضوع افغانستان مداخله می‌کنند و مخصوصاً به زمامداران پاکستان، همیشه این بوده که در امور داخلی ما نباید مداخله کنند.

پیام همیشگی ما به ملت پاکستان این بوده که ملت پاکستان ملت برادر ماست. ما هرگز نمی‌خواهیم هیچ مشکلی در میان برادرهای پاکستانی ما به میان بیاید. ما تعجب می‌کنیم که در این اواخر حوادثی در داخل پاکستان به وقوع پیوسته که در حقیقت مشکلات داخلی خود زمامداران فعلی پاکستان است؛ اما گاه‌گاهی آوازه‌هایی شنیده می‌شود که مسایل و ضعف‌های داخلی خود را مربوط می‌سازند به افغانستان. انفجاری که اخیراً در پیشاور صورت گرفته، یقیناً از نظر ما، از نظر دولت اسلامی افغانستان، از نظر مردم افغانستان یک عمل غیرانسانی و غیراسلامی بود که آن را ما جداً محکوم کردیم.

امیدواریم که بیش از این کسانی نبوده باشند، به خاطر آزار دادن مهاجرین ما، بهانه‌های نادرستی را عنوان قرار دهند و مردم مهاجر ما را در آنجا آزار بدهند. ما خواهان اخوت، برادری و دوستی با ملت مسلمان پاکستان بودیم و هستیم.

ما امیدواریم در کشور ما صلح و امنیت قایم شود و دست‌های ناپاک آنانی که از بیرون فتنه‌انگیزی می‌کنند، از کشور ما کوتاه گردد و همه توطیه‌ها به ناکامی بینجامد و مردم ما برادروار در پهلوی همدیگر قرار گرفته و با وحدت و برادری، در جهت تأمین صلح و اعمار و بازسازی کشورشان، گام‌های ارزنده و مثبت بردارند.

یک‌بار دیگر از همه شما تشکر می‌کنم و دعا می‌کنم که خداوند شما را در تلاش‌های مثبت و ثمربخش‌تان در جهت صلح موفق بسازد.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ،... إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.^۱

۱. ترجمه معانی آیه مبارکه گذشت. «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک صد و سی وهفتم
به مناسبت امضاء توافقنامهٔ صلح تاجیکستان.
کابل: ۱۹۹۵ م / ۱۳۷۴ هـ ش



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَكَفَى وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِیْنَ
اصْطَفٰی؛ اَمَّا بَعْدُ:

قال الله تبارک وتعالی فی محکم کتابه وهو اصدق القائلین، [أَعُوذُ
بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ] بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴿۱﴾ اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ
فَأَصْلِحُوا بَیْنَ اَخْوَانِكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۲﴾^۱
(هر آیینه مؤمنان باهم برادرند، پس در میان‌شان صلح را برقرار سازید، از خدا
بترسید تا شما رستگار گردید.)

برادر محترم جناب عالی امام علی رحمان‌اوف، رئیس جمهور کشور
برادر جمهوری تاجیکستان^۲ برادر محترم جناب سید عبدالله نوری رهبر
نهضت اسلامی و مهمانان گرامی!
السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ

خرسندم که از جانب شخص خود، مردم و دولت اسلامی افغانستان،
تشریف‌آوری شما محترم، جناب امام علی رحمان‌اوف رئیس جمهوری
تاجیکستان و محترم جناب سید عبدالله نوری رهبر نهضت اسلامی
تاجیکستان و همراهان محترم شما دوستان هم‌کیش و هم‌زبان را به شهر

۱. حجرات / ۱۰. «مرکز تدوین»

۲. تاجیکستان: کشوری است که در آسیای میانه موقعیت دارد. مساحت آن ۱۴۳۱۰۰ کیلومتر مربع
و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۷۰۷۵۰۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن فارسی،
واحد پول آن «سامانی» و پایتخت آن شهر «دوشنبه» است. دین بیش از ۹۰ درصد مردم آن کشور
اسلام است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۱. «مرکز تدوین»

کابل مرکز کشور افغان‌ها، خوش‌آمدید می‌گوییم.

افغانستان و تاجیکستان، دو کشور همسایه، هم‌عقیده و دارای پیوندهای مستحکم تاریخی، مودت و دوستی، اعتماد و تفاهم متقابل و روابط گسترده‌ای در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی می‌باشند. مناسبات و رشته‌های اخوت میان مردمان دو کشور در اعماق قرون و در پهنای تاریخ پرشکوه و غنایمند این منطقه جهان، هستی یافته و رشد کرده است.

توسعه و تعمیق این علایق و پیوندها در اوضاع و شرایط نوین سیاسی- اجتماعی‌ای که در جهان حکم فرماست، متضمن منافع متقابل مردمان و کشورهای مان بوده و در تحکیم و تسریع روند تحولات اقتصادی- اجتماعی منطقه مؤثر و سودمند است.

دولت اسلامی افغانستان که تمام اقدامات و کوشش‌های بهی‌خواهانه آن در جهت تأمین صلح در کشور ما، منطقه و جهان متمرکز است. مساعی جمیله به خرج می‌دهد؛ تا در افغانستان اسلامی و کشورهای همسایه، صلح مطمین، پایدار، قابل‌پذیرش و سرتاسری، استقرار و استحکام روزافزون یابد. تحولات و انکشافات اخیر در جمهوری اسلامی افغانستان - که با حمایت وسیع مردمان آزاده و شجاع کشور ما به میان آمده است - نه تنها موجب تحکیم صلح و امنیت مطمین در شهر کابل گردیده، همچنان در اکثر نقاط کشور ما اوضاع استقرار یافته است.

اکنون مردم افغانستان در محیط مملو از تفاهم و همبستگی و اعتماد فزاینده به آینده خود، وطن خویش همگام و همدوش با دولت اسلامی خویش کار بازسازی افغانستان آسیب‌دیده از جنگ را استوارانه و دلیرانه به پیش می‌برند.

در چنین فضای صلح‌آمیز، تحکیم علایق مودت و توسعه همکاری‌های متقابلاً مفید میان افغانستان و همسایگان آن، من جمله جمهوری برادر تاجیکستان در محراق توجه دولت و مردم افغانستان قرار دارد. ما مطمینیم که در پرتو انکشافات مثبت به نفع صلح و ثبات اوضاع، زمینه‌های مساعد برای

تطبیق توافق‌های منعقدہ میان دو کشور فراهم می‌گردد.

عالی جنابان محترم!

مردم افغانستان مشتاقانه آرزومند تحکیم صلح و رفع سوءتفاهمات در کشور همسایه و ملت برادر تاجیکستان است. دولت و مردم افغانستان عمیقاً به اصول حسن هم‌جواری، احترام متقابل به استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها اعتقاد راسخ دارد. صلح ضرورت جامعه ماست. یقیناً شما با من هم عقیده خواهید بود که موجودیت تشنج در کشور برادر تاجیکستان به نفع هیچ جناح و طرفی نیست. کشور زیبای شما حتماً امروز یا فردا به صلح کامل دست می‌یابد. بالآخره منازعه به پایان می‌رسد، چون خواست دولت و مردم تاجیکستان است که در صلح و برادری زندگی کنند؛ ولی رستگاران آنانی اند که در راه صلح پیش قدم می‌شوند.

صلح ضرورت‌ها و شرایط لازم دارد. اگر همه ظروف برای امر صلح میسر و مساعد باشد؛ اما اراده سیاسی برای رفتن به سوی صلح کمبود باشد؛ در چنین صورتی تشنج، مخاصمت، تفرقه و دوری تداوم می‌یابد. خوشبختانه سفر شما به طرف صلح برخوردار از این عمده‌ترین و ارزنده‌ترین شرط است. اعلام داوطلبانه شما در آمادگی برای مذاکره به منظور نیل به یک حل دائمی، خود مبین موجودیت چنین اراده سیاسی نزد هر دو طرف برای تقارب و تفاهم ملی و در نهایت صلح و آشتی است.

مذاکرات کابل بدون شک متبلور آرزومندی‌های مشترک دولت تاجیکستان و نیروی‌های مقابل برای تأمین صلح و حصول تفاهم ملی در کشور آزاده و دوست‌داشتنی شما می‌باشد. ما از این آمادگی‌ها و اظهار تمایلات و علاقه‌مندی‌ها به نفع تأمین صلح در جمهوری تاجیکستان - که در طول مذاکرات جوانب ذی‌دخل به مشاهده رسیده است - مبتهج گردیده و آن را نشانه روشنی از موجودیت امکانات مساعد جهت حل قضایا در تاجیکستان زیبا، تاریخی و شکوهمند می‌دانیم.

برای مردم و دولت اسلامی افغانستان و شخص خودم افتخار بزرگی خواهد بود که شهر کابل - این قلب پر تپش قاره آسیا - کانون حصول تفاهم

برای صلح در کشور برادر و هم‌کیش تاجیکستان گردد. صلحی که نور آن در تمام اکناف و گوشه‌های کشور، شما را منور به صفا، برادری، آرامش و گرمی خواهد گردانید.

این صلح نوری خواهد بود که بر قلب‌ها می‌تابد و آن‌ها را مملو از عشق، مَحَبَّت و هم‌وطنی خواهد ساخت. نسل‌های فردا را در پهلوی هم قرار خواهد داد؛ تا برادرانه و صمیمانه، همدیگر را در ترقی و تعالی میهن‌شان یاری کنند. جنگ و ناامنی، پدیده‌های زشت و نامیمونی‌اند که به ارادهٔ نیک خود انسان‌ها ناپدید شده می‌تواند و شما می‌توانید آن را به صلح، امنیّت، وحدت ملی و برادری مبدل سازید.

دعا می‌کنم این سفر شما، سفر مقدّس و مبارکی باشد و دارای نتایج تاریخی.

آنچه ما در این راستا به شما پیشکش کرده می‌توانیم، مَحَبَّت خالصانه و برادرانه است و آرزوهای نیک. این احساسات از قلب فرد فرد مردم ما برمی‌خیزد. به امید موفقیت شما در این آزمون بزرگ و به امید آرامش و صلح هرچه زودتر و به آرزوی تحکیم هرچه بیشتر و محکم‌تر دوستی، برادری تعاون متقابل و همسایگی نیک بین جمهوری تاجیکستان و دولت اسلامی افغانستان و بالاخره به امید صلح پایدار در این منطقه و جهان.

أَقْسُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ... إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛^۱
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

۱. ترجمهٔ معانی آیهٔ مبارکه گذشت.

خطابهٔ یک صد و سی و هشتم
در اولین کنفرانس مطبوعاتی صلح تاجیکستان
تاریخ: ۱۹۹۵ م / ۱۳۷۴ هـ ش



الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ؛^۱ اَمَا بعد:
برادران نهایت عزیز و گران قدر جناب عالی، امام علی رحمان اوف
رئیس جمهور جمهوریت تاجیکستان! برادر عزیز جناب استاد سید
عبدالله نوری رئیس نهضت اسلامی و رهبر اپوزیسیون تاجیک و
مهمانان گرامی!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبِعد:

برای دولت اسلامی و مردم افغانستان جای بس مسرت و خوشحالی است
که برادران تاجیکستانی خود را در شهر کابل، در اجتماع پربرکت شان که
جهت تعمیق روابط میان دو ملت برادر، ملت افغانستان و ملت تاجیک و
جهت حل منازعات و ایجاد صلح پایدار در جمهوری تاجیکستان میزبانی
می کند و امروز که اسناد مهمی به ارتباط تعمیق و استحکام روابط میان دو
کشور همسایه و دو ملت برادر میان رئیس محترم جمهوری تاجیکستان و
رهبر اپوزیسیون، امضا می شود و گام های اساسی و عمده ای در جهت تأمین
صلح در این راستا برداشته می شود، این یک گام بسیار ارزشمند و این ساعت
از ساعات های بسیار پر بار و پربرکت است.

دولت اسلامی افغانستان بر مبنای استراتژی صلح خواهانه خود،
خواهان تحقق جدی صلح در منطقه و در جهان است و روی این اصل ما
به ارتباط قضایای کشورهای همسایه مان و به خصوص به ارتباط جمهوری

۱. ستایش از آن الله است و درود و سلام بر بندگان برگزیده او. «مرکز تدوین»

تاجیکستان، آماده‌ایم که در پروسه صلح و تأمین امنیت هر نوع تلاش ممکن را دریغ نکنیم و ما معتقدیم که اصل صلح تجزیه‌ناپذیر است؛ بنابراین، چه در منطقه ما چه در هر جای دیگری صلح تأمین گردد، به نفع کشور ما و به نفع منطقه است.

به علت کوتاهی وقت، زیاد وقت‌تان را نمی‌گیرم، امیدوارم که اجتماع کابل گام مؤثری در جهت ایجاد صلح پایدار در جمهوری برادر، کشور تاجیکستان بوده باشد.

یک‌بار دیگر موفقیت همه را، موفقیت برادران و تلاش‌های دلسوزانه‌شان را در جهت تأمین امنیت و صلح در تاجیکستان، از خدای توانا به دست دعا نیازمندم و از برادر عزیزمان جناب امام علی رحمان اوف رئیس‌جمهور تاجیکستان و از برادر بسیار عزیزمان جناب استاد سید عبدالله نوری، صمیمانه اظهار قدردانی و تشکر می‌کنم که دعوت دولت اسلامی افغانستان را مبنی بر تدویر اجتماع مبارک در کابل پذیرفتند.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

خطابهٔ یک صد و سی و نهم
به مناسبت تبریکی پیروزی‌های اخیر
مکان: ولایت پنجشیر.



برادران بسیار محترم! علما! بزرگان! قوماندانان و مجاهدین بسیار عزیز

ولسوالی پنجشیر!

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

برای من جای بسیار خرسندی است که در این سفر که غرض دیدار شما عزیزان به منظور تهنیت و تبریکی از پیروزی‌های اخیر که در ولایات کاپیسا، پروان و شمال کابل صورت گرفته با برادران بسیار عزیز و ارجمندمان، برادر بسیار عزیز، جنرال صاحب عبدالملک خان رهبر جنبش ملی و اسلامی و برادرانی که همراه این‌ها هستند از جمله برادر بسیار عزیزمان قوماندان صاحب عبدالغفار - از چهره‌های معروف جهادی مان- و برادرهای دیگر و عزیزمان از نماینده‌های حزب وحدت و سایر برادرانی که در این اوضاع حسّاس، از شما و از پایگاه بسیار پرافتخار و افتخار آفرین مجاهدین مان در ولسوالی پنجشیر دیدن به عمل می‌آوریم.

در آغاز، پیش از همه به روی همه شهدای عزیزمان، چه آنانی که در دوران اشغال و حمله دشمن، در ایام جهاد و هجرت شهید شدند و چه آنانی که بعد از تشکیل دولت اسلامی در دوران توطیه‌های مسلسل که یکی بعد دیگر و توطیه فعلی که تحت عبا و قبا و نام طالب به میان آمد و تعداد زیادی از فرزندان بسیار صادق و مخلص و مجاهد ما، از جاهای مختلف کشورمان مخصوصاً از پنجشیر، از ولایات پروان، کاپیسا و شمال کابل شهید شدند،

۱. در این وقت، پنجشیر، یک شهرستان است و هنوز ولایت نشده است. «مرکز تدوین»

به روح همهٔ شان اتحاف دعا می‌کنیم و این پیروزی‌ها را به همه مبارکباد می‌گوییم.

درحالی‌که از پیروزی‌های اخیرمان در پروان و کاپیسا یادآور می‌شویم، شاهد پیروزی‌های بسیار عظیمی بودیم که در أم‌البلاد (بلخ) به همت مردم مجاهد و زعامت جنبش ملی و اسلامی ضربت بسیار سختی بر پیکر توطیه‌گران وارد شد و همچنان در مرکز یکی از مراکز بسیار پرافتخار مقاومت‌مان در کشور که در آنجا دشمن تلاش‌های بسیار ظالمانه و وحشیانه‌ای داشت؛ اما به همت مجاهدان صادق و مردم شجاع و دلیر ما در مناطق مرکزی دشمن به شکست روبه‌رو شد.

این همه پیروزی، مُکَمَّل یکدیگرند و مجموع این‌ها جزو افتخارات بزرگ ملت‌های قهرمان و مؤمن و خداپرست ماست. این افتخارات را که مایهٔ مباهات همهٔ ماوشماست، به همهٔ ملت مسلمان افغانستان، به همه علما و دانشمندان، به همه مجاهدان و مردم خداپرست کشور عزیزمان مبارکباد می‌گوییم.

ناگفته نماند که در تاریخ معاصر افغانستان نقاط بسیار روشن و ارزش‌های بسیار عمده‌ای تبارز کرده‌است که از جمله ماوشما، همچنان که چهره‌های خوب و صادقی را می‌بینیم، چهره‌ها و افراد خاینی را نیز در کشور مشاهده می‌کنیم؛ به گونهٔ مثال:

ما وقتی در صفوف مختلف - چه در میان سیاست‌مداران و چه در میان کسانی که در عبا و قبای علما هستند - به چهره‌های مختلف و اشخاص مختلف می‌بینیم و در میان‌شان مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که چقدر میان‌شان تفاوت هست؛ مثلاً: وقتی تعدادی از علما را می‌بینم و در بین‌شان مقایسه می‌کنیم، تفاوت فاحشی را میان‌شان می‌بینیم؛ برای مثال: مولوی صاحب موسی - یکی از علمای مان در شمال - در پیشاپیش علما، در سنگر دفاع از دین، در سنگر دفاع از مردم افغانستان، استقلال، آزادی و تمامیت ارضی کشور، در سخت‌ترین اوضاع همراه با بزرگان پنجشیر، قوماندانان و مجاهدین عزیزمان، در روزهایی که در محاصرهٔ سختی در ایام زمستان قرار گرفته بودید

و هیچ وسیله و امکاناتی هم در اختیار تان نبود، در پهلوی تان قرار گرفت و به همین ترتیب در حالی که دیگر مولوی صاحب‌های پنجشیر فتوای می‌دهند که ما با شکم گرسنه می‌جنگیم؛ اما در صف مقابل می‌بینیم که مولوی حقانی در پیشاپیش لشکر غدر و خیانت قرار می‌گیرد و به خاطر سرکوبی ملت خود، پست‌ترین اعمال را انجام می‌دهد. به همین شکل افرادی را هم می‌بینیم که اگر یک‌روزی به نامی، در صفوف مجاهدین جای گرفته بودند و یا هم عنصری که در چهره دیپلمات و سیاست‌مدار ظاهر شده بودند؛ اما در امتحان اخیر دیده شد که تعداد زیادی از این عناصر در خدمت دشمنان آزادی و استقلال و تمامیت ارضی کشورمان قرار گرفته‌اند.

پس این افتخارات بسیار بزرگی است که نصیب ملت مؤمن و خداپرست ما شده و مخصوصاً مقاومت بی‌نظیر شما. البته نه تنها این مقاومت در دوران توطئه اخیر، یکی از نقاط بسیار روشن تاریخ شماس است که ما به یاد داریم که در دوران جهاد هم، در دورانی که روس‌ها حمله کرده بودند، باز هم برادران ما در پنجشیر، با شکم گرسنه و با وجودی که در محاصره‌های اقتصادی، قرار داشتند، در سنگر دفاع از دین و وطن‌شان مردانه رزمیدند.

جای بسیار خرسندی است که در اوضاع کنونی، ما مسایل بسیار بارزشی را می‌بینیم. ما می‌بینیم که امروز دشمنان ما - به لطف خدا - در هر سنگری شکست خورده‌اند؛ به گونه مثال:

همین کسانی که امروز تصمیم گرفته‌اند که جنگ تحت نام این ملیت و آن ملیت را در بدهند و یک حرکت فاشیسم وابسته به خارجی را علیه ملت افغانستان رهبری بکنند، همین‌ها دیروز تلاش می‌کردند که در خانه خود ما، در مابین ملت‌های مظلوم ما جنگ را ایجاد بکنند؛ اما خدا را شکرگزاریم که امروز ما می‌بینیم، تمام ملیت‌های دلسوز و مخلص افغانستان، مخصوصاً در شمال، همه در پیشاپیش سنگر وحدت، برادری و یکپارچگی قرار دارند. امروز ما شاهدیم که برادران عزیز ما در جنبش ملی و اسلامی و رهبر جنبش در میان ما به‌عنوان یک قهرمان وحدت و یکپارچگی قرار دارد.

همچنان ما امروز می‌بینیم که نمایندگان ما در ترکیب خود چهره‌های

بسیار تابناکی را از مناطق مرکزی حزب وحدت اسلامی دارند که در جهت وحدت ملی و اسلامی در افغانستان نقش اساسی خود را دارند.

در پهلوی سایر پیروزی‌ها، این خود یک پیروزی بسیار بزرگی است که - به لطف خداوند - امروز دشمن را یقیناً سخت دچار وحشت ساخته است. شیاطینی که سال‌ها توطیه ریختند؛ تا دست این ملت‌ها را در گریبان یکدیگر قرار بدهند و یکی را علیه یکدیگر در جنگ و کشمکش قرار بدهند؛ اما امروز این شیاطین یکسره مایوس شده‌اند.

امروز به لطف خداوند در شمال وحدت و یکپارچگی، اخوت و برادری وجود دارد. برادران ما که دیروز احساس می‌شد از همدیگر دوریم، امروز بدون دریافت کدام امتیازی همه چیز خود را کنار گذاشتند و از همه امتیازات خود، تنها به خاطر رضای خداوند، یکپارچگی و همبستگی ملیت‌های خود و دفاع از افغانستان به خاطر نجات کشور عزیزمان، دست کشیدند و همه در پهلوی همدیگر قرار گرفتند.

برای ما و شما در ولسوالی پنجشیر، جای بسیار خوشی است که ما امروز شاهد یکپارچگی و وحدت در این منطقه می‌باشیم. گفتنی است که همه برادران نه تنها به خاطر اظهار تبریک و شریک شدن در این خوشی‌ها و اظهار همبستگی آمده‌اند؛ بلکه نشان می‌دهند که همه یکپارچه، متحد و برادروار در یک سنگریم.

یقیناً جبهه متحد اسلامی - که برای نجات افغانستان تشکیل شده است - دولت اسلامی افغانستان و همه ملیت‌های مؤمن و خداپرست در شمال افغانستان، خواهان وحدت ملی افغانستان‌اند. ما هیچ وقت نخواستیم و هرگز هم اجازه نخواهیم داد که به نام تاجیک، پشتون، ترکمن، هزاره و اوزبیک جدایی و تفرقه ایجاد شود؛ اما هستند دست‌های ناپاک و افراد وابسته به خارجی‌ان که می‌خواهند با حرکت‌های فاشیستی خود، افغانستان را پارچه‌پارچه بسازند. جنگ در مابین ملت‌ها ایجاد نکنند و چهره‌های تابناک و علمای ما را خدشه‌دار بسازند؛ ولی به لطف خداوند شاخ این توطیه‌ها در صخره شکست‌ناپذیر شمال، درهم شکست.

بلی، امروز ما شاهدیم که تمام توطیه‌ها یکی بعد دیگری درهم شکسته می‌شود.

البته ناگفته نگذاریم که اینجا همه مذاهب افغانستان، همچنان که همه ملیت‌های افغانستان هستند، حضور دارند؛ مثلاً: در میان ما رهبر محترم فرقه اسماعیلی جناب سید منصور نادری، هستند، همچنان که برادران حزب وحدت ملی تشریف دارند. البته نمی‌توانیم آنان را تنها نماینده برادران شیعه خود بدانیم؛ بلکه این‌ها نماینده تمام ملیت‌های مظلوم هم هستند. خلاصه، همه به لطف خداوند در یک صف و یک سنگر علیه تمام توطیه‌ها و توطیه‌گران قرار دارند.

من درحالی که یک بار دیگر این پیروزی‌های اخیر را به فرد فرد شما، به همه ملت افغانستان، به همه مجاهدین، به خود و همه برادران مبارکباد می‌گویم و آن را جای بسیار خوشی می‌دانم، باید از پروردگار خود شاکر باشیم که برای مردم ما، در شمال افغانستان، الطاف بی‌پایان خود را لطف و عنایت فرموده است.

شما شاید همه شاهد بوده باشید که توطیه‌هایی بودند که می‌خواستند افغانستان را به کلی به یک پایگاه خارجی و دشمنان افغانستان تبدیل بکنند، افغانستان را به شمال و جنوب تقسیم بکنند، سنگرهای جهادی را نابود سازند، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان را از بین ببرند؛ اما به لطف خداوند و سپس به همت شما علمای بزرگ و دلسوز، شما پدران بزرگوار و باایمان و فرزندان سنگر نشین‌تان - که همیشه در سنگر قرار داشتند - و به رهبری برادران بسیار عزیزتان از قوماندانان و فرماندهان بسیار عزیز و ارجمند و سایر برادران ما در شمال افغانستان، سرانجام تمام توطیه‌ها یکی بعدی دیگر ناکام شد و امروز ما شاهد پیروزی‌های بزرگی هستیم و از بارگاه اقدس الهی به دست دعا نیاز می‌کنیم که خداوند این پیروزی‌ها را تا به کمال برساند و دشمن را در همه جا به شکست روبرو بسازد و تمام ولایات کشور از لوٹ دشمنان دین و میهن پاک شود و این عناصری که ننگ دین، ننگ میهن، ننگ تاریخ و ننگ علما و طلبانید، خداوند این‌ها و کسانی را که در پشت سر

این توطیه قرار دارند، همه را در همه جا به ناکامی روبه‌رو بسازد و افغانستان عزیز ما را از این مشکلات جنگ نجات بدهد؛ تا وارد مرحله بازسازی و آباد ساختن کشور عزیز خود شویم و از نعمات امن و امنیت بهره‌مند شویم. در پایان از مهمان‌نوازی‌تان و از اینکه شما چند روز زحمت کشیدید و منتظر بودید. راستی وقتی که تصمیم گرفته شد که جهت مبارکبادی بیایم، برادران عزیزمان از جمله جناب ملک خان، جناب آغا صاحب سید منصور نادری و برادران حزب وحدت، همگی آرزومندی‌شان این بود که یکجا حرکت بکنیم که به لطف خداوند همه حالی یکجا با شما می‌بینم. خداوند همه ما و شما را در راه خدمت به دین، مردم و وطن عزیزمان توفیق عنایت بفرماید. وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ.

خطابهٔ یک‌صد و چهلم

به مناسبت سپردن مسئولیت معاونیت ریاست جمهوری

به دگر جنرال عبدالغفار خان

مکان: ولایت سرپل.



مردم مجاهد و متدین ولایت سرپل! علما! قوماندانان و مجاهدین!
 اَلْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ، وبعدها:

در آغاز، در حالی که دیدار از ولایت تاریخی شما، ولایت زیبای سرپل، برای من و همراهان همسفرم جای بسیار خرسندی است، از برادر بسیار عزیز و محترم مان دگر جنرال قوماندان عبدالغفار خان، معاون رئیس دولت اسلامی افغانستان، صمیمانه تشکر کرده و وظیفه جدیدشان را - که در پهلوی سایر مسئولیتهای جهادی و ملی به دوش دارند- برای شان از طرف خود یک بار دیگر مبارکباد میگویم و همچنان مسئولیت سنگین دیگری، یعنی وزارت امور خارجه را به برادر ارجمند و عزیزمان رهبر جنبش اسلامی و ملی - در پهلوی سایر وظایف شان - مبارکباد گفته و از بارگاه اقدس الهی برای شان توفیق مزید - در راه خدمت به کشور عزیزمان و برای همه مردم بادیانت و ملت مؤمن و مسلمان افغانستان - به دست دعا نیاز مندم.

برادران عزیز!

کشور عزیزمان در اوضاع کنونی، در مقطع حساسی از تاریخ خود قرار دارد، تحولات اخیر در شمال کشور و بعد از شکست مفتضحانه‌ای که دار و دسته مزدور و اجیر طالب‌نما در شمال کشور در اثر قیام قهرمانانه ملت مجاهد ما در شمال، روبه‌رو شدند... سزاوار است که مراسم مبارکبادی، به مناسبت مسئولیت جدیدی که برادر محترم مان دگر جنرال عبدالغفار خان - به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور - به دوش گرفته‌اند، صورت بگیرد. وَالْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ.

خطابهٔ یک صد و چهل و یکم

به مناسبت پایان دور معاهدهٔ اسلام آباد و جلال آباد و انکشافات نظامی و

سیاسی کشور

تاریخ: یکشنبه، ۱۹ سرطان ۱۳۷۳ هـ ش / ۱۰ جولای ۱۹۹۴ م.



الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وعلى آله واصحابه اجمعين.

ملت مسلمان و غيور افغانستان! هم وطنان دلير و باشهامت و برادران و خواهران!

اَلْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ، وبعده:

سپاس و ملت خدایی راست که ملت مؤمن و سلحشور افغانستان را همت و توانایی بخشید که در بحرانی‌ترین و بغرنج‌ترین لحظات تاریخ معاصر خویش، در حالی که نیروهای شر و فساد با تمام امکانات غرض اخلال زندگی عادی مردم، مذبحخانه و مزدورانه تلاش می‌ورزیدند، با متانت و شایستگی و با وحدت و همبستگی اسلامی و میهنی از افتخارات بزرگ تاریخی، استقلال و حاکمیت و وحدت ملی کشور خود صیانت و پاسداری کند و بجاست که از این لطف بی‌پایان الهی که به ملت حماسه‌آفرین افغانستان سربلند، اظهار سپاس و شکران کنیم و اما نیروهای شرارت‌پیشه که جز آشوبگری و از بین بردن هستی مادی و معنوی مردم و جامعه، هدف و خواست دیگری ندارند، این سرزمین آزادگان و زادگاه دلیر مردان حماسه‌آفرین را در سراشیب سترگ و انفجار قوی قرار می‌دادند.

هم وطنان عزیز!

بیش از دو سال از استقرار نظام اسلامی در کشور می‌گذرد، نظامی که به مثابه خون‌بهای یک و نیم میلیون شهید و به همین حدود معلول و معیوب،

پس از چهارده سال جهاد قهرمانانه و حماسه‌آفرین در کشور استقرار یافت. انتظار همگانی و چشمداشت مردم این بود که با تأسیس حاکمیت اسلامی، دوران رنج‌ها، ناله‌ها، محرومیت‌ها و مصایب به پایان خواهد رسید و مردم در فضای صلح و اخوت اسلامی تحت لوای شکوهمند اسلامی، با ایمان و حسن نیت و فارغ از هرگونه تزویر و تشویش، امرار حیات کنند؛ اما با کمال تأسف آنانی که از موجودیت افغانستان نیرومند و متحد و یکپارچه در قلب قاره آسیا هراس داشتند و دارند، توسط عوامل وابسته و گماشتگان خویش، تلاش کردند؛ تا از ثبات و استقرار روزافزون نظام اسلامی جلوگیری به عمل آید. افغانستان اسلامی، آزاد و سربلند که در نتیجه جهاد قهرمانانه به حیث یک نیروی کفرستیز و دشمن‌شکن در صحنه جهان قامت برافراشته است، به سهولت نمی‌تواند در جهت پیشرفت، ثبات و نیرومندی، گام‌های استوار بردارد.

پیروزی‌های بزرگ ملت سلحشور ما در برابر قدرت متجاوز - که مردم جهان آن را شکست‌ناپذیر می‌پنداشتند - چنان عظیم، با اثر و دوران‌ساز بود که بدون شک در تاریخ کشور ما، منطقه و جهان با خطوط جلی برای همیشه ثبت خواهد ماند.

ملت کوچک؛ اما مسلمان، بااراده و صاحب ایمان قوی، آنچه را که جهان، آن را محال و غیرممکن تصور می‌کرد، به‌تنهایی انجام داد. اگر ملت ما در این راه متحمل تلفات، خسارات عظیم جانی و مالی گردید، در عوض برای ده‌ها و صدها میلیون انسان زمینه آزاد زیستن و مستقلانه زندگی کردن را به ارمغان آورد. پایگاه الحاد و بی‌دینی را سرنگون ساخت و امکان تصادم و رویاروی قدرت‌های بزرگ را به مرحله تفاهم و همکاری در میان آنان فراهم و مساعد کرد و عصر نوری از همزیستی و همکاری در عرصه روابط بین‌المللی باز گردید.

در نتیجه این رویداد که محصول رستاخیز مردم افغانستان است، کشور ما در محراق توجه همه ممالک قرار گرفت و افغانستان و جهاد و مجاهدین، به‌عنوان نیروهای سلحشور، پایدار و شکست‌ناپذیر نزد همه جهانیان شناخته

شد. در چنین اوضاع و حالاتی که جهان به اعزاز و تحسین به طرف افغانستان می‌نگریست، عواملی به میان آمد، توطیه‌هایی به راه افتاد؛ تا از وحدت افغان‌ها و از نیرومندی هرچه بیشتر ملت مجاهد و مسلمان ما جلوگیری کنند. منابع و امکاناتی که باید در راه مرهم‌گذاری بر زخم‌های مردم و در راه ترمیم خرابی‌های ناشی از جنگ به کار می‌رفت، مُخِلّانه و خاینانه در جهت ایجاد خرابی‌های بیشتر و کشتارهای وسیع‌تر مردم به کار گرفته شد. به جای تفاهم و هم‌آهنگی میان نیروهای مؤثر در جریان جهاد و سوق آن‌ها در تسریع پروسه بنای بازسازی کشور، تفرقه‌ها و کشمکش‌های جاه‌طلبانه آغاز گردید.

پرتاب راکت‌ها و انواع سلاح‌های ثقیل در مناطق مسکونی در شهر کابل، قطع جریان برق و انسداد راه‌های مواصلاتی به منظور ممانعت از ورود مواد اولیه مورد نیاز مردم، از آن اقداماتی است که باشندگان شهر کابل اثرات ناگوار و فاجعه‌آور آن را در طول این مدت باهمه وجود خویش احساس و لمس کردند. به جای ابراز همدردی به مردم، سعی و کوشش در تکثیر رنج‌ها و آلام آنان و مصیبت‌های تازه به میان آورده شد، هزاران نفر از همشهریان کابل و سایر نقاط کشور در اثر این اعمال شوم جنایت‌بار شهید گردیدند و ده‌ها هزار نفر دیگر زخمی، معیوب و صدها هزار نفر دیگر مجبور به ترک خانه و منازل‌شان شدند. در اثر حوادث فیر راکت‌ها بر شهر کابل - که حیثیت قلب تپنده کشور را دارد - این شهر به ویرانه تبدیل گردید، مکاتب و مدارس - که باید کانون پرورش اطفال، نوجوانان و جوانان این سرزمین می‌بود - به خرابه‌ها مبدل گردید و مرکز هجوم مهاجرین و آوارگان، مناطق جنگ‌زده شد، تأسیسات کشوری و خدمات عامه - که قبلاً نیز آسیب دیده بودند - در اثر اصابت راکت‌ها و سلاح‌های ثقیل چنان صدمه برداشتند که برای احیا و بازسازی مجدد آن‌ها سرمایه و وقت کافی ضرورت خواهد بود، مردم جهان که ملت مسلمان و مجاهد ما را سببول افتخار، قهرمانی و حماسه‌آفرینی می‌دانستند، در نتیجه دوام جنگ‌های بی‌مفهوم و حملات راکتی گروه‌های خون‌خوار و جاه‌طلب، ذهنیت و تصوّر خود را در مورد افغانستان و مردم

قهرمان آن عوض کردند.

هم وطنان دلیر و باشهامت!

در جریان حوادث دو سال اخیر، یقیناً عوامل جنگ افروز حلقه‌ها و گروه‌هایی که باعث ایجاد بی‌امنیتی می‌باشند، کاملاً مشخص و آشکارا شده‌اند. قابل تذکر است که از نخستین روزهای پس از شکست و سقوط رژیم کابل، ملاقات‌ها و تماس‌ها برای تشکیل دولت اسلامی با اشتراک همه رهبران محترم جهادی آغاز گردیده بود و به تشکیل دولتی که در آن همه نیروها و تنظیم‌های جهادی اشتراک داشته باشند، توافق حاصل گردیده بود؛ اما حکمتیار بدون توجه به مذاکرات رهبران و بدون در نظر داشت موافقت‌های حاصل شده، نخست جهت تسلیمی نیروهای رژیم کابل، اولتیماتم^۱ داده و به تعقیب آن بر شهر کابل حمله کرد. در واقعیت همین حمله حکمتیار بود که آغازگر بی‌امنیتی در شهر و چپاول و غارت دارایی‌های شخصی و دولتی گردید.

این حمله بعد از سه روز توسط نیروهای جهادی و اردوی نوپای اسلامی به عقب زده شد، همچنان به تعقیب آن مخالفت‌های حکمتیار در همان وهله اول، علیه محترم حضرت صاحب مجددی^۲ ادامه یافت و به تعقیب آن موجودیت «ملیشه‌ها» بهانه قرار گرفت! و از این قبیل حرف‌ها...؛ اما در هر باری که بهانه‌اش رد می‌گردید، مخالفت حکمتیار پایان نمی‌یافت و بهانه‌های تازه و تازه‌تری به وجود می‌آورد.

هرگاه برخوردهای داخلی گروه حکمتیار در طول سال‌های جهاد مورد بررسی قرار گیرد، با وضاحت روشن می‌شود که جنگ‌ها و برخوردهای مسلحانه این گروه با سایر احزاب جهادی به مراتب بیشتر از حملات و برخوردهای آن با نیروهای روسی بوده است.

هم وطنان عزیز!

دولت اسلامی افغانستان که به آرزوی خدمت صادقانه به مردم

۱. اولتیماتم یا اولتیماتوم: یک واژه فرانسوی است که به معنای ضرب الاجل، پیشنهاد قطعی و اتمام حجت است. «مرکز تدوین»

۲. حضرت صبغت‌الله مجددی نخستین، ممثل دولت اسلامی است. «مرکز تدوین»

رنج‌کشیده تشکیل گردید، کاملاً دنبال آن رفت که [مشروعیت خود را از مردم بگیرد؛ چون] یقیناً هر دولت و نظام سیاسی، مشروعیت و ثبات خود را صرف از مردم کسب کرده می‌تواند.

مردم، مالکان اصلی و بالاستحاق وطن خودند. مردم حق و صلاحیت دارند؛ تا آینده سیاسی کشور خود را تثبیت و زعامت ملی وطن خود را انتخاب کنند و هیچ گروه و نیروی حق ندارد، خود را علیه این مردم قرار دهد و این حق مسلم و انکارناپذیر مردم را از آنان سلب کند.

به تاسی از همین اصل قبول‌شده مسلم است که رهبری دولت اسلامی همواره به اراده و نظریات مردم و تصمیم آنان در مورد ساختار نظام سیاسی و تشکیلات اداری کشور احترام گذاشته است. مطابق به موافقت‌نامه پیشاور که باید پس از دو ماه دوره تمثیل دولت و چهار ماه دوران دولت موقت اسلامی، شورای «اهل حل و عقد» به‌عنوان اشتراک و سهم‌گیری ملت مسلمان و مجاهد ما در انتخاب زعامت ملی دایر می‌گردید که به حیث بزرگ‌ترین مجمع نمایندگان برگزیده و منتخب ملت افغانستان دایر گردید و بجاست که با صراحت بگویم که تشکیل چنین شورایی در تاریخ کشور سابقه نداشته است. زیاده از یک هزار و سه صد تن از نمایندگان مردم از سراسر کشور که در آن علما، قوماندانان، چهره‌های بارز جهادی، شخصیت‌های معروف فرهنگی، سران اقوام و قبایل مختلف کشور، در یک فضای آزاد، زعامت دولت خود را برای مدت دو سال انتخاب کردند.

قابل یاددہانی است که حکمتیار این بار نیز به اراده و تصمیم مردم احترام نگذاشت و هنوز نمایندگان ملت در کابل حضور داشتند که دور دیگری از پرتاپ راکت‌ها و سلاح‌های ثقیل بر شهر کابل و حتی در محل کار شوری برگزیده ملت افغانستان آغاز گردید. باوجود برتری‌های محسوس و کاملاً مشهود نظامی که در اختیار دولت اسلامی قرار داشت، رهبری دولت اسلامی با پیروی از سیاست صلح‌خواهانه و انسانی که خود شدیداً علیه هرگونه خشونت و جنگ افروزی است و به‌منظور ختم جنگ و بی‌امنیتی دور تازه‌ای از مذاکرات و ملاقات‌ها را با جوانب قضایا آغاز کرد و مذاکراتی

که به منظور ختم جنگ و تأمین صلح و ثبات در کشور صورت می‌گرفت و در آن همه رهبران محترم جهادی اشتراک داشتند، رهبری دولت اسلامی برای دستیابی به صلح و استحکام و ثبات اوضاع در کشور آماده پذیرش انعطاف‌ها و گذشت‌های لازم گردید و جهت تأکید بر رعایت و تصدیق موافقت‌نامه‌های حاصل شده در اسلام‌آباد، در مکّه مکرّمه، در خانه خدا، تعهداتی صورت گرفت؛ اما هنوز همه رهبران به کابل نیامده بودند که حکمتیار با اشتعال جنگ در تگاب به صورت یک‌جانبه از موافقت‌نامه‌ها سرپیچی کرد و به این ترتیب در جهت ابطال آن‌ها اقدام کرد.

کودتای ۱۱ جدی ۱۳۷۲ در زمانی که اوضاع در سراسر کشور در جهت بهبود و بازیافتن امنیت در تغییر بود، آغاز گردید و هنگامی که به ترکیب اجزای نامتجانس کودتاگران که در آن چهره‌ها و عوامل شناخته‌شده شرارت و فساد باهم ائتلاف کرده بودند، دیده شود، این‌ها همه، نشانه حرص جنون‌بار کودتاگران جهت دستیابی به قدرت انحصارگراانه بود.

کودتا که در همان نخستین لحظات آن به شکست مواجه شد، ضمن آنکه نیرومندی و برتری محسوس دولت اسلامی را در عرصه نظامی به نمایش گذاشت، از تغییر نظام اسلامی به یک نظام غیراسلامی جلوگیری کرد.

همچنان پیروزی‌های دولت در صفحات شمال افغانستان، خاصه تسلط کامل به هر دو طرف سالنگ، تصوّر ضد ملی و ضد اسلامی گروه‌های وابسته به محافل خارجی را در مورد تجزیه افغانستان خنثی کرد و سلحشوری نیروهای دولت اسلامی را یک‌بار دیگر نشان داد. همچنان یک‌بار دیگر نشان داد که فرزندان باشهامت این سرزمین آزادگان، همان طوری که پدران و اجدادشان وحدت ملی، تمامیت ارضی و استقلال وطن را با سلحشوری و دلیری حفظ و پاسداری کردند، آنان هم اکنون در پیشگاه تاریخ، مردم، وطن و دین، رسالت تاریخی خود را در این زمینه با شایستگی ایفا کرده می‌توانند. پیروزی اخیر نیروهای دولت اسلامی در فتح کامل و برق‌آسای قلعه تاریخی بالاحصار، تپه مرنجان و چندین موضع مستحکم ملیشه‌ها، یک‌بار

دیگر نیرومندی دولت را ثابت ساخت. قلعه تاریخی بالاحصار که به مثابه سمبول گویا و ممتلی از شهامت‌ها و دلیری‌های فرزندان این سرزمین در راه حفظ افتخارات تاریخی، استقرار حاکمیت و حفظ نوامیس ملی محسوب می‌شود و روزگاران طولانی‌ای، نشانه‌ای از آزاد زیستن و اراده تسلیم‌ناپذیری مردم ما به شمار می‌رفت؛ در دو سال اخیر و به خصوص در چند ماه گذشته به حیث عامل تهدید به نوامیس ملی و عامل اضمحلال روانی و ناهنجاری اجتماعی قرار گرفته بود. مجاهدین اردوی اسلامی به موقع و بجا عمل کردند و عوامل شر و فساد را از این کانون باعظمت تاریخی بیرون راندند؛ تا بار دیگر بالاحصار تاریخی جایگاه برافراشته نمودن بیرق افغانستان اسلامی و سربلند باشد.

بجاست این پیروزی بزرگ را به عموم مردم افغانستان، مجاهدین دلیر و سربه کف و اردوی نیرومند و سلحشور دولت اسلامی مبارکباد گفت.

همان طوری که در اکثر ادوار تاریخ، فتح و تصاحب بالاحصار نقش مهم و قاطع در چگونگی اراده دولتی افغانستان ایفای کرده است، اکنون نیز فتح بالاحصار و سایر مواضع استراتژیک ملیشه‌ها، آغاز دوران تازه‌ای از زندگی صلح‌آمیز هم‌وطنان ما به خصوص اهالی شریف کابل خواهد بود. دورانی که در آن جنگ خاتمه خواهد یافت و صلح تأمین و تحکیم خواهد گردید. دورانی که باید عوامل جنگ طلب به خوبی دانسته باشند که جنگ راه حل مشکلات نیست، باید حل اختلاف نظر و سوءتفاهم از طریق مذاکره و گفت‌و شنود حل گردد.

با چنین روحیه و احساس، یک‌بار دیگر از آن گروه‌ها و عناصری که تاکنون به جنگ و درگیری‌های نظامی متوسل شده‌اند، می‌خواهیم که با توجه به این واقعیت که حالا دیگر دوران جنگ و حصول پیروزی از طریق جنگ گذشته است، از جنگ و جنگ‌افروزی دست بردارند و به تأمین صلح برای مردم مصیبت‌رسیده خویش همکاری کنند. ما آماده‌ایم در این زمینه هرگونه همکاری ممکن را به عمل آوریم.

هم‌وطنان محترم!

مطابق به موافقت‌نامه‌های حاصل شده برای انتخاب زعامت ملی کشور باید شورای نمایندگان منتخب مردم از سراسر کشور تشکیل گردد. دولت اسلامی همواره اظهار داشته است که تشکیل چنین شورایی می‌تواند به مشکلات و قضایای جاری خاتمه دهد؛ زیرا در مورد قضایای مربوط به جامعه و زعامت ملی، تنها مردم حق تصمیم‌گیری و قضاوت را دارند. متأسفانه، با وجود این همه ابراز آمادگی‌های دولت اسلامی، نیروها و عناصر آشوبگر و مخالف با ذرایع مختلف در راه تشکیل و ایجاد چنین شورای بزرگ با اشتراک نمایندگان سراسر کشور موانع به وجود آوردند. این نیروها و عناصر فتنه‌جو منافع خود را در ادامه جنگ و ناآرامی جست‌وجو می‌کنند. ما بدین عقیده‌ایم که باید هرچه زودتر شورای کبیر اسلامی یا «لویه جرگه» دایر گردد. باید مردم در مورد آینده کشور و زعامت آن تصمیم بگیرند.

ما به صراحت و قاطعیت اعلان می‌کنیم: عزم و اراده مردم از طرف ما کاملاً قابل احترام و رعایت می‌باشد. همان‌طوری که بارها گفته‌ایم، بار دیگر تأکید می‌کنیم که جهت حصول اطمینان از فضای آزاد و جلوگیری از هرگونه اعمال زور در انتخاب نمایندگان شوری و سیستم کار آن؛ دولت آماده است، امکانات خاصی را که مورد موافقت همه جوانب باشد، بپذیرد و در عمل پیاده کند.

ما در این زمینه در انتظار آرا و طرح‌های عملی و قابل‌پذیرش سایر نیروهاییم که به ما ارایه کنند. حتی سازمان ملل متحد و کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی باید تمام مصارف تدویر این شوری را پردازند و آن‌ها می‌توانند در جریان کار از آن نظارت کنند.

افغانستان اکنون در مرحله نهایت حساسی از تاریخ معاصر خود قرار دارد. کشور ما در حال گذار از دوران جنگ به مرحله بازسازی و از حالت بی‌امنی و سوءتفاهمات به دوران صلح، امنیت و تفاهم ملی است.

در چنان مرحله‌ای که انبوهی از رسالت و اصالت‌های ملی و تاریخی در عرصه‌ها و ابعاد مختلف در برابر ملت مسلمان ما قرار دارد، از همه

هم‌وطنان، از تمام گروه‌ها و احزاب سیاسی، از رهبران محترم جهادی، از علما، از قوماندانان، از شخصیت‌های قابل حرمت فرهنگی و اجتماعی - چه در داخل کشور قرار دارند و یا در بیرون از مرزهای کشور بنا بر مجبوریت‌ها و عوامل مختلف دیگر زندگی می‌کنند- امیدوارم به نام اسلام و به نام وطن که حق و دین بزرگی بر همه ماوشما دارد و با توجه به حساسیت لحظات کنونی با اخلاص اسلامی و افغانی همه باهم متحد، هم‌صدا و فارغ از هرگونه حقد و بغض شخصی و گروهی این کشتی توفان‌زده میهن را از گرداب سیلاب و حوادث نجات داده و به ساحل مقصود و مراد برسانیم.

هم‌وطنان عزیز!

با توجه به حساسیت اوضاع جاری کشور و ضرورت‌های مبرم و لازم که باید به آن‌ها توجه فوری مبذول گردد، مراحل و مراتب آتی را اعلان می‌کنم:

- برای تعیین سرنوشت کشور باید یک شورای بزرگ اسلامی - که ممثل اراده ملت مسلمان ما باشد - تصمیم بگیرد؛

- فیصله‌های ملت‌ها، در گذرگاه تاریخ و در زمان معاصر، حتی در ایام هجرت و جهاد و در دوران تشکیل حکومت موقت و بعد از فتح و پیروزی در تشکیل دولت اسلامی از طریق شورای حل و عقد، بیانگر اخوت اسلامی و عنعنۀ ملی ماست.

اکنون که به لطف الهی کشور ما آزاد است، باید هر تصمیم سرنوشت‌ساز از طریق ملت با حضور سنگر نشینان حماسه‌آفرین اتخاذ گردد؛ دیگر دوران تصمیم‌گیری توسط چند تن، منطبق عملی و مجال تطبیق ندارد؛ بناءً آماده‌ام در جمعی از علمای کشور، فرماندهان عزیز، رهبران محترم تنظیم‌ها و روشنفکران، قدرت را به هرکس و جهتی که فیصله کنند، تسلیم دهم.

طوری که ملت ما در جریان است، حلقه‌های دلسوزی از علما و قوماندانان جهت پایان دادن به بحران کنونی تلاش‌های صلح‌جویانه و اجتماعات مهمی را در نقاط مختلف کشور در شهر کابل، در جلال‌آباد، غزنی و هرات برگزار کردند و اینک بار دیگر اجتماع بزرگی در هرات باستانی در آستانۀ تشکیل قرار دارد. قرار است قوماندانان مشهور، والیان، رهبران تنظیم‌ها

و یا نمایندگان‌شان در این اجتماع شرکت ورزند. من از همه اشتراک‌کنندگان این اجتماع می‌خواهم به‌صورتِ عاجل در مورد تدویر شورای بزرگ تصمیم بگیرند.

بنده شخصاً کاندیدای مرحلهٔ انتقالی نیستم و با کمال میل و به احترام به میثاق مکّه مکرّمه، با وجود اینکه جانب مقابل یک روز هم بر آن احترام گذاشت و با وجود اینکه اعضای شورای «اهل حل و عقد» دوران ریاست دولت را دو سال فیصله کرده و به تکمیل آن اصرار دارند، آماده‌ام قدرت را به هر شخص و جهتی که توسط اشتراک‌کنندگان این مجلس که -إن شاء الله- بنده در آن شرکت می‌کنم، فیصله کند، انتقال بدهم.

امیدوارم این اجتماع هرچه عاجل‌تر به کار خود آغاز کند و رهبران محترم تنظیم‌ها در آنجا حضور به هم رسانند و هم‌زمان با انتقال قدرت، روی فیصلهٔ این مجلس در مورد تشکیل شورای بزرگ و جهت به میان آمدن یک حکومت انتخابی و ممثل ارادهٔ مردم دست‌به‌دست هم‌دیگر داده و به جنگ و ویرانی در کشور خاتمه بدهیم.

نباید بیش از این افغانستان عزیز شاهد کشتار فرزندان و ویرانی بیشتر کشور و آوارگی مردم خویش باشد.

برای رسیدن به آتش‌بس سرتاسری به‌عنوان اولین گام، آتش‌بس را در شهر کابل سر از ۸ سرطان ۱۳۷۳ اعلان می‌کنیم؛ اما باز هم می‌خواهیم که جانب مقابل به ملت مظلوم خود و مردم زجرکشیدهٔ کابل و کودکان یتیم و خانواده‌های شهدا، رحم کند و از پرتاب راکت‌ها، شلیک خمپاره‌ها و آتشباری بر مردم مظلوم امتناع ورزد.

هم‌وطنان عزیز!

آرزو دارم مرحلهٔ نوینی که ما هم‌اکنون آغازگر آن می‌باشیم، برای مردم ما و وطن ما، صلح و امنیت را با خود به همراه داشته باشد.

از بارگاه پروردگار توانا به دست دعا نیازمندم؛ تا جنگ و بی‌عدالتی برای همیشه از این سرزمین رخت بندد و مردم آزاد افغانستان، آزاد و سربلند در فضای صلح، برادری، امنیت با وحدت و هم‌آهنگی زندگی کنند. چه

افتخار آفرین و سعادت‌بار خواهد بود که به‌جای کشمکش‌های هرزه و بیهوده قدرت‌خواهی، اشک یتیمی را پاک کنیم و از خانواده شهدا سرپرستی کنیم و در راه تعمیق ارزش‌های جاویدان و والای اسلام در جامعه اسلامی خویش همکاری و مجاهدت کنیم.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ،... إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.^۱
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

۱. ترجمه معانی آیه مبارکه گذشت. «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک‌صد و چهل و دوّم

خطاب به اشتراک‌کنندگان شورای عالی اسلامی در هرات

تاریخ: مجلهٔ فتح؛ دور دوّم نشراتی، شمارهٔ ۱۵، پنج‌شنبه، ۱۳ اسد ۱۳۷۳

هـ ش/ ۴ اگست ۱۹۹۴ م.

مکان: هرات.



الحمد لله الذي نصر عبده وهزم الأحزاب وحده والصلاة والسلام على من بلغ الرسالة وأدى الأمانة ونصح الأمة وجاهد في سبيل الله حق جهاده وعلى آله وصحبه ومن دعا بدعوته وجاهد في سبيله إلى يوم الدين.^۱

برادران بسیار محترم، علمای گرامی، قوماندان ارجمند، مردم دین‌دار، مجاهد و علم‌پرور هرات باستانی، همه مهمانان گرامی، مهمانان نهایت عزیز و ارجمند دیار هجرت و مهمانان عزیزمان از کشورهای اسلامی!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وبعد:

من در آغاز از مردم دین‌دار و مجاهد و فداکار ولایت هرات و برادر عزیز و قهرمان محمد اسماعیل خان و از یاران هم‌سنگرش، از عموم والیان و قوماندان عزیز که در تدویر و اداره این شورای بزرگ و تاریخی سهم داشتند، از همه اعضای شرکت‌کننده در این شوری، از برادران عزیز که از کشورهای مختلف، از دیار هجرت در این شوری سهم گرفته، از همه‌شان اظهار قدردانی و امتنان کرده و به‌خصوص از مردم قهرمان ولایت باستانی هرات که در دوران جهاد در سنگرهای خون و شهادت حماسه آفریدند و بهترین فرزندان‌شان در این راه مشتاقانه به لقای الله شتافتند و قربانی‌ها و فداکاری‌های‌شان به‌عنوان بزرگ‌ترین افتخارات ملت مسلمان افغانستان درج

۱. ستایش خدایی راست که بنده‌اش را یاری رساند و به تنهایی همه گروه‌ها را شکست داد و درود و دعا بر کسی که پیام را رساند و امانت را ادا کرد و امت را نصیحت کرد و در راه خدا چنانکه شایسته بود، جهاد کرد و درود بر خانواده و یاران و همه کسانی که تاروز واپسین به دعوت او دعوت کردند و به راه او جهاد. «مرکز تدوین»

تاریخ است و امروز و در دوران خاتمه بخشیدن به بحران فعلی تلاش‌های پرثمرشان، مهمان‌نوازی‌شان، استقبال‌شان از اعضای این شورای تاریخی، همه و همه قابل تقدیر و ستایش است. از همه شما برادران هرات، از علمای هرات، از قوماندانان و فرماندهان عزیز هرات، از جوانان پرشور و با احساس، از مادران و خواهران داغ‌دیده ولایت هرات - که بار دیگر در راه به میان آوردن صلح و امنیت در کشورشان و در راه برون‌رفت از بحران کنونی دست به ابتکار بزرگی زدند - از همه شما اظهار شکران و قدردانی می‌کنم.

برادران عزیز!

شورای هرات در تاریخ معاصر کشور عزیزمان یک رویداد بزرگ تاریخی است. اهمیت این شوری از جهات مختلفی قابل ارزیابی است؛ اولاً در تاریخ و در گذشته‌های کشورمان، معمولاً، شوری‌های سرنوشت‌سازی که در قضایای عمده و مهم تصمیم تاریخی و ملی اتخاذ می‌کردند، توسط زمامداران و زعمای کشورمان خواسته می‌شدند و بدین ترتیب شوری‌ها تدویر می‌شد؛ اما امروز در تاریخ کشورمان یکی از ابتکارات فرزندان قهرمان این ملت است که به صورت «خودجوش» بدون اینکه توسط دولت هدایت و رهبری شوند، خودشان برای ختم مشکلات کنونی کشور، برای تعیین زعامت کشور، برای قطع مداخلات خارجی‌ها در امور کشور، برای ایجاد یک فضایی که نمایندگان برحق و ممثل اراده مردم جمع شوند و راجع به سرنوشت کشورشان تصمیم بگیرند. فرماندهان عزیز ما، علمای محترم مان، والیان عزیز و دانشمندان دلسوزمان، از نقاط مختلف کشور در این گردهمایی تاریخی جمع شدند؛ تا در مورد کشورشان تصمیم بگیرند. یقیناً این گردهمایی به ذات خود یک موفقیت بسیار بزرگ و یک دستاورد عظیم و تاریخی است.

یک بار دیگر این اجتماع شکوهمند را - که با وثیقه تاریخی و عمده‌ای و با موفقیت پایان یافت - به همه برادران عزیز به مبتکرین شوری، به قوماندانان و فرماندهان عزیز، به دانشمندان ارجمند، به مردم هرات و ملت قهرمان و مظلوم افغانستان تبریک عرض می‌کنم.

پیروزی بزرگ ملت قهرمان افغانستان و جهاد برحق‌تان بزرگ‌ترین معجزه و عمده‌ترین رویداد در زمان معاصر نه تنها در افغانستان و در منطقه بود؛ بلکه در سطح جهان به‌عنوان عمده‌ترین و مهم‌ترین رویداد تاریخی بود. اکنون که تحولات بسیار بزرگ و گسترده سیاسی و جغرافیایی در جهان به میان آمده و جهان دوقطبی، یک‌قطبی و بدون قطب شد و ملت‌های زیادی از زنجیر الحاد و کمونیزم نجات یافتند و کشورهای زیادی در خریطه جغرافیایی جهان پیدا شدند، این همه دستاورد عظیم که برای ملت ما، به بهای بسیار بزرگی تمام شد، یقیناً یک دستاورد بسیار عظیم و تاریخی است.

بعد از پیروزی، ملت قهرمان ما، هر جایی که بودند، در هر سنگری که قرار داشتند، در هر دیاری که در حالت هجرت و آوارگی به سر می‌بردند، همه مردم در انتظار تحولات بعدی و دستاوردهای جدیدی در کشور عزیزشان بودند، همه انتظار داشتند که فرزندان قهرمان‌شان که چنین یک تحوّل عظیمی را در سطح جهانی به میان آوردند، در ایجاد افغانستان اسلامی، افغانستان قدرتمند و تشکیل یک اداره و دولت پرافتخار اسلامی، گام‌های مؤثر بر خواهند داشت، البته این آرمان همه بود، آرمان مرد و زن و آرمان دوستان افغانستان و آرمان امت اسلامی مان و مسلمانانی که در نقاط مختلف جهان قرار داشتند، چنین انتظار داشتند که شاهد افتخاراتی در ابعاد مختلف اداری، سیاسی، کشورداری، فرهنگی و اقتصادی باشند؛ اما پیامدهای بعدی خلاف انتظار بود، خلاف انتظار همه واقع شد.

خوب؛ چه عاملی به میان آمد که امیدها به ناامیدی و یأس تبدیل گشت؟ چه حادثه‌ای به ظهور رسید که انتظارها به ناامیدی و یأس تبدیل گشت؟ بعد از پیروزی، بعد از تشکیل دولت اسلامی، شاهد حوادث فاجعه‌آوری بودیم، کشمکش‌های خونینی در کشور به میان آمد، من نمی‌خواهم به‌صورت بسیار طولانی راجع به این قضایا بررسی کنم؛ اما تنها یک مطلب را باید متذکر شوم و آن اینکه جنگ در کشور ما اگرچه در داخل و توسط افراد مربوط به خود کشور ما صورت می‌گیرد؛ اما این جنگ در واقع جنگ داخلی نیست؛ بلکه این جنگ بر ملت ما از خارج تحمیل شده است. اینکه دشمنان

افغانستان با عظمت، افغانستان مستقل، افغانستان قدرتمند با چه نیرنگی، با چه زرنگی ای، چه نوع چهره‌ها، چه نوع دست‌های ناپاکی را استخدام کردند، مطلبی است که همه آن را می‌دانند؛ اما این فاجعه نهایت دردناک بود و ملت مظلوم ما در آتش کشمکش‌های خونین به رنج و مصیبت روبه‌رو شد. در حالی که تا جایی به مجاهدین من حیث یک کل و مجموع ملت ما مربوط است - افراد و دسته‌هایی که به‌عنوان چاکران و مزدوران قدرت‌های خارجی علیه منافع علیای ملت ما دست‌به‌کار شدند، آن‌ها را به حال خود می‌گذاریم - همه مجاهدین و همه ملت ما بعد از تشکیل دولت اسلامی با یک بینش اسلامی، خواهان یک تحوّل بسیار عظیم، مثبت، اسلامی و انسانی بودند.

در هیچ نقطه‌ای از جهان، دیده نشده که بعد از یک انقلاب خونین، بعد از یک کشمکش بسیار سختی که در میان انقلابیون و مخالفین‌شان به میان می‌آید، انقلابیونی که قدرت را به دست می‌گیرند، دست به انتقام‌جویی، دست به محاکمه‌ها و کشتارها و باز کردن زندان‌ها نزنند؛ اما در افغانستان، ملت ما و مردم مجاهد ما و دولت اسلامی، از آغاز قدم در جهت ایجاد یک فضای جدید در کشور گذاشته، در مورد همه‌کسانی که دیروز در نظام قبلی قرار داشتند، «عفو عمومی» اعلان شد، دروازه زندان‌ها بسته شد، یک نفر زندانی در کشور بعد از پیروزی دیده نشد، کسانی که در گذشته مرتکب جرم‌های زیادی شده بودند، آن‌ها عفو شدند و تنها گفته شد: «کسانی که دعوی حقوقی و دعوی فردی داشته باشند، می‌توانند به محاکمه در مورد هرکسی، هر جنایت‌کاری که مرتکب جنایت شده، اقامه دعوا کنند»؛ اما دولت به‌عنوان یک عمل سیاسی، به‌عنوان یک عکس‌العمل در برابر نظام قبلی و مسئولین نظام قبلی، دست به هیچ نوع عمل نمی‌زند و همه آنان فعلاً آزادند و می‌توانند آزاد زندگی کنند؛ اما اگر اقامه دعوی از طرف افرادی علیه ایشان صورت می‌گیرد، محکمه و قضا در موردشان فیصله می‌کند.

من به این عقیده‌ام؛ یقیناً برادرانی که از تاریخ انقلاب‌ها در جهان آگاه‌اند، در هیچ نقطه جهان، دیده نشده که بعد از یک تحوّل قهرآمیز و انقلابی،

کسانی که قدرت را به دست گرفتند، در مورد مخالفین چنین عکس‌العمل انسانی داشته باشند؛ حتی تا سرحدی که شاید هم احسان و یک نوع گذشت و مصالحهٔ بیش از حد بوده باشد.

کسانی که دیروز در برابر مجاهدین جنگیدند، امروز خانواده‌های‌شان در وزارت معلولین و شهدا از حقوق و امتیازاتی برخوردارند که خانواده‌های شهدای ما از آن بهره‌مند نیستند؛ ولی ما نخواستیم به‌نام اینکه او دیروز علیه مجاهدین جنگیده، خانواده و فرزندش مورد شکنجه و آزار قرار گیرند؛ بلکه از خدا می‌خواستیم که آنان به‌عنوان یک مسلمان در کنار شما و در کنار دولت به‌عنوان یک دولت اسلامی و انسان دوست قرار گیرند.

بلی، ما اعلان کردیم که باید عفو عمومی صادر شود و چنین کاری هم صورت گرفت. حالا ما نمی‌توانیم به تقاضای آن‌ها جواب مثبت بدهیم، می‌توانیم به یکی از محافل قانونی شکایت خود را بسپاریم، اقامهٔ دعوا بکنیم و البته این عملی است که من فکر می‌کنم در جاهای دیگر وجود نداشته است.

ناگفته نماند که هرگز دولت نمی‌خواست که [حتی] در برابر اپوزیسیون و در برابر کسانی که هرروز بر شهر کابل صدها راکت فیر می‌کنند، هیچ نوع مشکلی داشته باشد.

اشتراک من در این مجلس به خاطر این بود که بیایم و رهبران تنظیم‌های محترم هم تشریف بیاورند و من اعلان کنم که از این بعد مسئولیت خود را به این شورای بزرگ و به رهبران محترم انتقال می‌دهم و بجای من کس دیگری را تعیین نکنید و بعداً در دوران چند ماه که شما فیصله‌ای به عمل می‌آورید، یک فضای کاملاً آزاد ایجاد شود؛ تا هیچ‌کس احساس نکند که دولت اعمال نفوذ می‌کند و در نتیجه انتخابات در یک فضای کاملاً آزاد صورت بگیرد.

من موقوف و نظر خود را قبلاً اعلان کرده بودم، می‌خواستم همه صلاحیت‌های دولتی را به این شورای منتقل بسازم و از این شوری هم چنین چیزی را خواسته بودم. بناءً من دو نامه به این شوری نوشتم، یک نامه به برادر محمّد اسماعیل خان، امیر عمومی حوزهٔ جنوب غرب و از او خواستم

که برادران در شوری بر تمديد رياست جمهورى بنده اصرار نورزند. اگرچه اين رياست و مسئوليت من به اساس فيصله مکه مکرمه يا اسلام آباد صورت نگرفته؛ بلکه بر اساس جلسه شوری حل و عقد صورت گرفته؛ اما باهم از اينکه در رأس قدرت باشم، بايد قدرت به يک جهت مسئول ديگرى منتقل شود. از اسماعيل خان خواستم که بر اين موضوع تأکيد کند.

اسماعيل خان با من تلفنى تماس گرفت که مجلس مى خواهد به اکثريت آراء مدت رياست شما را تمديد کند و من گفتم که به مشکل روبه رو هستم، شما فکر ديگرى بکنيد.

نامه ديگرى عنوان برادر دلجو^۱ نوشتم و برايش تأکيد کردم که برادرانى که مخالفت مى کنند و طرفدار تمديدند، از آنان بخواه که من خوش نمى شوم که آنان اين کار را بکنند؛ بلکه بايد مطابق فيصله اى که صورت گرفته، انتقال قدرت به ميان بياید؛ اما انتقال قدرت در يک مجمع سه چهار نفرى درست نيست که بعضى ها مى خواستند به نام «شورى قيادى» باز دوباره هر نوع تصميم گيرى در ارتباط کشور توسط چند نفر صورت بگيرد.

من اعلان کردم که به خود اين حق را نمى دهم که راجع به قضايای کشورى و يتوکنم و همچنان چند برادر معدود ديگرى نيز اين حق را ندارند، ما همه باهم در کنار ملت راجع به سرنوشت کشورمان تصميم بگيريم. بايد ملت مسلمان، خودشان تصميم خود را بگيرند.

برادران محترم!

باز اين بار مسئوليت سنگين را براى چند روزى که نمى دانم چند روز دوام خواهد کرد، به دوش من گذاشتند، به راستى بر شانه من سنگينى مى کند، اين بار، بار ساده نيست.

به هر حال، به ارتباط تشکيل دولت اين مطلب را بايد بگويم که دولت موجوده - که اميدوارم مسئوليتش در دوران لويه جرگه و يا شوراي بزرگ اسلامى که دايبر مى شود، به کس ديگرى انتقال کند- بر اساس احتکار قدرت به ميان نيامده است؛ بلکه بر اساس موازين و معيارهاى شوراي اهل حل و

۱. شايد منظور استاد شهيد؛ دلجو حسيني يکى از شاعران وارسته و از کادرهاى حزب اسلامى حکمتيار باشد. «مرکز تدوين»

عقد به میان آمده است.

بعضی از دوستان و برادران در مورد شورای حل و عقد انتقاد می‌کنند. من اگر این دعوی را بکنم، مبالغه نخواهد بود که در تاریخ کشورمان این شوری به‌عنوان عمده‌ترین شورایی بود که تشکیل شد، چرا؟ به علت اینکه در تشکیل این شوری، دولت هیچ نوع نقش، جز نقش یک نفر همراه با هشت نفر دیگر.

بلی، دولت هیچ نوع نقش به‌خصوص و ویژه‌ای نداشت. نه نفر از نمایندگان احزاب، خودشان لایحه ساختند، خودشان نماینده‌ها تعیین کردند، به ولایات فرستادند و در ولایات - چنانکه ما و شما همین حالا حقیقت را می‌بینید - والیان ما، والیان انتخابی دولت نیستند و والی صاحبان محترم توسط خود مردم انتخاب شدند. بعضی‌ها حرف‌های عجیب‌وغریبی در مورد والیان محترم ما گفتند، من این مطلب را باید بگویم که ۹۵ درصد والی صاحبان، همان والی صاحبانی‌اند که در زمان حضرت صبغت‌الله مجددی انتخاب شده بودند و یک نفر از این‌ها را ما پس یا پیش نکردیم. این‌ها اگر راستی والیان مربوط به کدام دولت می‌بودند، مربوط به حضرت صبغت‌الله مجددی می‌بودند. پس باید مخالف دولت فعلی می‌بودند؛ اما حقیقت این است که این‌ها والیانی‌اند که با اراده مستقل و با انتخاب مردم به میان آمدند و تصمیم این‌ها تصمیم خودشان بود.

خوب؛ شوری تشکیل شد؛ اما [تشکیل این شوری، برای عده‌ای] مصیبت بود. چون به محض تشکیل شوری دوستان فهمیدند که تعداد افرادی که حاضرند، شاید برای‌شان رأی زیادی ندهند، همین بود که یکدم بایکات^۱ شروع شد.

قرار بود که یک هفته شوری دوام کند؛ اما بیست و چند روز در بدترین اوضاع، اعضای شوری در داخل کابل باقی ماندند و آخر فیصله کردند که ما بدون فیصله نمی‌رویم. هر رهبر مخالف بفرماید و هر که کاندیدا باشد، بیاید

۱. بایکات یا بایکوت: تصمیم دسته‌جمعی چند شخص، شرکت، یا کشور برای قطع روابط خود با یک شخص، شرکت، یا کشور برای ابراز عدم رضایت از عملکرد وی؛ تحریم. دهخدا. «مرکز تدوین»

خود را کاندیدا کند، کاندیدا آزاد است.

یکی از حرف‌های عجیب شوری این بود که بعضی از برادران ما با وجودی که در قضایای مابین خود اختلاف داشتند؛ اما در قضایای ملی و کشورشان هیچ نوع اختلافی نداشتند، یک مثالی بگویم از برادران قندهاری ما:

در حالی که یک مجموعه‌ای به‌عنوان نمایندگان اقوام و بزرگان قوم به حیث یک هیئت آمدند، یک تعدادی از نمایندگان دیگری به‌عنوان نمایندگان جبهات جهادی، آمدند. هرچند این دو هیئت در میان خود اختلاف داشتند؛ اما در تصمیم ملی خود مشترکاً سهم گرفتند و یکجا رأی دادند.

من به کسانی که بعد از تشکیل شوری انتقاد کردند، پیشنهاد کردم که یک محکمه بین‌المللی از میان علما و قضات و حقوقدانان تشکیل شود.

بلی، من برای آقای حکمتیار و به یک تعداد دوستانی که از پاکستان از جماعت اسلامی پاکستان، آمده بودند، گفتم:

من از همین لحظه قول می‌دهم که یک محکمه بین‌المللی تشکیل شود، اگر کم‌ترین مداخله‌ای از طریق دولت در مورد انتخابات و در مورد تشکیل شوری به میان آمده بود، از همین حالا من مستعفی‌ام.

قابل تذکر می‌دانم که آن‌ها می‌گفتند که آقای حکمتیار را در قدرت شریک بساز.

به هر حال، ما هیچ‌وقت نمی‌خواستیم که در بیرون کشور فیصله کنیم؛ اما در ماه رمضان جنگ‌های راکتی حکمتیار شروع شد و من احساس کردم که ماه رمضان و ایام سرماست و مردم مظلوم کابل در ماه رمضان در اولین روزهای تشکیل دولت اسلامی‌شان، زیر فیر راکت قرار نگیرند، به جست‌وجوی راه‌حلی، هر راه‌حلی و لو خلاف اراده من هم بود، شدیم.

زعمای کشورهای دولت عربستان سعودی، ایران و پاکستان، نامه‌ها و پیام‌هایی برای من فرستادند که بنشینیم و روی قضیه صحبت بکنیم. بدون خواسته قبلی خود به اسلام‌آباد رفتم و در اسلام‌آباد تلاش سه کشور برادر بود که باید حکمتیار به حیث صدراعظم باشد؛ من برای برادران می‌گفتم که اصلاً

با آمدن او مشکل حل نمی‌شود.

به هر حال، آن‌ها اصرار می‌کردند که او را به حیث صدراعظم اگر قبول بکنید، مشکل حل خواهد شد. من از پیش ایشان یک چیز را خواستم که خواهش می‌کنم، شما یک ضمانت بدهید، مخصوصاً برای برادران پاکستانی گفتم که تضمین کنید که بعد از این در امور داخلی ما، مداخله صورت نمی‌گیرد، آن‌ها گفتند که آیا این تصوّر وجود دارد؟

گفتم: ما که عملاً می‌بینیم. آیا ممکن است که او شش ماه با ما بجنگد و کمک خارجی وجود نداشته باشد.

به هر حال، بعد از ضمانت‌ها هم پیش از این که ما از مکه مکرمه برگردیم، آقای حکمتیار جنگ را در سروبی شروع کرد. باز در جلال‌آباد پیمانی صورت گرفت و بار دیگر اعلان کرد که بعد از این یک مرمی فیر نمی‌کنیم؛ اما به محض اینکه به عنوان صدراعظم در پغمان حلف وفاداری یاد کرد، برای فردایش کابل را مورد حمله راکتی قرار دارد.

به هر حال، داستان طولانی است و من روی آن صحبت نمی‌کنم. تا جایی که به دولت مربوط می‌شود، باید گفت که ما از راه زور قدرت را اختطاف نکرده بودیم؛ بلکه بر اساس فیصله‌های مسلسل خود رهبران محترم تنظیم‌ها، بر اساس فیصله شورای حل و عقد، حکومتی تشکیل شد. حکومتی که به اصطلاح ایشان حزب حاکم، مثل هر حزب دیگر وزیر داشت، حتی بعضی از احزاب چهار وزیر و پنج وزیر هم در این حکومت داشتند؛ اما حزب حاکم از دو وزیر اضافه نداشت. جنگ به نام‌های مختلف در گرفت. خواستند این جنگ را به نام مسایل نژادی دامن بزنند، به نام قومیت‌های مختلف خواستند که دامن بزنند؛ ولی ملیت‌های برادر افغانستان به این دسیسه قطعاً اجازه ندادند.

در شورای حل و عقد، برادران ما از قندهار، هلمند، غزنی، لوگر، وردک، پکتیا، پکتیکا و از ولایات جنوب و شرق افغانستان، شمال و غرب آن اشتراک کردند.

بعد از این نباید تصمیم‌های ملی ما در خارج از کشور صورت بگیرد،

بعد از این نباید برای هیچ کس اجازه بدهیم که تصمیم های ملت ما را ویتو کند، نباید به هیچ نفری و هیچ کسی حق بدهیم که بعد از این تصمیم ملی ما را بر اساس مزاج های به خصوص خود رد کند.

برادران عزیز!

دولت اسلامی افغانستان و همراه با دولت، ملت مسلمان و مجاهدان، آرزومندی فراوانی داشت که یک تحوّل عظیم در کشور ما از لحاظ فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، اداری و سیاسی به میان بیاید؛ اما اختلافات فراوانی دامن گیر ما شد. ما حتّی در دیار هجرت هم به خاطر تربیت نسل جوان، پوهنتون ها و مدارس زیادی داشتیم و حتّی در مناطق آزاد شده در روزهای جنگ، مدارس و مکاتبی را تأسیس کردیم، آیا بعد از پیروزی می خواستیم دروازه پوهنتون کابل بند شود؟ آیا می خواستیم که استادان عزیز ما آواره و مهاجر شوند؟ آیا ما می خواستیم که جوانان ما طی دو سال بی مضمون باقی بمانند و از نعمت درس و تعلیم محروم شوند؟ اما اختلافات مشکلاتی را ایجاد کرد.

زیاد به مسایل فلسفی و تاریخی نمی پیچیم؛ اما به خاطر اینکه نباید مایوس شد، یک مطلب را می خواهم تذکر بدهم:

علما و دانشمندان ما که تحوّلات تاریخی و انقلابی را بررسی کرده اند. می دانند که بعد از هر تحوّل فرهنگی یک مرحله ای در تاریخ تحوّل به نام «مرحله انتقالی» به میان می آید. این مرحله انتقالی اگر در دنیای سیاست و اداره باشد، باز هم خالی از بحران نیست، ما فعلاً از یک نظام استبدادی و دیکتاتوری به سوی یک نظام اسلامی مردمی گام برمی داریم.

این مرحله تاریخی در پهلوی جنگ افروزی چاکران خارجی، عوامل تاریخی و فرهنگی هم دارد که حتماً یک سلسله بحران هایی را خواه ناخواه با خود دارد. حتّی تحوّل اخیری که بعد از سقوط و فروپاشی اتحاد شوروی قبلی در روسیه به میان آمد تا زمانی که هر چند کمی پایش درست مستحکم شود، بحرانی را به دنبال داشت. شاهد چه پرابلم های اقتصادی و اداری در روسیه بودیم! حتّی مراحل هم بود که مافیا، روسیه را اداره می کرد. پولیس

قدرت نداشت. از میدان هوایی گرفته تا شهر و همه تشکیلات اداری توسط باندهای مافیا اداره می‌شد. درحالی‌که در روسیه انقلابی به میان نیامده بود، تنها یک رژیم استبدادی با آغاز یک حرکت دموکراسی تغییر یافت؛ اما بحران عظیم اقتصادی به میان آمد، درحالی‌که کشورهای غربی و امریکا با تمام قدرت و پشتیبانی اقتصادی و سیاسی خود برای استحکام رژیم نوپای فدرالی روسیه تلاش کردند؛ اما بازهم مشکلات اقتصادی به‌طوری آمد که حتی حیوانات اهلی را شکار می‌کردند که صادر کنند؛ درحالی‌که متأسفانه هیچ‌یک از دوستان ما حتی یک کشور اسلامی هم هیچ نوع کمکی و لو کمک انسانی برای ما نکرد و اینکه چه مشکلاتی ایجاد شد، داستانی است که همه از آن باخبر!

همچنان کشورهای غیراسلامی و دوستان افغانستان را می‌دیدیم تا زمانی که اتحاد شوروی قبلی سقوط نکرده بود، ده‌ها مؤسسه کمک‌رسانی در پشاور و کویته بود؛ اما به محضی که اتحاد شوروی در آستانه سقوط قرار گرفت، بار و بستره خود را بستند و به‌جز از یک تعداد از مؤسساتی که کمک‌های انسانی را به حد بسیار محدودی انجام می‌دهند، دیگر همه کشورها مسئولیت‌های اخلاقی خود را فراموش کردند. نه کشورهای اسلامی و نه امریکا و نه سایر کشورهای غربی هیچ‌یک، هیچ نوع کمکی به ملت افغانستان نکردند. مگر گناه ملت افغانستان چه بود؟ یک‌ونیم میلیون شهید داد تا کشورهای مختلفی شب‌ها آرام بخوابند که مبادا برژنیف کدام دکمه راکت هسته‌ای را فشار دهد و یکی از شهرها در فلان کشور از بین برود.

ملت افغانستان به‌عنوان یک سد اسکنندری در برابر تهاجم و پیشروی روس‌ها به کشورهای دیگر بود؛ اما به محضی که اتحاد شوروی سقوط کرد، همگی این ملت را فراموش کردند.

بلی، این ملت را دیگر هیچ‌کس به یاد نیآورد که تماماً ویران شده و یک‌ونیم میلیون شهید داده و معیوب و معلول داده و حتی جای تعجب است که درحالی‌که مداخلات خارجی به‌صورت بی‌شرمانه وجود دارد، هیچ کشوری را نمی‌بینیم که در برابر این مداخلات خارجی یک عکس‌العمل

انسانی و مثبتی نشان بدهد.

این در حالی است که ما از مؤسسات بین‌المللی خواستیم، از ملل متحد خواستیم، از کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی خواستیم که شما بیاید در تمام دوران شورای «اهل حل و عقد» عملاً شما هم سهم بگیرید؛ تا جریان را از نزدیک ببینید و در جریان آتش‌بس‌ها برای‌شان گفتیم که شما بیاید مراقبین و ناظرین خود را بفرستید؛ تا ببینید که چه کسی آتش‌بس را نقض می‌کند و چه کسی جنگ‌ها را ادامه می‌دهد؛ اما تا هنوز هیچ نوع عکس‌العمل جدی صورت نگرفته است.

ما امیدواریم با اشتراک نماینده سازمان ملل متحد، بعد از این ملل متحد به حال ملت افغانستان توجه کند.

یک مطلب را ناگفته نباید گذاشت و آن اینکه ما انتظار داریم که مؤسسات انسانی، ملت ستم‌کشیده افغانستان را در هر نوع مشکلات عملاً همکاری کنند.

این ملت افغانستان است که باید خودش تصمیم بگیرد و برای راه‌حل مشکلات خودشان فیصله‌ای صادر بکنند و به همین اساس است که تا امروز انتظار زیادی را از شورای اسلامی و ملی و مردمی خود داریم.

از شورای هرات و از تصمیم‌های شما برادرانی که در این شوری سهم داشتید، انتظار زیادی داریم، زیادتر به زبان فارسی صحبت کردم و بعضی مسایل را به اجازه شما، پشتو صحبت می‌کنم.

ورونو!

د افغانستان غمخېلې او دردېدلی ولسه! ستاسو اتلانو او دوستانو څخه مې غوښتنه دا ده چې د افغانستان اوسنۍ کړکېچ په هکله باید خپلې پریکړې او منطقی دریځ څرګند کړو. واقعیت دا دې چې زموږ په هیواد کې جګړه تپل شوی ده؛ خو دا جګړه دچاه له لورې پر موږ تپل شوي ده؟ او ددې جګړې مسوول څوک دی؟ د کوم لوري مسوولیت ډیر دی؟

پدی اړه باید ډیر زیات فکر وکړو او ورته یوه لاره پیدا کړو، حقیقت دا دی چې د هیڅ فرهنگې قاموس په حقوقی اصطلاحاتو کې او په اسلامی

احکامو کې داسی قالب او چوکات پیدا نشي چې دوو لورو ترمنځ دې جگړه رامینځته شی او دواړه لوري دى برحق وی او یا دواړه لوری د باطل پر لور روان وی.

د اسلام له نظره قرآن عظیم الشان فرمایي:

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَبْغِيَ تَقِيَّ ۗ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ...﴾^۱

د خدای حکم دی کله چې شخړی رامینځته کیري کیدای شي چې مصلحین د اصلاح لپاره خپل اصلاحی پروگرام پیل کړی، او دا وویي راځی چې ستاسو په منځ کې سوله وکړو؛ اما کله چې بیا جگړه وشوه وروسته له سولی نه یو لوری که بغاوت وکړ یا تیری وکړ هغه بیا مسول دی او د قران حکم دی چې بیا هیڅ څوک باید له دوی سره پاتی نشي ﴿فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي﴾ که دولت باغي یی د دولت پر خلاف باید جگړه وشي که اپوزیسیون (مخالفین) باغی یې د دوی پر خلاف باید جگړه پیل شی.

زمونږ کیلی له هغو ورونو او تنظیمونو څخه ده، چې په دې اوسنی کرکیچ کې بی طرفه او بی غرض پاتې شویدی.

زمونږ کیله دا هم ده چې دوی ولی بی طرف پاتی شویدی آیا دواړه لوری برحق دی، آیا دواړه لوری باطل دی؟ خو حقیقت دادی چې یو لوری برحق یا یو لوری ډیر زیات پر مباشری لیاری روان دی، او بل لوری کې تیروتنی لږدی، خو دوی داسی دریځ غوره نکړ، اوس دوی یواځی د دولت په وړاندی نه بلکه زه یقین لرم چې د دی شوری او د شوری د تصامیمو او پریکړو په وړاندی به هم همداسی عکس العمل رامینځته کیري، یو شمیر کسانو داسی تبلیغات پیل کړی وه، چې دا شوری د یوی ډلی او یوه کس ملاتړ لپاره جوړه

۱. حجرات / ۹. ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَبْغِيَ تَقِيَّ ۗ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾

(و اگر دو طایفه‌ای از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو اصلاح بیارید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کرد با آن [طایفه‌ای] که تجاوز می‌کند بجنگید؛ تا به فرمان خدا باز گردد. پس اگر باز گشت میان آنان دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می‌دارد.)

«مرکز تدوین»

شويده، خو حقيقت دا و چي په همدغه شوري كي دې دلې او د همدې دلې مشر غوښتنه درلوده او ټينكار يې كاوه چې ما گوښه كړي او دا ستر مسوليت زما له اوږونه واخلي.

زما نه مخكي نورو هغو كسانو چې ځان نه يې د اختلاف نښه جوړه كړي هغو خلكو زمانه وړاندي د دغي شوري د رامنځته كيدو او جوړيدو نه ملا تېر كاوه كله چې امير صاحب اسماعيل خان كابل ته راغي او حكمتيار ورته وويل چې دلته څو ورځي پاتي شه، بيا به په كده سره لاړ شو. امير صاحب اسماعيل خان ټولو مشرانو سره خبرو نه وروسته بيا ما سره خبري وكړي.

زما غوښتنه د حق له پلويانو او له ټولو ورونوڅخه دا وه چې د خپل هيواد د ستونزو د حل لپاره هلي ځلي وكړي، له خپلو ټولو كاونديو او نړيوالي ټولني څخه زما غوښتنه دا ده چې دوى دى د يوه حقيقي او منطقي حل لاره موندلو لپاره خپلو هڅو ته دوام وركړي.

لكه چې د اهل حل و عقد د شوري په دوران كي تاسو نمايندگانو او ولسي استازو تا قومندانانو او تاسو علما و وعهد كړ تر هغه وخت پوري چې مونږ خپلي فيصلي او پريكړي ونكړو دا بي غيرتي او بي ننگي نه منو چې پرته له كومى پريكړي نه لاړشو اوس كه څوك وغواړي ستاسو پر پريكړو ملنډي ووهي، مسخره يې كړي، ددې پريكړو په وړاندي خندونه جوړكړي بايد په وړاندي مبارزه وشي او چاه ته اجازه مه وركوي، چې دې كړكيچ ته نور دوام وركړي.

كرانو ورونو!

زه يقين لرم چې زموږ دا وسني مشكلات او ستونزي لكه چې ما مخكي وويل همدا شوري زموږ د بحران د حل لاره ده. زموږ ملت خپلي ستونزي ته حل كولاى شي زما غوښتنه دا ده چې زموږ دغه دانشمند ورونه جناب پخوانى صدراعظم داكتر صاحب يوسف، نورو محترمو علماو و جناب ابلاغ صاحب او نور ډير گرانقدره ورونه چې غوندي ته راغلي دي دوى بايد پخپلو پريكړو كلك ودريري او زه پوره ډاډ لرم چې دوى به په كلكه ودريري تر څوك لويه جرگه يا اسلامي جرگه جوړه شي اوستونزي حل شي.

زما غوښتنه داده چې دغه پوه وروڼه دی له ځان سره قوماندانان او مجاهدین واخلی ملگری ملتونو اسلامی هیوادونو کفرانس، امریکا، روسی او هر هیواد ته دي لارښی او ودی وایی چې تر کوم وخت پوری تاسی بی تفاوت پاتی کیږی تر کله به دا ملت له دی ستونزی سره لاس او گریوان وی. نه د افغانستان د بیا ودانولو په اړه نه دی د بشری مرستو په اړه نه دی د سیاسی بحران د حل په هکله نه دی خارجی لاسوهنی په هکله د یو مطلب په اړه هم تاسی خپل غږ نه اوچتوی، پدی وروستیو شپو ورځو کی محترم مستیری دا غږ پورته کړ او له امریکا نه مو هم واوریدل چې دوی هم دا غوښتنه وکړه چې باید لدی وروسته بهرنی مداخله بنده شی زما غوښتنه داده چې تاسی د منظم کروپونو په شکل سره تاسی تشریف یوسی او د خپل هیواد اوسنی حالت تشریح کړی.

هغه څه چې په ما پوری اړه لری که څه هم ځینی خلک وایی چې د دوی کوند او د گوند غږی واک پخپل لاس کی اخیستی دی پداسی حال کی چې اوس حکومت کول د اور په منیځ کی لوبیدل دی.

زه د قدرت او واک د غضب او احتکار ملاتړ نه یم زه وایم او همیشه می ویلی دی چې هر څوک چې خپل دین وطن او اسلام سره وفادار وی مونږ ورته اهلا و سهلا وایو، کله چې مجاهدین بریالی شول مونږ د عقاید و د تقیتش محکمه جوړه نکړه چې ته کمونست یی راڅه محاکمه کیږی ته فلانی یی راڅه محاکمه کیږی خو دا مفکوره مونږ سره نشته او مونږ هیله لرو چې ان شاءالله زموږ وروڼه هم مونږ سره متفق دی.

برادران بسیار عزیز و محترم!

یک بار دیگر بازهم همان مطلب خود را تکرار می‌کنم که در مراحل کنونی از تاریخ کشورمان، دانشمندان، شخصیت‌های ارجمندی که در کشورهای مختلف مشغول زندگی و آوارگی خودند، همچنان که ما در گذشته از آنان احترامانه خواسته‌ایم، حالا هم از آنان می‌خواهیم که برای خدمت به داخل کشور بیایند و برنامه‌ریزی کنند، پلانی را بسازند و افغانستان عزیز را آباد کنند.

هستهٔ اردوی اسلامی گذاشته شد، باید تمام نیروهای مجاهدین و آنانی که در جهاد شرکت داشتند. در این اردو سهم بگیرند و از طریق آن برای دفاع از تاریخ کشورمان و برای دفاع از وحدت ملی افغانستان و برای تمامیت ارضی آن، طبق پیمان ملی و عظمت تاریخی کشور عزیزمان آماده شوند. بلی، این هسته‌های اولی اردوی اسلامی‌اند که در سنگرهای دفاع در برابر نوکران خارجی قرار دارند.

بعد از اینکه عناصر ماجراجو از بالاحصار رانده شدند، عده‌ای از خبرنگاران آمدند و سنگرهای مجاهدین را دیدند، دیدند که در زمین هموار، شش ماه مسلسل زیر خمپاره و راکت و توپ از جای‌شان بیجا نشدند و سنگر خود را ترک نکردند. گفتند: اگر اینجا فولاد هم می‌بود، ممکن نبود که اینجا برای ده روز مقاومت بکند؛ اما همین افراد بودند که شش ماه توانستند از این سنگرها دفاع کنند و یک وجب دیوار هم در پیش روی‌شان نبود و از سر کوه‌ها انواع مختلف مرمی‌های هاوان، راکت و توپ بر سرشان می‌بارید.

یقیناً که ملت قهرمان ما دست‌آورد عظیم تاریخی داشت؛ اما دست‌های ناپاک خواستند عظمت تاریخی ما را، عظمت جهادی ملت ما را، وحدت ملی افغانستان را از زیر کنترل ما بیرون بیاورند؛ اما، ما مطمئنیم باز فرزندان مجاهد این کشور، قسمی که دیروز در برابر قدرت جنایت‌کار اتحاد شوروی سابق، دلیرانه رزمیدند و مشتاقانه به سنگرهای جهاد شتافتند، امروز بار دیگر در راه از بین بردن بحران کنونی در راه ایجاد یک افغانستان مستقل، افغانستان اسلامی و افغانستان پر قوت و نیرومند، به بازسازی کشور ویران‌شان مردانه و آگاهانه همچون فرزندان صادق کشور خواهند پرداخت و آماده‌اند که در برابر هر چلنجی قرار بگیرند.

شاید بعضی‌ها تصور کنند که دو طرف جنگ از طریق خارجیان تمویل می‌شوند. یقیناً هر نوع کمکی که از خمپاره، گرفته تا راکت و پول و هر چیزی که در اختیار اپوزیسیون قرار داده می‌شود؛ کمک خارجی است؛ اما من چلنج می‌دهم - و شما هم دولت‌ها را در هر جایی که هستید، بپرسید - که با دولت اسلامی افغانستان یک جبهه و دینار و یک پیسه از هیچ کشوری کمک

صورت نگرفته است.

اگر همت فرزندان صادق تان نمی بود، حالا شاید بحران کشور خطرناک تر می بود و اگر اینان همچون عناصر مُخزّب و کسانی که احساس مسئولیت در برابر اسلام، در برابر تاریخ و در برابر ملت تان نکردند، دست شان بالا می بود، شما می دیدید که در هر کوچه حَمّام خون برپا می شد.

بلی، شما اگر یک بار هم که شده، به کسانی که امروز نه در برابر دولت؛ بلکه در برابر ملت خود قرار دارند و می جنگند، ببینید، آنان را عناصر بسیار وحشی صفت و عناصری که هیچ فرهنگ ملی و اسلامی را ارزش نمی دهند و به او پیوند عمیق ندارند، می یابید.

اگر کسی احساس داشته باشد، آیا بر خود حق می دهد که طفل کابل را، زن کابل را، مرد کابل را، پیر مرد کابل و مردم مظلوم را در شهر کابل، دو سالِ مسلسل در زمستان و تابستان مورد فیر راکت قرار بدهد؟

احساس اسلامی که در دل شان وجود ندارد؛ ذرّه ای مروت و انسانیت هم ندارند. گناه کودک کابل چیست؟ گناه خواهر کابل چیست؟ که هر روز بر سر خود راکت بخورد، اگر جنگ می کردند و مردانه می جنگیدند، جاهای دیگری بود که می رفتند، نیروهای دولت را در آنجا می زدند؛ اما تمام ابتکارشان برای کشتار مردم بی پناه است. آنان با این کارهای خود، امروز ارتباط خود را با اسلام قطع کردند. اینان خود می فهمند که به غیر از یک چیز که آن هم رسیدن به قدرت است، در آرزوی چیز دیگری نیستند و به این اساس؛ آنان بی رحمانه می کشند و بی رحمانه قتل می کنند.

من به نمایندگی دولت اسلامی می گویم: دولت اسلامی، فرزندان مجاهدتان و برادران تان، به خاطر حکم تاریخ و استقلال کشورتان تا حالا جنگیده اند. در اینجا هیچ احتکار قدرت وجود ندارد، اگر احتکاری هست، تنها احتکار نشستن در سنگر است که در سنگر شان نشستند و می جنگند و از استقلال و وحدت ملی و تمامیت ارضی کشورشان دفاع می کنند.

از همه آنانی که در این گردهمایی و مجلس بزرگ اسلامی، ملی و تاریخی خود سهم گرفتند، از همه این ها به قدرانی یاد کرده و امیدوارم که

فیصلهٔ شان به‌عنوان یک وثیقهٔ ملی و به‌عنوان یک سند تاریخی - که توسط خود مردم و با ابتکار خود مردم، خود قوماندانان، خود دانشمندان محترم و علمای محترم به میان آمده - ارزش تاریخی، ملی و اسلامی خود را در تاریخ افغانستان داشته باشد.

من حالا هم می‌گویم و به خود می‌گویم و به هر زعیم و زمامداری که در کشورمان بعد از این می‌آید، باید برای شان بگویم، از هیچ‌کسی اطاعت واجب نیست، نه از رئیس دولت و نه از هیچ فرد دیگری که در خط انحراف و ضد اسلام و خط ضد آرمان ملت و مردم خود قرار بگیرد.

از کس اطاعت صورت می‌گیرد که در راه خدا و در راه پیغمبر و در راه اسلام و در راه تأمین مصالح علیای مردمش گام بردارد. زعیم کشور، مسئول امور کشور است. او با دار مردم نیست؛ بلکه او برادر و حتی خادم مردم است. باید این مسئولیت را قبول کند و زمانی که قدرت خدمت را نداشته باشد، باید به‌زور بر طرف شود. گفتنی است که نباید به‌زور سلاح و به‌زور لشکر قدرت را کسی بگیرد.

برادران عزیز!

ما یقین داریم که ملت افغانستان بعد از این به هیچ مستبدی، به هیچ دیکتاتوری، به هیچ خودپرستی و به هیچ خودکامه‌ای و به هیچ چاکر و مزدور خارجی‌ای اجازه نمی‌دهد که برخلاف ارادهٔ مردم، از طریق توطیه، از طریق سازش، از طریق کودتاها و از طریق اعمال زور حکومت کند.

باید اجازه ندهیم که هیچ‌کس بعد از این زعامت سیاسی کشور را از طریق نیرنگ، از طریق ایجاد کشمکش‌های نژادی، لسانی، منطوقی به دست بیاورد. تعیین زعامت در کشور عزیز ما، از طریق ارادهٔ مردم و از طریق شوری‌های اسلامی باید صورت بگیرد.

اگر برادر پشتونی، اوزبکی، تاجیکی، هزاره‌ای، بلوچی، نورستانی‌ای و یا هرکسی مورد پذیرش مردم ما باشد و یا اگر یک وزیر سابقه‌دار، یک عالم دینی، یک سنگر نشین، رئیس یک قوم، خلاصه، هرکسی که مورد پذیرش و قبول مردم باشد، باید به او احترام قایل شد و از او اطاعت کرد و نباید

بعد از این هیچ‌کسی خود را به‌زور به مردم تحمیل کند.
من از این بیشتر وقت برادران را نمی‌گیرم، یک‌بار دیگر از همه برادران
عزیز و گرامی مان و از همه اشتراک‌کنندگان در این شوری یا این مجلس، از
خواهران، از برادران، از دانشمندان، از قوماندانان، از والیان و همه حاضرین
قدردانی می‌کنم.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ،... إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.^۱

۱. ترجمه معانی آیه مبارکه گذشت. «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک‌صد و چهل و سوم
در مراسم تجلیل نخستین سالگرد پیروزی جهاد ملت مسلمان افغانستان
تاریخ: ۸ ثور ۱۳۷۲ هـ ش



الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلوة والسلام على سيدنا ونبينا محمد وعلى آله واصحابه اجمعين.

برادران! خواهران! مجاهدان دلیر و حماسه‌آفرین و هم‌وطنان مؤمن و باشهامت کشور!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

نخست از همه، اولین جشن پیروزی ملت مسلمان افغانستان را به شما هم‌وطنان عزیز در هر جایی که هستید و به شما مجاهدان فداکار و مهاجرین باشهامت - که هنوز به کشور برنگشته‌اید - مبارکباد می‌گویم.

همچنان در این لحظات تاریخی، به روان پاک شهیدان گلگونکفنی که با ریختن خون‌های پاک‌شان درفش اسلام و آزادی را بر فراز هر کوی و برزن این سرزمین برافراشته‌اند، اتحاف دعا می‌کنم.

بزرگداشت از نخستین سالروز انقلاب اسلامی افغانستان، در واقع بزرگداشت از جهاد مقدس مردم سلحشور کشورمان، قدردانی از کارنامه‌های فراموش‌ناشدنی مجاهدان ایثارگر که با تحمل قربانی‌های فراوان فصل‌نوی را در تاریخ معاصر افغانستان و جهان گشودند و تجلیل از پیروزی نور بر ظلمت و عدل بر استکبار و بیدادگری می‌باشد.

انقلاب اسلامی افغانستان نتیجه رنج‌ها، دردها و خون‌های پاک میلیون‌ها انسان باایمان و از خودگذشته‌ای است که در طول چهارده سال جهاد با پایدردی و شکیبایی بی‌مانند در برابر قدرت متجاوز - که چون

هیولای هراس آور سایه شوم خود را بر فراز کشورهای زیاد جهان پهن ساخته بود - شجاعانه رزمیدند و سرانجام دشمن تجاوزگر را که به پندار واهی و باطل خویش، خود را شکست ناپذیر می پنداشت، چنان شکست فزاینده بار دادند که تاریخ در پهنه روزگار مانند آن را کم تر به خاطر دارد.

مردم افغانستان در طول چهارده سال جهاد، آلام و مصایب بیشماری را متحمل گردیدند. در حدود یک و نیم میلیون تن از بهترین فرزندان این سرزمین جام شهادت نوشیدند، تقریباً دو میلیون نفر معیوب و مجروح شدند و بیشتر از پنج میلیون نفر با ترک خانه و دیار خویش، راه هجرت در پیش گرفتند، به اقتصاد ملی ما خسارت هنگفتی وارد گردید، در حقیقت شیرازه اقتصاد ناتوان وطن ما از هم فروپاشید، عاید ملی سال به سال قوس نزولی خود را پیمود، کارخانه ها و مؤسسات تولیدی یا تخریب گردید و یا از کار بازماند، در اثر انهدام و وارد شدن صدمه بر شبکه های آبرسانی سطح حاصلات مزارع پایین آمد، خطوط مواصلاتی و پل ها تخریب گردید، مکاتب، شفاخانه ها و تأسیسات عام المنفعه ویران شد؛ اما با وجود این همه، تلفات و خسارات عظیم جانی و مالی، کوچکترین خدشه و لطمه ای بر روحیه مقاوم مردم ما وارد نگردید و در عوض دلیرتر و شجاعانه تر با دشمن پنجه دادند؛ تا زمینه اضمحلال و فروپاشی کامل آن را فراهم ساختند.

مردم افغانستان حق دارند که اولین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی خویش را با مباحثات و سربلندی تجلیل کنند؛ زیرا در نتیجه پیروزی انقلاب بود که یک بار دیگر نام و کارنامه های تاریخی دلیر مردان این سرزمین با خطوط جلی ثبت صفحات تاریخ منطقه و جهان گردید.

به یمن و لطف انقلاب اسلامی بود که ایدیولوژی کمونیستی به حیث یک مکتب الحاد و گمراهی فروپاشید، امپراتوری شوروی سابق منحل گردید، دیوار برلین به مثابه سمبول استبداد - که سالیان دراز بر قلب اروپا باعث جدایی ملت های واحد و حتی خانواده ها از همدیگر بود - فروافتاد، کشورها و ملت های زیادی در قاره های آسیا و اروپا بعد از سال ها اسارت به آزادی رسیدند، سیمای سیاسی و جغرافیایی جهان عوض گردید و روابط و

مناسبات نوی در عرصهٔ بین‌المللی میان کشورها به میان آمد.

پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ما پدیدهٔ آنی و تصادفی نبوده؛ بلکه محصول رنج‌های بیکران ملت قهرمان و شهیدپرور ماست که عمری به خاطر تحققش تلاش کرد و قربانی داد.

چه بندگان خدا به حکم اسلام مکلف‌اند که جهت برچیدن بساط ستم، گمراهی و فساد از جامعهٔ بشری، قیام کنند و در این راه از ایثار جان و مال دریغ نوزند. با تبعیت از فرمان الهی، فرزندان مجاهد شما ملت غیور، سال‌ها قبل برای درهم‌پیچیدن طومار فتنه و فساد، دست به جهاد و مبارزه زدند و در این راه تکالیف مشقت‌باری را متحمل شدند و تعداد زیادی با استقبال شهادت شتافتند.

از آنجایی که این ملت در طول تاریخ، رسالت سترگ آزادی‌خواهی را به دوش داشته، بارها با زورگویان تاریخ مصاف داده و پیروز به درآمده‌است، این بار نیز برای انجام رسالت اسلامی و تاریخی‌اش در راه دفاع از دین و آزادی خویش وارد خونین‌ترین معرکه علیه متجاوزین گردید.

چهارده سال پیش از امروز زمانی که قشون سرخ به همکاری ایادی زبون و ننگین خود به کشور زیبای ما حمله کرد، ملت ما که جز ایمان قوی و عقیدهٔ راستین چیز دیگری در اختیار نداشت، بار دیگر در برابر یک آزمون بزرگ قرار گرفت، هیچکس به این باور نبود که این ملت بتواند در برابر نیروهای اهریمنی «ستاد کمونیزم جهانی» به‌پای ایستد و از اخوت اسلامی و آزادی خود دفاع کند؛ ولی قیام همگانی ملت ما در برابر نیروهای شیطانی تادندان مسلح و سرانجام شکست ارتش سرخ باهمه معیارها و معادلات سیاسی و نظامی جهان، خط بطلان کشید.

هر انقلاب خواهی‌نخواهی، از میان مشکلات عدیده‌ای عبور می‌کند و جاده‌های پرخطری را می‌پیماید؛ ولی انقلاب اسلامی ما خطرناکترین جاده‌ها را پیموده و از میان انبوه مشکلات و مصایب راه خود را به‌سوی نظام اسلامی باز کرد.

استقرار دولت اسلامی در افغانستان نتیجهٔ تلاش‌ها و قربانی‌های

چهارده ساله مردم مسلمان ما بود که تحقق پذیرفت. دولتی که از همان بدو تأسیس به تأسی از روش پیامبر اکرم با به کارگیری سیاست عفو و گذشت، جهان را شگفت زده ساخت و نشان داد که مجاهدین تنها در میدان کارزار، آیت قهر و خشم خدا نیستند؛ بلکه در عرصه سیاست و اداره، تجسمی از رحم، عطوفت و بخشش اند. شاید کسانی بودند که دولت اسلامی را تازیانه انتقام می پنداشتند؛ اما با اعلان عفو همگانی مجاهدین، یکسره بر این پندار خط بطلان کشیده شد.

با وجود نوپایی دولت اسلامی و دسایسی که علیه آن به راه افتید، در طول یک سال گذشته، گام های مثبتی برای تحکیم ثبات سیاسی کشور و سعادت ملت برداشته شد.

مردم مؤمن و رنج کشیده کشور ما - که در طول چهارده سال جهاد، رنج ها و مشقات زیادی را متحمل گردیده بودند - با تشکیل و اعلان دولت اسلامی آرزو داشتند که در دوران نظام اسلامی فارغ از هرگونه تهدید، درد و رنج زندگی کنند؛ مگر متأسفانه در اثر اخلاص گری ها و کشمکش های مسلحانه، این آرزومندی کم تر تحقق یافت. دولت اسلامی با وجود مشکلات فراوان در جریان یک سال، گام های مؤثری در اکثر زمینه ها برداشت که از جمله میتوان متذکر شد:

۱- تدویر شورای «حل و عقد» و مراجعه به آرای مردم جهت انتخاب رئیس دولت. این نخستین بار در تاریخ کشور ماست که به منظور تأمین عدالت و احقاق حقوق عموم هم وطنان، انتخاب نمایندگان مردم بر معیار تناسب نفوس صورت می گیرد؛

۲- اخراج بخش زیادی از نیروهای مسلح غیرمسئول از پایتخت به منظور تأمین امنیت در شهر کابل؛

۳- افزودی معاش و امتیازات مالی مأمورین، اجیران و پرسونل خدماتی؛

۴- کمک به آسیب رسیدگان حوادث شهر کابل؛

۵- اتخاذ گام های اساسی در جهت تنظیم اردوی جدید اسلامی و ملی

که هویت و خصلت جهادی متبازز داشته باشد؛

- ۶- توسعه ارتباطات بین مرکز و ولایات کشور؛
- ۷- ثبات نسبی نرخ‌ها و جلوگیری از صعود غیرقابل کنترل آن‌ها به مقایسه با سال‌های قبل؛
- ۸- با استقرار نظام اسلامی، افغانستان از انزوای سیاسی و اقتصادی - که به خاطر اشغال شوروی سابق و وابستگی به آن کشور گرفتار شده بود - بیرون آمد و به حیث عضو فعال در سیاست منطقه و جهان دوباره عرض اندام کرد؛
- ۹- دولت اسلامی افغانستان به عضویت سازمان همکاری‌های اقتصادی (ایکو) درآمد؛
- ۱۰- هیئت‌های افغانی در اجلاس‌های سازمان ملل متحد، کنفرانس اسلامی و جنبش عدم انسلاک اشتراک کرد و با بیان موضع جمهوری اسلامی افغانستان، روابط کشور ما را با کشورهای مختلف جهان گسترش و عمق بیشتری بخشید.
- هم‌وطنان مؤمن!**
- در این روز تاریخی و پرافتخار؛ مروری داریم بر خطوط کلی اهداف دولت اسلامی:
- نظام سیاسی و حقوق دولت اسلامی، بر بنیاد اصول و تعالیم والا و فرهنگ غنی اسلامی استوار است؛
 - همه قوانین و ضوابط برای تنظیم زندگی جامعه در همه ابعاد آن به روی اساسات زرین اسلام وضع می‌گردد؛
 - باملاحظه این حقیقت که قوانین اسلامی جواب‌گوی نیازهای واقعی عصر و زمان و خواست واقعیت‌های ملی و تاریخی مردم و کشور ماست، دولت اسلامی افغانستان بر اساس تفکیک قوای ثلاثه «اجرائیه، مقننه و قضائیه» فعالیت می‌کند؛
 - در رأس دولت اسلامی، رئیس‌جمهور قرار دارد؛
 - سیستم سیاسی و اداری دولت اسلامی افغانستان بر اساس اصل مرکزیت استوار بوده، افغانستان دولت اسلامی، مستقل، واحد و غیرقابل

تجزیه است.

- مردم افغانستان بدون تبعیض و امتیاز می‌توانند از طریق تشکیل احزاب و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی در چوکات قوانین و مقررات اسلامی و مطابق به نیازمندی جامعه، در حیات سیاسی کشورشان سهیم شوند؛

- دولت اسلامی قوانین و ضوابط موردنیاز را برای فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه تدوین و زمینه فعالیت‌های قانونی را فراهم می‌سازد؛

- انتخابات در افغانستان بر اساس اصول اسلامی به صورت مستقیم و بر اساس تناسب نفوس صورت می‌گیرد؛

- دولت اسلامی افغانستان به تعمیق هرچه بیشتر تعالیم والای اسلام در جامعه، دفاع از استقلال، حاکمیت، هویت، وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور مکلف بوده، به اصل تأمین صلح و ثبات و امنیت داخلی، به قدرت و قابلیت دفاعی کشور حق اولویت داده و در این راستا ایجاد و تقویت اردوی اسلامی و ملی را از مهم‌ترین وظایف خود می‌داند؛

- دولت اسلامی افغانستان به‌عنوان یک کشور صلح‌دوست و عضو جنبش غیرمنسلک در پیمان‌های نظامی شامل نشده و تأسیس پایگاه‌های نظامی خارجی را در قلمرو خود اجازه نمی‌دهد؛

- دفاع در برابر تجاوزگران که تاریخ کشور ما شاهد نمونه‌های زیادی از آن است، حفظ استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و سرانجام دفاع و نگهداری از حریم ارزش‌های دینی، سنن و افتخارات تاریخی هدف زیربنایی تشکیل اردوی دولت اسلامی و پایه فلسفه وجودی سیستم نظامی را در دولت اسلامی افغانستان تشکیل می‌دهد؛

- دولت اسلامی افغانستان در تنظیم پالیسی داخلی و خارجی خویش، منافع و مصالح علیای اسلامی و ملی مردم افغانستان را در نظر داشته و در تدوین سیاست اجتماعی خویش نیازمندی‌های مردم و واقعیت‌های عینی را بدون تبعیض و امتیاز در نظر می‌گیرد؛

- دولت اسلامی احترام به کرامت انسانی را به‌عنوان یکی از اصول

بنیادی تعالیم دینی رعایت کرده و بر اساس آن آزادی بیان و مطبوعات، حق تشکیل اجتماعات مسالمت‌آمیز، فعالیت‌های علمی و فرهنگی را در چوکات قوانین اسلامی تضمین و ملکیت فردی و حیثیت و کرامت انسانی را از تعرض مصون می‌داند؛

- استحکام وحدت ملی ملت مسلمان افغانستان در سرخط وظایف دولت اسلامی قرار داشته، برادری و همکاری میان همه ملیت‌ها و اقوام کشور و سهم‌گیری عادلانه همه آنان در ساختار سیاسی کشور و در همه انواعی از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای پیاده کردن آرمان جهاد ملت مسلمانان از اهداف عمده دولت اسلامی است،

- دولت اسلامی به‌منظور پایان بخشیدن بحران عدم اعتماد در میان گروه‌های جهادی که زاده دوران جنگ و برخوردهای مسلح گذشته است، اشتراک همه نیروهای مجاهد را در ساختار حکومت ضروری دانسته و نقش آنان را در تأمین امنیت و اعمار و بازسازی کشور ویران و جنگ‌زده، مهم و تعیین‌کننده میداند؛

- مبارزه سیاسی به شیوه‌های قانونی و مسالمت‌آمیز، کمال مطلوب بوده؛ اما استخدام سلاح به خاطر رسیدن به اهداف سیاسی مردود و فاجعه‌آفرین است؛ چنانکه در دوران راکت‌باری بر شهر کابل همه ما شاهد دردناکترین صحنه‌های فاجعه‌آور بودیم.

دولت از همه رهبران محترم می‌خواهد که به خاطر قطع همیشگی جنگ و تشکیل حکومت با پایه‌های وسیع و اشتراک همه نیروهای جهادی، پروسه صلح اخیر را به‌عنوان یک گام ارزشمند به مرحله تطبیق قرار دهند.

دولت اسلامی در جهت انجام رسالت و وظایف خویش در همه عرصه‌ها به کمک و حمایت شما ملت قهرمان و زجرکشیده نیاز دارد. یاری پروردگار توانا و حضور شما مردم در صحنه است که راه را برای حل پیچیده‌ترین بحران‌ها و مشکلات هموار می‌سازد.

در عرصه امنیت ملی و دفاع:

- تأمین امنیت در سراسر میهن در اوضاع کنونی که جنگ چهارده‌ساله

کشور را به انبار باروت تبدیل کرده و بحران‌های روانی و سیاسی در داخل و مداخلات بیرونی از خارج بر این شعله‌ها بنزین فرومی‌ریزد. از مهم‌ترین مسئولیت‌های ملی دولت و ملت ماست؛

- دولت بر مبنای پیاده کردن استراتژی صلح، تفاهم و اخوت از همه احزاب و گروه‌ها خواسته است که در راه تأمین صلح سرتاسری و استحکام وحدت ملی کشور، به‌دوراز مسایل گروهی، قومی، نژادی و منطقی برادروار باهم سهم فعال بگیرند؛

- اشتراک دولت در امضای موافقت‌نامه صلح اسلام‌آباد بعد از فیصله شورای حل و عقد بیانگر حسن نیت دولت و تلاش همیشگی در استقرار صلح و امنیت است. امیدواریم با رفع موانعی که در راه تطبیق این موافقت‌نامه ایجاد شده، راه برای پیاده شدن مفاد آن هرچه عاجل هموار گردد؛

- دولت اسلامی را عقیده بر این است که ثبات و امنیت در کشور وابسته به وجود اردوی منظم و اردوی منظم، مستلزم رعایت نظم دقیق است. یا به‌عبارت‌دیگر، امنیت یک کشور در اردو و کمال اردو در نظم آن است. بناءً پروسه تشکیل اردوی اسلامی و ملی کماکان ملی و با قوت ادامه داده خواهد شد؛

- اردوی اسلامی مرکب از تمام نیروهای جهادی و افراد سالم اردوی سابق خواهد بود؛

- این اردو از ارزش‌های والای مکتب اسلام، استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت ملی پاسداری می‌کند؛

- اردوی دولت اسلامی اردوی مردمی بوده و منحصر به گروه و قشر خاص نمی‌باشد، فارغ از رقابت‌های تنظیمی و سیاسی بوده، منظم و منضبط نقش خود را به حیث مدافع مطمئن حاکمیت اسلامی و ملی در کشور ایفا خواهد کرد؛

- از آنجایی که وظیفه اردو دفاع از سرحدات جغرافیایی و سیاسی کشور می‌باشد، با احیا و اصلاح نظام پولیس در وزارت داخله و ترتیب و تنظیم آن، کنترل شاهراه‌ها و حفاظت از جان، مال و ناموس مردم بدان سپرده خواهد

شد؛

- در دولت اسلامی مانند رژیم‌های گذشته، دستگاه امنیت و پولیس، آیت خشم و خشونت و دستگاه شکنجه و عذاب، تعقیب و زندان نبوده؛ بلکه در خدمت آسایش و امنیت مردم و قطع فتنه و آشوب و رفع مشکلات امنیتی مردم خدمت خواهد بود.

در ساحة نظام اداری:

- دولت اسلامی تلاش می‌ورزد که نظام اداری کشور در اوضاع جدید سیاسی و اجتماعی کشور هماهنگ با ارزش‌ها و آرمان‌های والای انقلاب اسلامی، اصلاح و با فساد و بی‌کفایتی قاطعانه مبارزه کند؛
- به اهلیت، تجربه و تخصص در ساخت نظام جدید اداری کشور بهای لازم داده خواهد شد؛

- علیه واسطه، اعمال نفوذ و اقربا پروری - که مانند موریانه هر نظامی را از درون فرسوده می‌سازد - مبارزه و اقدامات جدی به عمل خواهد آمد؛
دولت اسلامی در اصلاح و دگرگونی نظام اداری کشور ترجیح می‌دهد که قدم‌های تدریجی برداشته و به صورت آرام و مرتب کاغذپرانی و کارشکنی را نابد و به سوی یک نظام اداری سالم - که برنامه‌های دولتی را به وجه احسن اجرا کرده بتواند - گام برمی‌دارد.

در ساحة اعمار مجدّد و بازسازی:

- دولت اسلامی بازسازی وطن ویران‌شده را جهاد و پیکار بزرگ و تاریخی دانسته و تحقق آن را برنامه‌ریزی و اقدام خواهد کرد؛
- ما معتقدیم که رسالت عظیم و تاریخی، نوسازی و آبادانی این کشور مصیبت دیده و بلاکشیده را به یاری شما مردم، همانند جهاد پیروزمند ملت خویش با موفقیت و سرفرازی به پایان می‌رسانیم؛
- بدون شک حضور فعال و گسترده شما مردم در بازسازی کشور و فعال ساختن مجدّد مزارع و کشتزارها، فابریکه‌ها، ادارات و ارگان‌های خدمات عامه، مکاتب، پوهنتون‌ها نقش اساسی و تعیین کننده دارد؛
- دولت اسلامی افغانستان تلاش میکند؛ تا اوضاع مساعدی را جهت

جلب و جذب همکاری کشورهای دوست و سازمان‌های بین‌المللی در بازسازی افغانستان ایجاد کرده و علاوه‌تاً زمینه سرمایه‌گذاری خصوصی را برای آن عده سرمایه‌داران ملی - که در خارج زندگی می‌کنند - مساعد خواهد ساخت.

در ساحة اجتماعی و فرهنگی:

- دولت اسلامی با تکیه بر سیاست مردمی، در آغاز اعلان کرد که فرصت کار و بازگشت آن عده کسانی که آرزوی کار کردن برای کشور و مردم شان را دارند، مساعد است؛ تا در عمل ثابت کنند که دلسوز به کشور، وفادار به اسلام و خادم به ملت میباشند؛

- دولت اسلامی معتقد است که فیصله قبلی مبنی بر شرکت مردم در انتخابات بر اساس نفوس، مشکلات و محرومیت‌های اقوام و ملیت‌ها را در صحنه‌های سیاسی-اجتماعی حل کرده است؛

- دولت اسلامی معتقد است که آزادی‌های اساسی و تأمین حقوق بشر به‌خصوص طبقه نسوان و ایجاد فضای باز سیاسی از جمله آزادی فعالیت احزاب سیاسی، آزادی بیان و اندیشه، در چارچوب قوانین والای اسلامی، در نظام سیاسی افغانستان اسلامی، به وجه احسن تأمین خواهد شد؛

- حقوق بشر را بهتر از نظام‌های دیگر تأمین کرده و خواهران ما با رعایت حجاب اسلامی می‌توانند در فعالیت‌های فرهنگی، علمی، صحی و اجتماعی سهم شایسته بگیرند؛

- از آنجایی که روح کلی و بنیاد اصلی انقلاب ما، اسلام بوده و اسلام به‌مثابه یک دین الهی توجه عمیق و جدی به تعلیم و تعلم دارد، بناءً دولت اسلامی همراه با مردم و احزاب جهادی موظف‌اند که دروازه‌های بسته‌شده معارف و مراکز علم و دانش را به روی فرزندان مظلوم و مصیبت‌زده کشور بگشایند. بسته ماندن دروازه‌های علم و فرهنگ و دارالعلوم‌های دینی و مکاتب ابتدایی، متوسطه و عالی برای آینده کشور زیان‌بار می‌باشد؛

- دولت اسلامی علاوه بر مراکز تعلیمی موجود، تلاش می‌کند تا مراکز جدید علمی و فرهنگی را تأسیس کند؛

- مبادلهٔ استادان، اعزام محصلین به خارج جهت ادامهٔ تحصیلات عالی‌تر از اهمیت خاصی برخوردار است؛

- دولت به منظور رشد فرهنگ ملی تدابیر لازم اتخاذ کرده و سعی خواهد کرد تا فرهنگ، رسوم پسندیده، زبان و ادبیات تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل را حفظ و انکشاف بدهد؛

- رشد و ارتقای سوبیهٔ علمی، فرهنگی، فنی و تخصصی کشور از اولویت‌های دولت اسلامی بوده، امیدوارم که دانشمندان و متفکران افغانی که در خارج به سر می‌برند، به کشور عودت کرده و در احیای نهادهای علمی، تربیتی و فرهنگی کشور سهم گرفته، مسئولیت تاریخی خویش را ادا کنند.
در ساحهٔ اقتصاد و زراعت:

- دولت اسلامی با پدیدهٔ بی‌کاری و فرار مغزها - که با فقر اقتصادی ارتباط ناگسستگی دارد - مبارزه کرده و شرایط کار و به کار انداختن استعدادها را در حد امکان مساعد خواهد ساخت؛

- منابع تولید را در بخش‌های خصوصی و دولتی به صورت درست و معقول فعال ساخته و نظام توزیع عادلانه و انسانی را ایجاد خواهد کرد؛
- از آنجایی که اسلام با اصل عدالت اجتماعی و اقتصادی تأکید به عمل آورده است؛ دولت در راستای نظام والای اسلامی با فقر و گرسنگی مبارزه و تلاش اعظمی خواهد کرد؛

- صنایع ملی و صناعی که مواد خام آن در داخل کشور میسر است، تشویق خواهد شد؛

- تجارت در بخش‌های خصوصی و دولتی ترغیب و در خطوط جدید برنامه‌ریزی خواهد گردید؛

- تجار ملی مورد حمایت دولت بوده، در تفاهم با حکومت می‌توانند به صدور و ورود کالای مورد نیاز اقدام کنند؛

- منابع و ثروت‌های کشور در جهت رفاه و سعادت مردم افغانستان به کار گرفته می‌شود و در رابطه با راه‌اندازی درست آن با کشورهای و شرکت‌های خارجی قراردادهای سودمند منعقد خواهد شد؛

- دولت به غرض جلوگیری از خیانت و احتکار، بر نرخ‌های بازار، خرید و فروش، اعمال کنترل و مواظبت خواهد کرد؛
 - نظام بانکی در خطوط جدید و اسلامی منظم و مرتب خواهد بود؛
 - با پدیده سودخواری - که مرض مهلک و کشنده محسوب می‌گردد - مبارزه خواهد شد؛

- با تکیه بر امکانات و منابع داخلی و ملی کوشش به عمل خواهد آمد؛ تا از وابستگی اقتصادی به دنیای خارج کاسته و به سوی خودکفایی اقتصادی برسیم. خودکفایی اقتصادی به معنای مجزا زیستن از اقتصاد جهانی نیست؛ لذا کوشش به عمل آورده خواهد شد تا جذب همکاری‌های اقتصاد بین‌المللی منابع داخلی بارور گردد؛

- افغانستان یک کشور زراعتی است. خاک حاصل خیز، منابع وافر، آب‌های سطح‌الأرضی و نیروی کار ارزان، امکانات انکشاف و توسعه زراعت و مال‌داری را به نحو قابل توجهی فراهم ساخته است؛

- دولت اسلامی در نظر دارد اراضی زراعتی موجود به همت دهقانان کشور کاملاً تحت کشت و زرع قرار گیرد؛

- همچنان از طریق اعمار بندها و سربندهای آبگردان بر فراز دریاها و رودخانه‌های خروشان کشور، امکانات آبیاری و تحت زرع قرار دادن اراضی جدیدی را فراهم سازد؛

- در جریان چهارده سال جنگ، قسمتی از اراضی زراعتی کشور از کشت بازمانده است، بر تأسیسات آبی آری، مانند بندها، نهرها و چشمه‌ها، خسارات زیادی وارد شده است که ترمیم و احیای مجدد آنها جداً مورد توجه قرار دارد؛

- مال‌داری نیز از مشاغل و مصروفیت‌های کهن و پرعاید مردم ماست، در سال‌های اخیر عواید حاصله از طریق عرضه و فروش محصولات حیوانی، مانند پوست قره‌قل، پشم، پوست و قالین، تقلیل و تعداد مواشی کاهش یافته است، دولت در این عرصه نیز پلان‌ها و برنامه‌های لازم را غرض کمک به مال‌داران و بلند رفتن سطح بهره‌برداری از محصولات حیوانی روی دست

خواهد گرفت.

در عرصهٔ مواصلات و خدمات ضروری:

- جنگ صدمات زیادی بر شبکه‌های مواصلاتی کشور وارد نموده، تقریباً تمام سرک‌های اسفالت‌شده و موتررو صدمه دیده و یا از استفاده بازمانده است، پل‌ها تخریب و تسهیلات ترانسپورتی از بین رفته و وسایط حمل و نقل و باربری ضایع گردیده است و از آنجایی که افغانستان یک کشور کوهستانی است تا هنوز خط آهن ندارد، سیستم انتقالات هوایی نیز با کمبودها و دشواری‌های گوناگون مواجه می‌باشند، راه تأمین ارتباطات مردم از طریق سرک‌ها میسر است. از این لحاظ ترمیم و احیای مجدد سرک و خطوط مواصلاتی در صدر برنامه‌های دولت اسلامی قرار خواهد داشت؛

- البته با موازات آن، امکانات احداث خط آهن نیز بررسی خواهد گردید؛

- با توجه به نقش و رشد سریع شبکه‌های اطلاعاتی و مخابراتی در سایر کشورها و استفاده از تکنالوژی بسیار کهنه و عقب‌مانده در کشور ما، ایجاب میکند که در عرصهٔ مخابرات توجه جدی مبذول گردد؛

- تحت پوشش قرار دادن رادیویی و تلویزیونی سراسر کشور، یکی از برنامه‌های رشد و انکشاف فرهنگی و اطلاعاتی دولت است؛

- همچنان بهبود هرچه بهتر سیستم مخابراتی اعم از: تلفن، تلگراف، تلکس، جداً مورد توجه خواهد بود؛

- قابل تذکر است که سیستم برق‌رسانی شهرهای کشور از گذشته‌ها ناکافی بوده که جنگ و حوادث بعدی لطمه‌پذیری این سیستم را بیشتر ساخته است، دولت خواهد کوشید در حدود امکانات دستگاه‌های برق، شبکه‌ها و تأسیسات برق‌رسانی را فعال و مؤثر ساخته، هم‌زمان با آن امکانات رفع اساسی این پرابلم را بررسی کند.

در عرصهٔ سیاست خارجی:

- دولت اسلامی افغانستان در سیاست خارجی خویش از اصل مصالح‌علیای افغانستان اسلامی، اصل احترام متقابل و منافع متقابل، استقلال،

تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، عدم مداخله در امور داخلی کشورها، تساوی حقوق در مناسبات میان کشورها پیروی میکند؛

- دولت اسلامی افغانستان با در نظر داشت پیوندهای عمیق اعتقادی، اخوت و دوستی اسلامی در میان مردم افغانستان و مردمان کشورهای اسلامی، خواهان توسعه و تحکیم مناسبات همه‌جانبه با این کشورها و سایر کشورهای منطقه و جهان بر اساس منافع ملی افغانستان می‌باشد؛

- دولت افغانستان با در نظر داشت پیوندهای عمیق فرهنگی و همسایگی نیک میان مردم افغانستان و مردم برادر، پاکستان و با اظهار امتنان از کمک‌های بی‌شائبه مردم و حکومت پاکستان در طی دوره جهاد، اعلام می‌دارد که با پیروزی جهاد و تأسیس دولت اسلامی در افغانستان اوضاع مساعد برای آغاز فصل نوین روابط حسنه در مطابقت با منافع ملی هر دو کشور فراهم گردیده است؛

- مردم مسلمان افغانستان و ایران را رشته‌های عمیق تاریخی، فرهنگی و دینی پیوند می‌دهد، دولت و مردم برادر ایران در طول سال‌های جهاد از مردم افغانستان حمایت بی‌دریغ کرده است، بناءً ما علاقه‌مند سهم‌گیری فعالانه ایران در امر بازسازی اقتصادی افغانستان جنگ‌زده می‌باشیم؛

- عربستان سعودی به حیث کشور بااعتماد و پرنفوذ معنوی در جهان اسلام در امر دفاع از داعیه برحق مردم افغانستان و پیروزی انقلاب اسلامی در افغانستان، نقش برجسته ایفا کرده است، دولت افغانستان در حالی که از کمک‌های بی‌دریغ دولت و ملت کشور برادر عربستان سعودی به قدردانی یاد می‌کند، امیدواریم در عمران کشور ویران‌مان نیز سهم فعال و نقش تعیین‌کننده خود را ادا کنند؛

- دولت اسلامی افغانستان از حصول استقلال جمهوری‌های آسیای میانه حسن استقبال می‌کند و علاقه‌مند گسترش مناسبات با جمهوری‌های ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، تجارتي و فرهنگی میباشد؛

- همچنان دولت افغانستان طرفدار ثبات در این کشورها به خاطر رشد

مستقل ملی‌شان بوده و آماده است که در زمینهٔ جلوگیری از قاچاق مواد مخدر و سلاح همکاری کند؛

- دولت اسلامی افغانستان مساعی لازم را در زمینهٔ برگشت داوطلبانه مهاجرین تاجیکستان در چارچوب ملل متحد به خرج میدهد؛
- قابل تذکر است که از سایر کشورهای عربی و مسلمان که در جریان جهاد ملت سلحشور ما در مبارزه و پیکار علیه نیروهای تجاوزگر و رژیم دست‌نشانده عملاً با مردم ما مساعدت‌های معنوی و مادی کرده‌اند، بجاست که از آنها با رضایت مندی یادآور شویم؛

- مردم افغانستان با کشورهای منطقهٔ آسیا و شرق دور (چین، هند و جاپان) روابط نیک و مفید سیاسی، اقتصادی و تجارتي داشته است، دولت اسلامی افغانستان بر آن است که این نوع مناسبات که به نفع مردم ما و این کشورها بوده است، توسعه یابد. درحالی که خواهان استحکام روابط با این کشورها می‌باشیم، از جمهوری چین - که در سال‌های جهاد از مبارزات برحق ملت ما حمایت نموده است - قدردانی کرده، عقیده داریم در دوران کنونی زمینهٔ توسعهٔ مناسبات و همکاری‌های میان دولت اسلامی افغانستان و جمهوری مردم چین بیش از هر وقت دیگر میسر و سازگار است؛

- مردم افغانستان از موضع‌گیری‌های مثبت و کمک‌های ایالات متحدهٔ امریکا و کشورهای غربی در دوران جهاد و هجرت، به قدردانی یاد کرده، توقع داریم که این کشورها در امر بازسازی افغانستان ویران بیش از این در حال انتظار و تردد قرار نداشته باشند؛

- فدراتیف روسیه که جانشین سیاسی و حقوقی شوروی سابق در سیاست جهانی می‌باشد، در تجاوز و ویرانی افغانستان از این رهگذر دخیل می‌باشد، لازم است در تأسیس روابط خویش با افغانستان ویران، به‌نحوی که عدالت و وجدان جامعهٔ بین‌المللی تقاضا دارد، اقدام کند.

البته این کشور مکلفیت اخلاقی و حقوقی دارد که در احیا و بازسازی افغانستان ویران‌شده، دین اخلاقی و انسانی خود را ادا کند و مردم افغانستان حق مطالبهٔ خسارهٔ جنگ را از فدراسیون روسیه برای خویش محفوظ می‌دارد

و در این امر تحولات سیاسی و اقتصادی آن کشور را زیر مطالعه دقیق قرار داده و می‌دهد؛

- دولت افغانستان از منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اصول و موازین بین‌المللی - که با اصول دین اسلام مخالفت نداشته باشد - و اهداف و اصول جنبش عدم انسلاک و سازمان کنفرانس‌های اسلامی، رعایت کرده و به آن احترام دارد و در قبال مسایل بین‌المللی از قضاوت آزاد و مستقل پیروی می‌کند؛

- افغانستان اسلامی که طعم تلخ تجاوز و مداخله از خارج را در امور داخلی خود چشیده است، مخالف هرگونه مداخله، تجاوز، اعمال تروریستی، توسل به زور، تهدید و استعمال قوه در میان کشورها بوده و خواهان اجرای صادقانه تعهدات بین‌المللی است؛

- در قضایای جهان اسلام و رنج‌ها و دردهای ملل مستضعف مسلمان، دولت اسلامی افغانستان بر مبنای ارزش‌های دوران‌ساز و انسانی اسلام بی‌طرف و تماشا بین باقی نمی‌ماند؛

- دولت اسلامی و مردم افغانستان از حقوق ملت مظلوم فلسطین و مسلمانان مورو، حمایت می‌کند؛

- قتل عام ملت بی‌یار و یاور مسلمانان را در بوسنیا، هرزگوین توسط جلاان بی‌رحم یوگوسلاویای سابق، جداً محکوم کرده، از ملل متحد و کشورهای اسلامی می‌خواهد به هر وسیله ممکن از این فاجعه جلوگیری به عمل آرند و باید هرچه عاجل قرارداد تحریم تسلیحاتی علیه مسلمانان بوسنیا لغو گردد؛ تا مردم زجرکشیده قادر به دفاع از خود شوند؛

- در بحران کشمیر، جمهوری اسلامی افغانستان علاقه‌مند است دولت پاکستان و هند قضیه را در روشنایی‌های شورای امنیت از طریق سیاسی حل کنند.

هم‌وطنان عزیز! مجاهدان حماسه‌آفرین!

افغانستان به‌عنوان سرزمین بزرگترین افتخارات تاریخی آیین دوران‌ساز اسلام و به حیث یگانه مشعل فروزان انسانی و جهاد به‌عنوان عظیم‌ترین

دستاورد تاریخی و پرارجترین امانت‌های الهی در اختیار شما ملت قهرمان قرار دارد.

امیدواریم فاصله‌های ناشی از برخوردهای مسلحانه به اتحاد و یگانگی، خصومت‌ها به صمیمیت و برادری، ویرانی‌ها به سازندگی، تعصب به تقوی و بی‌خبری به علم و فضیلت تبدیل گردد.

امیدواریم دوّمین سال پیروزی سرآغازی برای اخوّت و برادری، صلح و امنیّت سرتاسری در کشور ما باشد تا همه باهم در اعمار و بازسازی کشور ویران خود به یاری پروردگار توانا و همت فرزندان والاّهمت این سرزمین، دست‌به‌دست یکدیگر بدهیم.

خداوند یار و مددگار شما باد.

وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^۱

۱. بخشی از این آیه مبارکه است: ﴿دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَجِيبُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَأَخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (نیایش آنان در آنجا سبحانک اللهم [=خدا یا تو پاک و منزهی] و درودشان در آنجا سلام است و پایان نیایش آنان این است: الحمد لله رب العالمین [یعنی ستایش ویژه پروردگار جهانیان است]). یونس / ۱۰. «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک‌صد و چهل و چهارم

بیانیهٔ رئیس شورای رهبری و رئیس دولت اسلامی افغانستان

در جلسهٔ افتتاحیهٔ شورای اهل حل و عقد

مجاهد؛ سال پانزدهم، شمارهٔ مسلسل ۲۰۴، شمارهٔ ۲۲، چهارشنبه، ۹

جدی ۱۳۷۱ هـ.ش.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین
والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا محمد وعلى آله واصحابه اجمعين.
قال تعالى: ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ
اِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^۱
وقال ايضا: ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَاَقَامُوا الصَّلَاةَ وَاَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ
وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ * وَالَّذِينَ اِذَا اَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ * وَجَزَاءُ
سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَاَصْلَحَ فَاجْرُهُ عَلَى اللّٰهِ اِنَّهٗ لَا يَحِبُّ الظَّالِمِينَ *
وَلَمَنْ اَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولٰٓئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ * اِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ
يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ * وَلَمَنْ
صَبَرَ وَغَفَرَ اِنَّ ذٰلِكَ لَمِنْ اَعْمَالِ الْمُؤْمِنِيْنَ^۲

۱. توبه / ۱۰۵. (و بگو: [هر کاری می‌خواهید] بکنید که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست و به زودی به‌سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده می‌شوند. پس ما را به آنچه انجام می‌دادید آگاه خواهد کرد.) «مرکز تدوین»
۲. شوری / ۳۸ - ۴۳. (و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده‌اند و کارشان در میان‌شان مشورت است و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم انفاق می‌کنند * و کسانی که چون ستم بر ایشان رسد یاری می‌جویند [و به انتقام بر می‌خیزند] * و جزای بدی مانند آن بدی است. پس هر که درگذرد و نیکوکاری کند پاداش او بر [عهده] خداست به راستی او ستمگران را دوست نمی‌دارد * و هر که پس از ستم [دیدن] خود یاری جوید [و انتقام گیرد] راه [نکوهشی] بر ایشان نیست * راه [نکوهش] تنها بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در [روی] زمین به ناحق سر برمی‌دارند آنان عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت * و هر که صبر کند و درگذرد مسلماً این [خویشتن داری حاکی] از اراده قوی [در] کارهاست.) «مرکز تدوین»

هم‌وطنان عزیز! نمایندگان گران‌قدر و محترم! مردم مسلمان، دلیر و آزاده کشور! وارثین شهدا و پاسداران انقلاب اسلامی!

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

منت‌خدایی راست که به ملت عزیز و قهرمان افغانستان، توفیق عطا فرمود؛ تا وجیبه دینی‌شان را علیه کفر و کمونیزم، مخلصانه ادا کنند و با تحمّل تلفات و خسارات فراوان، لوی توحید را بر کوی و برزن سرزمین اسلامی مان برافرازند و همچنان با تسلط کامل بر اوضاع و محو حاکمیت دسته‌های الحادی برای تعیین زعامت کشور به سنن اسلامی رجوع کرده، راه «شوری» را برگزیده‌اند که همه باهم به یاری پروردگار توانا، در این روز تاریخی و مهم آن را افتتاح می‌کنیم.

پیروزی انقلاب اسلامی در افغانستان نه تنها دستاورد قهرمانانه و حماسه‌آفرینی است که در تاریخ معاصر کشورمان با خطوط جلی ثبت گردیده؛ بلکه در عرصه روابط بین‌الدول نیز باب نوینی را باز کرده است.

انقلاب اسلامی افغانستان - که بازتاب روحیه ایمان‌داری، سلحشوری، ایثارگری و از خودگذری مردم باشهامت سراسر کشور ماست - کاخ‌های استبداد و استکبار دشمنان آزادی و رفاه مردمان رنج‌کشیده و زحمتکش جهان را فروپاشانده و چنان فضا و محیط جدیدی به میان آورد که در اثر آن بسا از مردمان و ملت‌هایی که سال‌های متمادی زیر یوغ اسارت دیگران قرار داشتند، فرصت یافتند که در آزادی و حریت زندگی کنند و سرنوشت خود و آینده خویشان را خود تعیین کنند.

گویا دست‌قدر، این رسالت بزرگ را بر دوش مردم قهرمان و کفرستیز میهن‌مان نهاده است؛ تا در فواصل معین زمانی، آنچه را که پندارها و اندیشه‌های شکست‌خورده و به خواب‌رفته از ناممکنات می‌پنداشتند و نیروهایی را که شکست‌ناپذیر فکر می‌کردند، در برابر اراده و نیروی ایمان ملت مسلمان افغانستان چنان به‌زانو درآمدند و از هم فروپاشیدند که حتی تصور آن برای دیگران کار بس مشکل به نظر می‌رسد.

شکست اردوی سرخ، سقوط کمونیزم در اتحاد شوروی متوفی، از میان

رفتن دیوار برلین و آزادی کشورها، ملت‌ها و مردمان زیادی در اروپا، آسیا و آفریقا افتخاری است که مردم دلیر و مجاهدین مؤمن و سر به کف این سرزمین با قبول تحمّل تلفات سنگین، قربانی‌های بی‌دریغ، ضایعات و خسارات بی‌شمار به دست آورده‌اند.

جهان چه بخوهد و یا نخواهد؛ اما به هیچ صورتی نمی‌تواند قهرمانی‌ها و افتخارات ملت مسلمان و دلیر افغانستان را نادیده انگارد.

نمایندگان محترم!

با پیروی از ارشاد حضرت پروردگار توانا که می‌فرماید: ﴿...وَسَاوِرُهُمْ فِي الْأُمْرِ...﴾^۱ و وظیفه‌ای که شورای قیادی بر مبنای فیصله تاریخی در برگزاری شورای «اهل حل و عقد» به دولت محول کرده بود، اینک با الطاف الهی و حمایت و پشتیبانی مردم مسلمان و باشهامت کشور و همکاری مخلصانه گروه‌های جهادی، توفیق نصیب گردید؛ تا این مجمع بزرگ نمایندگان مردم مسلمان کشور ما تشکیل گردد.

تشکیل این شوری در اوضاع دشوار کنونی بیانگر عمق آگاهی و عظمت روحی و رشد و پختگی سیاسی ملت ماست.

باید تأکید به عمل آورد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مردم ما حق دارند تشکیل این «شوری» را به مثابه دومین پیروزی خود بدانند.

به شما نمایندگان محترم روشن است که هفت ماه قبل، مجاهدین آخرین لانه رژیم کمونیستی را در کابل منهدم کردند، از آن زمان به خصوص در پنج‌و نیم ماه اخیر با وجود دشواری‌های بزرگ و مخالفت‌های پنهانی و آشکارای بعضی از عناصری که ناآگاهانه و یا شعوری دست به اخلا لگری‌ها زده‌اند، دولت اسلامی با همکاری شما در راستای تأمین امنیت، بهبود وضع زندگی مردم، تعمیم قانونیت در تمام امور و شئون زندگی اجتماعی، گام‌های

۱. آل‌عمران / ۱۵۹. ﴿فِيمَا رَحِمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَسَاوِرُهُمْ فِي الْأُمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ (پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.) «مرکز تدوین»

مثبتی را برداشته است.

در عرصه داخلی:

دولت اسلامی و مردم مؤمن وطن ما در دوران نظام اسلامی، وظایف نهایت عظیم و خطیر دینی و ملی را احساس می‌کنند. ما کاملاً به این امر توجه داریم. مردم ما که در طول چهارده سال جهاد، رنج‌ها، تکالیف و مشقات گوناگون را متحمل گردیده‌اند، حالا باید در امن و آسایش و فارغ از هر نوع تهدید و تخویف زندگی کنند. تأمین امنیت سرتاسری ملی و پاسخ مثبت به نیازمندی‌های عاجل مردم در صدر برنامه دولت اسلامی قرار دارد. ما همان طوری که رسالت عظیم احیای مجدد و بازسازی کشور را در برابر مردم خود جداً در نظر داشتیم و داریم، به موازات آن در امر تأمین نیازمندی‌های عاجل مردم خود باید مجدانه بکوشیم.

با وجود مصروفیت‌های ناشی از اخلاگری‌ها و ایجاد بی‌امنیتی‌ها - که همه ماوشما در جریان آن‌ها قرار داشتیم - در این مدت از کارهای انجام‌شده ذیل نیز نام گرفته می‌توانیم:

۱- برای نخستین بار در تاریخ پرفرازونشیب کشور ما، به منظور تأمین عدالت و احقاق حقوق همه مردم، تصویب گردید تا انتخاب نمایندگان مردم مبنی بر معیار تناسب نفوس انجام گیرد؛

۲- تأمین امنیت در شهر کابل و سایر نقاط کشور؛

۳- پاک‌سازی و اخراج نیروهای مسلح غیرمسئول از شهر کابل؛

۴- رسیدگی به حل مشکلات ارتزاقی مردم و کارمندان دولت؛

۵- توزیع مواد کوپونی^۱ کارکنان دولتی که در چند سال اخیر سابقه نداشته است؛

۶- افزودی معاش و امتیازات مالی مأمورین، اجیران و پرسونل خدماتی؛

۷- کمک به خساره‌دیدگان و آسیب‌رسیدگان جنگ‌های اخیر شهر

کابل؛

۸- کمک و مساعدت به سیلاب‌زدگان؛

۱. مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای کوپون: کالا برگ است. «مرکز تدوین»

- ۹- تنظیم اردوی جدید اسلامی که هویت و خصلت جهادی آن متبازر می‌باشد و تعیینات جدید قوای مسلح با روحیه اسلامی و ملی؛
- ۱۰- برقراری ارتباط بین مرکز و ولایات؛
- ۱۱- تصفیه و پاک‌سازی مکمل شهر هرات و شیندند از وجود ماجراجویان؛
- ۱۲- هماهنگ کردن نظارت بعضی از گروه‌هایی که قبلاً با دولت تفاهم حاصل نکرده بودند؛
- ۱۳- تشکیل شورای «اهل حل و عقد» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویداد تاریخی کشور؛
- ۱۴- ثبات نسبی نرخ‌ها و جلوگیری از صعود بی‌حد و حصر آن‌ها با مقایسه به سال‌های قبل در همین موسم سال؛
- ۱۵- استقرار نسبی ارزش افغانی، در برابر ارزش‌های معتبر بین‌المللی و جلوگیری از سقوط فزاینده آن با مقایسه به سال‌های گذشته؛
- ۱۶- تشکیل و تصویب کمیسیون متشکل از هفت وزیر در رابطه با مواد مخدر؛
- ۱۷- تشکیل کمیسیون تثبیت حقوق مجاهدین و فرماندهان جهادی در چوکات وزارت دفاع دولت اسلامی افغانستان؛
- البته کارهای دیگری نیز انجام یافته که تذکر همه آن‌ها در این فرصت میسر نیست.

در عرصه خارجی:

دولت اسلامی افغانستان با پیروی از اصول و ارزش‌های دین مقدس اسلام که همواره به تأمین صلح و زندگی مسالمت‌آمیز بین مردمان تأکید به عمل می‌آورد، قاطعانه تصمیم دارد؛ تا با همهٔ مردمان و ملت‌ها روابط دوستانهٔ خود را تحکیم بخشد. به پیروی از چنین سیاستی، دولت علایق و مناسبات بین‌المللی خود را با کشورهای اسلامی و همسایه، کشورهای صلح‌دوست و سازمان‌های جهانی و منظوقوی توسعه بخشیده است که این خود نمایانگر قدرت و مقام قابل توجه دولت در بین سایر ممالک می‌باشد.

- در این عرصه به صورت فشرده چنین متذکر شده می‌توانیم:
- ۱- مسافرت هیئت ریاست دولت اسلامی به جاکارتا و اشتراک در جلسه سران کشورهای غیر متعهد که در آنجا دیدار و ملاقات با رؤسای دول و حکومت‌های کشورهای مختلف صورت گرفت؛
 - ۲- مسافرت هیئت ریاست دولت اسلامی به کشورهای اسلامی پاکستان، ایران و ازبکستان؛
 - ۳- برقراری مناسبات سیاسی با کشورهای اسلامی چون: سودان، ازبکستان و غیره؛
 - ۴- امضای قراردادهای اقتصادی و تجارتي با کشورهای خارجی؛
 - ۵- سهم‌گیری در کمک‌رسانی به سیلاب‌زدگان کشور اسلامی پاکستان؛
 - ۶- سهم‌گیری و اشتراک فعال نمایندگان دولت اسلامی ما در کنفرانس‌ها و مؤسّسات بین‌المللی و جلب همکاری‌های وسیع و گسترده آن‌ها غرض احیای مجدد کشور؛
 - ۷- عضویت افغانستان در سازمان همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای «ایکو»؛

۸- استقبال و پذیرایی از هیئت‌های بلندپایه کشورهای خارجی در کابل.
نمایندگان محترم!

البته قابل تذکر است که کارهایی که تذکر یافت، کارهایی بودند که در این مقطع خاص زمانی و با در نظر داشت اوضاع و شرایط حاکم، صورت گرفتند و هرگاه فضای پرامن و ثبات کشور در اثر بروز حوادث تألم‌بار مختل نمی‌گردید، به مراتب می‌توانست بیشتر از آن می‌بود.

امروز همه جهان و کشورهای دوست به طرف افغانستان اسلامی می‌بینند که این کشوری که با تقدیم قربانی‌های فراوان، قهرمانی‌های جاویدانه به جا گذاشته است، آیا در حل مسایل ذات‌البینی خویش و در رفع معضلاتی که با آن‌ها مواجه می‌باشد، چگونه عمل می‌کند؟

ما باور کامل داریم، همان‌طوری که مردم دشمن‌شکن ما نیروهای استکباری را با شکست و هزیمت مواجه ساختند و با استعانت از پروردگار

لا يزال، امور داخلی خود را نیز با روحیه تفاهم و وحدت نظر تنظیم کنند. باید متذکر شد که اکنون همه انظار متوجه شما نمایندگان محترم می‌باشد.

امت اسلامی و مردم مسلمان افغانستان مشاهده کردند که دشمنان انقلاب اسلامی ما آگاهانه و بعضی از دوستان ما ناآگاهانه تلاش کردند که پروسه تشکیل شوری اهل حل و عقد را به تعویق اندازند تا این مجمع بزرگ مردم مسلمان ما در موقع و زمانش برگزار نگردد؛ چنانکه در آخرین روزهای تشکیل شوری، از رسانه‌های خبری‌شان صحبت از به تعویق انداختن آن کردند؛ تا در کشور اسلامی و مصیبت‌زده ما ثبات و امنیت برنگردد؛ اما مردم افغانستان با همراهی مجاهدان دلیر و سر به کف، با هوشیاری کامل تصمیم تاریخی خود را جامعه عمل پوشانیدند و با انتخاب نمایندگان شایسته خود یک‌بار دیگر نشان دادند که ملت افغانستان اعم از: پشتون‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها، اوزبیک‌ها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها، نورستانی‌ها، پشه‌ای‌ها و غیره اقوام و ملیت‌های باهم برادر و ساکن این کشور، همواره در مواقعی که موضوع سرنوشت وطن و حاکمیت ملی مطرح بوده، همه برادروار در تفاهم کامل متحد و هم‌نظر در مورد مسایل مبرم ملی و تاریخی تصمیم مشترک خود را گرفته‌اند که اکنون نیز ما شاهد اتخاذ تصمیم واحد و مشترک همه مردمان قدرشناس مان در مورد زعامت آینده کشورشان می‌باشیم.

باید به صراحت بیان کنم که من به اهلیت و صداقت فرد فرد شما باور کامل دارم و مطمئنم که تصمیم شما درباره تعیین زعامت آینده کشور مجاهدان، در پرتو آیه مبارکه **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا**^۱ سالم، دقیق و قطعی خواهد بود.

هریک شما در طول سال‌های جهاد، شاهد فداکاری‌های فراوانی بوده‌اید،

۱. نساء / ۵۸. **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا**

(خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آن‌ها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید، در حقیقت نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می‌دهد، خدا شنوای بیناست.) «مرکز تدوین»

آرمان ملت‌مان را که همانا تشکیل یک حکومت کاملاً اسلامی است، درک می‌کنید و حتماً آن فرد مناسبی را که در کورهٔ جهاد آبدیده شده باشد، تبلور وحدت ملی در وجود آن خلاصه شده باشد، میان کلیهٔ مردم از مقبولیت و اهلیت کافی برخوردار بوده، قدرت رهبری کشور انقلابی و مصیبت‌زدهٔ مان را داشته باشد و ضمانت اجرایی بالفعل و بالقوه را در ادارهٔ کشور داشته باشد، بر خواهید گزید. کشور ما به صلح و ثبات اوضاع نیازی جدی دارد.

آرزو دارم، کار اندیشمندان شما اعضای محترم شوری «اهل حل و عقد» این مجمع بزرگ مردم مسلمان کشور، بتواند بر آزدگی‌ها و شکررنجی‌هایی که میان بعضی از برادران مجاهد ما وجود دارد، نقطهٔ پایان بگذارد. تلاش در راه اعلامی کلمهٔ الله، حفظ و تحکیم وحدت ملی، استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی کشور، امروز به‌عنوان وظیفهٔ عمده و حساس دینی و ملی هر باشندهٔ این سرزمین تبدیل شده است.

شما نمایندگان باصلاحیت ملت قهرمان کشور، یقیناً چنان تصمیم تاریخی اتخاذ خواهید کرد که باعث تحکیم وحدت ملی در استحکام دولت اسلامی، ایجاد زمینهٔ اخوت و تفاهم هر چه بیشتر گروه‌های موجود گردد. این است که حساسیت و اهمیت این رسالت عظیم تاریخی برای هریک از شما نمایندگان محترم کاملاً روشن می‌باشد.

از بارگاه پروردگار یکتا و توانا برای همهٔ شما پیروزی و موفقیت استدعا می‌کنم.

سَبِّرُوا عَلَىٰ بَرَكَةِ اللَّهِ ﴿وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرُقَكُمْ أَعْمَالُكُمْ﴾ ۱ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ
وَرَحْمَةُ اللَّهِ

۱. این بخشی از آیت ۳۵ سوره مبارکه محمد است: ﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلُونَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرُقَكُمْ أَعْمَالُكُمْ﴾ (پس سستی موزید و [کافران را] به آشتی مخوانید [که] شما برترید و خدا با شماست و از [ارزش] کارهای تان هرگز نخواهد کاست) «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک‌صد و چهل و پنجم

در اجتماعی عده‌ای از اعضای جمعیت [اسلامی] قبل از سفر به مسکو
مکان: مسجد جامع چمکنی، پیشاور، پاکستان؛
تاریخ: ۵ قوس ۱۳۷۰ هـ.ش.



الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ومولانا محمد
صلاة الله عليه وسلامه وعلى آله وصحابه ومن دعا بدعوته الى يوم الدين.
قال الله تبارك وتعالى في محكم كتابه وهو اصدق القائلين.
أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: هَيَّا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا^۱

صدق الله مولانا الکریم

برادران بسیار محترم!

اگرچه من آرزو داشتم در جمع بیشتری از برادران راجع به اوضاع و
قضایای کنونی کشورمان، چیزهایی را بگویم و چیزهایی را بشنوم. ناگفته
نماند که در اوضاع کنونی تاریخ جهادمان که تحولات شگرف و عظیمی
در سطح جهان رونما گردیده و همه ما و همراه با ما، دنیای اسلام در انتظار
پیروزی‌های نهایی قرار داریم و به سرنوشت خود و کشور خود سخت
علاقه‌مندیم، همه آرزو داریم که سخنانی را از همدیگر بشنویم و سخنانی
را هم بگوییم.

در اجتماع امروزی‌مان که تعداد محدودی از برادران توسط دارالانشا
تکلیف داده شده‌اند؛ تا از نزدیک باهم دیگر ببینیم و اگر اوضاع مساعد

۱. احزاب / ۷۰-۷۱. (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و سخن استوار گوید * تا
اعمال شما را به صلاح آورد و گناهان‌تان را بر شما ببخشد و هرکس خدا و پیامبرش را فرمان برد،
قطعاً به رستگاری بزرگی نایل آمده است.) «مرکز تدوین»

بود، شاید اجتماعات بزرگ‌تری بسازیم؛ تا راجع به همه قضایا و مسایل صحبت‌های مفصلی کنیم.

برادران عزیز!

همه معتقدیم که نصرت و پیروزی از جانب خداست و سعی و تلاش مؤمن یک وسیله و وجیبه‌ای است که باید انجام بدهد؛ اما پیروزی حقیقی تا زمانی که نصرت پروردگار یکتا نبوده باشد، برای ما حاصل شدنی نیست. بنابراین، هر پیروزی و هر موفقیتی را که در هر بعدی و در هر سطحی به دست می‌آوریم، باید معتقد باشیم که این همه از جانب خداست: ﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ...﴾^۱ اما از آنجاکه در جهان علل و اسباب به سر می‌بریم، به حکم مکلفیت‌های انسانی و وجایب دینی مکلفیم تا برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های مان گام برداریم و تلاش‌های انسانی خود را انجام بدهیم. بی‌غم باشی و بی‌پروایی و بی‌برنامگی، رکود و جمود را کنار بگذاریم و از وجود ما هیچ سنگری خالی نباشد و هر تلاش مشروع و هر گامی در راه رسیدن به اهداف را برداریم. این وجیبه‌ی ماست و خداوند هم برای ما امر می‌کند:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...﴾^۲

ما مکلفیت داریم در جهان علل و اسباب، تلاش‌های انسانی خود را تا آنجا که مقدور است و تا آنجا که در توان ماست، هر آن چیزی را که

۱. آل عمران / ۱۲۶. ﴿وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾

(و خدا آن [وعده پیروزی] را جز مژده‌ای برای شما قرار نداد تا [بدین وسیله شادمان شوید و]

دل‌های شما بدان آرامش یابد و پیروزی جز از جانب خداوند توانای حکیم نیست.) «مرکز تدوین»

۲. انفال / ۶۰. ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِبُوا مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾

(و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید، پاداشش به خود شما باز گردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.) «مرکز تدوین»

در محدوده اسلام به نفع آرمان‌های اسلامی خود تشخیص می‌دهیم، گام برداریم. البته بازهم مطمئنیم و باید بگوییم که نتیجه نهایی و نصرت حقیقی مربوط به لطف پروردگار است.

جنبش‌های اسلامی در حقیقت فلسفه وجودی‌شان در مبارزات پیگیرشان تنها این نیست که مانند شعله‌ای برای لحظاتی فروزان شوند و باز برای همیشه خاموش شوند و تنها اهداف و آرمان‌های یک نهضت اسلامی این نیست که در کشمکش‌های خونین آماده پذیرش رنج‌ها و مشکلات بی‌کران باشد؛ ولی به فکر تشکیل دولت نباشد و در جهت حاکمیت اسلام تلاش نوزد. اگر تنها هدف مبارزاتی مسلمانان در این نکته خلاصه شود که همیشه بی‌تابانه به‌سوی زندان‌های جباران برویم و با مشکلات پنجه نرم کنیم، دیگر باز وعده‌هایی که خداوند برای مستضعفین داده، توسط چه کسانی باید تحقق یابد؟!

باید مسلمانان مخلص، مستضعفین و کسانی که خداوند آنان را وارثین زمین شناخته است که همانا صالحین‌اند، اگر چنین صلاحی را در خود می‌بینند و تشخیص می‌دهند، برای رسیدن به حاکمیت نهضت‌های اسلامی گام بردارند.

در جهانی که به سر می‌بریم، جهان بس پیچیده‌ای است و مسلمانان با قضایای پیچیده مبارزاتی روبه‌رویند، بسیار چیزهایی را که نمی‌خواهیم ببینیم؛ اما به‌عنوان واقعیت‌های تلخ با آن روبه‌رویم، قدرت‌های خون‌آشامی را می‌بینیم که به سرنوشت ملت‌های مسلمان حاکمیت می‌کنند، کشورهای بی‌بهره‌ای را می‌بینیم که سرایا با ما در دشمنی غرق‌اند، مسلمانان حتی نه تنها در برابر دشمنان بیرونی؛ بلکه در داخل کشورهای خودشان، رنج‌ها و شکنجه‌ها و تکالیف زیادی دامن‌گیرشان شده است و ملت ما هم در مسیر مبارزات خود، در برابر ابتلای بزرگ خداوند دلیرانه وارد صحنه شد، سنگیرنشینان عزیز ما تا توانستند حماسه‌ها آفرینند، ملت قهرمان ما با همه مشکلات پنجه نرم کرد، هجرت و آوارگی‌ها، محرومیت‌ها و دربه‌داری‌ها را با روح آرام و قلب مطمئن استقبال کرد، این همه به خاطر ادای وجیبه پیاده کردن حکومت عدل الهی

در سرزمین خداست.

بلی، ما باید در این جهت گام برداریم، در غیر آن اگر همیشه مسلمانان رنج بکشند و در نهایت همه سعی و تلاش‌ها، همه رنج‌ها و دربه‌دری‌ها، همه فعالیت‌های‌شان به علت عدم بصیرت و فهم درست از مبارزات اسلامی ضرب صفر شود و بازهم به‌عنوان مشتی از انسان‌های آواره و پناه‌گزین به سر ببرند و یا بازهم در زیر پرچم حکومت‌های غیراسلامی زندگی کنند، روحیه مبارزه در میان مسلمانان به رکود و به یأس و ناامیدی مبدل می‌شود.

من خود به یاد دارم؛ زمانی که در دوران داود مهاجر شدم، هیچ دروازه‌ای از دروازه‌های نهضت‌های اسلامی نبود که به اصطلاح آن را دق الباب نکرده باشم.

یادم می‌آید، روزی که با یک تحلیلی از اوضاع آن زمان کشور، به زبان فارسی (سیمای زعامت داود خان) رساله‌ای نوشتم و به زبان عربی نیز چیزی به‌عنوان «افغانستان علی أبواب السقوط في حضن الشيوعية» (افغانستان در آستانه سقوط در دامان کمونیزم) به رشته تحریر درآوردم و در آن روزها با این نوشته در دوران حج به‌جاهای مختلفی می‌رفتم، کسی نبود که این اوراق را پخش کند؛ زیرا هرکس می‌ترسید.

خودم آن اوراق را در هر جا، در هر خیمه و در هر دفتر پخش می‌کردم. در آن دوران که هنوز کمونیستان نبودند، بسیاری مردم می‌پرسیدند که شما کیستید؟ یعنی مجموعه‌ای از بچه‌های جوان و چند نفر عالم دینی یا چند نفر معلم، از شما چه ساخته خواهد شد؟ قدرت‌هایی که توسط کودتاها و به کمک کمونیستان و شوروی به میان آمده است، شما در برابر آن‌ها چه کرده می‌توانید؟

خوب به یاد دارم، در «رابطه عالم اسلامی» و در «منی» هر ورق را که به هرکس می‌دادم و چند لحظه‌ای که همراهش صحبت می‌کردم، هیچ میل خواندن نداشتند و حتی فهم آن برای‌شان بسیار مشکل بود که یک عده مردم بی‌نام‌نشان بیابند و به فکر آن بوده باشند که با کمونیزم بین‌المللی مبارزه کنند.

درجایی بسیار پریشان به حالت بهت‌زده نشسته بودم، صدراعظم فعلی کشمیر سردار عبدالقیوم خان از مقابلم گذشت، چون آن نوشته را به او هم داده بودم و او هم مشکل مبارزه کشمیر را در پیش رو داشت، وقتی مرادید آمد و به زبان شکسته نیمه عربی و اردو از من پرسید: «چرا غمگین و پریشانی؟» من گفتم: «پیشامد مردم، مراسم رنج می‌دهد، به هرجایی که می‌روم و از هرکسی که می‌خواهم، چند لحظه بشنود، آن قدر بی‌دردانه عکس‌العمل نشان می‌دهند که سخت مأیوس می‌شوم.»

یک حرف او هیچ از یادم نمی‌رود که می‌گفت: «خودت به خاطر یک هدف بزرگ کار می‌کنی؛ لذا به راهت ادامه ده، صدها دروازه اگر به رویت بسته باشد، بازهم برو!»

به‌راستی آن حرف در قلب من بسیار تأثیر کرد و راستی هم هر جا هم می‌رفتم.

یادم می‌آید که هنگامی که تعدادی از برادرانی که از نهضت اخوان المسلمین در دورانی که سادات آنان را از زندان رها کرده بود، روبه‌رو شدم و من تحت نام مستعار به مصر خود را رساندم و با آنان صحبت کردم که برادران! طرز مبارزه شما در دورانی که در زندان بودید و کسانی که دور از کشور بودند، چگونه بود؟ تجارب شما از چه قرار است؟ خلاصه وقتی که من با آنان صحبت می‌کردم و می‌گفتم: ما به فکر یک نهضت مسلح جهادی ایم - البته این حرف پیش از سال ۱۹۷۵ م، بود - آنان می‌گفتند: «خیلی مشکل است که شما بتوانید در برابر کمونیزم بین‌المللی مبارزه کنید.»

خلاصه گپ اینکه غبار یأس و ناامیدی بر دل و دماغ تعداد زیادی از جنبش‌های اسلامی چه که حتی بر دل و دماغ کشورها حاکم بود. فکر می‌شد که شاید ما کاری کرده نتوانیم، ما در برابر نیروهای مثل اتحاد شوروی شاید کاری را از پیش برده نتوانیم؛ اما به لطف پروردگار بعدها دیدیم که این کابوس یأس و ناامیدی ناپدید شد و امروز ما در مرحله‌ای قرار داریم که همه را امیدوار ساخته و ثابت کردیم که ملت‌ها و گروه‌های مسلمان می‌توانند تحولاتی در جهان به میان بیاورند.

این آرزومندی البته هنوز هم وجود دارد و تعدادی هنوز می‌پرسند: در افغانستانی که یک و نیم میلیون شهید دادند، اگر امروز نتوانند حکومت اسلامی بسازند، آیا در جای دیگری کدام ملتی خواهد بود که باز یک و نیم میلیون شهید بدهد؟

لذا وجیبهٔ فرد فرد افراد نهضت و فرد فرد برادران مجاهد و افراد ملت ماست که روی این مطلب درست بیندیشیم و چون آدم‌های بی‌غم باش نگوییم که خیر است، ما کار خود را کردیم. نه؛ کار ما هنوز تمام نشده و مسئولیت‌های زیادی را در پیش داریم. در غیر آن اگر - خدای ناخواسته - حالتی به میان بیاید که مردم مطمئن نشوند و مجاهدین شرایط و اوضاع را برابر نسازند و فعالیت‌های جدی به عمل نیاید، فضای یأس و ناامیدی به میان خواهد آمد و شاید تعداد زیادی از مردم ما به بی‌صبری روبه‌رو شوند.

شاید تعدادی از افراد نخبهٔ ما تا آخرین مراحل صبر و استقامت بکنند؛ ولی با کمال تأسف این را باید بگوییم که چه‌بسا از نخبگان ما حتی یک حرف خود را هم مفت نمی‌زنند تا جایی که حق‌الزحمه نباشد. درحالی‌که هیچ کار جهادی را تعداد ما نمی‌کنیم؛ اما به یکجا و دو جا هم قانع نیستیم؛ بلکه به فکر چندین جاییم و به فکر آنیم که به چه نوع می‌توانیم که حرف‌های ما و کارهای ما در برابر پولی ادا شود؟!

به این اساس؛ در چنین اوضاعی ما نخبگانی که تا هنوز آرمان‌های ملت خود را پوره نکرده‌ایم و بدبختانه و بازهم بدبختانه در نهضت اسلامی و جهادی‌مان، ما نخبگان عملاً از لحاظ زندگی، از مردم فاصله گرفتیم و در موترهای خوب سوار می‌شویم، زندگی‌مان نسبت به دیگر مردم بسیار خوب است و وضع بد مهاجرین، وضع بد سنگرها، رنج‌ها و مصیبت‌های‌شان، ما را آن‌قدر زیاد در خود نکشانده؛ باید ما با داشتن چنین حالتی بکوشیم تنها به شعار اکتفا نکنیم. شاید شعار در انقلاب‌ها و در بعضی از موارد کار بسیار خوبی باشد؛ ولی ما همیشه نباید شعار بدهیم. کشورهای انقلابی بسیاری را به یاد داریم که از درودیوارشان شعار می‌بارید؛ اما امروز آن‌ها شعار را به عمل تبدیل کرده‌اند.

بلی، ما همیشه نباید شعار بدهیم؛ زیرا شعار نمی‌تواند برهنگان را لباس بدهد، گرسنگان را سیر بسازد و محرومیت‌ها را از بین ببرد. لذا باید راه‌هایی را جست‌وجو کنیم که بتوانیم در راه رسیدن به هدف، گام‌های مان را سنجیده و سریع‌تر برداریم.

البته این به این معنی نیست که به خاطر رسیدن به قدرت طوری بیندیشیم که همه اهداف و آرمان خود را فدای رسیدن به قدرت کنیم. از این مقدمه که بگذریم، در اوضاع موجود، باید وضع جهادی خود و وضع جهان را یک بررسی عمومی کنیم. یقیناً که معنویات مجاهدین ما در سطح بالایی قرار دارد و هنوز پیروزی‌هایی از آن ماست و هنوز در سنگرها مجاهدین ما دست بالا دارند و دشمن در حال ورشکستگی و در حالت ناتوانی قرار دارد؛ اما چنانکه دشمن آسیب‌پذیر شده، ما و شما هم آسیب‌پذیر شده‌ایم. چه بسا از نیروهایی که امروز به‌عنوان ملیشه علیه مجاهدین می‌جنگند، دیروز تعدادی از ایشان به‌عنوان گروپ‌های مجاهد بودند. چه بسا از قوماندانان ما، البته نه قوماندانان دلیر و دلاور ما؛ بلکه بعضی از سرگروپ‌های ما - که قوماندانان ما از وضع آنان رنج می‌برند - نام‌شان در دستگاه‌های خاد نوشته شده و ماهانه حقوق می‌گیرند.

این‌ها چیزهای ساده نیست، تعجب این است که حتی برادران دیگر ما هم نمی‌توانند قاطعانه مانع‌شان شوند؛ زیرا مشکلاتی در جبهه ایجاد می‌کنند.

خلاصه، آسیب‌پذیری‌ها روز به روز زیاد می‌شود، فقر، محرومیت، اختناق، جهل و عدم توجه جدی مان در قسمت آگاه ساختن مردم، حالتی را به میان آورده است که هرکسی زیاده‌تر مجاهدین و تنظیم‌ها را تخریب کرد، انقلابی‌تر می‌شود، این حالتی است که اگر بنای ما آهنین هم بوده باشد، آن قدر روز به روز خورده شده می‌رود که یک روز به شدت به زمین خواهد خورد و هیچ چیزی باقی نخواهد ماند.

در سطح بین‌المللی هم آسیب‌پذیری‌ها زیاد شده است. اگرچه کمونیزم بین‌المللی از هم پاشید، امروز روسیه دیگر آن روسیه دیروز نیست و روسیه

امروز به عنوان یک دنباله‌رو امریکا بار آمده‌است و دیگر حتی نمی‌تواند به حیث یک کشور کاملاً آزاد از هر لحاظ، امنیّت خود را تضمین کند؛ اما تنها از هم پاشیدن کمونیزم دلیلی بر این نیست که گویا همه پیروزی‌ها به طرف ماست.

ما می‌بینیم که کمونیزم فرومی‌پاشد، جمهوریت‌های اسلامی تحت استعمار روسیه، آزاد می‌شوند؛ اما کشورهای اسلامی نمی‌توانند بهره‌برداری درست کنند. حتی در تاجیکستان و ازبکستان، صهیونیزم یهود می‌آید و مراکزی باز می‌کند، درحالی‌که مسلمانان هیچ کاری کرده نمی‌توانند.

رئیس‌جمهور قزاقستان در پیغامی که به غرب ارایه می‌دهد، می‌گوید: خطر بنیادگرایی اسلامی ما را هم تهدید می‌کند و شما را هم. آیا از این دیگران شما هیچ تشویش ندارید که اگر در افغانستان حکومت بسازند، دنیای اسلام و نهضت‌های اسلامی در آن سرمایه‌گذاری خواهند کرد و خطر بنیادگرایی همه را تهدید خواهد کرد.

تا زمانی‌که در افغانستان حالت به نفع مجاهدین تغییر نکند، نه پاکستان کاری کرده می‌تواند و نه کس دیگری و شاید از راه اروپا آمده و باز سرمایه‌گذاری‌هایی صورت بگیرد و حتی در این اواخر چه بسا از جمهوریت‌هایی که از اسلام می‌ترسند و کمونیست‌اند - باوجودی که امروز تحت فشار ملت‌هایی که به سوی اسلام رجوع کرده‌اند و بدبختانه که هنوز هم به اسلام آشنایی زیادی ندارند، قرار دارند، باز هم - یک سلسله کمک‌هایی به نجیب نیز می‌کنند.

اخیراً اطلاعی که به دست دارم، دو جنرال از یکی از کشورهای اسلامی، رفت‌وآمدهای زیادی در بعضی از ولایات مرزی کشور ما دارند و سلاح‌های زیادی، حتی بعضی از سلاح‌های اتمی را که امروز روسیه به آن احتیاجی ندارد و فعلاً در اختیار قزاقستان - یکی از بزرگ‌ترین زرادخانه روسیه - قرار دارد، تعدادی از آن را به این‌ها بدهند و حتی خبر شدم که دو هلیکوپتر^۱ گنشیپ هم توسط یکی از جمهوریت‌های همسایه به بعضی از افراد در

۱. مصوّب فرهنگستان برای هلیکوپتر «بالگرد» است. «مرکز تدوین»

ولایات مرزی داده شده است.

به هر حال، در سطح بین‌المللی ما می‌بینیم که دشمنی با اسلام به نام دشمنی با «بنیادگرایی» آن قدر اوج گرفته که امروز آن را از زبان امریکاییان هم می‌شنویم و از زبان صهیونیستان می‌شنویم و هرکسی مسئله بنیادگرایی را مطرح می‌کند.

در چنین شرایط و اوضاعی نباید مطمئن باشیم که از هم‌پاشی کمونیزم روسیه صد درصد به نفع ماست. مایی که هنوز خود را آماده نساخته‌ایم و تا هنوز هیچ ابتکار عمل را به دست نداریم، مایی که تا هنوز می‌خواهیم خود را در یخچال‌ها قرار بدهیم، ما به چه شکل می‌توانیم ابتکار عمل را از دنیا بگیریم و باز از این تحولات بین‌المللی استفاده کنیم؟

چه بسا که تحولات بین‌المللی مربوط به مصالح ما بوده باشد و یا به سرکوبی مان؛ اما باید یک راه نو دیگر و وسایل مجدد دیگری، به میان بیاید و باید در چنین شرایط و اوضاعی ما درست دقیق شویم که چه کاری باید بکنیم؟ چه حالتی بر وضع ما حاکم است و چه کاری ما باید انجام بدهیم؟ مخصوصاً آن عده از برادرانی که بیشتر خود را اصولی و بنیادگرا تصور می‌کنند، باید بفهمند که چه کاری می‌کنند، برنامه کار چه است؟ چه کاری را از لحاظ نظامی و هم‌آهنگی روی دست داریم و از لحاظ سیاسی چه برنامه داریم؟

وقتی یک حرفی را از رادیو می‌شنوند، دست‌پاچه می‌شوند که نشود دیگران میدان را از ما بگیرند و بعداً دست‌پاچگی‌ها بدان جا می‌کشد که در یک اتاق می‌نشستند و اعلامیه‌ای صادر می‌کنند و به اصطلاح گپ در همین جا خلاصه می‌شود و باز هرکسی مسیر خود را انتخاب می‌کند.

چرا مایی که نمی‌خواهیم دیگران باشند، ابتکار عمل را به دست نگیریم؟ به این گریختن از صحنه هرگز مشکل حل نمی‌شود. فعلاً ما باید در اوضاع کنونی ببینیم که چه حالتی روان است؟ تا جایی که من تصور می‌کنم، مجاهدین در اوضاع کنونی اگر بخواهند و مجدانه بخواهند، هیچ دسیسه بین‌المللی، هیچ نوع حکومت بی‌طرفی و هیچ حکومت مختلطی را کسی

نمی‌تواند بیاورد.

این همه حرف‌ها مفت خواهد شد و بگذاریم هر چیزی که می‌خواهند بگویند. ما باید میدان را به دیگران نگذاریم. کسانی که می‌گویند: شما اصلاً هیچ تحرکی ندارید، ما می‌گوییم: ما حتی خطرناک‌ترین حرکت‌ها را قبول می‌کنیم.

ما دشمنی را که سیزده سال با او مشت و یخن بودیم و یک‌ونیم میلیون ما را کشته، تنها به خاطر رسیدن به امنیت کشورمان بازهم در معرض یک امتحان قرار می‌دهیم که روسیاه درمی‌آید و یا در این حرف‌هایی که می‌گوید به کلی صادق است؟ و اگر راست بوده باشد، بعدازاین ما به میزهای مذاکره کشانده نمی‌شویم.

اکنون که ملل متحد تصمیم خود را می‌گیرد، ما می‌گوییم که یگانه فرمول برای حل قضیهٔ افغانستان را ما داریم و آن فرمول در این نکته خلاصه می‌شود که جز تأسیس حکومت مجاهدین، هیچ‌کسی نمی‌تواند راه‌حلی داشته باشد. امنیت در افغانستان جز از این طریق، از راه دیگری به میان نمی‌آید و هیچ مسئلهٔ دیگری ما با کس دیگری نداریم. تنها روس‌هاست که هنوز هم در امور ما مداخله می‌کنند و اگر راست می‌گویند که مداخله نمی‌کنند، باید سر میز مذاکره مجدانه حاضر شوند، به ما و به دنیا قول بدهد و تعهد بسپارد که بعدازاین مداخلهٔ آن‌ها در امور داخلی قطع است.

تا زمانی که آثار تجاوز روسیه، یعنی دار و دسته‌اش - که در افغانستان موجود است- نابود نگردد و بساطشان برچیده نشود، هرگز نباید بگوییم که روس‌ها صادقانه عمل می‌کنند. هیچ مذاکره‌ای، روند مذاکرهٔ ما را تغییر نمی‌دهد. مذاکره به این معنی نیست که گویا سنگ‌های مان سرد می‌شود؛ بلکه باید قاطعانه ضربات خود را وارد کنیم، مذاکره و صحبت کردن با دشمن معنای این را ندارد که ما گویا کاملاً مطمئن شدیم، همه حرف‌ها گویا تمام شده؛ بلکه جزء عقیده و راه ماست که باید کار نظامی خود را به صورت بسیار مصمم و قاطعانه پیش ببریم و ما این کار خود را به سستی روبه‌رو نسازیم و هرگز چنین کاری را نخواهیم کرد.

برادران عزیز!

به راستی اوضاع فعلی بسیار مساعد است. به خاطر داریم روزی بود که تمام زعمای مسلمانان، حتی افراد نهضت‌های اسلامی را می‌گفتند: «ناممکن است که روس‌ها شما را قبول بکنند. سیزده سال با روس می‌جنگید و روس باز شما را قبول می‌کند؟»

اما این تحوّل از طرف خداوند است که امروز علی‌رغم اراده‌شان، روس‌ها می‌گویند که قیادت مجاهدین را قبول داریم.

من یقین دارم که اگر ما یکپارچه در برابر این حرف بایستیم و در بین اختلافات و چندجهتی نباشد، روزی فرامی‌رسد که روس می‌گوید: این‌که شما هستید، هیچ شرط دیگری در میان نیست و تنها مجاهدین‌اند که تصمیم می‌گیرند و باید هم‌چنین بوده باشد که هم حکومت و هم رئیس حکومت باشند و هم اعضای حکومت را خودشان بسازند و اگر کس دیگری را خواسته باشند، انتخاب بکنند.

اما آمدم روی داستان سفر به اتحاد شوروی. این داستان سابقه تاریخی

دارد.

در اجتماعی که همه نهضت‌های اسلامی در لاهور بنا به دعوت جماعت اسلامی گردآمده بودند، هیئتی از تندروترین و پیشروترین نهضت‌های اسلامی تشکیل شد و آمدند به پشاور، فیصله‌شان این بود که باید هیئتی را نهضت اسلامی به اتحاد شوروی روان بکنند؛ تا روس‌ها را قانع سازند که با مجاهدین کنار بیایند و مجاهدین مستقیماً با این‌ها بنشینند.

سروصدای رفتن قاضی صاحب حسین احمد^۱ را برادران بسیاری شنیده باشند. پروفیسور اربکان^۲ نمایندگان خود را به روسیه فرستاد که حتی همان نمایندگان تا کابل هم آمدند. چندی بیشتر داکتر ترابی^۳ به اسلام‌آباد آمد، ما

۱. مرحوم رئیس پیشین، جماعت اسلامی پاکستان بودند. «مرکز تدوین»

۲. مرحوم پروفیسور اربکان، نخست وزیر پیشین ترکیه بود. «مرکز تدوین»

۳. حسن ترابی رهبر اسلامگرایان و اخوان المسلمین سودان بود. آقای ترابی از متحدان اصلی آقای بشیر بود که قدرت را در یک کودتا در سال ۱۹۸۹ به دست گرفت اما بعد از یک دهه با هم اختلاف نظر پیدا کردند. حسن ترابی در سال ۱۹۹۹ میلادی حزب مخالف دولت تاسیس کرد و سال‌های زیادی از دهه بعدی را در زندان گذراند. اما او هم‌زمان از متفکران برجسته بود و فراتر از مرزهای

و برادر انجینیر حکمتیار با او نشستیم و او می‌خواست که در رأس یک هیئتی به اشتراک پروفیسور خورشید احمد^۱ و تعداد دیگری به روسیه بروند؛ تا این مطالب را در میان بیندازند که باید روس‌ها تنها با مجاهدین بنشینند و مسئله در میان مجاهدین و روس‌ها یک‌طرفه شود.

ما به خاطر داریم و همه شما در حافظه دارید، هر جایی که صحبت از آشتی ملی به میان می‌آمد، یگانه شعار ما اعم از برادران محترمی که امروز نمی‌روند و کسانی که حاضر شدند بروند، این بود که طرف ما روس‌هاست و حتی جناب مولوی صاحب خالص می‌گفت که یگانه طرف ما روس‌هاست و ما جز با روس‌ها با کس دیگری نمی‌نشیم.

این حرف‌های - به اصطلاح - سال‌های متوالی و مسلسل ما بود که ما با این‌ها داشتیم، حتی وقتی هم بود که ما می‌گفتیم: تنها با روس می‌نشیم. ما با شما نمی‌جنگیم، بروید با رژیم کابل بنشینید؛ اما امروز که روس به حیث طرف قرار می‌گیرد، یکی از دوستان ما در یک مجلس می‌گفت: اگر ما برویم، رفتن ما معنای این را دارد که روس به حیث یک قوت سوم شناخته می‌شود. گویا روس دیگر طرف جنگ نمی‌باشد! من در آن مجلس به آن برادر گفتم: ما که فعلاً به روسیه می‌رویم، برخلاف حرف خودت است، به علت اینکه او امروز به عنوان یک طرف جنگ است؛ زیرا تبادل اسرا را خواسته، تبادل اسرا در میان دو بی‌طرف صورت نمی‌گیرد؛ بلکه میان دو طرفی می‌باشد که در جنگ بوده‌اند. روس با این کار اعتراف می‌کند که ما در جنگ با این‌ها بوده‌ایم و حتی ما باید صریحاً غرامت جنگی مطالبه کنیم.

دیروز روس‌ها می‌گفتند که ما شما را نمی‌شناسیم؛ اما امروز می‌گویند که شما طرف قضیه هستید، بیایید با ما حرف بزنید، نجیب طرف جنگ نیست؛ بلکه او یک مزدور ماست.

سودان شهرت داشت. حسن ترابی دیدگاه‌های تجددخواهانه در دین داشت. منبع: بی بی فارسی (۲۰۱۴) و برای معلومات بیشتر نگاه کن به: خاطرات مستند استاد خسروشاهی درباره «دکتر حسن ترابی - رهبر فکری حرکت اسلامی سودان» چاپ شروق. «مرکز تدوین»
 ۱. پروفیسور خورشید احمد نائب امیر جماعت اسلامی پاکستان و از پیشگامان جماعت مذکور است. «مرکز تدوین»

در گذشته نشست‌هایی با هیئت روسیه صورت گرفته است. در اولین نشست وقتی که روس‌ها از کشور ما نگرینخته بودند و هنوز در برابر ما مستقیماً می‌جنگیدند، پیشنهاد مذاکره‌شان در «ژنیو» بود و انتخاب دوم شان «اتریش» بود. من در عربستان سعودی بودم، پیغام جنرال ضیاء‌الحق مرحوم برای من رسید که مذاکراتی که روس‌ها دارند، در ژنیو می‌خواهند صورت گیرد، گفتم: اصلاً من ژنیو نمی‌روم؛

باز گفتند که می‌خواهند در اتریش نشست داشته باشند.

من گفتم: اتریش هم نمی‌روم، در عربستان باید دایر شود.

او در جواب من گفت: آن‌ها با سعودی روابط سیاسی ندارند.

من گفتم: باید روس‌ها را به هر جایی که خود ما می‌خواهیم، بکشانیم.

آن‌ها نمی‌خواهند به یک سرزمین اسلامی بیایند، ما آن‌ها را باید بکشانیم.

بالآخره من به ملک فهد پادشاه سعودی موضوع را گفتم که چنین یک پیشنهادی را کردیم، شما چه نظر دارید؟ موافقه می‌کنید که در خاک‌تان بیایند؟

او گفت: وطن، وطن خود شماست. می‌توانید آن‌ها را بخواهید؛ لکن ما روابط سیاسی با آن‌ها نداریم، آن‌ها قبول نخواهند کرد.

من گفتم: شرط من این است، اگر می‌آیند خوب و اگر نمی‌آیند هیچ با آن‌ها صحبت نداریم، همان بود که آمدند و بالآخره «مذاکره طایف» صورت گرفت.

مذاکرات بعدی هم دوبار در طایف و اسلام‌آباد اجرا شد و بعضی برادران ما در تهران مذاکرات جانبی دیگری هم داشتند و بعضی از احزاب ما هم دیدارهای مستقیم و تنهایی با روس‌ها انجام دادند.

به هر حال، من فکر می‌کنم، این یک بدعت نبود که یکدم سروصدا و هیاهویی را به راه انداختند و حتی دوستان ما هر چیزی را که در جعبه تبلیغات داشتند، فیر کردند. به چند نفر مولوی صاحبان محترم هم زحمت دادند که شما فتوا نوشته کنید و چند نفر از قوماندانان نیز تشویق شدند؛ تا قطعنامه بنویسند.

هنر ما باید این کارها نبوده باشد. در این اوضاعی که ما می‌خواهیم در یک صف برادروار، در برابر دشمن بجنگیم، کاری نکنیم که در کشمکش‌های هرزه و بی‌معنی طوری خود را بیچنانیم که بالاخره دشمن از آن بهره‌برداری کند.

هنگامی که تعدادی از برادران عزیز ما تحت نام برادران تحریکی، اجتماعی را ترتیب دادند و حرف‌هایی را هم گفتند، بعضی از برادران را نزدشان به صفت نماینده فرستادم؛ تا به آنان بگویند: بیایید که ماوشما یک برنامه مشترکی داشته باشیم؛ اما بدبختانه که همه‌شان از آنجا برآمدند. برای حرف‌هایی که در اجتماع آنان گفته شد، به‌راستی که هیچ دلیلی نیافتیم که ما را به آن قانع بسازد. برای جمعیت این سفر هیچ اهمیت ندارد؛ اما قضیه اهمیت دارد.

جمعیت هواخواه این سفر نبود. در اولین اجتماعی که صورت گرفت، همه برادران حاضر بودند که حضرت صبغت‌الله مجددی گفتند که من نیویورک می‌روم و ضمناً صحبت‌هایی شد که باید هیتتی به روسیه هم برود. در آنجا برادران نمایندگان‌شان را تعیین کردند؛ اما وقتی از من خواستند که نماینده تعیین کنم، گفتم: نماینده ما فعلاً مشخص نیست. من با برادران مشوره می‌کنم.

گفتند: خودت؟

گفتم: من کارهای زیادی دارم و نمی‌توانم بروم؛ فلذا این سفر را به تعویق می‌اندازم.

مولوی صاحب محمدنپی گفتند: استاد! این شرایط را از دست ندهید! شرایط اضطراری است و خواهش می‌کنم که این سفر را به تعویق نیندازید. استدلال مولوی صاحب این بود که: «ما فاتحانه می‌رویم و ما دزدانه نمی‌رویم و ما فعلاً پوز دشمن را به خاک مالیدیم و ما فعلاً به‌عنوان یک شکست خورده نمی‌رویم.»
دلیل من هم همین است.

بعضی‌ها استدلال کردند که به «ننواتی»^۱ می‌روند و این البته یک حرف غیرمنطقی است که گفته می‌شود. این کار هرگز «ننواتی» نیست؛ بلکه مجوزی برای رفتن داشت. خوب مجوز رفتن چه بود؟

مجوزش چند چیز بود: اول اینکه مجاهدین نشست‌های مسلسلی با روس‌ها داشتند و همیشه این مطلب را می‌گفتند که یگانه طرف ما روس‌هاست.

در اجلاس ترکیه یکی از وزرای خارجه کشورهای اسلامی پیشنهاد کرد که باید در ضمن فیصله‌های خود نوشته کنیم که هیتی به روسیه، بعد از این تحولات اخیر برود.

من در آنجا معارزه کردم، گفتم: نه؛ هرگز این را نوشته نکنید؛ بلکه این طور بنویسید که ما آمادگی به مذاکره داریم؛ تا هنوز این سفر، سفر دوستی نیست. کدام کاروان دوستی نیست که برود؛ بلکه سفری است که محاسبه می‌کنیم با طرف مقابل، این پیغام را می‌رسانیم که ما آماده مذاکره‌ایم؛ در هر جایی که مذاکره صورت بگیرد.

این حرف که گفته شد، فوراً دعوت رسید، مسلسل دعوت رسید که ما آماده هستیم، جدی مذاکره کنیم.

من فکر می‌کنم بعضی برادران تصور می‌کنند و تشویش دارند که در آنجا حکومت ائتلافی ساخته می‌شود و نجیب در آن داخل می‌شود؛ اما تصمیم ما چیست؟

ما حتی هیتی را تعیین کردیم و بعداً گفتیم: پروتوکول باید پیش‌تر نوشته شود و در آن پروتوکول گفتیم: باید بیرق اسلامی ما در آنجا باشد. ما حتی هنوز هم تلاش داریم، در روزهایی که ما هستیم، باید سفارت افغانستان بسته شود، اقلاباً برای چند روزی بسته شود و اگر این کار را کردند، خوب است و البته این تقاضای ماست.

غرامات دوره جنگ یکی از مطالبات ماست که ما باید مطالبه کنیم، مسئله اسرای جنگی مطلب بسیار دلچسپی است، ما هم اسیر داریم، تنها

۱. ننواتی: یک اصطلاح پشتوست که یکی از معانی آن عذر و زاری است. «مرکز تدوین»

اسرای روسی همراه ما نیست؛ بلکه هزاران هزار از اسرای ما در نزد آنان است، خوب سرنوشت آنان چه می‌شود؟

باید این مسئله در مجموع حل شود. قطع و پایان مداخله روس‌ها در افغانستان مسئله کاملاً اساسی است و قطع مداخله از نظر ما معنی ندارد، جز اینکه بساط ننگینی را که روس‌ها در افغانستان هموار ساخته‌اند، باید برچیده شود.

شاید رفتن هیئت مجاهدین مانند رفتن «ربیع بن عامر» نباشد که در بساط کسری با اسب و شمشیر خود داخل شوند؛ اما ما با احساس غیورانه جهادی خود با روس‌ها روبه‌رو می‌شویم و روس‌ها را در برابر یک امتحان دیگر قرار می‌دهیم که آیا راستی راست می‌گویند که برای افغانستان امنیت را می‌خواهند.

دنیا می‌خواهند ما را در سه کنجی گیر بکنند که شما چه می‌کنید؟ پس ما می‌گوییم که یگانه راه حل در قضیه افغانستان، وادار ساختن روس‌ها بر قطع مداخله آن‌هاست.

بلی، باید روس‌ها وادار ساخته شوند؛ تا در سرنوشت ملت ما بعد از این مداخله نکنند و روشن‌ترین نتیجه مداخله روس‌ها در این نقطه خلاصه می‌شود: تا زمانی که دارودسته‌ای که روی تانک روس‌ها به افغانستان آمده و با «سکاد» و «میگ‌های» روسی تا هنوز حفظ می‌شود، از میان برداشته نشوند، ما هرگز گفته نمی‌توانیم که مداخله روس‌ها قطع شده است.

جهاد ما ادامه دارد و تا پایان پیروزی ادامه خواهد داشت؛ ولی ما دنیا را باید وادار بسازیم که تنها قوت و حجت با مجاهدین است و مجاهدین اصلاً از موضع برحق حرف می‌زنند و دیگر نمی‌شود بر سر مجاهدین زعامت‌های وارداتی را بیاورند و بالای ما نصب کنند؛ به خاطری که این‌ها تا هنوز راه حل سیاسی درست در بین خودشان ندارند، ما راه‌حلی را داریم، راه حل نظامی داریم.

راه حل سیاسی قضیه افغانستان در نظر ما تنها در همین نقطه خلاصه می‌شود که بارو بته رویای نجیب بسته شود و دار و دسته او از افغانستان

کشیده شود. یا این سوغات به روسیه می‌رود و یا اینکه هندوها او را به کدام درمسال می‌برند، یا به کدام کلیسا روانش می‌کنند، به هرجایی که می‌رود، این سوغات ننگین باید بعد از این، در کشور ما نبوده باشد.

شاید تنها تبلیغات از طرف برادران ما نشود، شاید بوق‌های مزدوران روس در افغانستان هم حرف‌هایی بزنند؛ اما هر چیزی که بگویند، یک حقیقت در این سفر روشن به نظر می‌رسد و آن عبارت از این است که روس‌ها بخواهند و یا نخواهند، خواستند یا نخواستند، گره‌ها و طوعاً امروز مجبور شدند واقعیت انکارناپذیر مجاهدین را به‌عنوان یگانه راه‌حل قبول بکنند و دارودسته نجیب و مزدوران روس و مزدوران کمونیزم در افغانستان دیگر حساب‌شان تمام شده و امیدوارم که در جریان همین روزها حرکت‌هایی در افغانستان به میان بیاید و تحرکاتی در کابل صورت بگیرد و افسرانی که احساس ندامت می‌کنند، آنان به خود بیایند و حرکتی کنند و شرایط و اوضاع یکسره به نفع مجاهدین تحوّل بکند و ما از مردم هم در انتظار حرکتیم که آنان مانند یک تجمع گاه باروت در انتظار یک کبریت‌اند؛ اما کسانی که چه از قوای ملیشه و چه از کسانی که در اردو و تحت هر وضعیتی که بوده یا جنایت‌کارند و یا روی بعضی مشکلاتی در برابر مردم خود قرار گرفته بودند تا حال، در اوضاع کنونی با هر حرکت مردمی‌ای که از متن مردم برمی‌خیزد، باید یکجا شوند و زودتر به این داستان غم‌انگیز در افغانستان خاتمه دهند.

امیدوارم که این کار به همت مردم ما صورت بگیرد. البته هرکسی که از افراد اردو و کسان دیگری که در این راستا با ملت ما در صف مجاهدین قرار می‌گیرد، شامل عفو عام مجاهدین خواهند شد. مجاهدین از گذشته‌های‌شان خواهند گذشت.

برادران عزیز!

سیاست جمعیت و روش جمعیت کاملاً روشن است. بعضی‌ها شاید مغرضانه بگویند که راه جمعیت چیست؟ بنیادگراست؟ معتدل مزاج است؟ خلاصه این‌ها کیستند؟

ما با حق هستیم. ما هر حرکتی را که در هر جا حق بیابیم، از آن دفاع

می‌کنیم. وقتی که شنیدیم برای حضرت صاحب، خالقیار^۱ را در حکومت پیشنهاد کردند و او را تنها قبول هم کردند، ما قاطعانه رد کردیم و باز هم رد می‌کنیم.

وقتی که بینیم تعدادی از بنیادگرایان ما هم نمی‌خواهند از یخچال‌ها برآیند، دیگر آن وقت، ما هم در یخچال داخل نمی‌شویم و ما می‌خواهیم که باید حرکت بکنیم؛ اما حرکت ما یک عمل دشمنانه با هیچ‌کسی نیست. ما شاید تا پیش از رفتن با هر برادر خواهیم نشست و از آن‌ها خواهیم خواست و به آنان خواهیم گفت: افغانستان ملک همهٔ ماست، احساسات شما قابل فهم است، انتقادهای شما ولو هر چیزی باشد، ما آن را احترام می‌کنیم، در عواطف‌تان ما هم شرکت داریم.

خواهید گفت: به خانهٔ دشمن چه قسم می‌روید؟

درحالی که ما به خانهٔ دشمن می‌رویم، زمین، زمین خداست، آرزو داشتیم در یکی از جمهوریت‌های اسلامی اصل مذاکرات ما باشد. اگرچه گفتند: کلان‌های روس‌ها آمدن‌شان به کشورهای دیگر مشکل است، فعلاً این کشورها آزادند.

به‌هر حال، در این عواطف آنان ما اشتراک داریم؛ اما فکر می‌کنم در پهلوی عاطفه و بالاتر از مسایل عاطفی، چیزهای دیگری داریم که این برادران هم متوجه آن هستند. ما اگر صحنه‌ها را یکسره در همه‌جا به دیگران بگذاریم، روزی می‌شود که ممکن هیچ جای پای در هیچ جایی به ارتباط افغانستان با کسی نداشته باشیم.

شعار همه چیز ما را آماده نمی‌کند. ما می‌بینیم که حتی کودکان ما وقتی از تعلیم محروم می‌شوند، در «هجرت کلی» مظاهره می‌کنند، چرا به ما تعلیم نمی‌کنند؟ ما می‌بینیم وقتی برادران معلول ما که یک صد و دو صد روپیه برای‌شان نمی‌رسد، مجبورند راه‌پیمایی کنند.

خلاصه، ما مشکلات کشور خود را درست باید بررسی کنیم و برای حل آن بدون تصامیم عاطفی، درست فعالیت بکنیم و ما یقین داریم که

۱. منظور فضل‌الحق خالقیار، نخست‌وزیر دولت نجیب است. «مرکز تدوین»

اوضاع موجوده حالتی است که ما می‌توانیم، به اصطلاح ابتکار عمل را از پیش هرکس بگیریم.

سیاست جمعیت همیشه، همگام با واقعیت‌های عملی است که در چهارچوکات اندیشه‌های اسلامی عیار شده است. ما با کسی دشمنی نمی‌کنیم. ما در اوضاع موجوده اگر مزاج بنیادگرایی هم داریم؛ اما هرگز ما نمی‌توانیم با برادران دیگر دشمنی بکنیم؛ زیرا آنان با ما برادران‌اند.

در همان وقتی که هیئت مان با حضرت صاحب که به سفر می‌رفت، صریحاً گفتیم: فراموش کردن سه گروه مجاهد دیگر و اینکه اگر آن‌ها در مذاکرات نباشند، مسئله افغانستان را با پیچیدگی روبه‌رو می‌سازد.

به این اساس، باید این سه حزب دیگر نیز در همه مسایل حضور داشته باشند؛ یعنی ما کاری نمی‌کنیم که - خدای ناخواسته - گویا یک تعداد را از صحنه طرد بکنیم و با یک تعداد همراه و هم‌سفر شویم؛ بلکه می‌خواهیم همه باهم، هم‌سفر باشیم و همه تحت یک آرمان اسلامی و به خاطر حل قضایای کشورمان یکجا باهم دیگر کار و فعالیت بکنیم و این آرزوی ماست. به این اساس، ما درحالی که احساسات هر برادر را قدر می‌کنیم، این

نکته را هم اضافه می‌کنم که بهترین موضع‌گیری را که من در این روزها دیده‌ام، از برادر بسیار محترم ما مولوی صاحب حقانی بوده‌است. مولوی صاحب با عاطفه خود که البته نمی‌خواست که به این سفر مجاهدین بروند، نامه بسیار برادروری برای من نوشته‌اند، بدون اینکه سروصدا ایجاد شود، خطی برای من روان کرد که «استاد! به عقیده من اگر این سفر صورت نگیرد، خوب می‌شود.»

من برای او گفتم: عاطفه خودت عین عاطفه من است؛ لکن یک سلسله مسایل و قضایایی هست که هم تو می‌خواهی و هم من می‌خواهم که در رابطه به آن، باید یک سلسله کارهایی را انجام بدهیم.

البته این سفر، به این معنی نیست که گویا ما مهمانی می‌رویم، مهمان‌دار ما فعلاً سه کشور اسلامی است؛ ایران، پاکستان و عربستان. فعلاً در این سفر غیرازاینکه خود ما آن را منطقی می‌دانیم، سه کشور اسلامی هم؛

جمهوری اسلامی ایران، جمهوری اسلامی پاکستان و عربستان سعودی، از ما دردمندانه می‌خواهند که در این‌گونه کارها سهم بگیریم و حتی آن‌ها به اندازه‌ای اصرار دارند که یک دوروزی که سفر به تعویق افتاده، تلفنی برای ما گفتند که کوشش کنید! نشود که این فرصت از دست برود و یا به تعویق انداخته شود و مشکلی ایجاد گردد.

به هر حال، آن‌ها با دید برادروار خود می‌بینند؛ اما برادرانی که انتقاد می‌کنند، بیش‌شان قابل قدر است؛ ولی شاید عین این موضوع را ما از یک زاویه دیگر ببینیم.

به این اساس، در نقطه دید، شاید مشترک باشیم؛ اما زاویه‌های دیدمان شاید کمی تفاوت داشته باشد.

به همه حال، سفری که اکنون جمعیت در آن سهم گرفته، به این معنی نیست که -خدای ناخواسته- یک تفرقه ایجاد شود.

بعضی حجت و دلیل‌شان این است که تا وقتی اتحاد صورت نگرفته، چطور مذاکره صورت می‌گیرد؟!

برادران! خوب واقعیت‌ها را بررسی کنید، ما می‌بینیم که در کجا تصمیم ما تا حال اتفاقی بوده، حتی بعضی برادران که کودتاها را تنهایی کردند، دیدند که کسی همراهشان همکاری نکرد، تنها خودشان کودتا می‌کنند و از هیچ‌کسی هم نپرسیدند.

ما می‌بینیم اکثر برادران مذاکرات تنهایی می‌کنند و مذاکرات جانبی هم می‌کنند؛ چرا که می‌بینند همگی جمع نمی‌شوند. بسیاری از مذاکرات سبزی را ترجیح می‌دهند؛ اما سیاست جمعیت در تمام مسایل روشن بوده است. ما در سفری که به امریکا رفتیم، گفتیم: با این نشست‌های زیر پرده، با دستگاه‌های استخباراتی و همه کارمان را فیصله کردند، مشکل ما حل نمی‌شود. ما نمی‌خواهیم که همیشه طرف ما یک دستگاه استخباراتی باشد، باید قضایا را به صورت روشن و با کلان‌های‌شان گپ بزیم و مسایل خود را به آنان بگوییم و از آنان بشنویم. آخر چرا حرف‌ها زیر پرده و سرپوشیده باشد؟

فعلاً بعضی از برادران به این خاطر، هیاهویی را به راه انداخته‌اند که فشار پاکستان و فشار امریکا... است و حتی تعدادی از کشورها نمی‌خواهند ما برویم؛ البته پاکستان می‌خواهد که ما برویم، به علت اینکه پاکستانی‌ها می‌گویند: هر چیزی که به نفع شما باشد، ما از آن حمایت می‌کنیم و در برابر هر دسیسه‌ای که در برابر شماست و می‌شود، ما ایستاده‌ایم؛ مگر ما کاری می‌کنیم که باید بر آن حجت و دلیل داشته باشیم.

به‌هر حال، این برنامه، نه از شرق است و نه از غرب و نه از جای دیگری؛ بلکه از متن مذاکرات سه‌جانبه ماست که از تهران بلند شد و روس‌ها این را درک کردند و بعداً دیدند که راه‌حل در این است، دیگر غیر از این پشت پرده، نه قضیه‌ای است و نه نشستی و نه ما از آن قماش نفرهایی هستیم که قضایا را - خدای ناخواسته - بفروشیم. کسانی که سوداگری می‌کنند، می‌توانند قضیه را در هر بازاری سودا کنند.

به‌هر حال، موضوع کاملاً یک حرکت در جهت تأمین اهداف ملت مسلمان ماست و تلاشی است در همین راستا. ما انتظار نداریم که در همین مذاکره تمام مسایل حل شود، لاقلاً در این راستا یک گام برمی‌داریم؛ بناءً این سفر جز مشکل عاطفی، مشکل دیگری ندارد و من می‌گویم که هیچ‌کس تشویشی نداشته باشد.

حرف من به بعضی از برادران ما که ممکن است نگران شده باشند، این است که ما وقتی در یک تنظیم هستیم و هنگامی که یک تصمیم و فیصله گرفته می‌شود و شاید همیشه آن فیصله شاید درست نبوده باشد و شاید بعضی نقاط منفی هم داشته باشد؛ اما در هر حال، هر حرف و هر تصمیمی را که می‌گیریم باید صادقانه باشد.

تا جایی که به جمعیت مربوط است، باید گفت که قوماندانان جمعیت مسایل را خوب درک کرده‌اند و خوب درک می‌کنند و ایشان این مسئله را نیز می‌فهمند که در کدام جهت گام برداشته می‌شود. برادران احزاب دیگر هم که در جمعیت نیستند، این را می‌فهمند که این گام‌ها در کدام جهت برداشته می‌شود! بلی، همه می‌فهمند که این گام‌ها در راستای اهداف ملت‌مان است

و هیچ مطلبی برون از اهداف و آرمان ملت ما نیست.
 أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ،^۱... إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ.^۲

۱. گذشت.

۲. بخشی از آیت خجسته ۴۲ سوره مبارکه دخان است: ﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾
 یعنی مگر کسی را که خدا رحمت کرده است زیرا که اوست همان شکست‌ناپذیر و ارجمند
 مهربان. «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک صد و چهل و ششم
پس از بازگشت فاتحانه از مسکو
در اجتماعی راجع به ابعاد مذاکرات شان با روس ها
مکان: چمکنی، پیشاور، پاکستان؛
تاریخ: ۵ قوس ۱۳۷۰ هـ.ش.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی
سیدنا ونبینا ومولانا محمد، صلوة الله علیه وسلامه وعلی آله وصحابه ومن
دعا بدعوته وجاهد فی سبیل الله الی یوم الدین.

برادران خیلی محترم!

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ وبعده:

امروز تعدادی از برادران را زحمت دادیم تا در ارتباط با سفری که
جنجال برانگیز و پرمخاطره و حسدافرین بود، مطالبی را به خدمت‌شان
گزارش بدهیم.

به‌راستی سفری که صورت گرفت، کیفیت عجیبی داشت. دستاورد سفر
پیش‌بینی شده نبود، دوست و دشمن هیچ‌کسی تصوّر نمی‌کرد، به نتیجه‌ای که
هیئت مجاهدین رسیدند، برسند.

تصوّر نمی‌شد دوستانی هم آن‌قدر برآشفته شوند که گویا تمام کنترل
اعصاب خود را از دست داده، سلوک عالی و روابط اخوت اسلامی خود را
یکسره فراموش کرده و با دست‌پاچگی و آسیب‌سری هر حرفی که در جعبه
دارند، هر حرف گفتمی و ناگفتمی خود را حواله هیئت شامل این سفر بکنند.
خوب، این سفر برای من و برای همه برادران همراه از جهات مختلفی
قابل توجه بود؛ هم از لحاظ عاطفی و هم از لحاظ اثرات تبلیغاتی و هم
از لحاظ دورنمای مذاکره در سرزمینی که ملت قهرمان ما با گردانندگان
ستمگر و ظالم آن، سیزده سال تمام جنگیدند و هم از روش روس‌ها در

طول تاریخ مذاکرات‌شان، من اطمینان خیلی کم‌تر داشتم؛ اما با وجود همه تصورات و با وجود همه مشکلات، این سفر پر مخاطره را قبول کردیم و رفتیم. به همه حال، من در این محفل روی سه مطلب با برادران صحبت دارم: اول در مورد سفر و دستاورد سفر؛

دوم به صورت مختصر روی عکس‌العمل‌ها و موضع‌گیری‌های عده‌ای از افراد و گروه‌ها؛

سوم در رابطه به برادران جمعیت و نقش‌شان در برابر این حوادث و ارزیابی وابستگی‌شان با تنظیم که بعد از این، این‌ها چه مشی را انتخاب بکنند؟

سفر مسکو از نظر خود من چه مبرراتی داشت؟ چرا به چنین سفری اقدام کردم؟ با وجودی که تبلیغات بسیار گسترده پشت سر داشت و حتی برادرانی که در آغاز سفر در کمینگاه نشسته بودند و عکس‌العمل مخالف هم نشان نمی‌دادند، بعدها خیلی جدی موضع‌گیری کردند، پس با وجود این همه قضایا و مسایل، چه مطلبی بود که ما را وادار به چنین کاری ساخت؟

البته همه یک مطلب را می‌دانیم و چنانکه پیش از این هم گفتم: همیشه همه برادران می‌گفتند و می‌گفتیم که ما با یگانه طرفی که باید روزی مسایل و قضایای سیاسی افغانستان را مطرح بحث قرار بدهیم، تنها و تنها روس‌هاست و جهت دیگری نیست.

بلی، این حرف همیشگی و قراری بود که همه برادران آن را بار بار اعلان می‌کردند.

وقتی اوضاع و شرایط، پیش از سفر ما، در ماه‌های اخیر از لحاظ نظامی و سیاسی بررسی می‌شد، به این نتیجه می‌رسیدیم که با وجود قهرمانی‌های سنگرنشینان عزیزمان و با وجود پیشرفت‌های نظامی، هنوز هم مشکلات زیادی در مسیر راه ما قرار دارد و پیشرفت‌های نظامی ما ایجاب می‌کند که سنگرنشینان قهرمان ما اشاره‌هایی را از لحاظ سیاسی در اختیار داشته باشند؛ تا مبدا چنین تشویش، وهم، ترس و خوفی در ذهن و ضمیرشان به میان بیاید که گویا ما می‌جنگیم؛ اما مسایل سیاسی ما بیرون از محیط جهادی

ما، سیر جداگانه انتخاب کرده و کسان دیگری بیرون از محیط سنگرنشینان و جهادگران مؤمن، تلاش می‌کنند و راه و روش‌های دیگری را برمی‌گزینند و در نفس وقت ما این راه هم می‌دیدیم که فیصله‌هایی صورت می‌گیرد که باید مسئله افغانستان از طریق دیالوگ، از طریق سرپرستی ملل متحد و با شرکت رژیم مزدور کابل حل گردد؛ همچنان از هر جا آوازی بلند می‌شد که مجاهدین اگر نجیب را نمی‌پذیرند، حزب وطن و یا رژیم کابل را به شکلی از اشکال، خواهی‌نخواهی در حل قضیه افغانستان شرکت دهند و جز این راهی نیست و این حرف‌ها همچنان که از حنجره‌های وزارتخانه‌های کشورهای اسلامی بلند می‌شد، در مؤسّسات جهانی هم مطرح بود.

دردانگیزتر اینکه این تبلیغات داشت به آن تعداد از برادرانی که زیادتر خود را عناصر متعهد قلمداد می‌کنند، کم‌کم راه پیدا می‌کرد و حتی زمانی که ما داشتیم از معادلات سیاسی دور می‌شدیم، آوازه داستان حل‌های سیاسی علی‌رغم خواسته‌های ما، به‌سوی سنگرهای ما و به‌سوی اجتماع ما راه می‌یافت، اینجا بود که من خود تصوّر می‌کردم که ما چه باید بکنیم؟

این حرف که باید جهاد ما تا سقوط آخرین لانه الحاد و دهریت در افغانستان ادامه یابد، مطلبی است که هیچ‌کس نمی‌تواند منکر آن شود؛ اینکه جهاد فریضه‌ای است که حتی بعد از سقوط رژیم هم با هیچ اعلامیه‌ای یا هیچ دستوری توقف نمی‌پذیرد؛ این جزء عقیده و ایمان ماست، این همه حقایقی است انکارناپذیر؛ اما برای اینکه دستاوردهای جهاد ما در کشمکش‌های حل‌های سیاسی ضایع نگردد و نقش ما و برادران مجاهد ما باید مُعین باشد که در کشمکش‌های سیاسی ما در کدام جای قرار داریم؟

ما می‌دیدیم که وقتی طرح‌هایی اعلان می‌شد، تعدادی از برادران ما با شنیدن این طرح‌ها دست و پاچه می‌شدند و به جست‌وجوی راه حل می‌برآمدند و برای مقابله با این طرح‌ها، راه و چاره می‌سنجیدند؛ لذا قناعت خود من هم، چه پیش از سفر و چه بعد از سفر چنین بود که اگر «حل سیاسی» در میان بوده باشد، کوتاه‌ترین راه را که از لحاظ سیاسی باید پیمود، راه مذاکره مستقیم با روس‌هاست که می‌تواند با طرح این شعار و با عملی

کردن این راه، خطرات بسیار دیگری را جلوگیری کرد. زمانی که از ما بخواهند بیابید طرح ملل متحد را بپذیرید، یا در فلان کشور مجموعه‌ای از افغان‌ها جمع می‌شوند و فیصله صادر می‌کنند و باید مجاهدین در آن شرکت بکنند و بپذیرند، هرگاه ما بخواهیم با چنین طرح‌ها مقابله عملی بکنیم، جز اینکه ما بگوییم و اصرار کنیم که یگانه راه حل و کوتاه‌ترین راه حل و عملی‌ترین راه این است که باید مستقیماً با روس‌ها مسئله در میان گذاشته شود و روس‌ها بر آن مجبور ساخته شوند، راه دیگری نیست. بلی، باید روس‌ها را در برابر چلنج تاریخ و در برابر ذهنیت جهانی و در برابر ذهنیت مردم‌شان قرار داد تا مجبور شوند آخرین شکل مداخله‌شان را که عبارت از رژیم فعلی است و باید پیوندش را در کشور ما، با آن قطع کنند؛ تا زمینه برای صلح و برای تشکیل یک دولت و حکومت اسلامی مهیا گردد. از نظر من این کلیدی‌ترین راه حل و راه‌های مختلف دیگری را نباید جست‌وجو کرد.

دست‌های مختلفی در اینجا دراز می‌شد و می‌شود و به اصطلاح چندین قصاب از هر طرف دست خود را دراز می‌کنند؛ تا قضیه افغانستان را طوری پیچیده و بغرنج بسازند که مجاهدین نقش‌شان فوق‌العاده ضعیف باشد، طرف قضیه نبوده باشند، سخنگوی‌شان کسان دیگری و فیصله‌گیشان افراد دیگری بوده باشد و جهات مختلف دیگری نقش تعیین‌کننده داشته باشند؛ اما مجاهدین تنها طرفی بوده باشند که کم‌ترین تصمیم‌گیری مربوط به آن‌ها باشد؛ لذا به این عقیده و هنوز هم به این نظر، طرحتی که بتواند از لحاظ مبادلات سیاسی مجاهدین را از بسیاری از کشمکش‌ها رهایی بخشد، طرحتی است که آن‌ها بگویند: یگانه طرف ما روس‌هاست و یگانه مشکل ما ادامه مداخله روس‌هاست. روس‌ها بخواهند و نخواهند باید به میز مذاکره کشانده شوند و تنها با ما حرف بزنند و مجبور ساخته شوند که مداخله‌شان از افغانستان قطع شود. هرچند این طرح، برای بسیاری‌ها که در ظاهر می‌گفتند مذاکره می‌کنیم؛ اما در واقع حرف‌ها و مطالب دیگری هم همراه با حرف‌های‌شان وجود داشت، مورد تأیید نبود؛ ولی دیدیم که به لطف خداوند

تعالی در این مذاکره توانستیم به نتایجی برسیم که خیلی‌ها مفید و مؤثر بود. مطلب دیگری که برای ما راه این سفر را هموار می‌ساخت و از اوامری بود که ما را دعوت می‌کرد؛ باید به این سفر برویم، این بود که ما در اوضاعی برای مذاکره در سرزمین خود روس‌ها می‌رویم که در آنجا جناح‌بندی‌های زیادی وجود دارد؛ در آنجا در اوضاعی می‌رویم که جنازه کمونیزم امروز به دست ملت‌های مسلمان در خود روسیه روانه گورستان تاریخ شده‌است؛ در سرزمینی می‌رویم که بعد از این دیگر از کمونیزم جز رسوایی، ذلت و زبونی نام و نشان دیگری نمی‌بینیم؛ خلاصه، به جایی می‌رویم که می‌توانیم از جناح‌بندی‌های مختلف موجود در آن، به نفع قضیه خود بهره‌بریم و مسایل را از نزدیک با آنان رویاروی مطرح بسازیم و چنین هم شد.

سفر هیئت مجاهدین به مسکو فاتحانه و پیروزمندانانه بود؛ طوری که ما به برادران مسلمان عرب گفته بودیم: ما فاتحانه می‌رویم. به‌راستی که هر قدر حسودان این حقیقت را نادیده بگیرند؛ اما این یک فتح بسیار عظیم بود. دانشمندان اسلامی و عناصر روشنفکر زیادی طی نامه‌هایی دستاورد این سفر را یک فتح بسیار عظیمی برای مجاهدین خوانده‌اند.

مذاکرات ما یقیناً بسیار پیچیده و مشکل بود. در اولین ملاقات خود که با معاون رئیس‌جمهور «یلتسین» داشتیم، مسایل را به‌صورت کاملاً صریح، بی‌پرده و با قاطعیت تمام مطرح کردیم. مجاهدین در آنجا روشن گفتند: اصلاً از لحاظ عاطفه انسانی هرگز دل‌مان نمی‌خواست که به سرزمینی بیاییم که قاتل یک‌ونیم میلیون افراد بی‌گناه ماست؛ به سرزمینی بیاییم که هشتاد فی صد آبادی‌های ما را ویران کرده‌اند؛ به سرزمینی بیاییم که هزاران تن از جوانان ما را معلول و معیوب ساخته و شش میلیون ما را مهاجر ساخته‌اند؛ اما چرا به این سرزمین آمده‌ایم؟

به دو علت:

اول اینکه حکم کتاب ماست که خداوند \ می‌فرماید:

﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * وَإِنْ

يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ﴿١﴾
 یعنی چون دشمن آرزومندی صلح کند، مسلمانان هم باید آمادگی نشان دهند و باوجوداینکه این احساس هم موجود بوده باشد که طرف مقابل دسیسه می‌کند و خدعه و فریب می‌کند، بازهم با اطمینان به نصرت الهی و حمایت مسلمانان در این مسیر گام بردارند.

چیز دیگری که ما را وادار ساخت که به این کشور بیایم، عبارت از این بود که ما با توکل بر حمایت پروردگار، یقین داریم که امروز ایدیولوژی اختناق‌آور کمونیزم نابود شده و امروز ملت‌ها، بتان کمونیزم را لگدمال می‌کنند و امروز دیگر این ایدیولوژی منحرف؛ سرکوب و نابود شده‌است. ما که روی این دو عامل آمده‌ایم؛ ولی باید به شمایانی که امروز بعدازاین حوادث روی صحنه آمدید و مدعی‌اید که ما تغییرات جدیدی در روابط بین‌المللی خود به میان می‌آوریم و ما آماده‌ایم صفحه‌نوی با جهان بازکنیم، بگوییم که در میان آنچه می‌گویید و آنچه انجام می‌دهید، کاملاً تناقض وجود دارد.

شما دم از صلح می‌زنید، دم از تغییر می‌زنید؛ اما قطعاً در ارتباط به قضیه افغانستان حرف شما درست نیست. شما هنوز سیاست ظالمانه استالینی و ترور و اختناق را در کشور ما حمایت می‌کنید، هنوز از طریق پل‌های هوایی، سلاح شما به کشور ما سرازیر می‌شود و هنوز حمایت ظالمانه شما از یک مشت مزدور در کشور ما ادامه دارد.

به این اساس، ما آمده‌ایم که ببینیم آیا شما راستی این جرأت و شجاعت را دارید که در مورد آنچه می‌گویید، تصمیم جرأت‌مندانه‌ای بگیرید؛ یا نه هنوز هم شما در بند زنجیر همان برنامه‌های ظالمانه گذشته‌اید؟

ما آمده‌ایم تا شما را در برابر چلنج و آزمون تاریخ قرار بدهیم؛ ما از مرکز قوت حرف می‌زنیم؛ ما می‌توانیم با قاطعیت مزدور شما را سرکوب و نابود بسازیم؛ مگر ما می‌خواهیم که بدون اینکه یک قطره خون در کشور ما

۱. انفال / ۶۱ - ۶۲. (و اگر به صلح گراییدند، تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست * و اگر بخواهند تو را بفریبند [یاری] خدا برای تو بس است، همو بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند گردانید.) «مرکز تدوین»

بریزد یا باز خانه دیگری ویران شود، راهی را بیابیم که در کشورمان حکومت اسلامی را تأسیس کنیم.

در جواب می‌گفتند: «راستی ما من حیث یک انسان احساس گناه می‌کنیم.» و ما برای‌شان گفتیم: پیغمبر ما ﷺ می‌گوید:

﴿كُلُّ بَنِي آدَمَ خَطَّاءٌ، وَخَيْرُ الْخَطَّائِينَ التَّوَّابُونَ﴾^۱

یعنی اعتراف مجرم به جرمش کافی نیست؛ بلکه باید مجرم توبه کند و توبه شما این است که باید تاوان جنگ را بپردازید و حکومت اسلامی را - که یگانه راه حل است - باید قبول بکنید و مداخله‌تان را در افغانستان - که به شکل حمایت رژیم موجود ادامه دارد - قطع کنید.

در برابر دو مطلب اول گفتند که ما آماده‌ایم که از طریق سهم‌گیری در اعمار افغانستان، تاوان ویرانی‌های شما را بپردازیم؛ همچنان ما حکومت اسلامی را که شما می‌گویید، قبول داریم.

به هر حال، با تمام صراحت، مطالب خود را بیان کردیم و من فکر می‌کنم، آدم حتی مذاکرات سیاسی را به خود بگذاریم، در گفت‌وگوهای مابین دو نفر که کشمکش و جنگ هم شود، این لهجه را استعمال نمی‌کند، لهجه هیئت مجاهدین بسیار تندتر از ملامت کردن دو نفر عادی است که همدیگر را می‌خواهند مورد ملامت قرار بدهند. با بسیار شدت برخوردهای از طرف مجاهدین صورت گرفت؛ اما نه از طرف مقابل.

البته ما در اولین روز، تغییری را احساس کردیم. ما با خود ترجمه [معانی] قرآن کریم را به زبان روسی داشتیم - البته آیات قرآنی در آن نوشته نشده بود؛ زیرا غیرمسلمانان نمی‌توانند آن را لمس کنند: ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾^۲ - برای معاون رئیس‌جمهور هدیه دادیم و گفتیم: این را بخوان تا وسیله هدایتت شود؛

او گفت: استاد! من بالکل با تو موافقم، در سرزمین مقدس افغانستان

۱. أخرجه ابن أبي شيبة ۱۸۷/۱۳، وأحمد ۱۹۸/۳، والترمذي (۲۴۹۹)، وابن ماجه (۴۲۵۱) والحاكم ۲۷۲/۴ وقال: صحيح الإسناد ولم يخرجاه، والبيهقي في شعب الإيمان ۴۲۰/۵، والدارمي ۳۹۲/۲، وأبو يعلى ۳۰۱/۵. وعبد بن حميد ۳۶۰/۱. «مرکز تدوین»
۲. واقعه / ۷۹. (که جز پاک‌شدگان بر آن دست ندارند.) «مرکز تدوین»

باید حکومت اسلامی بیاید و هم قرآن را می‌خواستیم مطالعه کنیم و این بزرگ‌ترین آرزوی من بود که به دست آوردم و ما که تالار مذاکره را ترک کردیم، مطبوعات از ما پرسیدند که شما چه گفتید؟

ما دو مطلب را یادآور شدیم: اول؛ لزوم تشکیل حکومت اسلامی و دوم؛ برچیدن دار و دسته رژیم مزدور کابل که شکلی از آثار تجاوز روس‌ها و دامنه تجاوز آن‌ها در افغانستان است و مطبوعات پرسید که این خواسته شما یعنی حکومت اسلامی را قبول کردند؟

گفتیم: بلی؛

و بعداً از خود او پرسیدند: او گفت: بلی، ما قبول کردیم که حکومت اسلامی قایم شود.

به هر حال، این اولین روزی بود که با یک پیروزی ختم شد، البته روزهای بعدی مسایل جدی‌تر و صریح‌تر مطرح می‌شد. زمانی که ما با وزیر خارجه و هیئت بسیار بلندپایه آنان صحبت داشتیم، در آنجا هم مسایل را به صورت بسیار صاف و روشن بار دیگر تکرار کردیم که باید همه قراردادهای شما ملغی قرار گیرد؛ همه انواع کمک‌های تان قطع شود؛ شما حق هیچ نوع مداخله را ندارید؛ حکومت اسلامی در افغانستان یگانه راه حل است؛ شما مجبورید که آن را بپذیرید، وقتی که برای ما در جواب می‌گفتند، چه می‌شود که حل قضیه از طریق فرمول ملل متحد و دیالوگ بین‌افغانی صورت بگیرد؟

قاطعانه در جوابشان گفتیم: مستر فلانی! این موضوع را برایت صریح می‌گوییم، در نزد مجاهدین بالاتفاق و به هیچ شکلی از اشکال نجیب و رژیم دست‌نشانده‌تان در هیچ جایی در افغانستان مطرح نیست و به هیچ شکل برای نجیب اجازه نمی‌دهیم که در تعیین سرنوشت افغانستان سهم داشته باشد و ما از خودت می‌خواهیم که وقت ما را با این چیزها ضایع می‌سازی و بار دیگر مسئله نجیب مطرح نشود.

نجیب به هیچ شکلی از اشکال و رژیم مزدور، در مذاکره قابل مطرح شدن نیست؛ تنها و تنها این شماست که باید مداخله‌تان را قطع کنید و

۱. Mr. در زبان انگلیسی، معنای «آقا» را افاده می‌کند و کاربرد آن اینجا اشارت طنزآلود دارد. «مرکز تدوین»

موضوع نجیب را ما آماده نیستیم بشنویم!

از آن به بعد بود که دیگر در دوران مذاکرات، حرفی از نجیب و از دیالوگ و مسئله ملل متحد به میان نیامد و تنها در راستای مطالبی که ما در آنجا مطرح کردیم بحث می‌شد.

سخن ما پیرامون قطع کامل سلاح و قطع کامل انواع مختلف کمک‌ها از قبیل تیل، بنزین، دیزل و تمام محروقات بود و حتی بعضی از برادران گفتند: خود ما کوشش می‌کنیم، برای رساندن مواد آذوقه و مواد ارتزاقی - که عامل مؤثر در پیشبرد جنگ می‌باشد - به ملت‌مان راه معقول و خوبی پیدا کنیم.

همچنان به آنان گفتیم: تمام مشاورین شما و افراد نظامی‌ای که در افغانستان دارید، همه باید کشیده شوند و باید تمام قراردادهایی که کردید، لغو قرارداد شود، غرامت جنگی باید پرداخته شود و شما به صورت فوری از حمایت رژیم کابل، دست بردارید و بعد از این به هیچ شکلی از اشکال در امور کشور ما حق مداخله را ندارید!

صحبت‌ها به همین شکل ادامه یافت و مسایل بسیار دلچسپی در جریان این سفر بود؛ از جمله اینکه یکی از روس‌ها در جریان مذاکرات برای ما گفت: استاد ربانی! این قراردادهای که ما کردیم، مسایل حقوقی و بین‌المللی است؛ اما در قسمت نجیب بگوئیم که ما نمی‌توانیم او را پس کنیم؛ زیرا او خود یک حکومت است؛ همچنان در میان شما هم اختلاف هست!

البته برادرانی که در اینجا هیاهویی را به راه انداخته‌اند، متوجه نبودند که با این هیاهو یک حربه به دست روس داده شد و دارد به نفع روس‌ها کاری صورت می‌گیرد.

به هر صورت، من گفتم: آقای فلانی! من فکر می‌کردم که تو کدام حرف و مطلب جدیدی داری؟ اما بسیار تأسّف می‌کنم که تو هیچ مطلب جدیدی نداشتی و تعجب می‌کنم که تو برای چه ما را دعوت کردی؛ چون هیچ حرف نوی نداری؟

فکر می‌کنم گپ آنانی که با آمدن ما مخالفت می‌کردند، درست بوده

است!

به هر حال، مسایل خیلی جدی و مهمی در آن نشست مطرح شد. خلاصه، بعد از صحبت‌های زیادی در دوران مذاکرات - قسمی که قبلاً برادر وثیق اشاره کرد- هنگامی که وقت نماز پیشین فرامی‌رسید، یک برادر بالا می‌شد و اذان می‌داد؛ بلی، در داخل سالن‌های آنان که همیشه دشمنی با خدا و دین خدا بود و جز آواز کفر و الحاد چیز دیگری نشنیده بودند، در آنجا فریاد کوبنده «الله اکبر» بلند می‌شد؛ نمازهای ظهر، عصر و شام خوانده می‌شد.

من فراموش نمی‌کنم که پس از ادای نماز، یکی از وکلای آنان که از اوکراین بود، بی اختیار دست مرا بوسید؛ در حالی که این مسئله پیش آنان غیر عادی است و پسان یکی دیگر از این‌ها در سفارت پاکستان کلمه خواند. البته تأثیرات بسیار محسوسی را ما می‌دیدیم، تعدادی از آنان می‌آمدند و می‌گفتند: بعضی از مردمی که اسلام را نمی‌فهمند، علیه اسلام گپ می‌زنند؛ این چنین تعدادی بعد از مذاکره در اطراف من جمع می‌شدند و می‌گفتند: حتماً کسانی که علیه اسلام حرف می‌زنند، اسلام را نمی‌فهمند؛ اگر اسلام را بفهمند، هرگز علیه اسلام حرف نمی‌زنند!

به هر حال، در ضمن مذاکرات برادران به دعوت و به فعالیت‌های اسلامی خود شروع کردند و حتی در آخرین روزهای باقی مانده، مصحف‌هایی (ترجمه‌های قرآن کریم) که همراه مان بود، یک، یک، نسخه برای‌شان داده شد که شما این را بخوانید؛ تا خدا لطف کند و شما همه تا دوره دوم مذاکرات مسلمان شوید و ما دیگر احساس بیگانگی عمیق نکنیم.

مسلمانان زیادی از کشورهای آسیای مرکزی تقریباً چندین روز در انتظار ما بودند و مسلمانان زیادی هم که پسان‌ها آمدند، از چیچین، تاجیکستان، ازبکستان و آذربایجان بودند و از هیئت مجاهدین، برای دیدار از تاجیکستان، چیچین و سفر به آذربایجان، دعوت‌هایی کردند. گفتنی است که در مسجد مسلمانان که در قلب مسکو قرار دارد، نماز جمعه را برای‌شان امامت کردم و سخنرانی کردم که دیدن این صحنه‌ها برای آنان یک مؤذنه

۱. پسان، یعنی پس از آن، پس آن. «مرکز تدوین»

بزرگ و تقویۀ قلب بود که تقریباً یک ساعت اطراف هیئت را گرفته بودند و ما را در آغوش می‌گرفتند و دست‌بوسی می‌کردند. خلاصه، یک حالت عجیب و غریبی در میان مسلمانان پیدا شد. صریحاً مسلمانان آنجا می‌گفتند که ما را تنها مگذاردید؛ آمدن شما باعث قوت قلب ماست؛ این مردمی که دیروز شما را با چه عنوانی یادآوری می‌کردند؛ امروز به‌عنوان قهرمان از شما استقبال می‌کنند و ما مطمئن می‌شویم که رأس اسلامی می‌تواند عظمت خود را در هر جای پیاده کند.

به‌هر حال، اقشار مختلفی را دیدیم و حتی برای بار اول که مادران اسیران روسی و کسانی که بچه‌های شان مفقود شده بود را می‌دیدیم، می‌دیدیم که آنان زار زار می‌گریستند و می‌گفتند: «خواهش‌مندیم که فرزندان ما را برای مان بدهید.»

برای‌شان گفتیم: «مگر فرزندان شما را چه کسی جز این نظام فاسد کمونیستی و این نظام ظالمانه و ضد انسانی، کشته است؟ بلی، این زعمای خون‌خوار و خون‌آشام شما بود که فرزندان ما را کشتند و بچه‌های شما را هم بدون اراده‌تان روان کردند، پس باید بفهمید که مسئول این‌همه ظلم و جنایت کیست؟

این سخن خود تبلیغ بسیار صریح و روشنی بود علیه کمونیزم، علیه الحاد و علیه آن دار و دسته‌هایی که تعداد زیادشان هنوز وجود دارند.

ناگفته نماند که این اقدام و این‌گونه برخورد کار ساده هم نیست؛ زیرا هنوز هم افرادی از آن جمله در دستگاه‌های مختلف وجود داشتند؛ اما با قاطعیت در پیش روی مردم‌شان محکوم می‌شدند و آنان را جانی، مجرم و قاتل می‌گفتیم و این حرف‌ها بالای روان مردم تأثیر بسیار خوبی هم داشت. گپ دیگر اینکه در آنجا با مسلمانان نشست‌های دیگری هم داشتیم.

وزیر خارجه تاجیکستان، در خطاب به رفقاییش می‌گفت: «این دزدها را پس کنید و دماغ‌های خود را جور بکنید! این کمونیزم است که ما را از ملت‌های مسلمان ما دور ساخته است. ما بعد از این اجازه نمی‌دهیم که حتی یک کارتوس هم از طریق سرزمین ما داخل افغانستان شود.»

به‌هر حال، بعد از مذاکرات طولانی؛ بالآخره اعلامیه‌ای را هم صادر کردیم.

خوب، بعضی‌هایی که می‌گویند: دست خالی آمدند! من نمی‌دانم که آنان چه سوغاتی می‌خواستند که ما می‌آوردیم؟! بیاید ببینیم که مجاهدین چه فیصله کردند؟ در فیصله اول خود، مجاهدین تصریح کردند که دو طرف به اتفاق حملات قشون روسی را تقبیح می‌کنند و فیصله‌ای هم در قسمت حمله بر افغانستان - که در اثر آن ویرانی‌ها، دردها و رنج‌های بی‌شماری متوجه ملت افغانستان شده و تا هنوز ادامه دارد- صورت گرفت.

خوب، این حرف و این فیصله، به این معناست که کسانی که دیروز می‌گفتند: ما هیچ حمله‌ای نکردیم؛ بلکه این حکومت خود شما بود که یک تعداد نفر ما را به‌عنوان همکاری خواست و این جنگ، جنگ شما بود و ما به آن کاری نداشته‌ایم، امروز آن حرف خود را تکذیب می‌کنند و صراحتاً می‌گویند: بلی، این ما بودیم که حمله کردیم؛ بلی، این مایم که تمام ویرانی‌ها را در افغانستان به میان آوردیم.

پس نتیجه این است که تمام ویرانی‌ها و تخریباتی که در افغانستان صورت گرفته، غرامات آن بر آنان لازم است و مجبورند که بپردازند؛ زیرا خودشان به زبان خود اعتراف به حمله و اعتراف به ویرانی‌های جنگ کردند. ماده دومی را که هیئت مجاهدین خیلی زیرکانه جابجا کرده‌است این است که تمام حکومت‌های قبلی به شمول نجیب تحت‌الحمایه است. یعنی هیچ‌یک از این حکومت‌ها مثل اراده ملت افغانستان نبوده و از طرف ملت افغانستان انتخاب نشده‌اند.

پس تمام قراردادهای شان اعتبار قانونی ندارد تا زمانی که حکومت اسلامی انتقالی، قدرت را به دست می‌گیرد و در مورد رد و قبول آن تصمیم می‌گیرد. چیز دیگری که در اینجا هست، اینکه در دوران حکومت‌های مختلفی سلاح‌هایی را به ملت افغانستان فروخته‌اند و فردا زمانی که ما غرامات جنگی می‌خواستیم، می‌گفتند: غرامات جنگی تان درست؛ اما بیاید قرض‌های ما

را بدهید!

بلی، این میلیاردها دولاری را که حکومت‌های قبلی‌تان سلاح و اشیای مورد ضرورت را خریده، پولش را بدهید! اگر حکومت از بین رفته، ملک‌تان که باقی است؛ اما ما دو کار را کردیم:

اول اینکه گفتیم: تمام قراردادها باطل است؛ لذا تمام قرضه‌ها و همه معاملاتتی که کرده‌اید، هیچ اعتبار قانونی در نظر ملت ما ندارد و خود روس‌ها هم این موضوع را قبول کردند که بلسی این قراردادها و این اتفایه‌ها بالعموم باطل گردیده‌است؛

دوم اینکه اگر روزی بخواهند بگویند، ما حمله کردیم، به خاطری که یکی از حکومت‌های قانونی شما از ما دعوت کرده، حزب کمونیست و یا ببر کارمل از ما خواست که حمله بکنیم، ما این بند را گنجانیدیم که آن‌ها حکومت‌های دست‌نشانده بودند و هیچ‌گاه از ملت ما نمایندگی کرده نمی‌توانستند؛ چون از طرف ملت انتخاب نشده بودند؛ بلکه حکومت‌های تحت‌الحمایه شما بوده‌اند؛ یعنی هیچ دولتی در این دوران وجود نداشته‌است. پس اگر آن‌ها نخواستند باشند که برای ما غرامت جنگی بدهند، نظر به این دو ماده، ما همیشه از گلوی‌شان گرفته می‌توانیم که غرامت جنگی ما را بپردازید.

راستی ما وقتی که فشار می‌آوردیم که شما باید غرامت جنگی را بدهید، می‌گفتند: استاد ربانی! ما چه بکنیم؟ خودت می‌بینی که هیچ چیزی در بازار نیست؛ مگر ما این غرامات را از کجا بدهیم؟ برای‌شان گفته شد: از هر جایی که باشد، امروز یا فردا باید پرداخته شود!

این دو ماده در حالتی، باید قبول شود که طرف مقابل به اصطلاح در کمال شکست خوردن باشد و زیر فشار قرار بگیرد و مجبور شود که همچو چیزی را امضا بکند و قبول کند.

با توجه به این دستاوردها، چنان برداشت می‌شود که خداوند تعالی به مجاهدین طوری کمک کرد که در سرزمین خود دشمن و در سرزمین خود تجاوزگران، بالاخره مزدوران خود را به‌عنوان عناصر شکست‌خورده و عناصر

مغلوب بپذیرند و شرط‌های بسیار سنگینی را که مجاهدین می‌خواستند بالای‌شان بقبولانند، بالاخره قبولانند.

من نمی‌دانم، چرا باین همه بازهم برادرانی هستند که می‌گویند مجاهدین دست خالی آمدند!

مشکل همیشگی این بود که طرف مقابل، از حکومت اسلامی و از تشکیل حکومت اسلامی در هراس بود و آوازه‌های مختلفی بلند بود که ما به یک حکومت اسلامی در افغانستان اجازه داده نمی‌توانیم؛ زیرا برای منطقه خطر است؛ اما جانب مقابل امروز در این قرارداد نه تنها قبول می‌کند که لزوم و ضرورت حکومت اسلامی را در افغانستان تأکید می‌کند.

بلی، حتی با تذکر کلمه ضرورت و کلمه لزوم، گفتند: ما نه تنها حکومت اسلامی را قبول داریم؛ بلکه بخواهیم یا نخواهیم وجود حکومت اسلامی در افغانستان یک ضرورت انکارناپذیر است.

تعبیر قانونی آن طوری است که باید نوشته شود: وجود حکومت اسلامی را نه تنها طرف مقابل قبول کرد که ضرورتش را نیز قبول کرد.

یعنی بخواهی یا نخواهی، حکومت اسلامی یک ضرورت است؛ راه دیگری وجود ندارد؛ حکومت علمانی^۱ به هیچ وجه صلح را تأمین کرده نمی‌تواند؛ حکومت‌های بی‌خاصیت هم نمی‌توانند صلح را تأمین بکنند. این چیزی است که طرف مقابل می‌گوید.

پس برادرانی که مخالف‌اند، چه می‌خواهند؟ و تعجب در این است که بعضی از برادران مطابق فرموده قرآن کریم ﴿...يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ...﴾^۲ می‌گویند که هیئت رفته بود که حکومتی در آنجا بسازد.

۱. حکومت علمانی، یعنی حکومت سکولاریستی و لائیک. «مرکز تدوین»
 ۲. نساء / ۴۶. ﴿مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَزَاعِنَا لَيًّا بِالسِّيْتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعُ وَأَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمًا وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا﴾
 (برخی از آنان که یهودی‌اند، کلمات را از جاهای خود بر می‌گردانند و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین [اسلام] با درآمیختن عبری به عربی [می‌گویند: شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو [که کاش] ناشنوا گردی و] نیز از روی استهزا می‌گویند] راعنا [که در عربی؛ یعنی به ما التفات کن؛ ولی در عبری؛ یعنی خبیث ما] و اگر آنان می‌گفتند: شنیدیم و فرمان بردیم و بشنو و به ما بنگر قطعاً برای آنان بهتر و درست‌تر بود؛ ولی خدا آنان را به علت کفرشان لعنت کرد، در نتیجه

درحالی که ما از این اتهام تعجب می‌کنیم می‌پرسیم: مگر کدام حکومت ساخته شد؟ همین که دشمن نمی‌خواست و بالاخره مجبور ساخته شد که اعلان بکند که وجود حکومت اسلامی یک ضرورت است و به خاطر صلح و به خاطر امنیت در منطقه، این ضرورت را قبول بکنیم.

مطلب دیگری که در ابتدا به شکل مادهٔ مستقلى جابجا شده بود و بعداً آن را ضم مادهٔ دیگری ساختیم، این بود که انتقال تمام صلاحیت‌ها به حکومت انتقالی اسلامی صورت بگیرد.

از این مطلب چه برمی‌آید؟ از این مطلب این نکته برمی‌آید که از همین حالا اعلان می‌کند که حکومت نجیب غیرقانونی است، قابل بقا نیست و باید همه صلاحیت‌ها از آن انتقال بکند، به حکومت انتقالی اسلامی.

شاید بعضی‌ها گله داشته باشند که چرا این هیئت مسئلهٔ حکومت انتقالی اسلامی موجود را در آنجا اعلان نکرد؛ تا روس‌ها هم آن را به رسمیت می‌شناخت؟

بلی، در آنجا حتی شرایط هم مساعد بود که ما بگوییم که همین حکومت انتقالی موقت مجاهدین باید قبول شود، پس مشکل ما چه بود که نگفتیم؟

مشکل ما یک تعداد برادرانی بود که آنان با این حکومت انتقالی موافق نبودند؛ لذا ما حکومت را عام ساختیم و گفتیم حکومت انتقالی اسلامی افغانستان؛ اما اگر کلمهٔ حکومت موقت مجاهدین می‌گفتیم، یک تعداد می‌گفتند: ما در این عضو نیستیم و ما این حکومت را قبول نداریم.

به هر حال، این ماده از جمله عمده‌ترین موادی است که دو اصل عمده و مهم در این گنج‌انیده شد:

اول: حکومت اسلامی من حیث یک ضرورت؛

دوم: انتقال تمام صلاحیت‌ها از یک حکومت غیرقانونی به یک حکومت قانونی.

در تماسی که با برادر مسعود داشتیم، از عکس‌العمل این مذاکرات

پرسیدم، گفت: «فعالاً مردم در کابل به این نتیجه رسیده‌اند که رژیم کابل پایان یافته و گلیمش برچیده شده و نجیب و رژیمش به انجام رسیده‌است و همه مردم دیگر مطمئن شدند که مسئله قبول انتقال صلاحیت از آن رژیم، از طرف بادرشان موضوع رژیم را ختم کرده است.»

بلی، طرف مقابل به آسانی نمی‌توانست این مطلب را قبول بکند؛ چون این مطلب ساده‌ای نبود. امریکا تمام زور خود را زد، نتوانست به چنین فیصله‌ای برسد، منتهی این قدر توانست که بگوید: «من هم کمک خود را قطع می‌کنم و توهم سلاح خود را قطع کن و باید بعد از اول جنوری ۱۹۹۲ م، دادن سلاح به دو طرف بند شود»

خوب، ما چه کردیم؟ آن هم درجایی که هیچ نوع امکاناتی را در اختیار نداشتیم؛ به‌جز نیروی ایمان و عقیده‌مان و قدرت سنگرهای جهادی. ما گفتیم: باید پیش از تاریخ جنوری، تمام کمک‌های نظامی قطع شود! اما بعضی‌ها می‌گویند که یک ماه چه فرق می‌کند!

یعنی بگذار یک ماه هر قدر انسانی که کشته می‌شود، شود! یک ماه کدام اهمیتی ندارد! منطق یک تعداد برادران این است! گویا اصلاً در نظر آنان مردم و ملت‌شان ارزشی ندارد و اگر کشته شود، به اصطلاح «بلا در پی‌شان»!

ما از این منطق برادران تعجب می‌کنیم که این چه نوع منطقی است؟! این‌ها باید احساس بکنند که یک ساعت پیش هم ما اگر آتش دشمن را منع بکنیم، این خود، یک موفقیت است؛ زیرا ما با این کار، از ریختن خون افراد خود جلوگیری کرده‌ایم؛ اما بعضی‌ها می‌گویند: بگذار یک و نیم میلیون دیگر هم را بکشند، به من چه؟ من راپورش را می‌دهم که در فلان جای این قدر نفر کشته شد.

در قراردادی که امریکایی‌ها داشتند، مسئله تیل، پترول، دیزل و غیره که عنصر اساسی در جنگ است، مورد مذاکره قرار نگرفته بود؛ ولی این مطلب را ما در آنجا گنج‌انیدیم و گفتیم که ارسال تمام انواع پترول، بنزین، دیزل قطع شود و اگر کمک‌هایی دارید، خود ما در مورد تصمیم می‌گیریم و گندم‌تان از طریق مجاهدین تقسیم گردد. بعضی از جناح‌های‌شان این را هم قبول کردند

و گفتند: ما آماده‌ایم که شما تاجران را به ما معرفی کنید، اگر امکان داشت، از طریق آنان و یا از طریق خودتان چاره‌سازی می‌کنیم.

چیزی عمده‌تری که ما در آنجا گفتیم که در قرارداد امریکایی‌ها نبود، این بود که باید یک نفر از مستشاران و افراد نظامی‌تان در افغانستان نباشد، باید آن‌ها را بخواهید و همه مشاورین‌تان را بکشید که این را هم قبول کردند و آخرین اطلاعی که امروز دارم، تمام مستشارانی که در کابل بودند به روسیه خواسته شدند و خبر دیگری هم که برایم رسیده؛ ولی تا حال کاملاً توثیق نشده، اینکه نجیب می‌خواهد پترول و غیره مواد سوخت را از کشورهای دیگر به دست بیاورد.

هرچند این پیروزی‌ها یک کار ساده نبود؛ اما هستند یک تعداد برادرانی که این نوع کارها برای‌شان ساده معلوم می‌شود و می‌گویند: مجاهدین چیزی نیاورده‌اند؛ با دست خالی آمدند.

در ارتباط به اسیران گفتیم: اُسرای دو طرف باید به کلی آزاد شوند! البته ما می‌فهمیدیم که در قسمت مذاکرات، برای پیروزی خود باید چه کاری بکنیم؟

اول اینکه باید موقف ما اصولی باشد و به قوت دشمن را مورد انتقاد قرار بدهیم و او را به‌عنوان یک محکوم خطاب بکنیم؛ دوم اینکه نقطه ضعف جانب مقابل و نقطه مورد رغبت او را باید پیدا کنیم.

ما می‌دیدیم که در موضوع اسیران، بعضی از جناح‌های‌شان خیلی علاقه‌مندند؛ لذا ما گفتیم: مجاهدین آماده‌اند که یک گروهی از اسیران را پیش از جنوری ۱۹۹۲ م، آزاد بکنند و این مسئله به هیئت مشترک مجاهدین و روس‌ها مربوط است.

روس‌ها می‌خواستند که در پیشاور یک قونسلگری باز کنند، گفتیم: ما به هیچ شکل به قونسلگری راضی نیستیم؟ قونسلگری یعنی چه؟ از قونسلگری‌هایی که امریکایی‌ها ساختند، چه خیری دیده شد؟ منتهی یک هیئت مشترکی باشد در داخل افغانستان و یا در خارج افغانستان، در پاکستان

یا در هر جای دیگری که در میان خود صحبت کنند و البته این پیشنهاد هم فیصله شد.

در قسمت مسئله انتخابات، باید گفت که آنان هیچ دلچسپی ای به انتخابات نداشتند؛ اما ما به خاطر یک سلسله مسایل تبلیغاتی، این را آوردیم که حکومت انتقالی اسلامی وقتی صلاحیت را می گیرد، این حکومت خود انتخابات را در خلال دو سال برگزار می کند و در برگزاری این انتخابات، از ملل متحد و کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی کمک می خواهد. گفتنی است که نحوه کمک هم مربوط به خود حکومت انتقالی است. حکومت از آنان لشکر نمی خواهد که بعضی ها می گویند که یک تعداد لشکر از فلان جای و فلان جای خواهد آمد؛ بلکه شاید مشاور خواهد و شاید از آنان مصارف انتخاباتی را بخواهد یا مثلاً هیئت محدودی را می خواهد؟ خلاصه در این کمک خواهی هیچ التزامی وجود ندارد؛ بلکه نحوه کمک خواستن مربوط به خود حکومت عبوری اسلامی است. اینکه چه نوع کمک را قابل پذیرش می داند و چه نوع را قابل پذیرش نمی داند و لو که ملل متحد برایش عرضه کند و کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی برایش عرضه کند، مربوط خودش می باشد.

از همین رو امروز می بینیم که بسیاری از مشاهیر، دستاورد مذاکرات را به عنوان فتح قلمداد کردند؛ برای مثال:

علی جریشه^۱ ضمن نامه مفصل خود آن را به عنوان یک پیروزی بزرگ مجاهدین می ستاید.

داکتر عبدالله نصیف^۲ هنگامی که تلفنی با من صحبت می کرد، می گفت:

۱. مستشار دکتور علی محمد جریشه، دانشمند و دعتوگر پرآوازه مصری است که در ۱۹۳۵ میلادی در استان شرقیه مصر، چشم به جهان گشود و در ۲۷ اپریل ۲۰۱۱ چشم از جهان فرو بست. الإعلام والدعوة الإسلامية، الإيمان الحق، المبادئ الخمسة، الاتجاهات الفكرية المعاصرة، أساليب الغزو الفكر للعالم الإسلامي، منهج التفكير الإسلامي و الأساليب التبشيرية في العصر الحديث، از جمله آثار این دانشمند است. برای آگاهی بیشتر از شخصیت او، به «المكتبة الشاملة» مراجعه کنید. «مرکز تدوین»

۲. دکتور عبد الله نصیف، از رؤسای سازمان کنفرانس اسلامی و ژبولوژیست سعودی است که در ۱۹۳۹ میلادی چشم به جهان گشود و در سال ۱۹۷۱ میلادی دکتورای خویش را در بخش ژبولوژی از دانشگاه لیدز به دست آورد. او یکی از دانشمندان اسلامی است که همچنان که در عرصه های

من تعجب می‌کنم به کسانی که با این اعلامیه مخالف‌اند، آخر بالاتر از این چه می‌خواهند؟

شیخ عبدالله قطان^۱ هم می‌گفت: من تعجب کردم که برادران دیگری چرا مخالف‌اند؟

البته برادران دیگری از قبیل محمد قطب و سایر مفکرین و شخصیت‌هایی که من با آنان دیدم، همه با این مسایل کاملاً موافق بودند و این پیروزی را به مجاهدین تبریک می‌گفتند.

ناگفته نماند که پیش از رفتن به مسکو، مجلسی داشتیم با یک تعداد از شخصیت‌ها و زعمای ملت‌های اسلامی و رهبران فکری و استادان پوهنتون در جده، وقتی که شب از مجلس می‌برآمدیم، محمد قطب فکرش نبود و بوت مرا پوشیده رفته بود و بوت خود را برایم مانده بود، بعد از آمدن از مسکو برایش احوال دادم که با بوت خودت مسکورا لگدمال کردم، محمد قطب دستاورد ما را پیروزی بزرگی می‌دانست که مجاهدین نصیب شدند.

موضوع دیگری که در این مواد گنجانیده شده، مسئله تعهد روس‌ها در اعمار افغانستان است. این مسئله را به تکرار باز می‌گویم که هیئت مجاهدین با قاطعیت مسئله غرامت جنگی را از روس‌ها خواسته و ضمن مواد بسیار عمده و مهمی آن را به حیث یک واقعیت گنجانیدند.

در مواد اعلامیه آمده‌است که روس‌ها باید تعهد بسپارند که روس‌ها حتماً غرامت پردازند و در آبادی، ویرانی‌هایی که در اثر جنگ و در اثر تجاوزی که خود به آن اعتراف می‌کند، سهم بگیرند!

بلی، کلمه «حتماً» هم در آن فیصله‌نامه گنجانیده شد. حتی ما در مذاکرات گفتیم که اصلاً سهم‌گیری و اشتراک شما باید متعهدانه باشد. جاپان که سهم می‌گیرد، شما مجبورید، چیزی را که ویران کردید توانش را بدهید. سهم‌گیری شوروی با سهم‌گیری کشورهای دیگر

پژوهشی و دانشگاهی درخششی داشته‌است، وظایف مختلفی را نیز به عهده داشته‌است. نگاه: موقع رابطه العالم الإسلامي والسيرة الذاتية لمعالي الدكتور عبد الله عمر نصيف. «مرکز تدوین»
 ۱. دقیقاً ندانستیم که منظور حضرت استاد شهید کدام قطان است؟ آیا هدف‌شان عدنان عبد الله قطان است و یا شیخ احمد قطان است و یا هم مناع قطان. «مرکز تدوین»

فرق می‌کند.

طرف مقابل می‌خواست، مطلبی را بالای ما تحمیل کند که حتی امریکا شاید آن را به شکلی از اشکال پذیرفته باشد و آن اینکه روس‌ها گفتند: شما که می‌خواهید همه چیز از طرف ما بالای نجیب قطع شود، باید کشورهای دیگری که به شما کمک می‌کنند، آن‌ها هم کمک خود را قطع کنند؛ اما ما هیئت مجاهدین قاطعانه ایستادیم و گفتیم:

این حرف اصلاً به شما هیچ ارتباطی ندارد، ما یک کشور مستقلیم؛ گفتند: این گپ ما به این معنی نیست که کدام مطالبه‌ای از شما صورت می‌گیرد؛ بلکه معنایش این است که شما از کشور دیگری هم می‌خواهید که مداخلات را قطع کن و معنای قطع کمک به معنای قطع مداخله است؛ ما گفتیم این حق تو نیست که این حرف را بزنی، ما یک کشور مستقلیم، اینکه ما از جاهای دیگری چون سعودی، پاکستان و غیره هر چیزی که می‌گیریم، آزادیم؛ بنابراین، این حرف شما هیچ قابل شنیدن نیست و به هر شکلی از اشکال قابل مطرح کردن نیست.

همین بود که این پیشنهاد خود را حذف کردند.

به هر حال، دانشمندان اسلامی نتایج این سفر را مثبت ارزیابی کردند و همه تبریک گفتند و سه کشور آن را به حیث یک پیروزی عمده دانستند. ما دیدیم که مطبوعات پاکستان این پیروزی را به هیئت مجاهدین و به فرد فرد مجاهدین تبریک گفتند و اضافه کردند که مجاهدین چیزی را که می‌خواستند به دست آوردند و همه آنچه را که می‌خواستند بقبولانند، قبولانند.

بلی، مطبوعاتی که هرگز به مجاهدین علاقه نداشت، می‌گوید: روس‌ها در برابر همه خواسته‌های مجاهدین تسلیم شدند؛ مثلی که مولوی صاحب حقانی گفت: در برابر دستاورد هیئت نباید مخالفت صورت بگیرد و این مسئله را باعث کشمکش نسازند و به کسانی که انتقاد می‌کنند، گفتند که انتقاد شما غلط است. ناگفته نباید بگذریم که ایشان از تدبیر هیئت خیلی تمجید می‌کنند.

چیزی را که ما باید در اینجا به حیث یک دستاورد عمده، از آن یادآوری کنیم این است که این بار اول است که هیئت از افغانستان از سر میز مذاکره چنین پیروز برگشته است.

بعضی‌ها بر این فکر بودند که هیئت شاید دست خالی بیاید؛ چون در خیال آنان یعقوب خان و معاهده گندمک تداعی می‌شد و بنا بر همین تصور بود که آنان می‌ترسیدند که هیئت مجاهدین بدین منوال خواهد بود و یا دماغ شکست خورده امیر دوست محمد خان در فکرشان بود؛ درحالی که آنان نمی‌فهمیدند نظر مجاهدینی که از سنگر می‌آیند، با نظر کسانی که دور از سنگرند فرق دارد!

راستی هم بار اول است که در جمله هیئت‌های تاریخی، هیئت مجاهدین، در برابر یک کشور بسیار پر قدرت در جهان - بلی، شوروی یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های اتمی در جهان است و اگر چه یک سلسله پاشیدگی‌ها دارد؛ ولی هنوز هم بعد از امریکا یک قدرت خطرناک در دنیاست - و در متن مذاکرات همه آنچه را که می‌خواهد با صراحت می‌گوید و همه چیزی را که باید بقبولاند، می‌قبولاند.

برای بار چندم تکرار می‌کنم که این یک کار ساده نیست؛ اگر چه یک تعداد برادران عینک سیاه بر چشم خود گذاشته‌اند و مسایل را بسیار کوچک فکر می‌کنند؛ اما این واقعاً دستاورد بسیار عمده و بسیار مهم یک هیئت است که تا هنوز حکومت را تشکیل نداده‌اند.

دیروز، در دوران امیر دوست محمد خان و یا یعقوب خان و یا کسان دیگری، اگر هیئت مذاکره می‌کردند، آنان از طرف یک حکومت می‌آمدند؛ اما هیئت طرف مجاهدین در حالی به مذاکره می‌روند که تا هنوز حکومت تشکیل نداده‌اند و هنوز در محیط هجرت به سر می‌برند و حتی از داخل کشور به مذاکره نمی‌روند!

پس چنانکه گفتم این یک دستاورد بسیار عمده و مهم است. شاید بعضی‌ها بپرسند که تا چه اندازه روس‌ها به این کار علاقه دارند و بالاخره وابستگی نشان می‌دهند یا نمی‌دهند؟

خوب، شاید وابستگی نشان بدهند و شاید هم ندهند و اگر وابستگی ای نشان ندادند، این خود یک شکست دیگری است به طرف مقابل و اگر از تعهد خود برمی گردند، این یک رسوایی دیگری است در دنیا که متوجه شان می شود و به رسوایی های دیگرشان افزوده می شود. با این کار، چنانکه آنان در میدان نظامی شکست خورده اند، در میدان مذاکره هم شکست می خورند و باز مجاهدین در موقف قوت خود قرار دارند.

مذاکره مجاهدین با مذاکره دیگران فرق دارد. ما اعلان کردیم تا سقوط رژیم، قیام و جهاد مسلحانه ما دوام دارد، جهاد ما متوقف شدنی نیست و سنگرها گرم است و به قوت پیش می رود؛ تا اینکه رژیم سقوط کند.

اگر خداوند خواست و مشکلات سنگرها و ملت ما را از راه سیاسی حل ساخت، قسمی که طرف مقابل این را قبول کرد و تسلیم شد، این یک پیروزی بسیار بزرگ است؛ اما اگر عهدشکنی کرد، به دشمن رسوایی است و مجاهدین می توانند دشمن را در برابر تاریخ و در برابر بشریت محکوم بسازند و در نتیجه، ما در یک موقف قوی سیاسی قرار داریم.

فایده مذاکرات اگر هیچ چیز نباشد، این کافی است که فعلاً ابتکار سیاسی به دست مجاهدین است. دیروز ابتکار سیاسی را از دست ما گرفته بودند و گاهی نماینده ملل متحد «بنین سیوان» می آمد و گاهی نمایندگان کشورهای مختلفی می آمدند؛ [تا به قضیه رسیدگی کنند] ولی امروز همه ابتکارات سیاسی را ما در دست خود گرفتیم تا جایی که دوروز قبل «سیوان» پیش من آمد و گفت: قصه ما دیگر ختم شد.

گفتم: ملل متحد وجود دارد، کارهای ملل متحد را شما انجام دهید؛ اما در ارتباط با قضیه افغانستان، اگر تا دیروز کابل می رفتی و پاکستان می آمدی و ایران می رفتی و پیش ما می آمدی؛ اما امروز از این تکلیف و زحمت خلاص شدی! بعد از این داستان دیالوگ ختم شد و دیگر راجع به داستان نجیب، خود را هیچ زحمت مدهید، دیگر تونه کابل برو و نه جای دیگری! ما خود هستیم و این مسئله را حل می کنیم و دیگر در این قسمت هیچ تکلیف و زحمتی متوجه خودت نیست؛ زیرا ما مسئله را بالای روس ها قبولانندیم و خودت هم

اگر کاری می‌کنی برو به روس‌ها بگو: به تعهدی که سپردید - که همانا انتقال صلاحیت‌ها از حکومت غیرقانونی، به حکومت اسلامی است - عمل کنید؛ تا هرچه عاجل‌تر آن را پیاده کنید. دیگر مسئله گوش‌به‌گوش کردن و پوز به‌پوز شدن گذشت و دیگر داستان دیالوگ مستقیم و غیرمستقیم بین الأفغانی پایان یافت.

پس این برادرانی که امروز مخالفت می‌کنند، تعجب می‌کنیم که برای چه مخالفت می‌کنند؟ یعنی نمی‌خواهند همه ابتکار را خود به دست بگیرند؟ خوب، برادرانی که نمی‌خواهند، خود چه ابتکاری دارند؟ ابتکار نظامی و ابتکار سیاسی‌شان کجاست؟ آیا اعلامیه دادن علیه مجاهدین کدام ابتکار است؟ طبعاً که این اصلاً کاری نیست که روی آن آدم حساب بکند. به هر حال، من فکر می‌کنم که برادران با یک دید روشن، فکر کنند، بهتر است؛ تا اعلامیه دادن و ذهن دوسه برادر بی‌خبر را خراب کردن. چنین کاری اشتباهی است که خودشان متوجه خواهند شد.

امروز مجاهدین می‌توانند درباره هر حل سیاسی‌ای که بیرون از محیط مجاهدین باشد، بگویند: بعدازاین، وقت ما را چرا ضایع می‌کنی؟ مشکل اساسی ما با روس‌هاست.

شما که دیروز می‌گفتید: حکومت اسلامی شما را روس‌ها قبول نمی‌کنند و می‌گفتند که شما مجبورید که همراه نجیب بنشینید و شما مجبورید که راهی را برایش پیدا بکنید؛ مثلاً یک حکومت بی‌طرفی را بسازید و یک نفری را از بیرون بیاورید؛ اما امروز همان جهت، یعنی روس‌ها می‌گویند: دیگر زمان این حرف‌ها گذشته است و ما انتقال قدرت را به حکومت اسلامی قبول داریم.

پس ما باید با استناد به همین حرف خودش، از یخنش بگیریم که تواز این حرفت - یعنی انتقال صلاحیت از یک حکومت غیرقانونی به حکومت اسلامی - نمی‌توانی بگذری!

پس ما چرا وقت را از دست بدهیم؟ چرا برادران ما شک و تردید دارند؟ چرا به جای اینکه ذهنیت‌ها را روشن سازند، دست به تبلیغات بیهوده

می‌زنند؟

من فکر می‌کنم کسانی که می‌خواهند کاری غیر از این بکنند، باز می‌خواهند قضیه را بین المللی بسازند؛ یعنی امتیاز مجاهدین را به مجلس‌ها و ارگان‌های دیگری بدهند. بعضی‌ها خواهند گفت: ما خود می‌جنگیم، من می‌گویم که چه کسی مانع جنگ آنان شده است؟ اگر ابتکاری دارند، چرا نشان نمی‌دهند؟ هر کاری که در این وقت از دست می‌آید بکن، کسی تو را مانع نشده است!

به هر حال، برادران ما باید متوجه باشند و باید این همه مسایل را نادیده بگیرند و فراموش نکنند که فعلاً ابتکارات به دست ماست. اگر امروز هر طرح سیاسی دیگر مطرح شود، با قوت گفته می‌توانیم که شما اصلاً حل قضیه افغانستان را نمی‌خواهید. فعلاً روس‌ها به همه چیز آمادگی نشان دادند، در غیر آن اگر حل سیاسی دیگر می‌خواهید، هدف‌تان این است که فاجعه افغانستان طولانی شود.

ما امروز با سفیر روسی دیدیم و سفیر روسی با ما در قسمت زعامت و ریاست دولت با مجاهدین صحبت داشت، ما گفتیم: هر کس بعد از این اگر به مسئله نجیب فکر می‌کند و به موضوع دیالوگ فکر می‌کند، هر طرفی که باشد، او عنصر جنگ طلب است، او از جمله کسانی است که می‌خواهد خون‌ریزی را در بین ملت ادامه بدهند؛ لذا ما اجازه نمی‌دهیم که کسی حرفی از دیالوگ بزند، کس دیگری ملت ما را به خون‌ریزی و کشمکش بکشاند و فعلاً یگانه راه این است که شما از افغانستان به کلی دست می‌بردارید و هیچ نوع مداخله‌ای نمی‌داشته باشید.

این است فیصله، راه و چاره‌ای غیر این هم نیست و هر حرف دیگری جز این، معنای این را دارد که خون‌ریزی در افغانستان ادامه یابد.

لذا ما طرز تبلیغ خود را بعد از این به همین شکل ادامه بدهیم و هر کس غیر از این را می‌خواهد باید او را محکوم کنیم؛ چون او خون‌ریزی می‌خواهد و باید برایش بگوییم که تو هنوز هم حتماً خون افغانستان را گرم‌تر می‌سازی! تا به کی علیه ملت مظلوم ما، ناروایی‌های خود را ادامه می‌دهی؟

لذا به ملل متحد هم گفته می‌توانیم راه تو، حمایت از این طرح مجاهدین است؛ تا بالای روس‌ها فشار بیاورند. به کنفرانس وزرای خارجه اسلامی هم می‌گوییم که این کار را بکنند. برادران پاکستانی، ایرانی و سعودی، خلاصه هر کشور اسلامی دیگر را می‌گوییم که برادر! هیچ طرح دیگری وجود ندارد، هیچ حرف دیگری نزنید و همین مسئله را تقویه کنید و به کرسی حق بنشانید تا مجاهدین زودتر و کوتاه‌تر برای آرمانی که تا حال برای آن جهاد کرده‌اند برسند و این معضله دیگر خاتمه پیدا بکند و بعدازاین هر کشور اسلامی اگر حرف دیگری مطرح می‌کند و طرح پنج فقره‌ای و شش فقره‌ای می‌خواهند، ما می‌گوییم که شما می‌خواهید، باز ملت ما را به یک کشمکش دیگری بکشانید، بعدازاین داستان پنج فقره‌ای ما ختم شده، تنها با روس‌هاست که مذاکره ادامه پیدا می‌کند.

خلاصه، فشار انداخته شود که سریع‌تر انتقال قدرت صورت بگیرد و مجاهدین حکومت را بگیرند و خوش‌تر اینکه، در ماده اول فیصله‌نامه، مسئله انتقال قدرت را تذکر دادیم. در اینجا مسئله شوری مورد بحث نیست تا ما را به یک مشکل دیگر بکشاند که شما انتخابات نکردید و شوری نکردید؛ بلکه گفتیم: اول همه صلاحیت‌ها به حکومت اسلامی انتقالی داده می‌شود، بعد از آن انتخابات صورت می‌گیرد تا کس نگوید شما انتخابات نکردید و رأی مردم را نگرفتید.

گپ دیگر اینکه شما همه می‌نشستید و به خصوص کسانی که اهل رأی‌اند، بنشینند و سر یک حکومت توافق کنند و یک شخصیت خود را کاندیدا بدهند و شورای قیادی به وجود آید، خلاصه، هر ابتکاری که دارند آن را پیاده کنند.

رفتن ما به مسکو عندی نبود؛ بلکه با پشتوانه عظیمی از علمای دینی همراه بود که فعلاً در سنگر قرار دارند؛ مثلاً حرکت انقلاب اسلامی، جبهه ملی نجات، محاذ ملی اسلامی، حرکت اسلامی، حزب برادر و قواد و سایر برادران به کلی با این پروسه هم‌فکر و هم‌نظر بودند؛ لذا این یک حرکت سیاسی اجتماعی است؛ لذا بعضی از برادران باید متوجه باشند، قوماندانان

را تکلیف ندهند و امضاهاى بدون رضایت‌شان را نگیرند و یا به تشویق مخالف با این سفر قراردادهای با آن‌ها نبندند و از چند نفر طالب العلم به نام مولوی فتوی نگیرند.

در میان انتقادها من ندیدم انتقادی باشد که اصولی بوده و دلیل شرعی داشته باشد.

من امروز رساله‌ای را دیدم که همه علمای عمده و مهمی که در افغانستان وجود دارند، فتوای شرعی صادر کرده بودند و حتی گفته بودند که در این اوضاع واجب است که چنین عملی انجام شود و این فتوی به طبع هم رسیده است.

ازلحاظ سیاسی هم که به آن نگاه کنیم، می‌بینیم که منافع سیاسی آن، سراسر به نفع مجاهدین است؛ همچنان اگر ازلحاظ نظامی به آن بینیم، سوال اینجاست که مگر کدام مذاکره سیاسی بوده که در طول جهاد مانع پیشرفت نظامی شده است؟ وقتی در طایف با روس‌ها مذاکره می‌شد، شدیدترین جنگ‌ها را جمعیت و قهرمانان جمعیت انجام دادند و انجام می‌دهند و این مذاکره‌هایی که ما می‌کنیم در واقع یک سنگر بوده که ضربت کوبنده دیگری از آنجا علیه دشمن وارد می‌شود؛

لذا این مذاکرات، چه ازلحاظ نظامی و چه ازلحاظ سیاسی و شرعی کدام مانعی نداشته و ندارد.

شاید یگانه بهانه‌شان این است که می‌گویند: این‌ها چرا به خانه دشمن رفتند و این «ناتوانی» است.

اول باید گفت که برادران چیز فهم ما باید بفهمند که اصلاً عادت‌ها و رسم و رواج‌های به اصطلاح وطنی مان ملاک حکم شرعی برای ما نیست، ما روش سیاسی و اجتماعی خود را از قرآن و سنت و از مشی پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - و فقهای امت خود انتخاب می‌کنیم؛ اگر روزی - مثلاً - در یکجایی، رسم و رواج وطنی بر این بوده باشد که به زنان میراث ندهید، آیا راستی ما بگوییم که به زنان میراث دادن ننگ است و این بی‌عزتی است! به زنان چرا میراث می‌دهیم؟

اولاً این حرف‌ها و این بگومگوها اصلاً در میان دونفری است که جنگ جاهلی داشته باشند؛ ثانیاً در پاسخ به اینکه ما به خانه ظالم نمی‌رویم و ما چرا به خانه ظالم برویم؟ باید گفت: اصلاً رفتن ما به خانه ظالم، مهمانی که نیست؛ بلکه به خاطر پیاده کردن آرمان خود و جلوگیری از تمام دسایس و مؤامراتی است که در سر راه مان قرار دارد.

آنان می‌خواهند قضیه ما را بین‌المللی بسازند و می‌خواهند ابتکارات را از ما بگیرند؛ اما ما می‌گوییم: راهی وجود ندارد، جز همین راه.

باز این اولین باری نیست که ما با دشمن حرف می‌زنیم! ما او را چندین بار به جاهای مختلف خواستیم، به جای خواستیم که اصلاً با آن می‌جنگید. زمانی که قبل از اولین مذاکره در طایف از روس‌ها خواسته شد که به سعودی جهت مذاکره بیایند، قطعاً که آنان نمی‌خواستند به سرزمین اسلامی‌ای که مهبط وحی است بیایند؛ اما مجاهدین گفتند: اگر در طایف مذاکره می‌کنید، خوب و آلا ما حاضر به مذاکره نیستیم.

آن وقتی که با تمام نیروهای شان در افغانستان بودند و با مجاهدین سخت در نبرد و جنگ بودند و در اوج قدرت شان بودند، ما از پوزشان کشان کشان به طایف آوردیم؛ اما امروز آن قوت و نیرومندی را دارا نیستند، در حالت تشتت و پراکندگی‌اند.

ما که به مسکو رفتیم، می‌دانید چه منافع در آنجا برای ما بود؟ در آنجا جناح‌بندی‌هایی را دیدیم و دیدیم که در میان‌شان چه تناقضاتی وجود داشت. اگر در بیرون از مسکو می‌آمدند، تنها جناحی می‌آمد که هرگز نمی‌خواست یک‌قدم به نفع مجاهدین بردارد، از خواسته و پیشنهادهایش دست‌بردار نمی‌شد؛ اما آنجا جناح‌هایی را یافتیم که اصلاً به غم روسیه نبود و اگر روسیه صمدبار هم محکوم می‌شد و دو صمدبار به میز محاکمه کشانیده می‌شد، او پروایی نداشت، او می‌خواست زعامت آینده روسیه را به دست بگیرد و تنها برایش این قدر کافی بود که اسیرانش آزاد شود و او می‌گفت: هر مثنی که بر فرق دیگران می‌کوبی، بکوب!

ما این حالت را در کشورهای دیگر نمی‌توانستیم، پیدا کنیم؛ برای مثال

وزیر خارجه تاجکستان قیوم اوف نمی آمد و در جای دیگری این امر موجود نمی شد که بگوید: «دزدها را آن طرف کنید و دماغ های خود را جور کنید!» در جای دیگری ما کسی از اعضای پارلمان را پیدا نمی کردیم؛ تا در متن مجلس مذاکرات بگوید: «من در پارلمان شوروی گفتم که اصلاً چرا شما با نجیب معامله می کنید، نجیب پنج روز دیگر در افغانستان هست یا نیست.» خلاصه، ما این حرف ها را در جای دیگری نمی یافتیم و حتی ما در آنجا از یک موضع سخت برخورد می کردیم و در پی نقاط دیگری بودیم تا بتوانیم از آن نقطه ها بالای شان فشار وارد کنیم.

چندین بار دعوت شدیم و اگر ما نمی رفتیم و هیئت های دیگری می رفتند، شاید شکل کار طور دیگری به میان می آمد.

به هر حال، ما فکر می کنیم که رفتن ما در آنجا «ناتوانی» نبود، ما به خانه ظالم به عذر نرفتیم، چیزهایی که در آنجا پیاده شد و چیزهایی که در آنجا بالای شان قبولانده شد، بالاتر از تصویری بود که هر یک از برادران داشتند.

باز هم می گوئیم: برادران متوجه این مطلب بوده باشند که این مسئله به شکلی درنیاید که از آن کشمکش بسیار خطرناک و یک حربه تبلیغاتی بسیار نادرستی ساخته شود و ما فعلاً ذهنیت مردم خود را می بینیم که چگونه است؟ پیغامی که از برادران مهاجر خود در ایران داریم، بنا بر اطلاعات دقتر ما این است که برادران از مذاکره سخت خوش و خرسندند و کاملاً مطمئن شدند؛ تا جایی که در اجتماعات خود از پیروزی هیئت مجاهدین بسیار زیاد اظهار خوشی می کنند و در جنوب غرب در میان زیادی از کمپ ها که این مسایل به شکل حقیقی آن برای شان رسیده، اظهار خوشی می کنند.

پس من فکر می کنم، برادرانی که موضع گیری های شان خیلی خصمانه بوده، باید تجدید نظر کنند و بیش از این حرف های نادرست و غیر عملی نزنند و باید بفهمند که هرکسی مسئولیتی دارد و باید متوجه مسئولیت حرف های خود بوده باشند و باید موضع گیری های خود را به خوبی بررسی کنند.

راجع به جهاد و فعالیت های نظامی - قسمی که گفتیم - جمعیت پیش از مذاکره و در دوران مذاکره و بعد از مذاکره، بر این تأکید کرده و می کند

که تا پیروزی کامل، جهاد مسلحانه ما ادامه دارد و به هیچ شکلی از اشکال متوقف‌شدنی نیست.

دربارهٔ اوضاع عمومی یک بار دیگر به همه برادران خود می‌گوییم: باید کوشش کنیم که موضع‌گیری‌های خود را واحد بسازیم، باید اختلاف را برای اختلاف ادامه ندهیم، برادران باید شیوه‌های مختلف را ترک بکنند!

تعجب این است درحالی‌که هرروز یک گلی می‌شگفد به نام وحدت‌خواهی، به نام حرکت اصیل؛ ولی باز به حیث یک حرکت سیاسی تخریب‌کننده از آب به درمی‌آید.

روزی آواز تحریک بلند شد، کسی فکر کرد که تحریکی‌ها می‌خواهند تحریک را به هم نزدیک بکنند، ابنای تحریک‌اند؛ اما تمام سوغات تحریکی‌ها چه بود؟ موضع‌گیری‌های سیاسی‌ای که حاصل آن اینکه ما رفتن هیئت به مسکو را محکوم می‌سازیم!

از آقای تحریکی پرسید: آیا محکوم ساختن و تجمعات شما این یک حرکت سیاسی تفرقه‌افگانه است، یا جمع کردن و توحید برادران تحریکی؟! نصیحت اسلامی غیر از موضع‌گیری سیاسی است؛ نصیحت اسلامی خیرخواهی است. نصیحت‌گر به مطبوعات خبر خود را نمی‌دهد؛ بلکه موضع‌گیری عمومی می‌کند.

تا جایی که به برادران جمعیت ارتباط دارد، من فکر می‌کنم که آن دوران [تشتت و پراکندگی] گذشت، هر برادر بعد از این باید خوب سنجش بکند که بعد از این چه می‌خواهد بکند؟ اگر می‌خواهد در جهت وحدت تنظیم خود کدام کار مثبتی بکند، باید در داخل تنظیم خود و در داخل جمعیت خود، افکار و اندیشه‌های خود را پیش ببرد، ساختن فراکسیون‌های جدا بدون دستور تنظیم‌ش، دور از قواعد و ضوابط تنظیمی است.

خلاصه، برادرانی که فعلاً تبلیغات می‌کنند، تبلیغات‌شان سیاسی است. کاش که تبلیغات اسلامی باشد و ای کاش به اساس تحریک باشد و تحریک را به اساسی مصالح تنظیم خود به پیش برند! اگر مسایل اسلامی بوده باشد، ما کاملاً خوشیم؛ اما ما می‌بینیم که همه هدف کوبیدن یک تنظیم است و

برحق معرفی کردن خود.

در ارتباط به همه موضع‌گیری‌های جمعیت در طول تاریخ انقلاب، باید گفت که جمعیت در این راستا خطرهای زیادی را متحمل شده است.

اولین بار خطری را که ما به جان خود خریدیم، این بود که تشکیل گروه‌های مسلح ضد حکومت داود به ابتکار جمعیت به میان آمد؛

اولین اعلامیه برای اطمینان مردم افغانستان تحت عنوان «محاذا مشترک اسلامی» برای کوبیدن «سیمای زعامت داود خان» صادر شد و رساله‌ای تحت نام «سیمای داود خان» از طرف جمعیت ترتیب و پخش شد تا مردم روحیه بگیرند؛

برای اولین بار پیامی به تمام جهان اسلام به خاطر معرفی کردن این تحریک به نام «افغانستان علی أبواب السقوط فی حضن الشیوعیه» (افغانستان در آستانه سقوط در دامان کمونیزم) به مسلمانان توزیع شد؛

اولین بار بعد از به میان آمدن ترکی، اعلان جهاد و اعلان وحدت سرتاسری مردم افغانستان علیه کمونیزم از طرف جمعیت به میان آمد؛

اولین بار آواز ملت مظلوم افغانستان بعد از حمله ارتش سرخ به افغانستان در کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی به زبان جمعیت اعلام شد و در آنجا این عبارت گفته شد که ملت مسلمان و قهرمان ما از میان خون و آتش به سوی پیروزی راه خود را باز می‌کند؛

اولین بار حرفی که بسیار زیاد خطرناک بود، ما گفتیم اینکه انقلاب ما باید از زنجیر ارتباط با دستگاه‌های سِری و از سلام دادن به کاتب‌های کمیشنری بالاتر برود و با زعامت‌های کشورها رویاروی بنشینیم؛ به جای اینکه این نشست‌ها در لانه‌های تاریک و در خانه‌های تاریک باشد؛

رویاری سخن گفتن با رئیس‌جمهور امریکا و با سایر رئیس‌جمهورهای دنیا از آن جمله بود؛ بلی، اولین بار این خطر را جمعیت قبول کرد، اگرچه تبلیغات زیادی علیه جمعیت شد؛ اما برای اولی نبار بود که بعضی انواع از سلاح‌ها - که به نفع مجاهدین تمام شد؛ از قبیل استنگر - وارد صحنه جهاد شد؛

برای بار اول درحالی که ما را متهم می‌ساختند که جمعیت فقط مبارزه فرهنگی می‌کند، اساس تعلیم و تربیه را گذاشتیم؛ اولین بار به خاطر اینکه مجاهدین به انواع سلاح آشنایی درست پیدا کنند، حربی پوهنتون و حربی شونخی را بنیاد نهادیم؛ اولین بار به خاطر ساختن کادرها در داخل افغانستان ما به فکر تأسیس اکادمی پولیس و به فکر ساختن فاکولته‌ها شدیم که بعداً توسط دیگران قاپیده شد.

به‌هرحال، امروز بازهم برای اولی نبار است که یک خطر و یک حرکت دیگری را در ارتباط به مذاکره مستقیم با روس‌ها با یک تعداد برادران عزیز دیگری قبول کردیم که یقیناً نتایج و ثمرات مفیدی داشته و دارد. به همه حال، من امیدوارم برادران ما مثلی که در دوران سفر به امریکا دست‌پاچه و وارخطا بودند و ترسیدند که دیگر ما از بین رفتیم، درحالی که جمعیت - چون به حق بود - همچنان پایدار ماند و - إن شاء الله - پایدار می‌ماند و خداوند چیزی را که خواسته باشد، خود می‌کند،

حالا هم بعضی‌ها شاید تشویش و ترسی داشتند که با رفتن این سفر کمک‌ها قطع شود، شاید چنین و چنان شود، شاید بعضی برادران عرب ناخودآگاه مخالفت کنند؛ اما ما دیدیم چون این سفر یک کار و یک قدم پرمخاطره و پرکشمکش بود، ما گفتیم که باید قدمی برداریم، به خاطر مصلحت ملت مسلمان، به خاطر جلوگیری از دسایس بین‌المللی، به خاطر کوتاه‌ساختن راه پیروزی و به خاطر اینکه ما راستی بتوانیم دشمن را در برابر یک میز محاکمه تاریخ و جهان قرار بدهیم.

حالا که این گام برداشته شده، من از همه برادران می‌خواهم که قاطعانه از موضع خود دفاع کنند، باید افکار و اندیشه خود را به هرکسی برسانند، هیچ ترس و دلهره نداشته باشند، هیچ مطلبی نیست که باعث تشویش ما بوده باشد، نتیجه - به لطف خداوند تعالی - کاملاً خوب است. اینکه بعدها روس‌ها چه می‌کنند، مربوط به خودشان است، در هر وقتی باشد، باید ابتکار

۱. وارخطا: در گویش مردم افغانستان به معنای سراسیمگی و نگرانی است. «مرکز تدوین»

دیگر داشته باشیم و اقدام دیگری نکنیم.

ما در یخچال‌ها نمی‌نشینیم، کوشش می‌کنیم حرکت کنیم، تحرک داشته باشیم، فعالیت کنیم. پیغام من - من حیث یک برادر - به برادرانی که مخالفت کردند، این است که هر چه کردند ما می‌گوییم «عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ»^۱ اگر بر ما حمله کردند و حرفی گفتند، باید بفهمند که روزی مردم افغانستان آنان را با این حرف‌های‌شان محاکمه می‌کنند؛ لذا باید متوجه حرف‌های خود باشند. ما این را برای‌شان نمی‌گوییم که چه و چنان کردند؛ مگر باید به حال مردم‌شان دل بسوزند، به حال قضیه دل‌شان بسوزد، باید متوجه باشند که از این مظاهرها چیزی بر نمی‌آید. نباید به خاطر اینکه یک مقدار تبرعات متوجه فلان تنظیم شود با این حرف‌ها دماغ دو سه نفر جوان عرب را خراب کنند و یقیناً که از این کارها چیزی حاصل نمی‌شود؛ اما این‌ها بعداً متوجه این مطلب خواهند شد که اشتباه کرده‌اند.

خلاصه، ما آماده‌ایم که با این برادران ببینیم، همراه‌شان صحبت کنیم، بگوییم که برادر! خودت را و ما را تنها نمان، دیگر برادرهایت را تنها نگذار، بیا همه یکجا حرکت کنیم، یکجا گام برداریم!

ما نمی‌خواهیم که تفرقه ایجاد شود. تقاضای ما از کسانی که دم از اتحاد می‌زنند و باز کار اختلاف را می‌کنند، این است که اگر راست می‌گویند، این کار را کنار بگذارند. نظرات مخالف شاید هرکسی داشته باشد، باید نظر هرکس محترم باشد؛ اما ببینید که چه نظری بیشتر به نفع دین و مردم است و چه نظریه‌ای را اکثریت مسلمانان قبول می‌کنند، کدام نظریه چه خطری را

۱. بخشی از آیت ۹۵ سوره مائده است که می‌فرماید: ﴿رَبَّنَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصِّدِّقَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ بِحَكْمٍ بِهِ دَوَّأَ عَدْلٌ مِنْكُمْ هَدِيًّا بِالْبَالِغِ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةً طَعَامٍ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾

یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حالی که محرم‌اید شکار را مکشید و هر کس از شما عمداً آن را بکشد باید نظیر آنچه کشته است از چهارپایان کفاره‌ای بدهد که [نظیر بودن] آن را دو تن عادل از میان شما تصدیق کنند و به صورت قربانی به کعبه برسد یا به کفاره [آن] مستمندان را خوراک بدهد یا معادلش روزه بگیرد تا سزای زشتکاری خود را بچشد خداوند از آنچه در گذشته واقع شده عفو کرده است و [ای] هر کس تکرار کند، خدا از او انتقام می‌گیرد و خداوند توانا و صاحب‌انتقام است. «مرکز تدوین»

متوجه ما می‌سازد و چقدر به مصلحت جهاد است؟

شاید ما به دیدن آنان برویم و با آنان بنشینیم؛ ولی به خاطر اینکه کسانی که در اشتباه‌شان پافشاری می‌کنند، نمی‌توانیم بایستیم و توقف نکنیم. هر کار نظامی‌ای که برادران دارند ما از همه پیش‌تر در جمعیت برای‌شان وعده می‌دهیم که هر صف دشواری که به ما تعیین شود، ما به آنجا می‌رویم؛ اما آنان هم کوشش کنند، کاری نکنند که نه خود حرکت نکنند و نه دیگران را بگذارند که حرکت کنند.

به گفته بعضی‌ها وقتی ما همگام با قطار حرکت نکنیم، ممکن در نیمه‌راه بمانیم، ممکن پشت سر بمانیم؛ بلی، ممکن به‌عنوان یک قوه معارض قرار بگیریم. آخر چرا ما معارض بوده باشیم، چرا زمام امور را خود آنانی که تا حالا جنگیدند و در سنگر بودند و تکلیف کشیدند، به دست خود نگیرند! به‌هر حال، امیدواریم که دیگر بیش از این حرف‌های تخریب‌کننده نبوده باشد.

در کل، بسیار چیزهایی بود که باید می‌گفتیم؛ اما نگفتیم و نمی‌خواهیم

بگوییم:

﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ﴾^۱

همیشه ما خواستیم در برابر هرکسی که تجاوز می‌کند، بسیار مسامحه کنیم؛ اگرچه بسیار زیان هم کردیم و صدمه دیدیم. باز هم ما همه چیز را به خداوند می‌سپاریم.

به‌هر حال، توصیه من به برادران جمعیت این است که در اوضاع موجود دیگر اختلافات خود را کنار بگذارند، تصمیم‌گیری‌ها و فیصله‌ها بر اساس سلیقه‌های شخصی‌شان صورت نگیرد، باید باهم بنشینیم و یکجا کارهای خود را انجام بدهیم. بعد از این اختلافات و کشمکش‌ها را کنار بگذاریم.

۱. مایده / ۸. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید، عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.) «مرکز تدوین»

ممکن هر انسان نقاط نظری داشته باشد و آن محترم است؛ اما باعث اختلافات و کشمکش‌ها نبوده باشد.

به هر حال یک‌بار دیگر از همه برادرانی که در اینجا تشریف آوردند، قدردانی و اظهار شکران می‌کنیم.

حرف آخر اینکه این‌شاء‌الله اگر ما متحدانه باهم حرکت بکنیم، از این به بعد ابتکار سیاسی را از مجاهدین کس دیگری گرفته نمی‌تواند و نه کسی می‌تواند شرایطی را بالای ما بقبولاند؛ اما اگر خود ما میدان را به دیگران بگذاریم، مسئولیت به دوش خود ما خواهد بود.

أَقْسُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ،... إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.^۱
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

۱. ترجمه معانی آیه مبارکه گذشت. «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک صد و چهل و هفتم

به مناسبت ماه مبارک رمضان

مکان: مسجد جامع دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان؛

زمان: اول رمضان ۱۴۱۲ هـ ق - ۱۴ حوت ۱۳۷۰ هـ ش.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * الحمد لله ربّ العالمین والصلوة والسلام علی سیدنا ونبینا ومولانا محمد صلوة الله وسلامه علیه، الذی بلغ الرسالة وأذی الأمانة ونصح الأمة وجاهد فی سبیل الله حق جهاده وعلی آله وصحابه ومن دعا بدعوته وعمل بسنته الی یوم الدین.

قال الله تبارک و تعالی فی محکم کتابه وهو اصدق القائلین:

أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ * بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ...﴾^۱
صدق الله مولانا الکریم.

حلول ماه پرفیض رمضان مبارک، ماه تقوی و طهارت، ماه صبر و استقامت، ماهی که انسان را از محیط بهیمیت و مادیت به مرحله اعلاهی ملکوتی عروج می دهد، ماهی که انسان در برابر غرایز سرکش، در برابر خواسته های پست حیوانی، مقاومت می کند را به همه برادران مان، به همه

۱. بقره / ۱۸۵. ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِيَتكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِيُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾
(ماه رمضان [همان ماه] است که در آن قرآن فرو فرستاده شده است، [قرآنی] که مردم را راهبر و [متضمن] دلایل آشکار هدایت و [میزان] تشخیص حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن] تعدادی از روزه های دیگر [را روزه بدارد] خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه رهنمونی تان کرده است، به بزرگی بستایید و باشد که شکرگزاری کنید.) «مرکز تدوین»

جهادگران مؤمن، برای همه ملت مسلمانان در افغانستان عزیز و به همه امت اسلامی مبارکباد می‌گوییم و امیدواریم که در پناه لطف و عنایت پروردگار، ما و همه مسلمانان در این ماه، قادر به ادای فریضه روزه و انجام مسئولیت‌های جهادی خود گردیم.

برادران عزیز!

امیدواریم که ملت مسلمان ما و مجاهدین ما - که در زندگی جهادی خود - مشی تقوی و طهارت، صبر و استقامت را از مدرسه صیام می‌آموزند و ملت ما این درس را در سال‌های جهاد به صورت بهتر فرا گرفتند، در اوضاع حساس کنونی هم ما این توانایی را داشته باشیم تا در برابر همه قضایا با دل پاک و با طهارت یک مسلمان روزه‌دار و با روحیه یک روزه‌دار صابر و مقاوم، در برابر مشکلات و رنج‌های فراوانی که دامن‌گیر ملت ما در دوران هجرت و جهاد شده است، مقاومت بکنیم.

امروز طوری که همه برادران شاهد این حقیقت‌اند، ما در یک مرحله حساس و مهمی قرار داریم، اینکه بر ما چه می‌گذرد و در برابر ما چه مشکلاتی قرار دارد؟ این حقیقت از نظر هیچ‌کسی پوشیده نیست؛ اما اینکه ما چه انجام می‌دهیم و چه کاری را در اوضاع کنونی بکنیم، این مطلبی است که باید همه ما هوشیارانه و دلسوزانه در برابر مسئولیت‌های خود آمادگی کامل داشته باشیم و متوجه اوضاعی باشیم که فعلاً با آن روبه‌رویم.

ترس از اسلام:

برادران عزیز!

فعلاً در دنیا قضایای مختلفی رونماست، دنیا در برابر تحولات عجیبی قرار گرفته است، در یک طرف الحاد و کمونیزم سقوط می‌کند؛ اما در جانب دیگر ما می‌بینیم که قدرت‌های ضد اسلام و مسلمانان، اسلام را به عنوان یگانه خطر در برابر خود قرار داده؛ حتی می‌خواهند کشورهای را که تازه از زنجیر کمونیزم نجات یافتند، در پکت‌های نظامی خود شامل بسازند. در اوضاعی چنین آوازه‌هایی بلند می‌شود و چنین تلاش‌هایی صورت می‌گیرد که از حنجره هر رادیو و از زبان هر زمامداری، حرف صلح، حرف خلع

سلاح، حرف برچیدن نیروهای ذروی^۱ را می‌شنویم!

خوب، اگر صلح خواهی هدف بوده باشد، اگر برچیدن نیروهای ذروی به‌راستی به خاطر استقرار امنیت جهانی، آرمان درستی بوده باشد، پس پکت‌سازی‌های نظامی جدید برای چیست؟

دیروز اگر یک نیروی قدرتمند نظامی در غرب، در برابر ابرقدرت نظامی دیگری در شرق و در برابر خطر کمونیزم، پکت‌های نظامی می‌ساخت؛ اما بعد از این، پکت نظامی در شرق وجود ندارد و کشورهایی هم که از روسیه تجزیه شدند، کشورهای ناتوان و ضعیفی‌اند که حتی به خاطر پیدا کردن یک لقمه‌نان برای مردم خود هم دست‌شان به‌سوی مغرب‌زمین دراز است، پس این پکت‌سازی‌ها برای چیست و از که می‌ترسند؟!

البته همه می‌دانیم که آنان چه کسی را دشمن می‌دانند و با چه کسی می‌خواهند در رویارویی قرار بگیرند. مسلمانان که به‌صورت مجموعی خودشان خطر نیستند، جوامع اسلامی هم، جوامعی‌اند که اصلاً نیازمند قدرت‌های خارجی‌اند و از لحاظ نظامی، از لحاظ سیاسی و حتی از لحاظ فرهنگی تابع کشورهای خارجی‌اند، پس خود این‌ها در ذات‌شان خطر نیستند؛ اما یگانه چیزی که زنگ‌های خطر را به صدا درآورده، اسلام است، ترس کفر و الحاد جهانی از اسلام است.

اسلام به‌عنوان یک نیروی همیشگی زنده است. اگر ملت‌های مسلمان می‌میرند؛ اما اسلام نمی‌میرد. اگر گروهی از دین منحرف می‌شود... فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...^۲ خداوند گروه‌های دیگری را جایگزین ملت‌های منحرف و ملت‌های مرتد می‌سازد؛ لذا خطر از کشورهای اسلامی

۱. نیروهای ذروی، یعنی نیروهای هسته‌ای. «مرکز تدوین»

۲. مایده / ۵۴. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَدْلَسَةً عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعْرَءَ عَلَى الْكَافِرِينَ يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دین خود برگردد به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند، [اینان] با مؤمنان فروتن [و] بر کافران سرفرازند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند، این فضل خداست آن را به هر که بخواهد می‌دهد و خدا گشایگر داناست.) «مرکز تدوین»

نیست، خطر از اسلام من حیث یک ایدئولوژی همیشه پایا و یک ایدئولوژی شکست‌ناپذیر است؛ ایدئولوژی‌ای که در برابر نیروهای ذروی هم مقابله می‌کند و در برابر قدرت‌های بزرگ نظامی هم مقاومت می‌کند و هیچ نیرویی آن را شکست داده نمی‌تواند:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۱

لذا دشمنان می‌کوشند که این نیرو را از میان ملت دور بسازند و ملت‌ها را بترسانند که شما اگر به اسلام می‌چسبید و به اسلام تمسک خود را ادامه می‌دهید، ما با نیروی قدرتمند نظامی خود به سرکوبی شما می‌رسیم. راستی هم که این پکت‌سازی‌ها خیلی‌ها عجیب است! ما هنگامی که مسأله را دقیق بررسی کنیم که آنان از چه می‌ترسند، درمی‌یابیم که ترس‌شان از اسلام است.

دموکراسی در دیدگاه جدید در غرب:

ماوشما همیشه از کشورهای مغرب‌زمین این حرف را شنیده بودیم که آنان طرفدار دموکراسی‌اند؛ اما ما می‌بینیم، روزی که در یک کشور مسلمان، بر اساس دموکراسی‌ای که خود همیشه به‌سوی آن، مردم را دعوت می‌کردند، انتخابات صورت می‌گیرد، یکسره عکس‌العمل‌های ظالمانه به عمل می‌آید. دیگر به نتیجه انتخابات هم ارزش نمی‌دهند و عجب‌تر اینکه در این روزها در حلقه‌های غربی تلاش دیگری روان است که می‌خواهند تعریف دموکراسی را تغییر بدهند، دیروز می‌گفتند که دموکراسی؛ یعنی حکومت مردم توسط مردم؛ یعنی هر انتخابی که توسط مردم صورت بگیرد، پس حکومت مردم است؛ اما وقتی که دیدند در کشورهای اسلامی هر جایی که انتخابات صورت بگیرد، نتیجه عین نتیجه الجزایر است؛ یعنی هر کشور اسلامی که در آنجا انتخابات آزاد برگزار گردد، ملت‌ها جز اسلام، چیز دیگری را انتخابات نمی‌کنند، چون این مسئله را به حیث یک واقعیت انکارناپذیر لمس کردند، در صدد آن شدند تا تعریف دموکراسی را تغییر بدهند و بگویند تنها دموکراسی این نیست که از طریق انتخابات حکومت مردم توسط مردم صورت گیرد؛ بلکه دموکراسی

۱. حجر / ۹. «بی‌تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.»
«مرکز تدوین»

در پهلوی انتخابات این است که باید مردم مطمئن شوند که حقوق‌شان هم داده می‌شود!

این حرف یعنی چه؟! وقتی که مردم خودشان مطمئنانه یک رژیم را، یک مجموعه را انتخاب کردند، انتخاب‌شان معنای این را دارد که آنان مطمئن‌اند که حقوق‌شان توسط اینان تأمین می‌شود.

خلاصهٔ گپ اینکه امروز وقتی دیدند که بر اساس همان دموکراسی، حکومت‌ها باز به دست مسلمانان می‌افتد، اینجاست که تعریف دموکراسی را تغییر می‌دهند.

زنجرهای نظامی، فرهنگی و اقتصادی:

به هر حال، این تلاش‌ها، چیزی نیست؛ جز اینکه می‌خواهند مانع تشکیل حکومت‌های اسلامی گردند و این واقعیتی است که ما با آن روبه‌رویم.

در حالی که دورهٔ پکت‌های نظامی از بین رفته بود؛ اما امروز دوباره می‌خواهند سازمان‌های نظامی به میان بیاورند و حتی می‌خواهند جمهوریت‌های آسیای مرکزی^۱ را هم دعوت بکنند که در پکت ناتو شامل شوند. مگر در پهلوی این بیچاره‌ها که هست که از آن بیم داشته باشند؟!

افغانستان و ایران که سال‌ها نیاز است تا آن را بازسازی کنیم؟ فعلاً ما به یک دولت متحدی ضرورت داریم که بعد از آن، برایش باید اردو بسازیم و برای این کار بودجه داشته باشیم و تا هنوز که در میدان چیزی نیست.

دشمنان احساس خطر می‌کنند و تلاش‌شان این است که باید کشورهای نو استقلال‌یافته در زنجیری به نام پکت‌های نظامی کشانیده شوند و اضافه بر آن، ما می‌بینیم که تلاش‌هایی روان است که این کشورها را در زنجیرهای

۱. آسیای مرکزی یا آسیای میانه، سرزمین پهناوری در قارهٔ آسیاست که هیچ مرزی با آب‌های آزاد جهان ندارد. (محصور در خشکی است) اگر چه مرزهای دقیقی برای این سرزمین تعریف نشده‌است؛ اما معمولاً آن را دربرگیرنده کشورهای امروزی ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان می‌دانند. اغلب سرزمین‌های دیگری چون افغانستان، شمال شرق ایران، مغولستان، کشمیر، شمال و غرب پاکستان، و گاه سین‌کیانگ (ترکستان شرقی قدیم) در غرب چین و جنوب سبیری در روسیه نیز شامل آسیای مرکزی می‌شوند.

این منطقه از شمال به روسیه، از جنوب به ایران و افغانستان، از شرق به چین و از غرب به دریای خزر متصل است. نگاه: حاتمی، تورج (۱۳۸۲). برخورد منافع روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز. خورزن. ص. ۴۵. «مرکز تدوین»

فرهنگی نیز بکشاند؛ این در حالی است که افغانستان تا هنوز آزاد نشده است و هنوز هم ماوشما سرگرم جهاد خودیم.

نجیب و یک عده دیگر می آیند و در سطح مطبوعات نام انقلاب اسلامی ایران را عنوان قرار می دهند و از ما اعلان خطر می کنند و می گویند: بکوشید پیش از این که فرهنگ انقلاب اسلامی از طریق ایران و افغانستان داخل کشورها شود، شما این ها را به فرهنگ دیگری وابسته بسازید.

روی همین دلیل است که ما می بینیم، حکومت ترکیه را موظف می سازند که باید بعد از این کمونیزم و فرهنگ سکولاریزم ترکی در آنجا، جابه جا شود. ترک زبانان و فارسی زبانان آسیای مرکزی، قرغزها و قزاقها، همه آن هایی که به رسم الخط عربی می نوشتند و تقریباً فرهنگ مشترک همه کشورهای اسلامی است را امروز می خواهند در قدم نخست آن ها را به یک پکت نظامی سوق بدهند و در قدم دوم تلاش صورت بگیرد که فرهنگ عربی و اسلامی شان جایگزین فرهنگ روسی نشود.

بدین اساس از ترکیه و از زعمای ترکیه می خواهند مداخله کنند و پیش از این که زبان فارسی و یا ترکی به رسم الخط عربی و فارسی نوشته شود، رسم الخط لاتینی جای آن را بگیرد.

ما می بینیم که سال هاست که خود ترکیه را کسی در بازار اقتصادی و بازار مشترک اروپا جای نمی دهند؛ اما امروز تلاش ها روان است که کشورهای آسیای مرکزی را در بازار مشترک به شکلی از اشکال بکشاند؛ یعنی می خواهند آن ها را در یک زنجیر نظامی، زنجیر فرهنگی و زنجیر اقتصادی بکشاند تا اجازه ندهند که دوباره فرهنگ گذشته شان زنده گردد.

هیاهوی بیجا:

اَما و مصیبتا! به حال ما مسلمانان و به حال ما مجاهدین و به حال تنظیم های جهادی مان که هنوز این قضایا را نمی فهمیم و در برابر یک حرکت بسیار اسلامی، تجزیه طلبی را عنوان قرار می دهیم و می بینیم که هیاهو و غوغا از هر طرف بلند است و از هر جا خفاشان در تاریکی ها حرکت می کنند و زمزمه ها بلند می شود که چرا جمعیت در تهران با حکومت ایران و با

تاجیکستان نشست؟ بعضی‌ها حتی استدلال می‌کنند که تا هنوز ملک ما آزاد نشده تا هنوز وطن آزاد نشده است، کار خود ما جور نیست، چرا پشت دیگران بگردیم!

بی‌خبری از دعوت اسلامی:

تعجب است و این هم کمال نادانی از فرهنگ اسلامی است! در حالی که دعوت اسلامی کدام شرایط به خصوص این چنینی ندارد. دعوت اسلامی به این معنی نیست که، وقتی دست به دعوت اسلامی بزنیم که یک حکومت بسازیم و یک بودجه برای دعوت و یک دارالافتاء داشته باشیم و یک تعداد مردم را به نام داعی معاش بدهیم و بعد این‌ها بروند شروع به دعوت بکنند؛ بلکه هر فرد مسلمان باید داعی الی الله بوده باشد و دعوت بکند و از هر وضعیتی استفاده کند.

من چندی پیش‌تر در اجتماعی یک تعداد از جوانان - که راجع به حیات امام حسن البنا^۱ شهید^۱ و شهید سید جمال‌الدین افغان^۲ کنفرانسی

۱. امام حسن البنا G پسر شیخ احمد البنا بانی جنبش جهانی اخوان المسلمین، در ۱۹۰۶م، در استان بحیره مصر به دنیا آمدند و در ۱۲ فبروری ۱۹۴۹م، به شهادت رسیدند و امام G در پاسخ به پرسش روزنامه‌نگاری که از او پرسید: تو کیستی؟ خود را چنین معرفی می‌کند: «من گردشگری‌ام که در جست‌وجوی حقیقت است، انسانی که مصداق انسانیت را در میان مردم می‌جوید و شهروندی که کرامت، آزادی، استقلال و پایداری و زندگانی با عزت را در سایه اسلام حنیف برای وطنش جست‌وجو می‌کند، من آزاده‌ای‌ام که راز وجود خود را دریافته و فریاد برآورده است: «نمازم، عبادتم، زندگی و مرگم برای پروردگار جهانیان است که شریکی ندارد، به همین فرمان یافتم و من از زمره مسلمانانم.» هان! این منم، تو کیستی؟» نگاه: پیام بیداری؛ از امام شهید و کتاب: امام شهید حسن البنا راه دعوت و نوگرایی، از استاد انورالجنیدی. «مرکز تدوین»
۲. سید جمال‌الدین افغانی G؛ مفکر، اندیشمند و بیدارگر معروف جهان اسلام در شعبان سال ۱۲۵۴ هـ.ق. در یک خانواده سادات در «اسعدآباد» کتر که یکی از ولایات شرقی افغانستان است، دیده به جهان گشود. در شش سالگی با پدرش به کابل آمد و علوم و موجه و قرآن کریم را نزد پدر فراگرفت. طبق ضرورت برای تحصیل بیشتری علوم در ۱۷ سالگی نخستین سفرش را به هند آغاز کرد. در ۱۸۵۷م، به سفر حج به مکه رفت و در ۱۸۵۸م، به تهران سفر کرد و در این وقت ۲۰ سال داشت. در همین سال به کابل برگشت و در سال ۱۸۶۲م، حین محاصره هرات با «دوست محمد خان» همراه بود و علیه استعمارگران انگلیس در خط مقدم جبهه قرار داشت و در ۱۸۶۳م، در اعلان پادشاهی «شیرعلی خان» در هرات حضور داشت. یک‌سری برنامه‌های اصلاحی را به دربار شیرعلی خان تقدیم کرد؛ اما از سوی دربار رد گردید. سید زمینه را برای کاشتن بذر دعوت در افغانستان مساعد ندید و بار دیگر به تهران رفت و حرکت بیدارگری خویش را در آنجا نیز ادامه داد؛ اما از آنجا نیز تبعید گردید و بعداً به مصر رفت، در مصر نیز برنامه‌های دعوتی خویش را به

را دایر کرده بودند - صحبتی داشتم، گفتم که ما وقتی در حیات و سیرت پیامبر اکرم Y غور کنیم می بینیم که حضرت پیامبر اکرم Y به خاطر رساندن دعوت اسلامی، به «بازار عکاظ»^۱ می رود؛ این در حالی است که در این بازار، مردم اشعار جاهلی و شرکی می خوانند، تمام کارشان ادبیات جاهلی است، خلاصه رسول اکرم Y به خاطر رساندن دعوت اسلامی، در اجتماعی که هزاران بدبختی جاهلی وجود داشت، حاضر می شود و یکی از ارزش های اسلامی را به گوش آن مردم می رساند و آن ها را به اسلام دعوت می کنند.

همچنان ما می بینیم که حسن البنا^۲ شهید دعوت اسلامی را از مسجد به قهوه خانه ها رساند، او می گفت: «در داخل مسجد مسلمانان خوب می آیند؛ اما کسانی که در قهوه خانه ها هستند، غم آنان را که بخورد؟ باید داعی مسلمان داخل قهوه خانه ها برود.»

همان بود که حسن البنا^۲ شهید به قهوه خانه ها می رفت و هنگامی که لحظه مناسبی را می یافت پیام اسلام را به کسانی که چلم می کشیدند و قماربازی می کردند، می رساند و از همین عناصر قمارباز و عناصر مفسد،

پیش برد و شاگردان چون: شیخ محمد عبده و شیخ رشید رضا را تربیت کرد. بعداً به فرانسه سفر کرد و در مناظره رویاروی با یک تن از فیلسوفان بنام فرانسوی «رنان» او را مغلوب ساخت و مجله «عروة الوثقی» را در پاریس تأسیس کرد. این مجله در بیشترین کشورهای جهان به نشر می رسید، از آنجا به ترکیه آمد و از وی استقبال خوبی صورت گرفت. بالآخره سید در ترکیه به گونه ای مرموزی در ۵ شوال ۱۳۱۴ هـ.ق، در گذشت، بنا به درخواست دولت وقت افغانستان، جسد مطهر سید G از استانبول به افغانستان انتقال داده شد و در دانشگاه کابل دفن گردید، از سید G آثار و تالیفات فراوانی به جامانده است: تتمه البیان فی تاریخ الأفغان، الأعمال الكاملة لجمال الدین الأفغانی، الآثار الكاملة، رسائل فی الفلسفة والعرفان، مرآة العارفین، خاطرات الأفغانی، العروة الوثقی و.. نگاه: مجموعه الآثار الكاملة، سید جمال الدین افغانی، تهیه، تنظیم و تحقیق سید هادی خسروشاهی، نشر: دارالشروق الدولية، قاهره، سال ۲۰۰۲م، شخصیت های کلان افغانستان، ص: ۱۵، سید جمال الدین الحسینی الأفغانی بیدارگر عصر و مُعرّفی الآثار الكاملة یا میراث فکری سید جمال الدین افغانی، از فضل الرحمن فاضل. «مرکز تدوین»

۱. بازار عکاظ: دهخدا به نقل از منتهی الارب می نویسد: «عکاظ: بازاری بود در دشت، به موضع عکاظ، میان نخله و طائف. این بازار از هلال ذی القعدة بر پا می شد و مدت بیست روز و یا یک ماه ادامه می یافت و قبایل عرب در آنجا گرد می آمدند و محاجه می کردند و شعر می خواندند و خرید و فروش می کردند» مرکز تدوین.

روزی داعیان مسلمانی تشکیل شد.^۱

استراتژی جهادی ما:

چند عنصر باید جزء استراتژی جهادی و جزء رسالت اسلامی ما بوده باشد؛ از جمله نباید فراموش کرد که احیای فرهنگ اسلامی در میان کشورهای مسلمان عموماً و در میان کشورهای تازه به استقلال رسیده خصوصاً، رسالت هر مسلمان است.

کسانی که به این فکر نیستند، بیگانه از دولت اسلامی اند، برای خود فکر می‌کنند؛ نه برای اسلام؛ بنابراین، باید جزء استراتژی ما احیای فرهنگ اسلامی در این کشورها بوده باشد.

ما به حیث یک تنظیم، قبل از تشکیل دولت مکلفیم که از هر طریق ممکن در احیای فرهنگ اسلامی بکوشیم و کم از کم مردم را آگاهی دهیم.

زیرا این‌هایی که هنوز از ما می‌ترسند و این‌هایی که هنوز از اسلام آگاهی ندارند، هنوز نمی‌فهمند که اسلام و مسلمانی چیست؟ حتی سال‌ها برای‌شان گفته شده که شما در همان دوره گذشته خود در حالت فقر و بدبختی قرار داشتید و باز به همان دوره‌ها کشانیده می‌شوید؛ درحالی‌که دوره‌های تاریخ این جمهوریت‌ها دوره فقر و بدبختی هم نبود.

وظیفه ما به حیث یک مسلمان:

لذا ما به حیث مسلمان وظیفه داریم، احیای روابط فرهنگی را من حیث یک رسالت اسلامی خود در این کشورها آغاز کنیم. هرچه دیگران می‌گویند تا جایی که به ما در جمعیت اسلامی مربوط است، ما این کار را رسالت خود می‌دانیم و ما - إن شاء الله - مرکزی را به نام «مرکز احیای فرهنگی امام بخاری •» به ابتکار برادران دلسوز و مؤمن جمعیت و از میان کشورهای مختلف مسلمان و از میان سایر تنظیم‌ها، به کار شروع می‌کنیم و به هر قیمت کوشش می‌کنیم که در ابعاد مختلف فرهنگی در این کشورها کار صورت بگیرد.

ما تصمیم داریم و باید هر برادر مسلمان ما مصمم بوده باشد که برای

۱. تفصیل این داستان را می‌توانید در خاطرات امام حسن بنای شهید بخوانید. «مرکز تدوین»

احیای مجدد اسلام و برای تجلیل عظمت اسلام، نباید بیش از شصت میلیون مسلمان در زنجیر فرهنگ غربی‌ها واقع شود و یا در زنجیر اقتصادی دیگران بیفتد.

از همین حالا تلاش‌های فکری و فرهنگی در میان این‌ها صورت بگیرد. اگر ما نمی‌توانیم برای آنان کمک اقتصادی کنیم، کم از کم می‌توانیم که آیتی از قرآن کریم و یا یکی از احکام اسلامی را برای آنان تعلیم بدهیم.

دیشب من اخبار رادیوها را می‌شنیدم، می‌خواستم از رؤیت هلال ماه مبارک رمضان اطلاع حاصل کنم، تقدیری با رادیو تاجیکستان برخوردم که حرف‌های داشت راجع به کنفرانس فعلی اسلامی در تاشکند و مصاحبه‌ای داشت با توره جان زاده و از او راجع به کنفرانس پرسید، توره جان زاده^۱

۱. حاج اکبر تورجان‌زاده، روحانی شناخته‌شده، سیاستمدار باتجربه و دانشمند معروف تاجیکستان و منطقه که در ۱۶ فیبروری سال ۱۹۵۴ م، در خاندان روحانی در ناحیه شهر وحدت جمهوری تاجیکستان به دنیا آمده است. این روحانی شناخته‌شده سابق رئیس اداره قاضیات مسلمانان تاجیکستان و معاون سروزیر و عضو مجلس ملی مجلس عالی تاجیکستان بود. حاج اکبر تورجان زاده از سال ۱۹۸۸ رسماً وارد سیاست بزرگ گردیده، مسئولیت اداره قاضیات مسلمانان تاجیکستان رادر زمان شوروی به عهده می‌گیرد و تا سال ۱۹۹۳ در رأس این اداره مشهور تاجیکستان خدمت می‌کند. از همان زمان تا امروز چون قاضی داملا یاد می‌شود و هیچ کسی دیگری این عنوان را کسب نکرده است. دانشگاه اسلامی تاجیکستان به نام امام اعظم ابوحنیفه نعمان بن ثابت که در پهلوی بنای مسجد مرکزی پایتخت بانام حاج یعقوب بنیاد شده است، تاسیس آن از ثمره های کارهای اودردوران قاضی کلان بودن‌شان است. در تاجیکستان آغاز سفرهای گروهی زائران به عربستان سعودی به خاطر انجام فریضه حج و تاسیس مسجدهای جامع در شهر و ناحیه های جمهوری نیز از همان سالهای قاضی بودن وی به میراث مانده است. حاج اکبر تورجان زاده همزمان با قاضی بودنش از فوریه سال ۱۹۹۰ به عنوان نماینده مردمی در شورای عالی تاجیکستان و سپس عضو ریاست شورای عالی تاجیکستان انتخاب شده است. با شدت گرفتن جنگ شوروندی در تاجیکستان از آغاز سال ۱۹۹۳ مهاجر شد و طول هفت سال تا آغاز سال ۱۹۹۸ در کشورهای خارجی به خصوص ایران سکونت کرد. حاج اکبر تورجان زاده، در تهران مسئولیت نمایندگی اتحاد نیروهای اپوزیسیون تاجیکستان و همزمان معاون رئیس آن بود. این چنین در طول این همه سال‌ها رهبری هیئت مذاکره‌کننده انات را به عهده داشت. سال ۱۹۹۸ بعد از امضای سازشنامه صلح تاجیکستان، حاج اکبر توره‌جان‌زاده به وطن برگشت و همان سال معاون اول سروزیر تاجیکستان تعیین شد و تا سال ۲۰۰۵ به مدت ۷ سال در این سمت فعالیت کرد. وی از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۰ عضو مجلس ملی مجلس عالی جمهوری تاجیکستان بود و در این مدت پیوسته فکر و نظر هایش را در رابطه به موضوع های داغ روز توسط رسانه‌ها ابراز می‌داشت. زمانی که در سال ۲۰۰۹ در پارلمان کشور تاجیکستان، قانون جمهوری تاجیکستان "در باره آزادی وجدان و اتحادیه‌های دینی" مورد بحث و بررسی بود و چند بند این قانون آزادی‌های مذهبی را محدود

پس از اینکه بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ و الحمد لله ربّ العالمین می‌گوید و درود می‌فرستد، می‌گوید:

«ما خدا را شکرگزاریم که از میان یک هزار و یک‌صد نماینده در کشورهای اسلامی یک هزار و هفتاد نفر آن، جمع شدیم و تصمیم گرفتیم که بعد از این، در این مجمع از ما به نام قزاق و تاجیک نامبرده نشود؛ زیرا این نام‌گذاری‌های غیر اسلامی است. تنها یک نفر پیشنهاد کرد که این مرکز به نام مرکز مسلمانان ترکستان یاد شود؛ اما دیگران همه به یک‌صدا گفتند که ما ترک و تاجیک و قزاق را نمی‌شناسیم، ما همه مسلمانییم؛ لذا نام اسلامی «ماوراءالنهر» را دوباره احیا کردیم و مسلمانان بعد از این ما را به نام «ماوراءالنهر» بشناسند.»

راستی انسان چقدر خوش می‌شود که از یک سرزمینی که سال‌ها از اسلام دور بودند و از یک رادیوی کفری، چنین سخنانی را می‌شنود! توره جان زاده در مصاحبه‌اش گفت: «ما در این اجتماع خود گفتیم که یکی از اصول فراموش‌شده اسلام «بیعت» است، ما باید امام اسلامی داشته باشیم، ما فیصله کردیم که بعد از این باید با امام خود بیعت کنیم و ما امام اسلامی خود را در این کشورها باید مقرر کنیم.»

پس برادران چه تشویش دارند؟ ما با مردمی مجمع فرهنگی ساختیم که این چنین روحیه‌ای دارند و آنان امروز به این فکرند که مسلمانان باید امام

می‌کرد، وی یکی از منتقدان اساسی آن به شمار می‌رفت. حاج اکبر توره جان زاده بعد از انجام عضویت در مجلس ملی طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۵ همانا یکی از شخصیت‌های معروف و چهره در جامعه باقی ماند. سال ۲۰۱۰ کمیته دولتی امنیت ملی تاجیکستان با انتشار یک تهمت‌نامه‌ای که با نسخه‌های گوناگون به امضای رئیس شورای علمای مرکز اسلامی تاجیکستان سید مکرم عبدالقادرزاده در رسانه‌ها و توسط امامان مساجد انتشار شد، خواست او و برادرانش را از صحنه بیرون کند؛ اما مکر کمیته امنیت آشکار شد و این طرح موفق نشد. برعکس، قاضی داملا توره جان زاده به جامعه شهروندی نزدیک‌تر و در سال ۲۰۱۳ همراه دیگر نخبگان آگاه از احزاب مخالفین و جامعه مدنی همراه شد و در انتخابات ریاست جمهوری سهمش را گذاشت؛ با این همه حاج اکبر توره جان زاده خودش را نه مخالف، بلکه منقد برخی سیاست‌های حکومت کنونی تاجیکستان می‌داند. زبان‌های عربی، روسی و ازبکی را خوب می‌داند. متاهل است و دارای ۷ فرزند می‌باشد. نگاه: <http://payom.net/fa/>. ساعت: ۱۱:۰۴ صبح، ۲۴/۰۳/۲۰۲۰م. «مرکز تدوین»

داشته باشند و به امام بیعت نکنند.

پس کسانی که گفتند، مسئله تاجیک و فارسی و پشتو است، همه این حرف‌ها را کسانی می‌زنند که یا به اسلام علاقه ندارند، یا به امت اسلامی باور ندارند و یا این قدر کوردماغ و سیاه‌دل‌اند که اصلاً هیچ صفتی از صفات اسلامی و انسانی در میان‌شان نیست.

درحالی‌که آن‌ها به اسلام عشق می‌ورزند و می‌گفتند که گران‌مایه‌ترین هدیه برای ما کتابی است که دارای رسم‌الخط عربی و فارسی باشد و کم‌ازکم برای ما یک کمک اسلامی بکند.

به‌هر حال، ما به این عقیده‌ایم که باید در این جهت گام صادقانه برداریم؛ زیرا امنیت آینده افغانستان و دولت اسلامی آینده در افغانستان، ارتباط می‌گیرد به این کشورها. اگر -خدای ناخواسته- باز در اینجا فرهنگ غیراسلامی حاکم باشد، یا باز احزاب کمونیستی در اینجا حکومت را به دست گرفتند و باز فرهنگ روسی یا یک فرهنگ الحادی دیگری در اینجا حاکم شد و به خاطری که مرا تجزیه طلب نگویند و چنین و چنان نگویند، در برابر آن‌ها مسئولیت اسلامی خود را انجام ندادیم، باز در افغانستان نمی‌توانیم یک دولت نیرومند اسلامی را تشکیل دهیم.

از حرف تا عمل:

از عجایب اوضاع کنونی این است که درحالی‌که در غرب از دموکراسی حرف می‌زنند؛ اما ما می‌بینیم که با دموکراسی با چه شکلی برخورد ظالمانه صورت می‌گیرد؟!

حرف از صلح و نهضت جهانی می‌زنند؛ اما در فکر ساختن پکت‌های دروی نظامی‌اند و در محیط‌های خودمان هم درحالی‌که می‌گوییم اسلام مرزی ندارد، باز هم ما می‌بینیم که مرزبندی‌های بسیار منحنی‌زبانی و قومی را آن‌قدر دامن می‌زنیم که گویا هیچ موضوعی در این روزها نداریم، غیر از اینکه بگوییم: پشتو و فارسی، اوزبیک و فلان؛ درحالی‌که ما قضایا و مسایل زیادی در برابر خود داریم.

در اوضاع موجود، هر برادر دلسوز و مخلص ما باید این حقیقت را از

نظرش دور نداشته باشد که ما در افغانستان نمی‌توانیم یک حکومت قدرتمند و حکومت اسلامی نیرومندی بسازیم؛ مگر اینکه از چهار طرف مان مطمئن بوده باشیم که این‌ها کشورهای اسلامی‌اند و این‌ها با ما از لحاظ اسلام علاقه‌مندی دارند.

به لطف خداوند، پاکستان و ایران دو کشور اسلامی‌اند و کاری شود که آن کشورهای مسلمانی هم که آزاد شدند، آن‌ها هم حکومت‌های اسلامی تشکیل بدهند و فرهنگ اسلامی در آنجا حاکم شود.

البته این به وقت و زمان نیاز دارد که ما در این قسمت کار کنیم و خود مردم باید فعالیت بکنند؛ تا خداوند بخواهد که در این مناطق ریشه‌های اسلام و فرهنگ اسلامی عمیق شود و سرانجام مسلمانان در این مناطق قدرت را به دست بگیرند و این کار - إن شاء الله - در تاجیکستان خیلی مساعد است و اوضاع فکری تاجیکستان برای پیشرفت فرهنگ اسلامی مساعد و در ازبکستان هم به لطف خداوند خیلی اوضاع مساعد است؛ ولی در بعضی از کشورهای دیگر شاید اوضاع کم‌تر مساعد بوده باشد.

امیدواریم که با کمک کشورهای مسلمان که در پیشاپیش تمام کشورهای مسلمان قرار داشته باشیم و بدانیم که مسئولیت ملت مسلمان افغانستان نسبت به همه بسیار سنگین است؛ زیرا ما با آن کشورها هم‌مرزیم و به فرهنگ آن‌ها آشنایی داریم؛ لذا باید کوشش کنیم که به کمک ما و به همت خودشان دوباره فرهنگ اسلامی‌شان احیا شود و این یک امر کاملاً ضروری است.

مسئله تجزیه افغانستان:

مسئله تجزیه افغانستان که در این اواخر گاهی از طریق ملل متحد و گاهی از نماینده ملل متحد و گاهی توسط بعضی افراد و اشخاص دیگر بلند می‌شود، این حرف‌ها، حرف‌های بسیار ظالمانه و یک دسیسه بسیار خطرناک است.

من یقین دارم کشورهای همسایه ما این حقیقت را می‌دانند که هر نوع تجزیه در افغانستان منجر به تجزیه کشورهای مختلفی می‌شود؛ لذا هیچ کشوری از کشورهای همسایه ما در فکرشان نباید بگردد که - خدای

ناخواسته - در افغانستان مردم به بخش‌های مختلف تجزیه شوند و این حرف چه از طرف ملل متحد و چه از طرف هر فرد و اشخاصی که گفته می‌شود در برابرش باید جداً بایستیم و این آواز را یک آواز شیطانی بدانیم که شیاطین انسی می‌خواهند با پخش این تبلیغات، ملت ما را - که یکپارچه و متحد است - چند پارچه کنند.

بلی، اگر خدای ناخواسته در افغانستان جزئی‌ترین تجزیه‌ای به میان بیاید، افغانستانی دیگر وجود ندارد. نه در آنجا دیگر حکومت تاجیک بوده می‌تواند و نه حکومت پشتون؛ نه حکومت اوزبکی بوده می‌تواند؛ نه حکومت بلوچی؛ نه نورستانی؛ نه این قبیله و نه آن قبیله، یا ما کلاً افغانستان را یکپارچه و متحد می‌سازیم، یا خدای ناخواسته هیچ‌یک از ما هیچ هویتی نمی‌داشته باشیم.

خلاصه، هیچ‌یک از اقوام ما هویت خود را نمی‌تواند حفظ بکند تا ما در یک دولت واحد مستقل و مستحکم قرار نگیریم؛

لذا نباید در مغز هیچ انسان عاقلی این اندیشه برگردد که افغانستان را به نام اقوام، به نام قباایل و به نام دسته‌های مختلف نژادی تقسیم بکند و روی همین دلیل است که جمعیت اسلامی همیشه این شعار را دارد که تمام نژادهای افغانستان و تمام اقوام افغانستان باید در ساختن حکومت اسلامی و در وحدت ملت افغانستان سهم داشته باشند.

من شنیده بودم، بعضی افراد گاه‌گاهی این شعار را مورد انتقاد قرار می‌دادند و فکر می‌کردند که شاید این شعار کم‌تر بیانگر رسالت اهداف اسلامی است، در حالی که این یک واقعیت و یک حقیقت است که همه ملت‌های ما را نه مجموعه‌ای از این زبان‌ها جمع می‌کند، نه قومیت جمع می‌کند و نه حتی خاک جمع می‌کند؛ بلکه این دین است که جمع می‌کند.

بر اساس هدایات دین، همه ما باید متحد شویم و همه در ساختن یک افغانستان اسلامی باید سهم بگیریم تا بالاخره بتوانیم در آنجا دولت و حکومت اسلامی را تشکیل بدهیم.

لذا تبلیغات ناروا و گندیده از هر زبانی که صورت می‌گیرد، یک سلسله

خواست‌های ناپاکی است که دشمنان اسلام القا می‌کنند و می‌خواهند که مردم ما را در اوضاع موجود به مسایلی بکشانند که اهداف اساسی ما زیر پا شود و بالاخره اوضاعی به میان بیاید که به کشمکش‌های مختلف روبه‌رو شویم.

یکی از احزاب اسلامی روی یک کشمکش درگیر شود، گروه دیگر در کشمکش دیگری و در نتیجه، اوضاع برای کسانی مساعد شود که حکومت غیراسلامی می‌سازند و چه کسی می‌فهمد این حرف‌ها و این تلاش‌ها توسط دست‌هایی برنامه‌ریزی شده باشد که می‌خواهند گروه‌های اسلامی را به شکلی از اشکال مورد حمله قرار بدهند.

یک وقتی می‌بینیم و می‌شنویم، این گروه‌ها را به نام‌های مختلف می‌کوبیدند، به نام اخوانی،^۱ به نام مودودی، به نام وهابی، خلاصه، به هر نامی که خوش‌شان می‌آمد، می‌کوبیدند و حالا به نام لسان و زبان می‌کوبند. تعجب این است که حتی بعضی از افرادی که به ظاهر فکر می‌شود از عناصر دلسوز بوده باشند، آنان هم در این کاروان روان‌اند و خوش خدمتی‌های جاهلان‌های به دشمنان اسلام صورت می‌دهند.

به هر حال، تا جایی که به ما مربوط است، ما بر این حقیقت جداً تأکید می‌کنیم که نباید در اوضاع موجود به هیچ‌کس اجازه داد که باعث تفرقه و باعث کشمکش جدیدی در میان ملت مسلمان ما در افغانستان شود.

این مطلب را من در همه‌جا می‌گویم، در تهران در اجتماع برادران شیعه

۱. اخوانی کسی که منسوب به اخوان المسلمین باشد. این جریان، یک جنبش فراملی اسلام‌گراست که در بسیاری از کشورهای اسلامی بزرگ‌ترین جریان اپوزیسیون به‌شمار می‌رود و در کشورهای وقتیه هم که از طریق انتخابات قدرت را به دست گرفتند، کودتا علیه شان به راه انداخته شد و در کشورهایی هم یا اقتدار سیاسی به دست هواداران این جنبش است و یا هم هواداران آن سهم در قدرت‌اند. این جریان قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین گروه سیاسی اسلامی معاصر به‌شمار می‌رود که در مارچ ۱۹۲۸ م، در شهر «اسماعیلیه» توسط امام حسن البنا^۲ شهید بنا نهاد شد، مراحل دعوت در اخوان سه‌اند: ۱. تعریف؛ ۲. ساختن؛ ۳. اجراء کردن؛ اما ارکان بیعت اخوان ده‌است: فهم؛ اخلاص؛ عمل؛ جهاد؛ قربانی؛ ثبات؛ تجرد؛ برادری؛ اطاعت و اعتماد. و شعار اخوان این‌هاست: «الله» هدف ماست؛ رسول الله ﷺ رهبر ماست؛ قرآن قانون ماست؛ جهاد راه ماست؛ شهادت در راه الله ﷻ از بزرگ‌ترین آرزوهای ماست. برای معلومات بیشتر، نگاه شود: اخوان المسلمین هفتاد سال دعوت، تربیت و جهاد، از دکتر یوسف قرضاوی و اخوان المسلمین در کشتارگاه‌های ناصر، از استاد جابر. «مرکز تدوین»

که «مجمع شیعیان افغانستان» خوانده می‌شود، هم من این مطلب را صریح گفتم و به‌عین این تعبیر که ما ملت افغانستان به هیچ دست ناپاکی اجازه نمی‌دهیم که ما را به نام شیعه، به نام سنی، به نام فارسی‌زبان، پشتوزبان، به نام اوزبیک و ترکمن... تقسیم و تجزیه کند.

بلی، ما در آنجا اعلان کردیم که این تجمّع برادران ما باید اجازه ندهند که ملت ما تحت نام‌های مذهبی جدا شوند؛ بلکه عامل وحدت ملت افغانستان باشد.

جمعیت اسلامی گام‌هایی را که در قسمت وحدت ملت افغانستان و انجام رسالت اسلامی مان، برداشته و برمی‌دارد، کاملاً صادقانه و مخلصانه بوده و است.

به‌هر حال، عناصری که موضوع دیگری ندارند و شاید هم سرگرمی جهادی ندارند، خلاصه کار دیگری نیست که در ارتباط مردم‌شان انجام بدهند، شاید به گفتن این حرف‌ها اقدام کنند!

ما امیدواریم که آنان کمی متوجه شوند که این کارهای‌شان و این فریادها و همه‌همه‌های‌شان جز اینکه به دشمنان اسلام نفع رسانند، به مسلمانان هیچ نفعی نمی‌رساند.

زمزمه دیگر:

برادران عزیز!

فعلاً که ما در افغانستان؛ در سرزمین مان، دولت نداریم و ما نیاز داریم که سر از نو افغانستان را از صفر بسازیم؛ حکومتی بسازیم؛ جامعه واحد و مستقل خود را بسازیم؛ اساسات و بنیادهای قدرتمندی را برای یک دولت اسلامی بسازیم، این‌ها همه نیاز به وحدت و یکپارچگی و صدق و اخلاص دارد.

پس باید برادران صادقانه در این جهت گام بردارند و من تعجب می‌کنم که برادران ما حتی گام‌هایی را که خودشان برمی‌داشتند و حرکت‌های جهادی و حرکت‌هایی را که به خاطر سرکوبی رژیم هم صورت می‌گیرد را هم بخشی از حرکت تجزیه‌طلبی افغانستان می‌خوانند!

این دیگر بسیار زیاد شرم‌آور است که به جای اینکه خودمان ابتکار جهاد را به دست بگیریم؛ اما عده‌ای آمدند و حرکت بعضی از برادران را که در شمال افغانستان به فکر پاک‌سازی کامل رژیم مزدورند و عده‌ای را که دیروز بازی خورده بودند و در پهلوی دشمن بودند و حالا بعد از اینکه به طرف مجاهدین می‌خواهند بیایند و به مجاهدین بپیوندند و از گذشته خویش اظهار ندامت می‌کنند را در جهت سرکوبی حکومت مزدور تشویق می‌کنند، یک حرکت تجزیه‌طلبی می‌خوانند و گویا جمعیت اسلامی افغانستان می‌خواهد، شمال افغانستان را از جنوب افغانستان جدا کند؛ در حالی که همه می‌دانند که این یک حرف بسیار غلط و نارواست.

برادران ما مدعی‌اند که در شمال همه مربوط جمعیت نیست؛ بلکه ما هم وجود داریم، حالا که چنین است فعلاً بحث «شورای جهادی» مطرح است که در آنجا ساخته شود و از تمام تنظیم‌های جهادی که در صحنه هستند، خواسته شده، بیایند و به صورت دسته‌جمعی در یک شورای جهادی واحد به خاطر تصفیه این رژیم دست به کار شویم و از این اوضاع استفاده اعظمی به عمل بیاید. پس یک گام جهادی و یک برنامه جهادی را مورد سوال قرار دادن، من فکر می‌کنم که تهمت هرزه و بیهوده‌ای بیش نیست.

به هر حال، ما که با مسایل بسیار زیادی روبه‌رویم، بر ما مسلمانان است و مخصوصاً برادران مجاهد ما که در اوضاع موجود باید مسئولانه حرف بزنند و باید دلسوزانه فکر بکنند و دلسوزانه عمل بکنند و قضایا را عمیقاً بررسی بکنند و بعد از آن حرف خود را بگویند و بعد از آن موضع خود را اعلان بکنند.

احیای فرهنگ اسلامی:

به هر حال، یک بار دیگر بر این مسئله تأکید می‌کنیم که احیای فرهنگ اسلامی در آسیای میانه یک رسالت اسلامی بوده و یک عمل تجزیه‌طلبی نیست و دوباره سروسامان دادن جهاد بر حق مان در داخل کشور، یک وظیفه مقدّس جهادی است و یک عمل در جهت تجزیه افغانستان نیست.

کسانی که از جهاد دورند، نباید این حرکت جهادی را یک عمل

غیرجهدی بخوانند. آنانی که چنان می‌گویند، کسانی‌اند که راجع به مسایل دنیای اسلام مسئولانه فکر نمی‌کنند. گام‌هایی که بر اساس رسالت اسلامی برداشته می‌شود، مورد سوال نباید قرار دهند.

به‌هر حال، کسانی که دور از درک و فهم اسلامی، حرف‌هایی را می‌زنند، باید مسئولیت‌شان را خودشان متحمل شوند.

باز تأکید می‌کنم: تا جایی که به جمعیت مربوط است، ما خواهان وحدت و یکپارچگی همه کشورهای مسلمانیم. ما در اجتماعی که در تهران داشتیم، گفتیم: یک مجمع فرهنگی ساخته شود، زبان‌های مردم به رسم الخط عربی و رسم الخط‌های خودشان تغییر یابد.

البته کسی که در آن طرف ما بود، تاجیکستان بود؛ چون رسم الخط آن‌ها در اصل عربی و فارسی بود؛ لذا ما از آنان جز این تقاضا، تقاضای دیگری کرده نمی‌توانستیم که در جهت احیای فرهنگ‌تان، شما رسم الخط عربی و فارسی خود را دوباره عوض رسم الخط روسی احیا کنید و نباید دوباره به رسم الخط روسی و لاتینی برگردند.

به‌هر حال، در آنجا یک قدم بسیار باارزشی برداشته شده و ما به این عقیده‌ایم که در این جهت قدم‌های عمده دیگری هم برداشته شود؛ برای مثال: تمام جمهوریت‌ها را در یک کانون فرهنگی بسیار عظیمی متحد بسازیم و این‌ها را جمع کنیم.

البته این مسئولیت فرد فرد ماست و مسئولیت همه کشورهای اسلامی است، خصوصاً جنبش‌ها و تنظیم‌های اسلامی نباید این را فراموش کند.

وضع کنونی سیاسی:

راجع به وضع کنونی سیاسی، صحبت مختصری دیگری داریم. دیشب هم شنیدیم که بعضی از برادران در ارتباط به مسئله «حل قضیه افغانستان» صحبت‌ها و دید و وادیدهایی داشتند.

خوب، هر برادر اجتهادهایی دارد و تا جایی که به ما در جمعیت مربوط است، موضع ما در ارتباط به حل قضیه افغانستان و در ارتباط به پلان‌های

ملل متحد از این قرار است که ما خود حل عاجل کشور خود را می‌دانیم، ما می‌خواهیم که هر چه زودتر اوضاع نابسامان در داخل کشور به پایان برسد و ما بتوانیم به حیث یک نیروی بالفعل در داخل کشور حضور داشته باشیم و مهاجرین ما به خانه‌هایشان برگردند؛ زیرا یقیناً حبّ کشور و سرزمین اسلامی مان به‌عنوان یک حنین فکری و طبیعی در فطرت هر انسانی وجود دارد.

ما در سیرت می‌خوانیم که وقتی یکی از شعرا، شعری در ارتباط مگّه خواند، اشک پیامبر ﷺ جاری می‌شد و حتی گفتند که بگذار کمی دل‌ها آرام بگیرد.^۱

یعنی با این سخنان شعرگونه‌ای که در ارتباط به مگّه می‌خوانی، دل کسانی که از مکه هجرت کرده‌اند، ناآرام می‌شود و یقیناً برادران مهاجر ما احساس درد و رنج و ناآرامی می‌کنند.

باید هر چه زودتر بکوشیم اوضاعی مساعد شود که به افغانستان برگردیم و دوران آوارگی، دوران اختناق و دوران بیچارگی ما در کشورهای خارجی به پایان برسد؛ اما با وجودی آن‌هم، این مطلب را متذکر شویم که ما باید بپرسیم که مهاجرین ما به چه شکلی به وطن بروند؟ آیا درست است که ما به شکلی برویم که ندانیم سرنوشت کشور ما چه می‌شود و از این حل‌های سیاسی چه برمی‌آید و یا چه نوع حکومتی در افغانستان تشکیل می‌شود؟

موضع ما در برابر طرح ملل متحد:

وقتی که نماینده ملل متحد دو بار همراه من دید، من برایش گفتم: ما از تلاش ملل متحد در جهت حل قضیه افغانستان حمایت می‌کنیم؛ اما باید ملل متحد یا هر جهت دیگری که در این قسمت کار می‌کنند، یک حلی را مطرح بسازند که حل پیچیده نبوده باشد و یک حل کاملاً جامع و شامل بوده باشد و حل در نیمه راه نماند؛ زیرا برنامه‌های زیادی قبلاً مطرح شده بود؛ اما در نیمه راه گذشته شد، حال نباید حرف ملل متحد ما را و قضیه ما را در نیمه راه بماند.

۱. متن سخن رسول گرامی و مبارک این است: «دع القلوب تقرقراها» أخرجه، «المطر والرعد والبرق» از ابن أبي الدنيا، شماره حدیث «۷۹». «مرکز تدوین»

به همین شکل نباید راه حل یک راه حل پیچیده‌ای بوده باشد که اصلاً از آن چیزی نفهمیم؛ لذا هر قدر از من تقاضا کردند که لیست بدهم، من گفتم: لیست داده نمی‌توانم؛ به علت اینکه من نمی‌دانم روی چه معیاری لیست‌ها جمع می‌شود و روی چه معیاری انتخاب می‌شود و ما که لیست دادیم، به این معنی است که گویا ما وصایت و وکالت ملل متحد را قبول کردیم و بعد حق اعتراض در برابر نتیجه آن را نداریم.

به هر حال، تا مکانیزم این کار برای ما روشن نباشد و تا نتایجش را خوب نفهمیم، ما در تاریکی گام بر نمی‌داریم. از برادران دیگر هم این را خواستیم و همراه برخی آنان صحبت داشتم، گفتم که کارها هماهنگ بوده باشد. تصمیم دارم با برادران دیگر هم ببینیم؛

زیرا نظر ما در جمعیت این است که حتی در ملل متحد هم اگر گامی برداشته می‌شود، به جایی که چند دستگی باشد و هر کس لیست جداگانه بدهد، باید ما به صورت متحد یک برنامه را به ملل متحد تقدیم بکنیم؛ زیرا هر حلی ارزش ندارد، حلی ارزش دارد که هم امنیت به میان بیاورد و هم جلو جنگ را در افغانستان بگیرد تا مردم مطمئانه به میهن برگردند.

خوب، در صورتی که امنی به میان نیاید، یقیناً که مشکل افغانستان حل نمی‌شود؛ لذا ما از همه مؤسسات بین‌المللی می‌خواهیم که باید به این خوش نشوند که یک تعداد لیستی از بعضی افراد و بعضی گروه‌ها جمع کرده‌اند و یا در جست‌وجوی لیست‌های دیگر باشند؛ بلکه به جای این همه باید خوب فکر کنند که پلان و برنامه‌شان مشکل ما را به صورت درست آن حل می‌کند و یا نه؟

خلاصه، باید به صورت اساسی در مورد حل قضیه اقدام شود. پیشنهاد من این است که قبل از اینکه دسته‌بندی‌ها و مشکلات دیگر ایجاد شود، ما باید در ارتباط به حل قضیه افغانستان اجلاس مقدماتی‌ای را در یکی از کشورهای اسلامی با اشتراک تنظیم‌های جهادی و چند کشور اسلامی‌ای مثل پاکستان، ایران و عربستان سعودی که با ما در ارتباط‌اند از طرف مجاهدین و از طریق کشورهای با ارتباط مجاهدین دست‌اندرکارند، مطرح شود

و بعداً با حمایت ملل متحد و حمایت کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی این حل در داخل افغانستان پیاده شود.

من فکر می‌کنم که یکی از این کشورهای اسلامی باید ابتکار عمل را به دست بگیرد و مجموع کشورهای اسلامی دست‌اندرکار شوند.

البته آغای «سیوان» تلاش‌های زیادی کرده و فعالیت‌های زیادی می‌کند تا در مورد افغانستان راه‌حلی پیدا کند و ما از تلاش ملل متحد حمایت می‌کنیم؛ نه از حلی که مطرح کرده است.

در میان تلاش ملل متحد و پیدا کردن راه‌حل و میان فرمولی که ملل متحد مطرح کرده، ما راجع به حل‌های دیگری می‌اندیشیم تا تعداد اکثریتی از برادران روی آن جمع شوند و بالاخره به‌عنوان یک حل اکثریتی باشد که بتواند در داخل افغانستان امنیت را تأمین بکند، یک حکومت مستقر بسازد و به رژیم موجوده خاتمه بدهد و همچنان بتواند اوضاع را برای برگشت مهاجرین و برای بازسازی افغانستان آماده بسازد.

ما این کار را در آینده انجام خواهیم داد؛ لذا در ارتباط حل قضیه افغانستان به‌صورت خلاصه می‌گوییم که تلاش ملل متحد کار خوبی است که ادامه پیدا کند؛ اما فرمول ملل متحد فعلاً از نظر ما پیچیده است، مشکل را حل نمی‌کند، باید فرمول‌های دیگری مطرح شود و روی آن صحبت صورت بگیرد.

ما به این عقیده‌ایم که باید نشستی در میان کشورهای اسلامی پاکستان، ایران و سعودی به میان بیاید و مجاهدین باهم بنشینند، حل پیشنهادی ملل متحد هم جزء مسایلی باشد که مطرح شود و پیشنهادهای دیگری هم باشد که در این اجتماع مطرح شود و دیده شود که هر یکی عملی‌تر بود، به‌عنوان یک راه‌حل عملی، ما عملاً در این قسمت اقدام بکنیم.

خوب، اگر این کارها صورت نمی‌گیرد، در ارتباط به جمعیت نظر ما این است که باز هم تلاش‌های آخری خود را انجام می‌دهیم تا همه جمع شوند، اگر همه جمع نشدند، باز وضعیتی فرا خواهد رسید که جمعیت ناگزیر برای اینکه یک حکومت مستقر و مطمئن در افغانستان به میان بیاید، در قسمت

یک بخش اکثریتی از مجاهدین تصمیم خود را خواهد گرفت که می‌گیرد.
 البته این آخرین علاج ما به اصطلاح داغ کردن است؛ یعنی اگر در دیگر
 چیزها عاجز شدیم، باز این را انتخاب خواهیم کرد.

ما و مسلمانان جهان:

برادران عزیز!

البته ما در ارتباط قضایای خود صحبت کردیم؛ اما فراموش نکنیم که در
 دنیای اسلام قضایای بسیار دردناک و مصیبت‌های مختلف دیگری هم وجود
 دارد. در حالی که ما راجع به قضایای خود فکر می‌کنیم، باید به قضایای امت
 اسلامی هم اشاره کنیم. ما می‌بینیم که برادران ما در کشمیر به خاطر برگشت
 به هویت اسلامی خود قیام کردند و یقیناً در برابر فشارهای ظالمانه هندوستان
 قرار دارند، ماوشما همیشه از این قیام حمایت کرده و حمایت می‌کنیم و ما
 یقین داریم که ملت کشمیر سرانجام استقلال خود را گرفته‌است.

تقاضای من امروز از ملل متحد به‌عنوان یکی از کانون‌های حل قضیه
 افغانستان این است که در ارتباط با کشمیر هم فیصله‌های خود را فراموش
 نکند؛

همچنان ما مردم مظلوم «برما» را فراموش نمی‌کنیم که مسلمانان برما
 توسط حکومت عسکری و سوسیالیستی آن مورد ضربات سنگین قرار دارند.
 ما از آنانی که خود را مدافع حقوق انسان و مدافع ارزش‌های آزادی و اعتقادی
 می‌خوانند و خصوصاً از کشورهای اسلامی می‌خواهیم که تنها یگانه کشور
 حامی‌شان بنگلهدیش نبوده باشد، باید سایر کشورهای اسلامی هم، آواز
 خود را بلند کنند.

«اراکان» وقتی یک دولت اسلامی مستقلی بود، بودایی‌ها به‌زور آن را
 جزء کشور خود ساختند، اراکان یک کشوری است که تا حدود ۱۶ میلیون
 مسلمان در آنجا بود و باش داشتند و مدت‌هاست که آنان سرکوب می‌شوند و
 نابود می‌شوند.

نباید دنیا در برابر این حادثه دردانگیز خاموش باشد و ما آرزو مندیم که
 دنیا از ظلم و استبداد کمونیستان و بوداییان و دیکتاتوران بودایی در «برما»

علیه مسلمانان خاموش نباشند.

به همین شکل، نباید کشورهایی که به آزادی و به دموکراسی عقیده دارند و یا شعار آن را می‌دهند، اجازه بدهند که ملت محروم الجزایر در محرومیت باقی بماند و باید کشورهای بازار مشترک اروپا و کشورهای دیگری تا زمانی کمک‌های خود را به فعلاً تقدیم شده، فرق است.

در ارتباط به ملت فلسطین هم باید بگویم که یقیناً ما معتقدیم که ملت فلسطین حق دارد که کشور از دست‌رفته خود را دوباره بگیرد و سرنوشت خودش را تعیین بکند و حل‌هایی که اصلاً باعث آزادی فلسطین نمی‌شود، موردپسند و حمایت مسلمانان نیست.

ما از ملت فلسطین، از جنبش آزادی‌بخش حماس و از عموم ملت فلسطین قاطعانه حمایت می‌کنیم. ما امیدواریم که روزی فرابرسد که ملت فلسطین دولت مستقل خود را تشکیل بدهد.

به همه حال؛ صحبت خود را بیشتر از این طولانی نمی‌سازم؛ زیرا برادران شاید اکثراً روزه‌دار هم بوده باشند و یک‌بار دیگر از همه برادران عزیز خود، از تنظیم‌های جهادی، از مجاهدین، از علمای محترم، از همه این‌ها می‌خواهم که در اوضاع کنونی اجازه ندهند، آوازه‌های بی‌معنی، حرکت‌های بی‌محتوی و تخریب‌کاری‌های بیهوده علیه جهاد و علیه نهضت‌های جهادی به میان بیاید.

تا جایی که به جمعیت اسلامی ارتباط دارد، ما به شهادت یا به گواهی هیچ گواهی نیاز نداریم که بگویند که جمعیت اسلامی یگانه و اولین تنظیمی است که در برابر حرکت تجزیه‌طلبی قاطعانه ایستاده و هرکس را که در جهت تجزیه‌طلبی گامی برداشت، از آغاز در جهت سرکوبی او قیام کرده و مانع حرکت‌های تجزیه‌طلبی در بخش‌های عمده افغانستان شده است.

آری، تنها طرفی که مانع تجزیه‌کلی و ضامن وحدت ملت افغانستان بوده، جمعیت اسلامی است. این حرف‌های هرزه‌ای که بعضی‌ها در این مورد می‌گویند، ارزش شنیدن را ندارد. هرگاه از هر زبانی که شنیده می‌شود، او را توصیه کنند و اگر عناصر فسادپیشه می‌خواهد این کار را دامن بزنند، باید

برایش اجازه داده نشود؛ زیرا این خوش خدمتی به دشمنان اسلام است و از آن جز دشمنان اسلام کس دیگری بهره نمی‌گیرد.

به‌هر حال؛ ما یقین داریم که عناصر صادق و مخلص این حرکت‌ها را تقبیح می‌کنند و در اوضاع کنونی به وحدت سرتاسری نیاز داریم. بازهم تا جایی که به جمعیت مربوط است، ما گام‌هایی را در این جهت برداشتیم و بازهم ادامه می‌دهیم.

امیدواریم که به لطف خداوند هر چه زودتر مجاهدین از این بن‌بست کنونی فارغ شوند و در افغانستان یک حکومت اسلامی به میان بیاید. [در این وقت، ورقه‌ای به استاد شهید داده می‌شود، هنگامی که استاد شهید رحمة الله علیه ورقه را مطالعه کرده می‌گوید]:

«کسی خبری را نوشته که بی‌بی‌سی اعلان کرده است که «استاد ربانی طرح ملل متحد را قبول کرده است»

من فکر می‌کنم که این خبر را شاید او درست نشنیده باشد، چرا چیزی که همین امشب شنیدیم، این بود که تعدادی از برادران را به حیث مؤید طرح ملل معرفی کردند و تعدادی را غیر مؤید.

به‌هر حال؛ اگر بی‌بی‌سی اشتباه کرده باشد و دقیق نشده باشد که ما در میان تلاش ملل متحد و طرح ملل متحد فرق می‌گذاریم، این مربوط اوست؛ اما ما گفتیم که تلاش ملل متحد را حمایت می‌کنیم؛ اما نه طرح ملل متحد را.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ،... إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ،^۱ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

نمایه



آیات:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ ۱۶۱

﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۳

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ ۲۲۸

﴿إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾ ۳۵

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾

۲۲۵

﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ ۲۲۷

﴿قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ﴾ ۳۶

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ رُزِحَ عَنِ النَّارِ

وَأُدْخِلَ الْحِجَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ ۴۵

﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ ۱۹۵

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ

مَّن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ ۴۸

﴿وَلَكَبَلُوكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ

وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ ۴۷

﴿وَأَخْرَجُوا دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ ۱۵۱

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا اللَّهَ وَعَدُّوكُمْ﴾

۱۶۶

﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

يُنْفِقُونَ * وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ * وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ

عَفَا وَأَصْلَحَ﴾ ۱۵۵

﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * وَإِنْ

يُرِيدُوا أَنْ يَحْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنُصْرِهِ وَإِلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٩٣﴾
﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى
الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ ﴿١٢٥﴾
﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ ﴿١٥٧﴾
وَقُلْ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٥٥﴾
وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقُومَ عَلَى آلَا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى ﴿٢٢١﴾
﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ﴿١٦٦﴾
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ
لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿١٦٥﴾
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِّنْ عَمَلِ
الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ
وَالْبُغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ
مُتَّبِعُونَ ﴿٥٨﴾

احادیث:

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُ وَاللَّهَ لِي وَلَكُمْ، ۳۲، ۴۲، ۷۴، ۸۰، ۱۰۹، ۱۳۱،

۱۸۶، ۲۲۲، ۲۴۸

حالفنی الشباب وخالفنی الشیوخ ۳۷

عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ ۲۲۰

كُلُّ بَنِي آدَمَ خَطَاءٌ، وَخَيْرُ الْخَطَائِينَ التَّوَّابُونَ ۱۹۵

یا ابرهیم! انا بموتک لمحزونون وإن القلب یحزنُ وإن العین لتدمع ولا نقول إلا

ما قال الله: (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) ۴۸

يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ! عَلَيْكُمْ بِالصِّيَامِ ۳۷

اسما و اشخاص:

- ابراهیم ۱۹،۳۶،۴۸
ابوبکر صدیق ۱۶،۲۴،۲۵،۳۷
اربکان ۱۷۵
امیر دوست محمد خان ۲۰۹
بیرک کارمل ۲۰۱
برژنیف ۱۲۳
بنین سیوان ۲۱۰
پیرگیلانی ۷۳
ترابی ۱۷۵،۱۷۶
توره جان زاده ۲۳۴،۲۳۵
جنرال ضیاءالحق ۱۷۷
حسن البنای شهید ۲۳۱،۲۳۲
حسین احمد ۱۷۵
حقانی ۱۸۳
حکمتیار ۱۷۶،۱۲۶،۱۲۱،۱۲۰،۱۱۸،۱۰۴،۱۰۳،۱۰۲،۱۰۱،۷۲
خالقیار ۱۸۲
خلیلی ۷۲
خورشید احمد ۱۷۶
داود ۲۵،۱۶۸،۲۱۸
دکتور زارع ۴۶
دلجو ۱۱۸
ربیع بن عامر ۱۶،۱۸۰
سجادی ۴۶
سردار عبدالقیوم خان ۱۶۹
سیّد جمال‌الدین افغان ۲۳۱

- سید عبدالله نوری ۷۷
 سید منصور نادری ۹۱، ۹۲
 شعیب ۱۹، ۳۶
 شیخ عبدالله قطان ۲۰۷
 صبغت الله مجددی ۱۰۲، ۱۱۹، ۱۷۸
 عبدالرحیم غفورزی ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۵۰
 عبدالرشید دوستم ۷۲
 عبدالغفار خان ۹۳، ۹۵
 عبدالله نصیف ۲۰۶
 عبدالملک خان ۸۷
 عزیز مراد ۴۶
 علی جریشه ۲۰۶
 فرعون ۳۶
 قیوم اوف ۲۱۶
 کارل مارکس ۳۸
 محمد اسماعیل خان ۱۱۳، ۱۱۷
 محمد قطب ۲۰۷
 محمد نبی محمدی ۷۳
 محمد نبی ۱۷۸
 مسعود ۲۳، ۲۰۳
 مسیر الله دانشیار ۴۶
 ملک فهد ۱۷۷
 مودودی ۲۳۹
 مورو ۱۵۰
 مولوی حقانی ۸۹
 مولوی صاحب خالص ۷۲، ۱۷۶
 مولوی صاحب موسی ۸۸
 نجیب ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۹۱، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴

۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۳۰

هاشمی ۴۶

وقاد ۲۱۳

یعقوب خان ۲۰۹

یلتسین ۱۹۳

یوسف قرضاوی ۲۳۹

اماکن:

اتریش ۱۷۷

آذربایجان ۱۶، ۱۹۸

اراکان ۲۴۶

ارزگان ۳۰

اروپای غربی ۵۹

ازبکستان ۵۹، ۱۴۸، ۱۶۰، ۱۷۲، ۱۹۸، ۲۲۹، ۲۳۷

استرالیا ۵۹

اسلام‌آباد ۹۷، ۱۰۴، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۴۲، ۱۷۵، ۱۷۷

آسیای جنوب شرقی ۵۹

آسیای میانه ۵۹، ۶۴، ۱۴۸، ۲۲۹، ۲۴۱

افریقا ۲۴، ۱۵۷

افغانستان ۸، ۱۱، ۲۳، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۳۹، ۴۲، ۴۶، ۴۹، ۵۰، ۵

۱، ۵۲، ۵۳، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۴

، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۳، ۸۴، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱

۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۷،

۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴

۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۹،

۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲

۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲

۲۳، ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲

، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸

امریکای شمالی ۵۹

امریکای وسطی ۵۹

- بازار مشترک ۲۳۰،۲۴۷
 بالاحصار ۱۰۴،۱۰۵،۱۲۸
 بامیان ۴۵،۴۶
 بدخشان ۱۳،۲۱،۲۹
 برما ۶۰،۲۴۶
 بلخ ۱۷،۸۸
 بنگلہ دیش ۲۴۶
 بوسنیا ۱۵۰
 پاکستان ۳۱،۵۹،۶۰،۶۴،۷۳،۷۴،۱۲۰،۱۴۸،۱۵۰،۱۶۰،۱۶۳،۱۷۲،۱۷۵،۱
 ۷۶،۱۸۳،۱۸۴،۱۸۵،۱۸۷،۱۹۸،۲۰۵،۲۰۸،۲۱۰،۲۲۹،۲۳۷،۲۴۴،۲۴۵
 پغمان ۱۲۱
 پکتیا ۳۰
 پکتیکا ۳۰،۱۲۱
 پنجشیر ۸۵،۸۷،۸۸،۸۹،۹۰
 تاجیکستان ۵۹،۷۵،۷۷،۷۸،۷۹،۸۰،۸۱،۸۳،۸۴،۱۴۸،۱۴۹،۱۷۲،۱۹۸،۱
 ۹۹،۲۲۹،۲۳۱،۲۳۴،۲۳۵،۲۳۷،۲۴۲
 تپہ مرنجان ۱۰۴
 ترکمنستان ۵۹،۱۴۸،۲۲۹
 ترکیہ ۱۷۵،۱۷۹،۲۳۰،۲۳۲
 تہران ۶۴،۱۷۷،۱۸۵،۲۳۰،۲۳۱،۲۳۴،۲۳۹،۲۴۲
 جاپان ۱۴۹،۲۰۷
 جاکارتا ۱۶۰
 الجزائر ۲۲۸،۲۴۶
 جلال آباد ۹۷،۱۰۷،۱۲۱
 چترال ۶۰
 چیچین ۱۹۸
 حبشہ ۲۴
 دیوار برلین ۱۳۶،۱۵۷

- روسیه ۱، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۴۹، ۱۲۳، ۱۲۲، ۵۹،
 ۷۹، ۱۸۱، ۱۹۳، ۲۰۵، ۲۱۵، ۲۲۷، ۲۲۹
- زابل ۳۰
- ژنیو ۱۷۷
- سالنگ ۱۰۴
- سرپل ۹۳، ۹۵
- سروبی ۱۲۱
- سنگاپور ۶۰
- سودان ۱۶۰، ۱۷۵، ۱۷۶
- شرق دور ۱۴۹
- شمال کابل ۸۷
- شیندند ۶۲، ۱۵۹
- عربستان سعودی ۲۴۴، ۲۳۴، ۱۸۴، ۱۷۷، ۱۴۸، ۱۲۰
- عُکاظ ۲۳۲
- غزنی ۱۰۷، ۱۲۱
- فدراتیف روسیه ۵۹، ۱۴۹
- فلسطین ۲۴۷، ۱۵۰، ۳۱
- قزاقستان ۲۲۹، ۱۷۲، ۵۹
- قندهار ۱۲۱، ۳۰
- کسری ۱۵، ۱۸۰
- کشمیر ۲۴۶، ۲۲۹، ۱۶۹، ۱۵۰، ۵۹
- کویته ۱۲۳
- لوگر ۱۲۱
- ماوراءالنهر ۲۳۵، ۵۹
- مَدَین ۳۶
- مسجد الأقصی ۳۲، ۳۱
- مسکو ۲۱۷، ۲۱۵، ۲۱۳، ۲۰۷، ۱۹۸، ۱۹۳، ۱۹۰، ۱۸۷، ۱۶۳
- مصر ۲۳۱، ۲۰۶، ۱۶۹، ۳۶
- مکه مکرمه ۱۲۱، ۱۱۸، ۱۰۸، ۱۰۴

مهمندره ۶۲
ننگرهار ۶۲
نیویورک ۱۷۸
هجرت کلی ۱۸۲
هرات ۶۲،۱۰۷،۱۱۱،۱۱۳،۱۱۴،۱۲۴،۱۵۹،۲۳۱
هرزگوین ۱۵۰
هلمند ۳۰،۱۲۱
هندوستان ۲۴۶
وردک ۱۲۱
ویانا ۶۱
یوگوسلاویا ۱۵۰

گروه‌ها، احزاب و قبایل:

- اتحاد شوروی ۱۷۵، ۱۶۹، ۱۵۶، ۱۲۸، ۱۲۳، ۱۲۲، ۵۹
- اخوان المسلمین ۲۳۹، ۲۳۱، ۱۶۹
- اردوی اسلامی ۱۴۲، ۱۴۰، ۱۲۸، ۱۰۵، ۲۹
- اردوی سرخ ۱۵۶
- آکادمی پولیس ۲۱۹
- امت اسلامی ۲۴۶، ۲۳۵، ۲۲۶، ۱۶۱، ۲۳
- انجمن جوانان افغانستان ۴۲، ۳۶
- انستیتیوت علوم صحت روانی ۶۳
- اوزبیک ۲۴۰، ۲۳۶، ۹۰
- اوس و خَزْرَج ۲۵
- بودایی ۲۴۶
- بی‌بی‌سی ۲۴۸
- پشتون ۲۳۸، ۹۰
- پولیس جنایی بین‌المللی ۶۱
- تاجیک ۲۳۸، ۲۳۵، ۹۰، ۸۳
- ترکمن ۲۴۰، ۹۰
- جامعه بشری ۱۳۷، ۵۹
- جبهه ملی نجات ۲۱۳
- جبهه نجات ملی ۵۱، ۵۰
- جمعیت اسلامی ۲۴۷، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۸، ۲۳۳، ۲۲۳، ۳۳
- جمهوری اسلامی ایران ۱۸۴، ۶۴
- جمهوریت‌های اسلامی ۱۸۲، ۱۷۲
- جنیش عدم انسلاک ۱۵۰، ۱۳۹
- جنیش ملی و اسلامی ۸۹، ۸۸، ۸۷

- جنبش‌های اسلامی ۱۶۷، ۱۶۹
- جوانان ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۱، ۱۰۱، ۱، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲
- ۱۴، ۱۲۲، ۱۹۳، ۲۳۱
- حربی پوهنتون ۲۱۹
- حربی شونخی ۲۱۹
- حرکت‌های اسلامی ۴۰
- حزب کمونیست ۲۰۱
- حزب وحدت ۴۶، ۸۷، ۹۰، ۹۱، ۹۲
- حزب وحدت اسلامی ۴۶، ۹۰
- حزب وطن ۱۹۱
- حکومت اسلامی ۵۰، ۱۷۰، ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲
- ۳۶، ۲۳۸، ۲۴۸
- حکومت انتقالی اسلامی ۲۰۳، ۲۰۶
- حکومت علمانی ۲۰۲
- حکومت‌های غیراسلامی ۱۶۸
- حقّاس ۲۴۷
- خاد ۱۷۱
- دستگاه‌های استخباراتی ۱۸۴
- دموکراسی ۱۲۳، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۴۶
- دنیای اسلام ۱۶۵، ۱۷۲، ۲۴۱، ۲۴۶
- دهقانان ۶۳، ۱۴۶
- دولت موقت اسلامی ۱۰۳
- رژیم کابل ۱۰۲، ۱۷۶، ۱۹۱، ۱۹۷، ۲۰۴
- روحانیون ۳۰، ۶۳
- روس‌ها ۳۰، ۸۹، ۱۲۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱
- ۸۷، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲
- ۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۹
- ژورنالیستان ۶۳
- سادات ۱۶۹، ۲۳۱

- سازمان بین‌المللی کار ۶۵
 سازمان خوارکه و زراعت جهانی ۶۵
 سازمان صحتی جهان ۶۵
 سازمان فرهنگی و ثقافتی ملل متحد ۶۵
 سازمان همکاری‌های اقتصادی ۱۳۹، ۱۶۰
 سرمایه‌داران ۱۴۴
 سکولاریزم ۲۳۰
 شورای اهل حل و عقد ۵۲، ۱۱۸، ۱۵۳
 شورای بزرگ اسلامی ۱۰۷، ۱۱۸
 شورای عالی دولت اسلامی ۷۲
 شورای قیادی ۱۱۸
 شورای قیادی ۱۵۷، ۲۱۳
 شورای کبیر اسلامی ۱۰۶
 شورای نمایندگان ۱۰۶
 شیعه ۹۱
 صهیونیزم ۱۷۲
 طالبان ۲۹، ۳۰، ۳۹، ۵۲، ۷۲
 عرب ۱۸، ۱۹۳، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۳۲
 فرقه اسماعیلی ۹۱
 قریش ۳۷
 قزاق ۲۳۵
 قشون سرخ ۲۳، ۲۴، ۴۷، ۵۲، ۷۰، ۱۳۷
 کشورهای اسلامی ۲۳۹
 کشورهای غربی ۱۲۳، ۱۴۹
 کشورهای منطقه ۶۰، ۶۴، ۱۴۸
 کمونیزم ۴۱، ۷۰، ۱۱۵، ۱۳۷، ۱۵۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۱، ۱۹۳، ۱۹
 ۴، ۱۹۹، ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۰
 کمیسیون عالی دولتی مبارزه علیه مواد مخدر ۶۰، ۶۵
 کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی ۱۰۶، ۱۲۴، ۲۰۶، ۲۱۸، ۲۴۴

مفاهیم و اصطلاحات:

آب‌های گرم ۲۳

اپوزیسیون ۲۳۹، ۲۳۴، ۱۲۸، ۱۱۷، ۸۳

آتش‌بس ۱۲۴، ۱۰۸

اجتماعات ۲۱۶، ۱۶۶، ۱۴۱، ۱۰۷

احتکار ۱۴۶، ۱۲۹، ۱۲۷، ۱۱۸، ۵۱

اختناق ۲۴۳، ۱۹۴، ۱۷۱

اخوّت ۱، ۱۶۲، ۱۵۱، ۱۴۸، ۱۴۲، ۱۳۷، ۱۰۷، ۱۰۰، ۹۰، ۷۸، ۷۴، ۷۳، ۲۷، ۲۶

۸۹

اخوّت اسلامی ۱۸۹، ۱۳۷، ۱۰۷، ۱۰۰

آزادی ۱، ۱۵۶، ۱۴۴، ۱۴۱، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۵، ۸۹، ۸۸، ۵۲، ۴۷، ۴۱، ۳۰، ۲۴، ۱۶

۲۴۷، ۲۴۶، ۲۳۴، ۲۳۱، ۵۷

آزادی بیان ۱۴۴، ۱۴۱

استبداد ۲۴۶، ۱۵۶، ۱۳۶، ۱۵

استحکام ۱۶۲، ۱۴۹، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۲۳، ۱۰۴، ۸۳، ۷۸، ۷۰، ۳۸، ۳۲

استراتژیک ۱۰۵، ۳۹

استعانت ۱۶۰، ۶۰

استقرار ۲۲۷، ۱۵۹، ۱۴۲، ۱۳۹، ۱۳۷، ۱۰۵، ۱۰۰، ۹۹، ۷۸

استقلال ۱۴، ۱۲۹، ۱۰۴، ۹۹، ۹۱، ۸۹، ۸۸، ۷۹، ۵۲، ۴۹، ۴۶، ۴۱، ۲۹، ۲۸، ۲۳

۲۴۶، ۲۳۳، ۲۳۱، ۱۶۲، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۲، ۰

استکبار ۱۵۶، ۱۳۵

آسیمه‌سری ۱۸۹

اشغال ۱۳۹، ۳۰

آشوب ۱۴۳

آشوبگری ۹۹، ۷۲

اضمحلال ۱۳۶، ۱۰۵

امّت ۲۴۶، ۲۳۵، ۲۲۶، ۲۱۴، ۱۶۱، ۱۱۵، ۲۳

امنیّت ۹۲، ۸۴، ۸۳، ۸۰، ۷۸، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۶۹، ۵۲، ۵۱، ۴۶، ۳۲، ۲۹، ۲۸، ۱۹

- ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶
 ۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۸۰، ۲۰۳، ۲۲۷، ۲۳۶، ۲۴۴، ۲۴۵
 امنيت داخلی ۱۴۰
 انتخابات ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۴۰، ۱۴۴، ۲۰۶، ۲۱۳، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۵، ۲۳۹
 انتقال قدرت ۷۲، ۱۰۸، ۱۱۸، ۲۱۱، ۲۱۳
 انقلاب ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۵، ۱۱۶، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۵۷،
 ۱۶۱، ۲۱۳، ۲۱۸، ۲۳۰
 اولوالعزم ۳۶
 اولويت ۱۴۰
 ايشار ۱۳۷
 ايدئولوژي ۱۳۶، ۱۹۴، ۲۲۸
 ايمان ۲۳، ۵۰، ۵۸، ۱۰۰، ۱۳۷، ۱۵۶، ۱۹۱، ۲۰۴
 بازسازی ۲۴، ۷۰، ۷۴، ۷۸، ۹۲، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۲۸، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۴۹،
 ۱۵۱، ۱۵۸، ۲۲۹، ۲۴۵
 بحران ۱۱، ۳۹، ۱۰۷، ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۴۱، ۱۵۰
 بغرنج ۱۹۲
 بنيادگرایی ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۳
 بهيميت ۲۲۵
 بی برنامهگی ۱۶۶
 بی دینی ۳۶، ۱۰۰
 بيعت ۲۳۵، ۲۳۹
 بين الأفغانی ۱۹۶، ۲۱۱
 پوليس ۳۶، ۶۱، ۱۲۲، ۱۴۲، ۱۴۳، ۲۱۹
 پوهنتون ۱۲۲، ۲۰۷، ۲۱۹
 تاجران ۲۰۵
 تادندان مسلح ۱۳۷
 تجاوز ۲۳، ۲۴، ۵۲، ۷۱، ۱۲۵، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۷۴، ۱۹۶، ۲۲۱
 تجزيه طلبی ۲۳۰، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۷

- تجلیل ۲۳۳، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۳، ۲۵
- تحت‌الحماية ۲۰۰
- تعصب ۱۵۱
- تعلیم ۲۳۴، ۲۱۹، ۱۸۲، ۱۴۴، ۱۲۲، ۶۳
- تعلیم و تربیه ۲۱۹، ۶۳
- تعمیم قانونیت ۱۵۷
- تقوی ۲۲۶، ۲۲۵، ۱۵۱، ۳۷، ۲۶، ۱۷
- تلفن ۱۴۷
- تلکس ۱۴۷
- تلگراف ۱۴۷
- تمامیت ارضی ۱۶۲، ۱۴۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۰۴، ۹۱، ۸۹، ۸۸، ۷۹، ۴۶، ۳۰
- التیام ۲۴
- جنگ داخلی ۱۱۵، ۳۹
- جنگ سرد ۴۱
- جنگ افروز ۱۰۲
- جنگ طلب ۲۱۲، ۱۰۵
- جنگ‌های تحمیلی ۲۴، ۶۱
- جهاد ۱۱۳، ۱۰۷، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۸۹، ۸۷، ۴۶، ۳۹، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۸
- ۱۵، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۳، ۱۴۱، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۳، ۱۲۸، ۱۵
- ۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۱، ۲۱۸، ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۱۴، ۲۱۰، ۲۱۰، ۱۹۱، ۱۸۰، ۱۶۲، ۱۶۱، ۸
- ۲۴۷، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۰
- جهان ۱۱۵، ۱۰۱، ۱۰۰، ۸۳، ۸۰، ۷۸، ۷۰، ۶۵، ۶۴، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۴۱، ۱۷، ۱۶
- ۱۶، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶
- ۲۴۶، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۲۹، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۰۹، ۲۰۶، ۱۹۴، ۱۷۱، ۱۶۹، ۷
- جهل ۱۷۱، ۱۷
- جوامع جنگ‌زده ۷۰
- جیوپولتیک ۶۵
- چاکر ۱۳۰

- الحاد ۱۰۰، ۱۱۵، ۱۳۶، ۱۹۱، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۲۶، ۲۲۷
 حاکمیت ملی ۴۹، ۵۲، ۷۹، ۱۴۰، ۱۴۸، ۱۶۱
 حجاب اسلامی ۱۴۴
 حرام ۲۶
 حریت ۱۵۶
 خودجوش ۱۱۴
 خون آشام ۳۸، ۷۰، ۱۹۹
 خون خوار ۱۰۱، ۱۹۹
 دارالافتاء ۲۳۱
 دارالانشاء ۱۶۵
 دَرَفَش اسلام ۱۳۵
 دعوت ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۳۷، ۴۵، ۷۲، ۸۴، ۱۱۳، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۹۳، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۱،
 ۲۱۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۹
 دعوتگر ۳۵، ۲۰۶
 دفاع ۲۳، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۶۱، ۷۱، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۱۲۸،
 ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۹، ۱۸۱، ۲۱۹
 دلسوز ۴۵، ۴۶، ۷۱، ۸۹، ۹۱، ۱۴۴، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۳۹
 دوران جاهلیت ۱۶، ۲۵
 دیالوگ ۱۹۱، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲
 دیکتاتوری ۳۸، ۱۲۲، ۱۳۰
 دین ۱۱، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۹، ۴۹، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۷۷، ۸۸، ۸۹،
 ۹۱، ۹۲، ۱۰۴، ۱۲۷، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۵۹، ۱۷۶، ۱۹۸، ۲۲۰، ۲۲۷، ۲۳۸
 دیندار ۱۱۳
 رسالت ۵۰، ۶۵، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۲، ۲۳۳، ۲۳۸،
 ۲۴۰، ۲۴۱
 رسم الخط عربی ۲۳۰، ۲۳۶، ۲۴۲
 روابط بین الدول ۱۵۶
 روزه ۲۶، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۲۶

روش‌نفر ۱۹۳

زعامت‌های وارداتی ۱۸۰

زندان ۱۴۳، ۱۶۹، ۱۷۵

سازندگی ۱۵۱

سانحه هوایی ۴۵

سایکوتراپیک ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۴

سرزمین ۲۴، ۳۱، ۳۶، ۵۹، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۵۰، ۱۵۱،

۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۷۷، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۱۵، ۲۲۹، ۲۴۳

سطح الأرضی ۱۴۶

سقوط ۵۸، ۱۰۲، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۸، ۱۹۱، ۲۱۰، ۲۱۸، ۲۲۶

سکاد ۱۸۰

سلحشور ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۳۵، ۱۴۹

شر و فساد ۷۱، ۹۹، ۱۰۵

شرارت‌پیشه ۹۹

شریعت ۳۱، ۷۲

شهادت ۱۶، ۱۷، ۳۱، ۳۵، ۳۸، ۴۳، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۱۱۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۲۲۱، ۲

۳۱، ۲۳۹، ۲۴۷

شهید ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۲۵، ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۲، ۵۷،

۸۷، ۹۹، ۱۰۱، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۷۰، ۲۰۷، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۴۸

صلح ۱۹، ۲۶، ۳۱، ۴۲، ۵۲، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱،

۸۳، ۸۴، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۱، ۱۵۹، ۱۶۲،

۱۹۲، ۱۹۴، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۲۶، ۲۳۴، ۲۳۶

صمیمیت ۱۵۱

طاعون ۶۵

طالب‌العلم ۲۱۴

ظلم ۱۶، ۳۶، ۱۹۹، ۲۴۶

عفو عمومی ۱۱۶، ۱۱۷

غرایز ۲۶، ۲۲۵

- غیبت ۲۷
 غیرشرعی ۳۰
 فاشیزم ۸۹
 فرهنگ ۱۷، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۸، ۴۷، ۴۹، ۶۳، ۱۲۹، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۵، ۲۳۰، ۲۳۱
 ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۱
 قیادت ۱۷۵
 قیام ۱۸، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۴۷، ۹۵، ۱۳۷، ۲۱۰، ۲۴۶، ۲۴۷
 کشتار ۳۱، ۵۱، ۱۰۸، ۱۲۹
 کنوانسیون ۶۰، ۶۱
 کوی و برزن ۱۳۵، ۱۵۶
 لویه جرگه ۵۲، ۱۰۶، ۱۱۸
 متجاوز ۱۰۰، ۱۳۵
 مثمر ۵۸، ۶۱، ۶۹
 مجامع بین‌المللی ۶۰
 مجاهد ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۸۷، ۸۸، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۲۸، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۵
 ۳، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۸۳، ۱۹۱، ۲۴۱
 محاکمه ۱۱۶، ۱۲۷، ۲۱۵، ۲۲۰
 محیرالعقول ۵۹
 مخاصمت ۷۹
 مدارس ۳۸، ۱۰۱، ۱۲۲
 مذاکره ۳۱، ۵۱، ۵۲، ۷۳، ۷۹، ۱۰۵، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱
 ۹۶، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶
 مرتد ۲۲۷
 مزدور ۲۷، ۳۰، ۹۵، ۱۳۰، ۱۷۶، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۴۱
 مسالمت‌آمیز ۷۱، ۱۴۱، ۱۵۹
 مستشار ۲۰۶
 مسلمان ۱۶، ۱۸، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۴۰، ۴۱، ۴۷، ۴۸، ۵۸، ۷۴، ۸۸، ۹
 ۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴

- ۱، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۸۵، ۱۹۳، ۱۹۸، ۱۹۹،
 ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۶
 مظلوم ۲۳، ۳۲، ۸۹، ۹۱، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۹، ۱۴۴، ۱۵۰، ۲۱۲، ۲۱۸،
 ۲۴۶
 معجزه ۱۱۵
 معجزه قرن ۴۱
 معصیت ۲۶
 معلول ۴۷، ۹۹، ۱۲۳، ۱۸۲، ۱۹۳
 معیوب ۹۹، ۱۰۱، ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۹۳
 مغرب‌زمین ۲۲۷، ۲۲۸
 مقاومت ۲۳، ۳۰، ۳۱، ۸۹، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۸
 ملت ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۳۲، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۶۶، ۷۰،
 ۷۴، ۷۹، ۸۳، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱
 ۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۵،
 ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۲
 ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۸، ۲
 ۱۹، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۶، ۲۴۷
 ملیت ۸۹
 منافق ۲۸، ۲۹
 مهاجر ۷۴، ۱۲۲، ۱۶۸، ۱۹۳، ۲۱۶، ۲۳۴، ۲۴۳
 مهبط ۲۱۵
 موافقت‌نامه ۱۴۲
 مؤمن ۱۹، ۲۹، ۳۱، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۵، ۹۹، ۱۳۵، ۱۳
 ۸، ۱۳۹، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۶، ۱۹۱، ۲۲۶، ۲۳۳
 میثاق‌های بین‌المللی ۵۸، ۵۹
 نظام اسلامی ۲۴، ۲۸، ۳۲، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۲۲، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۸
 نظام بانکی ۱۴۶
 نظام سیاسی ۵۲، ۱۰۳، ۱۳۹، ۱۴۴

نماز ۱۶، ۱۸، ۲۶، ۴۵، ۵۸، ۱۵۵، ۱۹۸

نیایش ۱۸، ۲۶

وحدت ۱، ۳۰، ۳۲، ۳۹، ۴۶، ۵۰، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۸۰، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۹، ۱۰۱

۰۱، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۶۱، ۱۶۲، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۳۴، ۲۳

۸، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۷، ۲۴۸

وحی ۲۱۵

ویتو ۱۱۸، ۱۲۲

رویکردها



** قرآن كريم؛

الف) منابع عربى:

- ١- ابن سعد، محمد (١٤١٤). الطبقات الكبرى، الطبعة الأولى، دارالفكر: بيروت - لبنان؛
- ٢- ابن ماجه، أبو عبدالله محمد بن يزيد القزويني (بى تا). سنن ابن ماجه، كتب حواشيه: محمود خليل، الناشر: مكتبة أبي المعاطي؛
- ٣- ابن هشام، عبدالملك (١٤١٠). السيرة النبوية، الناشر: دار الكتاب العربى، الطبعة الثالثة، بيروت - لبنان؛
- ٤- أبي الدنيا، أبو بكر عبدالله بن محمد بن عبيد بن سفيان بن قيس البغدادي الأموي القرشي (١٤١٨). المطر والرعد والبرق، تحقيق وتخرىج: طارق محمد سكلوع العمودي، الطبعة: الأولى، دار النشر: دار ابن الجوزي، الدمام - السعودية؛
- ٥- أبي شيبة، أبو بكر (١٤٠٩). المصنف، المحقق: كمال يوسف الحوت، الطبعة: الأولى، الناشر: مكتبة الرشد - الرياض؛
- ٦- الأصفهاني، أبي نعيم أحمد بن عبدالله (١٤١٦). حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، ج: ٧، للطباعة والنشر والتوزيع، دار الفكر بيروت - لبنان؛
- ٧- ألباني، محمد ناصر الدين (١٤١٥). السلسلة الأحاديث الصحيحة، ج: ٧، الناشر: مكتبة المعارف؛
- ٨- بخاري، محمد بن اسماعيل (١٤٠٧). صحيح البخاري، الطبعة الأولى، الناشر: دار الشعب، القاهرة؛
- ٩- البيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى (١٤٢٣). شعب الإيمان، ج: ١٠، الطبعة الأولى، الناشر: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع بالرياض بالتعاون مع الدار السلفية بيومباي بالهند؛
- ١٠- الترمذي، محمد بن عيسى (بى تا). الجامع الصحيح سنن الترمذى، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، الناشر: دار إحياء التراث العربى -

بيروت؛

- ١١- التميمي، أحمد بن علي بن المشى أبويعلى الموصلي (١٤٠٤). مسند أبي يعلى، ج ٥، الطبعة الأولى، الناشر: دار المأمون للتراث - دمشق؛
- ١٢- الحاكم، أبي عبدالله (١٤١١). المستدرک على الصحيحين، ج ٤، الطبعة الأولى، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت؛
- ١٣- خسروشاهي، سيدهادي (٢٠٠٢). مجموعة الآثار الكاملة، سيّد جمال الدين افغانى، تهيئه، تنظيم و تحقيق، نشر: دار الشروق الدولية، قاهره؛
- ١٤- الدارمي، عبدالله بن عبدالرحمن (١٤٣٤). المسند الجامع، ج: ٢، الطبعة الأولى، الناشر: شركة دار البشائر الإسلامية، للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان؛
- ١٥- السجستاني، أبوداود سليمان بن الأشعث (بى تا). سنن أبي داود، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت؛
- ١٦- الشيباني، أحمد بن حنبل أبو عبدالله (١٤١٤). مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ٣، دار إحياء التراث العربى، بى جا؛
- ١٧- عبد بن حميد (١٤٢٣). المنتخب من مسند عبد بن حميد، ج: ١، محقق: شلبايه، مصطفى بن عدوى، ناشر: بلسية للنشر والتوزيع، رياض - عربستان؛
- ١٨- العقاد، عباس محمود (١٩٩٨). عبقرية عمر، ادارة النشر، القاهرة، الناشر: دار النهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع؛
- ١٩- قمى، عباس (١٣٤٤). سفينة البحار، ج: ٢، ناشر: دار الأسوه، محل نشر: قم ايران؛
- ٢٠- النيسابوري، أبوالحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري (بى تا). صحيح مسلم، الناشر: دار الجيل بيروت + دار الأفاق الجديدة - بيروت.

ب) منابع فارسی:

- ۱- احمدیان، بهرام امیر (۱۳۷۳). «آسیای مرکزی و حدود آن»، فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، شماره ۵، بی‌جا؛
- ۲- احمدیان، حاج ملاعبدالله (۱۳۸۸). **سیمای صادق فاروق اعظم عمرین خطاب** - نوبت چاپ: دوم، ناشر: اداره دارالنشر افغانستان؛
- ۳- آریانفر، شمس‌الحق (۱۳۸۷). **شخصیت‌های کلان افغانستان**، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان؛
- ۴- آشوری، داریوش (۱۳۹۳). **دانشنامه سیاسی**، چاپ: بیست‌وسوم، ناشر: انتشارات مروارید، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۵- انصاری، سلطان‌محمد (۱۳۹۴). **جغرافیای عمومی ولایات افغانستان**، نوبت چاپ: اول، ناشر: انتشارات بین‌المللی سرور سعادت، محل چاپ: کابل، چهارراهی دهن باغ؛
- ۶- بنا، حسن (۱۳۸۸). **پیام بیداری**، مترجم: مصطفی اربابی، ناشر: نشر احسان، نوبت چاپ: اول، چاپ‌خانه مهارت؛
- ۷- الجندی، انور (۱۳۸۹). **امام شهید حسن البنا راه دعوت و نوگرایی**، مترجم: مصطفی اربابی ناشر: نشر احسان، نوبت چاپ: اول، ایران؛
- ۸- حاتمی، تورج (۱۳۸۲). **برخورد منافع روسیه و امریکا در آسیای مرکزی و قفقاز**، <http://payom.net/fa>، ساعت: ۱۱:۰۴ صبح، ۲۴ / ۰۳ / ۲۰۲۰م؛
- ۹- الخالدی، صلاح عبدالفتاح (۱۳۸۲). **خلفای راشدین از خلافت تا شهادت**، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، نوبت چاپ: دوم، چاپخانه: مهارت، ناشر: نشر احسان، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۱۰- خسروشاهی، سیدهادی (بی‌تا). **خاطرات مستند خسروشاهی درباره «دکتر حسن ترابی - رهبر فکری حرکت اسلامی سودان»**، ناشر: کلبه شروق؛

- ۱۱- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۲). لغت‌نامه، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۱۲- رزق، جابر (۱۳۸۰). اخوان المسلمین در کشتارگاه‌های ناصر، مترجم: مصطفی اربابی، ناشر: تایباد، ایران؛
- ۱۳- سباعی، مصطفی (۱۳۹۰). ستارگان هدایت، مترجم: امیر صادق تبریزی، نوبت چاپ: دوم، ناشر: انتشارات گُردستان؛
- ۱۴- شارقی، محمّدکاظم (۱۳۶۰). ارزش خون در کمونیزم و اسلام، (مقاله)، میثاق خون، ص: ۴۴، شماره سیزدهم، ناشر: انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی افغانستان؛
- ۱۵- علی بابایی، غلام‌رضا (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی آرش، چاپ سوم با اضافات، ناشر: انتشارات آشیان، محل چاپ: تهران، ایران؛
- ۱۶- فاضل، فضل‌الرحمن (۱۳۸۶). معرفی الآثار الکامله یا میراث فکری سیّد جمال‌الدین افغانی، نوبت چاپ: اول، ناشر: مرکز فرهنگی «د حق لاره» آلمان؛
- ۱۷- فاضل، فضل‌الرحمن (۲۰۰۷). سیّد جمال‌الدین الحسینی الأفغانی، بیدارگر عصر، چاپ اول، انتشارات آزادی؛
- ۱۸- فرید، مرتضی (۱۳۸۶). روایات من مدرسة أهل البيت، ج: ۱، چاپ: شانزدهم، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛
- ۱۹- قرضاوی، محمّد یوسف (۱۳۸۱). اخوان المسلمین هفتاد سال دعوت، تربیت و جهاد، مترجم: عبدالعزیز سلیمی، چاپ نخست، ناشر: نشر احسان، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۲۰- قطب، سیّد (۱۳۸۷). نشانه‌های راه، ترجمه: محمود محمودی، نشر احسان، چاپ اول، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۲۱- مودودی، سیّد ابوالاعلی (۱۳۹۰). زندگی نامه پیامبر اسلام حضرت محمّد بن عبدالله ﷺ، مترجم: عبدالغنی سلیم قنبرزهی، ناشر: نشر احسان، چاپ: مهارت، نوبت چاپ: اول، محل نشر: تهران، ایران.